و نزدیک‌شهر تهران و همدان واصفهان وکرمان‌و یزد است.

از میوه‌های گرمسیری در ایران خرما وانبه و مانگوست بعمل میآید.

محل اصلی محصول خرمای ایران در جنوب‌غربی و جنوب (فارس و خوزستان وکرمان و سیستان) و تا حدود ۳۴ درجه عرض شمالی کشیده‌میشود.

درختان منفرد خرما در نقاط شمالی‌تر هم هست چنانکه در مازندران و گیلان و گرگان درختان آن رشد کامل دارند ولی میوه نمیدهند و علت آن نیز بارندگی زیاد است که در موقع گرده‌افشانی مانع باروری خرماست که باید در هوای‌خشک انجام گیرد. در خراسان اگر چه‌هم عرض مازندران است ولی سرمای‌زمستان مانع رشد خرما میباشد. در صحرای‌اترک و ترکمن که رطوبت کمتر و گرماو خشکی تابستانی بیشتر و متمایل به گرمسیری است بنظر میآید که اقلیم وشرایط‌آب‌ـ و هوا برای پرورش خرما مناسب باشد. خرما یکی از محصولات عمده غذائی نواحی جنوبی ایران وصادرات آن قابل ملاحظه است.

انبـــه که درخت آن به بلندی ۱۰ تا ۱۲متر و از تیره اناکاردیاســـه **Anacardiacées** است مخصوص نواحی بسیار گرمسیری جنوبی و میوه‌های آن گرد یا بیضی نامنظم با هسته درشت و برون بر آبدار و شیرین است.

مانگوست **Garcinia Mangostana** درختی اســـت پیوسته سبز از تیـره **Guttifera** بارتفاع ۶ متر که برگهای آن بزرگ وسخت و میوه‌های آن‌شبیه به پرتقال و میان‌بـر آن مطبوع و آبدار برنگ سفید یا صورتی و معطر است.

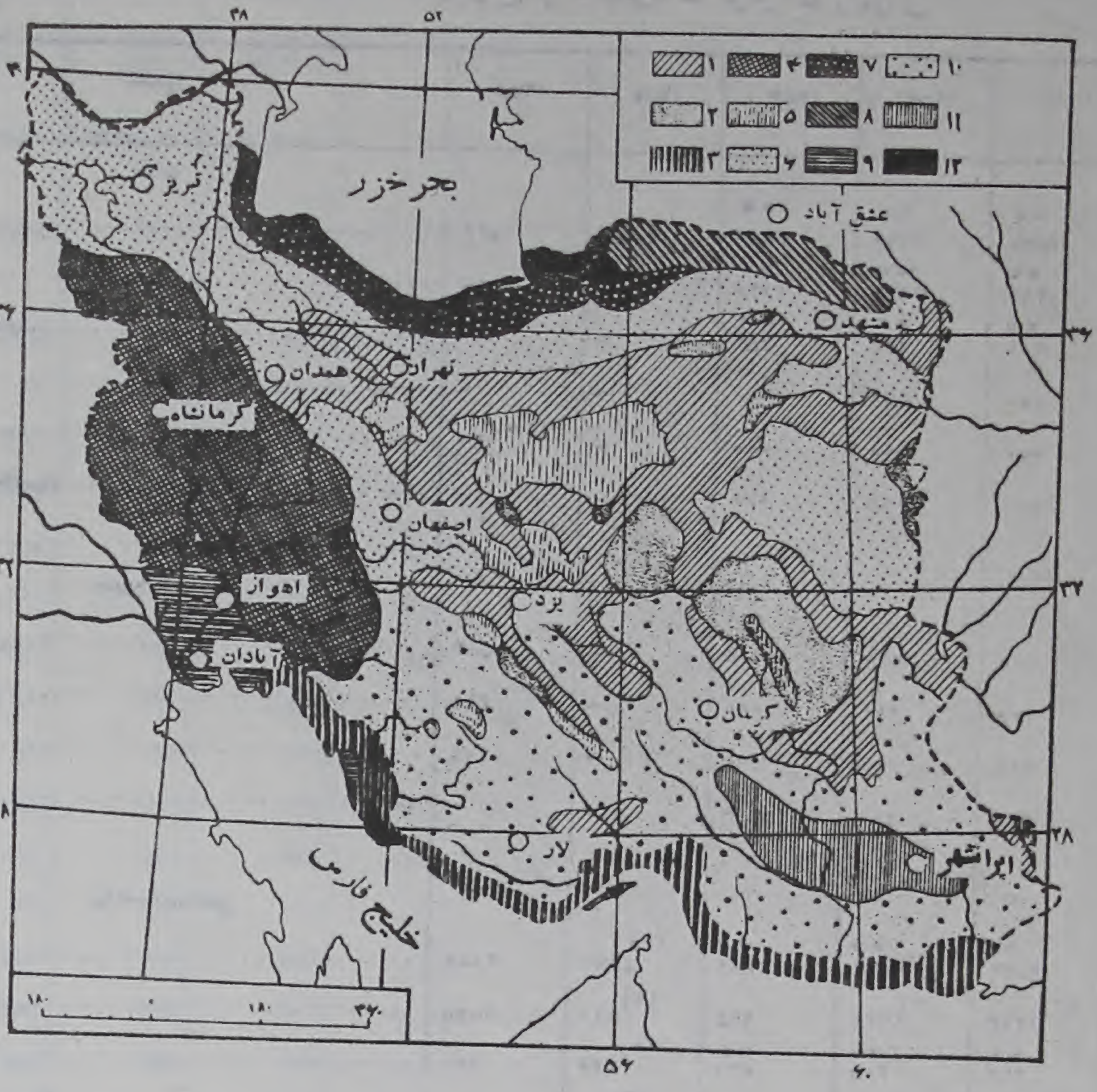
پرورش مرکبات بمقدار زیاد در نواحی شمالی البرز در کناره خزر و در نواحی جنوبی ایران در خوزستان و کرمان و شیراز معمول است. کاشت زیتون چندان معمولنیست فقط درردبارگیلان کاشتن زیتون معمول است. چای فقط در گیلان و مازندران کاشته میشود.

از گیاهان عطری روغنی گل‌سرخ اهمیت کافی دارد که به‌ممالک مجاور فرستاده میشود و بخش‌های معتبر کاشت آن در فارس واطراف شیراز است.

مراکز زراعت چغندر قند آذربایجان، تهران، مشهد، باختران و شیراز اســت و در هریک از آنها کارخانه قندی نیز وجود دارد.

از گیاهان علوفه حیوانات که در ایران معمول است یونجه و اسپرس و شبدراهمیت دارد. زراعات صیفی و تابستانی بستانی ایران چه از حیث‌مقدار و چه از حیث جنس در کمتر کشوری از جهان نظیر دارند.

محصولات چوبی جنگلی ایران بسبب کمی مساحت جنگلها چندان مهم نیست قسمت عمده جنگلها در دامنهٔ شمالی البرز و بطرف دریای خزر و قسمتی از گیلان و مازندران و گرگان است.



راهنمای نقشه (سمت راست بالا) :

۱ ـ رستنی‌های دامنه‌های خشک ۲ ـ رستنی‌های نواحی شن‌زار ۳ ـ مخلوط چمن‌زار و نباتات جلگه‌های ساحلی ۴ ـ جنگلهای مخلوط با بوته‌های کوتاه ۵ ـ رستنی‌های زمین‌های نمکی ۶ ـ رستنی‌های فریگانی مخلوط با بوته ۷ ـ جنگلهای برگ پهن ۸ ـ استپ‌های کوهستانی ۹ ـ مخلوط چمن‌زار و رستنی‌های دلتای کارون ۱۰ ـ رستنی‌های فریگانی مخلوط با بوته ۱۱ ـ مخلوط علف ونیزار ۱۲ ـ علف ـ زارهای موقتی و شوره زار.

تولید زراعتهای سالانه عمده درسالهای مختلف (هزارتن) استخراج از : نشریات مرکز آما رایران

محصول	۱۳۵۲		۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹
غلات							
گندم	۴۵۴۶		—	۳۸۹۶	۳۷۹۱	۴۵۷۰	۳۷۳۳
جو	۱۱۵۸		—	۱۱۳۰	۱۱۳۳	۱۴۱۱	۹۷۹
برنج (شلتوک)	۹۳۷		—	۷۵۳	۷۴۱	۹۱۹	۵۰۱
سایرغلات	—		—	...	...	...	...
حبوبات	۱۹۷	(۱)	—	...	...	...	...
محصولات جالیزی	—		—	...	...	...	...
سبزیجات							
سیب زمینی	۵۰۳		—	...	...	...	...
گوجه فرنگی	۲۸۵		—	...	...	...	...
پیاز	۲۰۵		—	...	...	...	...
سایر	—		—	...	...	...	...
زراعتهای صنعتی							
چغندرقند	۴۰۸۶	(۲)	۵۲۷۲	۳۶۱۲	۳۵۵۴	۳۸۲۴	۳۶۴۰
نیشکر (۳)	۱۰۷۵	(۲)	۸۲۱	۹۶۵	۱۲۷۰	۱۴۱۳	۱۳۳۹
پنبه (وش)	۵۶۰	(۲)	۴۲۶	۵۳۱	۴۰۵	۲۹۷	۲۰۵
انواع توتون وتنباکو	۱۷	(۲)	۱۸	۱۵	۱۴	۲۰	۲۴
دانه‌های روغنی (۴)	۶۸		—	...	...	...	...
علوفه (خشک)							
یونجه واسپرس	۱۱۳۳		—	...	...	...	...
شبدر	۱۶۸		—	...	...	...	...
سایر	—		—	...	...	...	...

(۱) ــ این قلم درسال ۱۳۵۲ شامل ۱۴۹۱۳۴ تن انواع لوبیا و۴۸۰۸۳ تن انواع لوبیامی‌باشد .
(۲) ــ ارقام ازسایرسازمانها می‌باشد .
(۳) ــ درسال ۱۳۵۵ تولیدنیشکر خالص منظورشده‌است . باشروع بهره برداری واحدکشت نیشکر کارون درسال ۱۳۵۶ ، ازسال ۱۳۵۷ مجموع تولیدسه واحدکشت نیشکر هفت تپه وواحدکشت نیشکرکارون درج شده‌است .
(۴) ــ درسال ۱۳۵۲ شامل ۵۸۱۶۸ تن آفتابگردان و ۹۶۶۴ تن سویا می‌باشد . تولیدسایردانه‌های روغنی آمارگیری شده‌است .

ماخذ ــ مرکزآمارایران . نتایج سرشماری کشاورزی ، مرحله اول ۱۳۵۲ تهران : ۱۳۵۴ .
ــ مرکز آمارایران . نتایج مقدماتی آمارگیری کشاورزی روستایی سالهای ۱۳۵۶ ، ۱۳۵۷ ، ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ .
ــ سازمان قندوشکر . گزارش سال ۱۳۶۰ .
ــ شرکت دخانیات ایران . گزارش سال ۱۳۶۰ .

علائم اختصاری ویژه این فصل : ... تولید مربوط به کاشت کمتراز ۱۰۰ هکتار .

مقدارتولید گندم برحسب استان درسالهای مختلف
(هزارتن)

استان	۱۳۵۲ جمع	۱۳۵۲ آبی	۱۳۵۲ دیم	** ۱۳۵۶	** ۱۳۵۷	** ۱۳۵۸	** ۱۳۵۹
کل کشور	۴۵۴۶	۲۲۸۹	۲۲۵۷	۳۸۹۶	۳۷۹۱	۴۵۷۰	۳۷۳۳
مرکزی	۴۲۴	۳۴۵	۷۸	۳۱۶	۲۴۰	۳۶۷	۲۷۱
گیلان	۱۵	۱	۱۴	۱۸	۱۶	۱۲	—
مازندران	۲۷۲	۴۴	۲۲۸	۲۷۴	۳۲۷	۳۷۱	۴۴۱
آذربایجان شرقی	۶۰۸	۱۹۹	۴۰۹	۳۵۸	۳۹۴	۴۴۹	۴۲۷
آذربایجان غربی	۳۴۲	۱۶۸	۱۷۴	۲۲۶	۲۴۲	۲۰۸	۲۰۲
باختران	۲۵۶	۶۲	۱۹۵	۲۵۷	۲۸۰	۳۶۴	۲۰۵
خوزستان	۲۲۳	۱۴۸	۷۶	۱۰۵	۱۶۴	۱۲۹	—
فارس	۳۳۵	۲۷۹	۵۶	۳۴۵	۳۴۰	۴۱۴	۴۰۶
کرمان	۷۳	۷۳	۱	۹۸	۸۴	۸۱	۹۲
خراسان	۵۱۱	۲۹۷	۲۱۴	۳۰۸	۴۷۳	۶۸۵	۴۸۵
اصفهان	۱۸۳	۱۶۷	۱۵	۲۲۸	۱۸۹	۲۴۳	۲۶۹
سیستان‌وبلوچستان	۳۷	۳۶	۱	۴۱	۲۴	۴۷	۶۰
کردستان	۳۳۶	۵۵	۲۸۱	۳۶۵	۲۳۸	۲۵۰	—
همدان	۲۸۱	۱۵۶	۱۲۵	۲۳۶	۲۲۸	۲۰۹	۱۶۷
چهارمحال وبختیاری	۹۸	۶۳	۳۵	۱۲۷	۷۶	۱۵۶	۱۱۲
لرستان	۳۱۰	۱۰۷	۲۰۳	۲۵۲	۲۴۵	۲۶۰	۲۷۸
ایلام	۴۶	۱۴	۳۲	۳۵	۳۴	۴۲	۵۰
بویراحمدوکهکیلویه	۲۶	۶	۲۰	۳۸	۲۹	۳۳	۳۴
بوشهر	۳	۱	۲	۱۲	۱۰	۱۶	۳۴
زنجان	۱۲۳	۳۰	۹۳	۱۱۹	۸	۱۳۸	۶۴
سمنان	۲۳	۲۰	۲	۳۹	۶۲	۷۶	۱۰۴
یزد	۱۱	۱۱	۰	۱۱	۱۲	۱۱	۱۵
هرمزگان	۷	۵	۳	۸	۴	۷	۱۵

ماخذ ــ مرکز آمارایران . نتایج سرشماری کشاورزی،مرحله اول ۱۳۵۲ تهران : ۱۳۵۴ .
ــ مرکزآمارایران . نتایج مقدماتی آمارگیری کشاورزی روستائی سالهای ۱۳۵۶ ، ۱۳۵۷ ، ۱۳۵۸و ۱۳۵۹ .

مقدارتولید جوبرحسب استان درسالهای مختلف
(هزارتن):

استان	۱۳۵۲			** ۱۳۵۶	** ۱۳۵۷	** ۱۳۵۸	** ۱۳۵۹
	جمع	آبی	دیم				
کل کشور	۱۱۵۸	۴۹۹	۶۵۹	۱۱۳۰	۱۱۳۳	۱۴۱۱	۹۷۹
مرکزی	۱۲۱	۱۰۹	۱۲	۱۰۷	۹۴	۱۶۰	۹۵
گیلان	۷	+	۶	۱۰	۵	۵	—
مازندران	۱۲۷	۲۰	۱۰۷	۱۳۶	۱۷۳	۱۴۰	۱۲۰
آذربایجان شرقی	۱۸۷	۳۷	۱۵۰	۱۰۸	۱۴۷	۱۶۶	۱۰۵
آذربایجان غربی	۷۹	۴۱	۳۸	۵۸	۷۰	۷۴	۳۲
باختران	۶۴	۹	۵۴	۶۷	۷۱	۷۶	۳۹
خوزستان	۶۲	۳۳	۲۹	۴۲	۴۸	۴۳	—
فارس	۶۷	۴۴	۲۲	۱۰۲	۹۵	۱۵۰	۱۳۲
کرمان	۱۵	۱۵	+	۳۴	۲۹	۲۴	۲۴
خراسان	۱۲۴	۶۷	۵۷	۱۵۴	۱۳۲	۲۲۱	۱۶۴
اصفهان	۳۶	۳۱	۵	۵۱	۴۵	۴۲	۴۹
سیستان‌وبلوچستان	۴	۴	//	۷	۵	۶	۱۰
کردستان	۳۹	۸	۳۱	۳۴	۳۴	۲۸	—
همدان	۵۶	۳۸	۱۸	۵۴	۴۲	۶۰	۳۶
چهارمحال وبختیاری	۱۹	۹	۱۰	۳۱	۱۹	۴۴	۳۲
لرستان	۸۸	۱۹	۶۹	۵۲	۶۴	۶۸	۶۱
ایلام	۱۸	۱	۱۶	۱۶	۱۵	۲۱	۱۹
بویراحمدوکهکیلویه	۶	+	۶	۱۱	۸	۱۰	۱۱
بوشهر	۲	+	۱	۶	۵	۱۳	۱۶
زنجان	۳۰	۷	۲۳	۳۷	۱۶	۳۷	۱۷
سمنان	۵	۳	۲	۱۴	۱۱	۲۲	۱۰
یزد	۲	۲	۰	۲	۲	۱	۲
هرمزگان	۲	۱	۱	۳	۲	۲	۶

ماخذ ــ مرکز آمارایران . نتایج سرشماری‌کشاورزی ، مرحله اول ۱۳۵۲ . تهران : ۱۳۵۴
ماخذ ــ مرکز آمارایران . نتایج مقدماتی‌آمارگیری کشاورزی روستایی سالهای ۱۳۵۶ ، ۱۳۵۷ ، ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ .

تولیدبرنج (شلتوک) برحسب استان درسالهای مختلف
(تن)

استان	۱۳۵۲	** ۱۳۵۶	۱۳۵۷ **	۱۳۵۸ **	۱۳۵۹ **
کل‌کشور	(۱) ۹۳۶۸۷۹	۷۵۲۶۶۱	۷۲۰۵۹۲	۹۱۹۰۰۰	۵۰۱۳۸۸
مرکزی	۸۲۵	۰	۰	۰	۰
گیلان	۴۱۱۷۹۸	۳۲۷۹۳۴	۳۷۲۵۲۲	۳۹۵۵۰۰	—
مازندران	۳۸۳۰۵۳	۳۱۱۰۶۸	۲۵۱۷۵۳	۳۹۶۵۰۰	۳۶۱۴۹۴
آذربایجان شرقی	۵۸۱۱	۴۹۹۱	۱۱۵۸	۵۰۰	۱۶۱۴
آذربایجان غربی	۱۹۵۲	۰	۲۲۳۸	۲۰۰	۷۲۵۲
باختران	۴۷۷	۰	۰	۰	۰
خوزستان	۶۱۴۴۰	۲۹۷۵۸	۲۴۸۱۸	۱۸۴۰۰	—
فارس	۳۷۷۲۰	۳۱۶۹۶	۷۲۳۱۶	۵۵۲۰۰	۸۴۵۳۴
کرمان	۰۰۰	۰	۷۸	۰	۷۳۵
خراسان	۱۳۹۹	۰	۰	۰	۳۱
اصفهان	۹۵۱۹	۲۳۲۳۱	۶۵۶۸	۱۰۰۰۰	۳۰۴۴۹
سیستان‌وبلوچستان	۴۱۳۰	۲۹۳۲	۴۰۰۷	۸۵۰۰	۶۴۶۳
کردستان	۱۱۴۵	۰	۰	۰	—
همدان	۰۰۰	×	×	×	×
چهارمحال وبختیاری	۴۵۸۸	۱۱۵۸۴	۲۲۲۱	۵۲۰۰	۳۵۴۸
لرستان	۶۲۳	۰	۰	۶۰۰	۰
ایلام	۱۴۵۰	۱۳۸۳	۱۸	۱۲۰۰	۲۶۷
کهگیلویه وبویراحمد	۵۰۲۰	۷۷۲۷	۲۶۱۵	۱۲۵۰۰	۴۱۴۳
بوشهر	۰۰۰	×	×	×	×
زنجان	۵۸۶۸	۳۵۷	۲۸۲	۱۴۷۰۰	۸۵۸
سمنان	۰۰۰	×	×	×	×
یزد	۰۰۰	×	×	×	×
هرمزگان	۰۰۰	×	×	×	×

(۱) ـ اعدادی که تولیدآنها درسال ۱۳۵۲ باعلامت " ۰۰۰ " مشخص شده‌است جمعاً " ۲۹ تن محصول برنج داشته‌اند که درسرجمع کل کشورمنظورشده است.

ماخذ ـ مرکز آمارایران . نتایج سرشماری کشاورزی ، مرحله اول ۱۳۵۲ . تهران : ۱۳۵۴ .

ـ مرکز آمارایران . نتایج مقدماتی آمارگیری کشاورزی روستایی سالهای ۱۳۵۶ ، ۱۳۵۷ ، ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ .

تولید چغندر قند و مقدار چغندر قند تحویلی به کارخانجات قند در سالهای مختلف
(هزار تن)

شرح	۱۳۵۲	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰
تولید (۱)	۴۰۸۶	—	۳۶۱۲ **	۳۵۵۴ **	۳۸۲۴ **	۳۶۴۰ **	—
تحویلی به کارخانجات قند	۴۲۳۹	۵۲۷۲	۴۱۸۸	۳۶۵۹	۳۸۰۷	۳۵۳۶	۲۹۹۶

(۱)ـ ارقام از مرکز آمار ایران.
ماخذ ـ مرکز آمار ایران. نتایج سرشماری کشاورزی، مرحله اول ۱۳۵۲. تهران: ۱۳۵۴.
ـ مرکز آمار ایران. نتایج مقدماتی آمارگیری کشاورزی روستائی سالهای ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹.
ـ سازمان قند و شکر. گزارشات سالهای ۱۳۶۱ـ۱۳۵۵.

تولید چغندر قند بر حسب استان در سالهای مختلف
(هزار تن)

استان	۱۳۵۲ (۱)	۱۳۵۶ **	۱۳۵۷ **	۱۳۵۸ **	۱۳۵۹ **
کل کشور	۴۰۸۶	۳۶۱۲	۳۵۵۴	۳۸۲۴	۳۶۴۰
مرکزی	۲۴۸	۲۵۵	۳۸۰	۳۷	۱۹۹
گیلان	۰۰۰	۰	۰	۰	—
مازندران	۰۰۰	۰	۰	۰	×
آذربایجان شرقی	۰۰۰	۰	۱	+	//
آذربایجان غربی	۲۳۵	۱۸۰	۲۲۳	۱۸۳	۳۳۵
باختران	۱۷۵	۱۲۹	۳۹	۳۸۰	۲۷۷
خوزستان	۶۲	+	۰	۰	۰ —
فارس	۴۹۹	۸۴۱	۷۰۷	۷۲۶	۴۹۴
کرمان	۵۲	۴۷	۶۲	۸۲	۴۹
خراسان	۱۸۷۶	۱۴۷۴	۱۶۴۷	۱۹۲۳	۱۷۰۸
اصفهان	۶۲۸	۴۷۷	۲۴۹	۲۹۷	۴۴۵
سیستان و بلوچستان	۰۰۰	×	×	×	×
کردستان	۰۰۰	+	+	۰	—
همدان	۱۳۶	۱۵۴	۱۰۵	۱۲۱	۷۹
چهارمحال و بختیاری	۵۶	۴۵	۳۴	۳۵	۷
لرستان	۵۴	۳	۶۹	۲۱	۲
ایلام	۰۰۰	+	۶	+	۰
بویراحمد و کهکیلویه	۲۰	۰	۵	۵	۰
بوشهر	۰۰۰	×	۱	۰	×
زنجان	۰۰۰	×	×	×	//
سمنان	۲۹	۷	۲۶	۱۶	۴۳
یزد	۰۰۰	×	۰	۰	×
هرمزگان	۰۰۰	×	×	×	×

(۱)ـ استانهائی که تولید آنها در سال ۱۳۵۲ با علامت "۰۰۰" مشخص شده است جمعاً ۱۵۸۴۱ تن محصول چغندر قند داشته‌اند که در سرجمع کل کشور منظور شده است.
ماخذ ـ مرکز آمار ایران. نتایج سرشماری کشاورزی، مرحله اول ۱۳۵۲. تهران: ۱۳۵۴.
ـ مرکز آمار ایران. نتایج مقدماتی آمارگیری کشاورزی روستائی سالهای ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹.

چغندرقند تحویلی به کارخانجات قندبرحسب استان (۱) : ۱۳۶۰ – ۱۳۵۵
(هزارتن)

استان	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰
کل کشور	۵۲۷۲	۴۱۸۸	۳۶۵۹	۳۸۰۷	۳۵۳۶	۲۹۹۶
مرکزی	۳۰۵	۲۴۲	۱۵۳	۲۳۷	۲۰۶	۱۶۱
آذربایجان‌غربی	۳۹۰	۳۴۴	۳۲۸	۲۴۷	۱۹۲	۶۳
باختران	۳۹۰	۳۰۶	۱۴۶	۲۴۲	۱۷۵	۱۵۳
خوزستان	۱۹۴	۱۵۲	۹۴	۶۹	۷۲	۲۵
فارس	۷۵۰	۶۷۸	۵۷۷	۶۱۰	۶۳۳	۵۴۰
کرمان	۹۸	۶۷	۷۵	۷۳	۸۴	۷۶
خراسان	۲۱۴۳	۱۷۷۰	۱۶۶۳	۱۷۳۶	۱۵۶۴	۱۴۸۰
اصفهان	۵۰۵	۳۷۱	۳۶۴	۳۳۸	۳۴۳	۲۷۴
همدان	۱۲۳	۶۹	۵۹	۷۵	۸۴	۶۸
چهارمحال‌وبختیاری	۸۴	۰	۴۲	۲۸	۲۹	۱۹
لرستان	۱۶۹	۱۳۲	۶۷	۷۷	۸۵	۷۹
بویراحمدوکهکیلویه	۴۸	۰	۲۱	۱۶	۱۲	–
سمنان	۷۲	۵۸	۷۱	۵۹	۵۷	۵۹

(۱) ــ باید توجه‌داشت که تعدادکارخانه های‌قنداستانهابمرورزمان تغییرمی‌کند وهمچنین چغندرقندتحویلی به‌یک کارخانه ممکن‌است ازخارج‌ازاستانی‌که کارخانه درآن قراردارد‌فراهم شود .
(۲) ــ درسایراستانهائی که نام آنهادراین‌جدول درج‌نشده‌است کارخانه قندوجودندارد
ماخذ ــ سازمان قندوشکر . گزارشات سالهای ۶۱ ــ ۱۳۵۵ .

عملکردکارخانه‌های قندوشکرازچغندروقندبرحسب استان : ۱۳۶۰
(تن ــ هکتار)

استان (۱)	ظرفیت (تن‌در هرشبانه‌روز)	تعدادروزکار	سطح‌زیرکشت	چغندرخریداری‌شده	چغندرمصرفی	تولیدشکر	تولید قند	جمع تولید قندوشکر
کل‌کشور	۵۲۶۰۰	۲۵۱۷	۱۳۳۴۲۸	۲۹۹۵۶۳۹	۲۷۶۰۳۳۸	۲۶۰۸۲۸	۱۳۵۲۸۹	۳۹۶۱۱۸
مرکزی	۳۷۰۰	۱۸۲	۸۵۶۵	۱۶۱۱۳۸	۱۵۶۵۷۳	۱۸۵۸۰	۳۲۰۶	۲۱۷۸۶
آذربایجان غربی	۵۰۰۰	۷۹	۲۴۴۴	۶۲۹۸۷	۶۰۱۱۳	۷۱۱۱	۸۰۱	۷۹۱۲
باختران	۴۰۰۰	۱۲۷	۶۰۱۶	۱۵۲۶۲۲	۱۵۰۲۱۳	۱۰۳۹۹	۹۹۳۰	۲۰۳۲۹
خوزستان	۲۵۰۰	۳۳	۹۱۴	۲۴۸۱۷	۲۴۴۰۷	(۵۵۰)	۱۳۶۳	۱۳۶۳
فارس	۶۴۵۰	۵۳۳	۲۳۹۵۱	۵۴۰۱۸۹	۴۲۸۳۵۰	۶۶۵۸۲	۱۲۹۰۲	۷۹۴۸۴
کرمان	۱۰۰۰	۱۰۴	۳۲۸۵	۷۵۹۴۹	۷۴۷۲۴	۵۹۰۷	۵۴۰۴	۱۱۳۱۱
خراسان	۱۹۲۰۰	۱۰۱۶	۶۲۷۲۷	۱۴۷۹۸۳۹	۱۳۹۲۱۲۴	۱۱۰۳۶۱	۸۲۸۲۳	۱۹۳۱۸۴
اصفهان	۵۵۰۰	۱۷۷	۱۳۱۸۸	۲۷۴۳۰۸	۲۵۹۴۸۵	۲۶۲۱۳	۶۲۸۵	۳۲۴۹۸
همدان	۱۰۰۰	۷۱	۴۰۳۵	۶۸۰۳۷	۶۶۵۹۸	۱۹۲۱	۶۸۰۷	۸۷۲۸
چهارمحال‌وبختیاری	۱۰۰۰	۴۰	۲۰۱۵	۱۸۵۰۴	۱۷۷۳۴	۱۹۰۵	(۰۰۰)	۱۹۰۵
لرستان	۱۵۰۰	۷۱	۳۳۱۹	۷۸۵۹۱	۷۶۵۴۸	۱۰۱۶۹	(۰۰۰)	۱۰۱۶۹
بویراحمدوکهکیلویه	۱۰۰۰	(۰۰۰)	(۰۰۰)	(۰۰۰)	(۰۰۰)	(۰۰۰)	(۰۰۰)	(۰۹۰)
سمنان	۷۵۰	۸۴	۲۹۷۰	۵۸۶۵۸	۵۳۴۶۹	۱۶۷۹	۵۷۶۸	۷۳۴۷

(۱) ــ درسایراستانهایی که نام‌آنهادراین‌جدول‌درج‌نشده‌است کارخانه‌قندوجودندارد .
ماخذ ــ سازمان قندوشکر . گزارش سال ۱۳۶۰ .

عملکردواحدهای تولیدشکرازنیشکر : ۱۳۶۰
(تن ــ هکتار)

نام واحد	ظرفیت (تن در هرشبانه‌روز)	تعدادروزکار	سطح‌زیرکشت	تولیدنیشکر	تولیدقندوشکر
جمع	۳۰۰۰۰	۴۰۹	۲۱۳۹۸	۱۵۹۶۹۸۸	۱۳۸۳۹۸
نیشکرهفت تپه	۱۰۰۰۰	۱۹۱	۹۴۸۸	۷۸۸۹۶۷	۷۷۶۴۴
نیشکر کارون	۲۰۰۰۰	۲۱۸	۱۱۹۱۰	۸۰۸۰۲۱	۶۰۷۵۵

ماخذ ــ سازمان قندوشکر . گزارش سال ۱۳۶۰ .

آمارفعالیت کارخانه های قندکشور : ۱۳۶۱
(هکتار ـ تن)

محل کارخانه (استان)	نام کارخانه	سطح زیر کشت چغندرقند مورد قرار داده	مقدار چغندر قند خریداری شده	مقدار قند وشکر تولیدی	مقدار تفاله خشک تولیدی
جمع کل کشور		۱۶۷۲۷۷	۴۱۲۷۷۵۳	۵۱۹۵۱۸	۲۱۲۸۸۳
تهران	کرج	۲۵۴۰	۵۱۸۴۹	۶۱۴۵	۱۹۲۰
مرکزی	تازند	۲۱۳۳	۳۸۳۹۷	۴۶۴۹	(۱)
آذربایجان شرقی	مغان	(۲)	۲۴۴۲۳	۱۲۱۸	۳۹۰
آذربایجان غربی	ارومیه	۱۰۳۸	۳۲۴۲۴	۲۹۲۴	(۱)
	خوی	۲۳۹۳	۴۷۳۴۳	۵۰۳۴	۱۸۶۳
	میاندوآب	۲۹۰۰	۸۱۷۹۷	۱۰۶۲۵	(۱)
	پیرانشهر	۲۲۰۸	۲۶۷۸۴	۲۷۲۲	۸۲۱
باختران	اسلام آباد	۲۲۰۰	۵۸۳۶۴	۶۶۹۹	۳۳۰۰
	بیستون	۵۷۶۵	۱۹۶۴۲۷	۲۳۴۲۱	۱۴۵۰۰
خوزستان	اهواز	۲۰۰۰	۴۶۹۸۴	۳۸۰۶	۳۷۰۰
فارس	اقلید	۱۰۱۱۷	۱۷۹۶۹۹	۲۶۷۹۰	۱۲۷۵۵
	فسا	۳۷۷۵	۸۸۷۰۴	۱۳۱۳۳	۷۰۹۸
	کوار (پارس)	۶۰۰۰	۱۲۷۵۷۲	۱۵۸۵۵	۶۲۲۰
	مرودشت	۸۱۰۹	۲۰۲۳۵۹	۲۹۲۲۸	۱۵۱۵۰
	ممسنی (۳)	۰	۰	۰	۰
کرمان	بردسیرکرمان	۴۶۹۵	۹۶۹۷۸	۱۴۱۶۲	(۱)
خراسان	آبکوه	۸۳۱۰	۲۷۶۲۱۶	۳۵۰۸۶	۱۲۹۶۰

محل کارخانه (استان)	نام کارخانه	سطح زیر کشت چغندرقند مورد قرارداد	مقدار چغندر قند خریداری شده	مقدار قند و شکر تولیدی	مقدار تفاله خشک تولیدی
خراسان	تربت‌حیدریه	۷۸۴۱	۱۵۰۵۱۹	۱۰۷۵۳۹	۳۳۵۱
	جوین	۸۵۹۹	۱۸۲۹۰۲	۲۲۲۸۴	۸۸۹۷
	چناران	۵۷۵۰	۱۵۵۰۵۷	۱۹۷۶۸	۷۶۱۳
	شیروان	۱۱۳۰۲	۲۷۶۱۵۸	۳۹۰۶۱	۸۰۰۰
	فریمان	۹۵۸۵	۳۰۰۸۲۰	۳۸۹۲۸	۱۳۶۰۰
	قهستان	۳۸۹۲	۷۷۸۱۷	۷۷۲۲	(۱)
	نیشابور	۱۰۱۱۰	۲۱۶۲۹۱	۳۰۹۶۸	۱۹۸۴۱
	تربت‌جام	۵۸۷۰	۱۲۶۲۵۸	۱۴۲۲۶	۴۷۴۶
	شیرین	۶۶۸۹	۲۴۱۹۳۶	۲۹۲۸۹	۵۵۲۵۵
اصفهان	اصفهان	۸۰۰۰	۲۳۵۷۶۱	۲۹۱۵۹	۱۲۶۵۵
	نقش‌جهان	۴۵۰۰	۱۱۵۲۱۳	۱۴۸۰۷	۴۶۶۷
همدان	همدان	۴۳۷۰	۹۸۰۵۵	۱۱۸۷۷	۶۲۲۶
چهارمحال	چهارمحال	۲۶۵۰	۳۶۱۹۶	۴۰۲۰	۱۷۹۲
لرستان	لرستان	۳۵۹۰	۹۸۵۷۶	۱۱۹۸۹	۶۸۸۲
بویراحمد و کهکیلویه	یاسوج	۹۸۷	۲۱۸۹۶	۲۱۹۸	۱۰۰۶
زنجان	قزوین	۵۸۰۰	۱۳۷۳۶۶	۱۴۸۰۹	۹۰۶۶
سمنان	شاهرود	۳۵۵۷	۸۰۲۹۲	۹۱۵۲	۵۴۰۴

(۱) ــ فاقد دستگاههای تفاله‌خشک‌کن .
(۲) ــ بهره‌برداری آزمایشی داشته .
(۳) ــ بعلت جنگ تحمیلی بهره‌برداری نداشته‌است
ماخذ ــ سندیکای کارخانه‌های قند و شکر .

تولید پنبه (وش) و مقدار تحویلی به کارخانجات پنبه‌پاک‌کنی در دوره‌های مختلف بهره‌برداری

(هزار تن)

شرح	۱۳۵۲-۱۳۵۳	۱۳۵۴-۱۳۵۵	۱۳۵۵-۱۳۵۶	۱۳۵۶-۱۳۵۷	۱۳۵۷-۱۳۵۸	۱۳۵۸-۱۳۵۹	۱۳۵۹-۱۳۶۰
تولید (۱)	۵۶۰	۴۳۶	—	۵۳۱**	۴۰۵**	۲۹۷** (۲)	۲۰۵**
تولید (۳)	۶۳۸	۴۲۶	۴۸۴	۵۵۷	۴۲۷	۳۲۱	۲۰۴
تحویلی به کارخانجات پنبه (۳)	۶۳۴	۴۲۶	۵۵۷	۵۴۷	۴۱۶	۳۰۸	۱۸۶

(۱)ـ ارقام از مرکز آمار ایران.
(۲)ـ در سال ۱۳۵۹ در استانهای گیلان، خوزستان و کردستان آمارگیری صورت نگرفته است.
(۳)ـ ارقام از سازمان پنبه و دانه‌های روغنی ایران.
ماخذ ـ مرکز آمار ایران. نتایج سرشماری کشاورزی، مرحله اول ۱۳۵۲. تهران: ۱۳۵۴.
ـ مرکز آمار ایران. نتایج مقدماتی آمارگیری کشاورزی روستائی سالهای ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹.
ـ سازمان پنبه و دانه‌های روغنی ایران. قسمت بازرگانی. گزارشات سالهای ۶۱ـ۱۳۵۵.

تولید پنبه (وش) برحسب استان در سالهای مختلف

(صد تن)

استان	۱۳۵۲ (۱) کل	۱۳۵۲ (۱) آبی	۱۳۵۲ (۱) دیم	۱۳۵۶**	۱۳۵۷**	۱۳۵۸**	۱۳۵۹**
کل کشور	۵۵۹۶	۴۵۰۲	۱۰۹۴	۵۳۱۳	۴۰۵۵	۲۹۷۱	۲۰۵۱
مرکزی	۴۴۷	۴۴۷	۰	۱۰۵	۶۹	۲۷	۸۲
گیلان	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	×	×	×	—
مازندران	۳۶۴۹	۲۵۶۲	۱۰۸۷	۳۹۱۰	۳۱۰۰	۲۰۹۹	۱۰۷۱
آذربایجان شرقی	۱۳۶	۱۳۵	۱	۱۰۸	۰	//	۹
آذربایجان غربی	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	×	×	×	×
باختران	۱۵	۱۵	۰	۱۲	۲۴	۲	۱
خوزستان	۱۶	۱۶	۰	+	۰	//	—
فارس	۵۷۸	۵۷۸	۰	۱۵۵	۱۴۲	۱۹۳	۲۱۰
کرمان	۵۸	۵۸	۰	۹۲	۸۵	۲۱	۱۰
خراسان	۵۸۹	۵۸۲	۷	۸۲۸	۵۲۷	۵۶۰	۵۹۳
اصفهان	۴۶	۴۶	۰	۴۰	۳۲	۱۸	۲۱
سیستان و بلوچستان	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	//	۰	۰	۰
کردستان	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	×	×	×	—
همدان	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۸	۰	۵	۰
چهارمحال و بختیاری	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	×	×	×	×
لرستان	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	//	۰	۰	۰
ایلام	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰	۰	۰	۰
بویراحمد و کهکیلویه	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰	۰	۰	۰
بوشهر	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰	۰	۰	//
زنجان	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۱	۰	۰	۰
سمنان	۲۳	۲۳	۰	۵۳	۷۲	۴۶	۵۱
یزد	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۱	۳	//	۲
هرمزگان	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	+	۰	۰	۰

(۱)ـ استانهائی که تولید آنها در سال ۱۳۵۲ با علامت "۰۰۰" مشخص شده است، جمعاً "۴۰۵۶ تن محصول پنبه داشته‌اند، که ۱ تن آن دیم می‌باشد و در سرجمعهای کل کشور منظور شده است.
ماخذ ـ مرکز آمار ایران. نتایج سرشماری کشاورزی مرحله اول ۱۳۵۲. تهران: ۱۳۵۴.
ـ مرکز آمار ایران. نتایج مقدماتی آمارگیری کشاورزی روستائی سالهای ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹.

پنبه (وش) تحویلی بهکارخانجات پنبهپاککنی برحسب استان‌در دوره‌های‌بهره برداری (۱) : ۶۰ – ۱۳۵۴

(هزارتن)

استان (۲)	۱۳۵۴–۱۳۵۵	۱۳۵۵–۱۳۵۶	۱۳۵۶–۱۳۵۷	۱۳۵۷– ۱۳۵۸	۱۳۵۸ –۱۳۵۹	۱۳۵۹ –۱۳۶۰
کل کشور.....	۴۲۶	۴۷۶	۵۴۷	۴۱۶	۳۰۸	۱۸۶
مرکزی.....	۲۷	۲۱	۱۹	۱۰	۹	۶
مازندران.....	۲۸۷	۳۵۴	۴۱۹	۳۲۶	۲۳۴	۱۱۸
آذربایجان‌شرقی	۱۱	۹	۹	۷	۱	۲
باختران.....	۲	۳	۰	۰	(۰۰۰)	(۰۰۰)
خوزستان.....	۱	۱	۱	+	(۰۰۰)	(۰۰۰)
فارس.....	۲۷	۲۶	۲۷	۲۰	۱۶	۱۳
کرمان.....	۸	۱	۱	۱	۱	۱
خراسان.....	۶۴	۵۹	۶۵	۴۶	۴۳	۴۱
اصفهان.....	۷	۶	۷	۵	۵	۵
لرستان.....	۱	۱	۰	۰	(۰۰۰)	(۰۰۰)
زنجان.....	۱	۱	۰	۰	(۰۰۰)	(۰۰۰)

(۱) ــ دوره بهره برداری کارخانجات‌پنبه ازاول‌شهریورماه هرسال تاپایان مردادماه سال بعدمی باشد .

(۲) ــ درسایراستانهائی که نام‌آنها دراین‌جدول ذکرنشده‌است کارخانه‌ای وجودندارد .

ماخذ ــ سازمان پنبه ودانه های‌روغنی‌ایران . قسمت بازرگانی . گزارشات‌سالهای۱۳۶۰–۱۳۵۵ .

ـ انواع مختلف پنبه (وش) تصفیه شده درکارخانجات پنبه‌پاککنی در دوره‌های بهره برداری (۱) : ۶۰ – ۱۳۵۵

(تن)

دوره بهره برداری	جمع	ورامین	ساحل	آکالا	هویی کالا	دلتا پایـن	بومی
۱۳۵۵ – ۱۳۵۶.....	۵۵۶۶۰۴	۹۴۳۷۵	۴۱۹۲۶۲	۲۶۶۲۵	۱۴۷	۵۰۴	۱۵۶۹۱
۱۳۵۶ – ۱۳۵۷.....	۵۴۶۶۰۴	۹۱۶۱۸	۴۱۹۲۶۲	۲۶۶۲۵	۱۴۷	۵۰۴	۸۴۴۸
۱۳۵۷ – ۱۳۵۸.....	۴۱۵۹۶۸	۶۳۹۳۹	۳۲۲۴۲۱	۱۸۸۷۷	۱۹۶۳	۹۵	۸۶۷۳
۱۳۵۸ – ۱۳۵۹.....	۳۰۸۴۷۵	۴۷۶۳۵	۲۳۵۲۹۶	۰	۱۶۳۴۰	۰	۹۲۰۴
۱۳۵۹ – ۱۳۶۰.....	۱۸۵۵۵۱	۴۴۲۷۷	۱۱۷۹۹۳	۰	۱۳۳۵۰	۰	۹۹۳۱

(۱) ــ دوره بهره برداری کارخانجات پنبه ازاول‌شهریورماه هرسال‌تاپایان مردادماه سال بعدمی باشد .

ماخذ ــ سازمان پنبه‌ودانه های‌روغنی ایران . قسمت بازرگانی . گزارشات‌سالهای ۶۰ ــ ۱۳۵۵ .

تولید پنبه محلوج در کارخانجات پنبه‌پاک‌کنی برحسب استان در دوره‌های بهره‌برداری (۱): ۶۰-۱۳۵۴
(هزار تن)

استان (۲)	۱۳۵۴ - ۱۳۵۵	۱۳۵۵ - ۱۳۵۶	۱۳۵۶ - ۱۳۵۷	۱۳۵۷ - ۱۳۵۸	۱۳۵۸ - ۱۳۵۹	۱۳۵۹ - ۱۳۶۰
کل کشور	۱۳۸	۱۵۶	۱۷۸	۱۳۳	۹۸	۵۷
مرکزی	۹	۷	۶	۳	۳	۲
مازندران	۹۳	۱۱۶	۱۳۶	۱۰۳	۷۵	۳۶
آذربایجان شرقی	۴	۳	۳	۲	۰	۱
خوزستان	+	+	+	+	۰	۰
فارس	۸	۸	۸	۶	۵	۴
کرمان	+	+	+	+	+	+
خراسان	۲۲	۲۰	۲۲	۱۶	۱۴	۱۳
اصفهان	۲	۲	۲	۱	۱	۱

(۱)- دوره بهره‌برداری کارخانجات پنبه از اول شهریور ماه هر سال تا پایان مرداد ماه سال بعد می‌باشد.
(۲)- در سایر استانهائی که نام آنها در این جدول ذکر نشده است کارخانه‌ای وجود ندارد
ماخذ- سازمان پنبه و دانه‌های روغنی. قسمت بازرگانی. گزارشات سالهای ۱۳۶۰-۱۳۵۵

تولید پنبه محلوج برحسب رقم بندی آن در دوره‌های بهره‌برداری (۱): ۶۰-۱۳۵۵
(تن)

دوره بهره‌برداری	جمع	ارقام سفید					ارقام ملکوک			
		ممتاز و خوب	یک و یک پست	دو و دو پست	سه و سه پست	چهار	دو و دو پست	سه و سه پست	چهار و چهار پست	خارج از رعه
۱۳۵۵-۱۳۵۶	۱۵۵۴۸۲	۲۴۴	۳۷۸۴۰	۷۷۵۶۵	۳۰۷۱۲	۲۱۲۰	۴۴۹۲	۱۷۶۱	۱۸۲	۵۶۵
۱۳۵۶-۱۳۵۷	۱۷۷۷۰۶	۶۳۱	۳۵۹۲۰	۸۷۶۱۸	۴۳۹۹۹	۴۶۹۰	۳۵۶۴	۶۸۸	۸۴	۵۱۲
۱۳۵۷-۱۳۵۸	۱۳۲۶۴۶	۳۹۳	۱۹۷۰۸	۶۱۵۷۷	۴۳۹۰۲	۴۱۷۵	۱۶۹۹	۶۳۵	۱۹۲	۳۶۲
۱۳۵۸-۱۳۵۹	۹۹۱۴۱	۹۰	۱۹۶۶۰	۶۱۵۲۶	۱۳۷۹۲	۲۱۷۲	۹۰۸	۴۲۶	۱۷۲	۳۷۳
۱۳۵۹-۱۳۶۰	۵۷۴۲۹	۱۰۱۵	۱۴۳۳۷	۲۶۳۲۲	۱۲۰۱۲	۲۲۰۹	۳۹۶	۵۷۳	۱۵۱	۴۱۲

(۱)- دوره بهره‌برداری کارخانجات پنبه از اول شهریور ماه هر سال تا پایان مرداد ماه سال بعد می‌باشد.
ماخذ- سازمان پنبه و دانه‌های روغنی ایران. قسمت بازرگانی. گزارشات سالهای ۱۳۶۰-۱۳۵۵.

(۱)
تولید پنبه محلوج و رقم بندی آن در کارخانجات برحسب استان در دوره بهره برداری : ۶۰ ـ ۱۳۵۹

(تن)

استان (۲)	جمع	ارقام سفید					ارقام ملکسوک			
		ممتاز و خوب	یک و یک پست	دو و دو پست	سه و سه پست	چهار	دو و دو پست	سه و سه پست	چهار و چهار پست	خارج از رقم
کل کشور	۶۸۴۲۹	۱۰۱۵	۲۵۳۳۷	۲۶۳۲۲	۱۲۰۱۳	۲۲۰۹	۳۹۶	۵۷۳	۱۵۱	۴۱۳
مرکزی	۱۸۴۹	(۰۰۰)	۶۲۷	۸۵۹	۲۰۷	۴	۱۸	۲	(۰۰۰)	۱۳۲
مازندران	۴۷۱۸۹	(۰۰۰)	۱۴۱۳۶	۲۱۵۶۹	۹۳۹۸	۱۲۰۲	۱۹۳	۵۳۴	۱۴۹	۸
آذربایجان شرقی	۷۴۷	(۰۰۰)	۴۸	۵۳۶	۱۵۱	۳	۹	(۰۰۰)	(۰۰۰)	(۰۰۰)
خوزستان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
فارس	۴۰۰۸	(۰۰۰)	۱۳۵۳	۱۵۸۳	۷۳۹	۳۰۸	۸	۱۲	۲	۳
کرمان	۲۸۰	(۰۰۰)	(۰۰۰)	۱۱۰	۱۷۰	(۰۰۰)	(۰۰۰)	(۰۰۰)	(۰۰۰)	(۰۰۰)
خراسان	۱۳۰۲۵	۱۰۱۵	۹۱۳۰	۱۲۷۴	۱۰۱۳	۴۸۱	۸۳	۲۵	(۰۰۰)	۴
اصفهان	۱۳۳۱	(۰۰۰)	۴۳	۳۹۱	۳۳۵	۲۱۱	۸۵	(۰۰۰)	(۰۰۰)	۲۶۶

(۱) ـ دوره بهره برداری کارخانجات پنبه از اول شهریور ماه هر سال تا پایان مرداد سال بعد می باشد .
(۲) ـ در سایر استانهائی که نام آنها در این جدول ذکر نشده است کارخانه ای وجود ندارد .
ماخذ ـ سازمان پنبه دانه های روغنی ایران . قسمت بازرگانی . گزارش سال ۱۳۶۰ .

تولید محصول خام توتون چپق خریداری شرکت دخانیات ایران برحسب استان و منطقه : ۶۰ ـ ۱۳۵۵

(تن)

استان	منطقه دخانیات (۱)	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰
کل کشور		۱۶۲۰	۱۲۵۱	۹۷۶	۱۰۲۶	۸۵۶	۱۱۲۵
آذربایجان شرقی	آذربایجان شرقی	×	×	×	×	۱	۱
آذربایجان غربی	آذربایجان غربی ـ ارومیه	۳۷۰	۳۹۸	۴۷	۱۲	۳	۲
	مهاباد			۳۱۷	۱۶۳	۱۲	
باختران	باختران	۱۱۰	۶۲	۵۵	۵۲	۴۱	۴۹
کردستان	کردستان ـ سنندج	۱۱۰۶	۷۶۴	۳۹۹	۶۳۳	۵۶۸	۸۸۷
	سقز			۱۳۶	۱۱۶	۱۱۹	
همدان	نهاوند	۳۴	۲۷	۲۱	۴۳	۸۰	۱۵۴
	تویسرکان						
لرستان	لرستان	×	×	۱	۸	۳۲	۳۲
زنجان	زنجان	×	×	+	×	×	×

(۱) ـ توتون چپق خریداری شرکت دخانیات در سالهای ۶۰ ـ ۱۳۵۵ منحصر و محدود به استانها و مناطق یاد شده بوده است .
ماخذ ـ شرکت دخانیات ایران . گزارشهای سالهای ۶۰ ـ ۱۳۵۵

تولید محصول خام توتون سیگار خریداری شرکت دخانیات ایران برحسب استان ومنطقه: ۶۰ـ۱۳۵۵
(تن)

استان	منطقه دخانیات (۱)	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰
کل کشور		۱۴۱۰۳	۱۱۷۵۰	۸۶۰۵	۱۲۷۷۶	۱۷۰۲۱	۱۵۲۹۹
گیلان	گیلان	۴۳۳۵	۳۶۲۷	۲۱۳۳	۳۳۷۳	۵۱۳۶	۴۱۹۹
	آستارا						
مازندران	مازندران	۴۸۴۱	۵۱۷۱	۲۳۳۴	۳۸۹۷	۴۱۲۳	۴۷۳۶
	گرگان			۱۴۴۲	۲۲۶۷	۲۸۹۲	۲۶۷۱
آذربایجان شرقی	آذربایجان شرقی	۱۴۳	۴۷	۳۶	۶۶	۱۳۴	۶۹
آذربایجان غربی	آذربایجان غربی ـ ارومیه	۴۵۴۹	۲۷۴۰	۱۷۴۳	۱۹۱۱	۲۷۱۷	۲۰۹۳
	خوی			۶۰۵	۹۸۰	۱۲۲۰	۱۰۹۸
	میاباد			۱۲۴	۲۴۴	۳۸۹	۱۵۶
خوزستان	خوزستان	×	۲	×	×	×	×
کردستان	سقز	۲۳۵	۱۶۳	۱۸۸	۳۷	۴۱۰	۲۷۷

(۱)ـ توتون سیگار خریداری شرکت دخانیات در سالهای ۶۰ـ۱۳۵۵ منحصر ومحدود به استانها ومناطق یاد شده بوده است.
ماخذ ـ شرکت دخانیات ایران. گزارشهای سالهای ۶۰ـ۱۳۵۵.

تولید محصول خام تنباکوی خریداری شرکت دخانیات ایران برحسب استان ومنطقه: ۶۰ـ۱۳۵۵
(تن)

استان	منطقه دخانیات (۱)	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰
کل کشور		۲۰۹۶	۱۸۳۰	۳۹۸۲	۵۴۷۳	۶۰۸۸	۴۴۴۷
مرکزی	کاشان	۱۷۲	۱۵۲	۱۳۰	۲۳۳	۲۶۱	۱۲۴
فارس	فارس	۴۹۸	۳۲۹	۷۰۶	۷۹۵	۱۰۵۴	۴۲۳
کرمان	کرمان	×	۴	۱۹	۴۴	۱۸۷	۸
خراسان	خراسان	۲۰۹	۴۰۲	۱۳۲	۲۶۹	۴۱۳	۳۷۷
اصفهان	اصفهان	۸۸۵	۶۹۳	۲۲۶۳	۳۳۸۰	۲۶۰۸	۲۴۰۵
	گلپایگان			۳۸۹	۵۳۸	۱۱۹۲	۸۳۵
سیستان وبلوچستان	زاهدان	×	×	۲۱	۶	۷۴	۸۱
بوشهر	برازجان	۲۳۹	۱۶۱	۲۵۹	۱۱۱	۱۷۲	۱۴۷
زنجان	زنجان	×	×	+	۱۱	×	×
سمنان	شاهرود	۹۲	۸۷	۶۴	۸۹	۹۵	۴۷
هرمزگان	هرمزگان	×	۲	×	×	۳۲	×

(۱)ـ تنباکوی خریداری شرکت دخانیات در سالهای ۶۰ـ ۱۳۵۵ منحصر ومحدود به استانها ومناطق یاد شده بوده است.
ماخذ ـ شرکت دخانیات ایران. گزارشهای سالهای ۶۰ـ۱۳۵۵.

مقدارو ارزش واردات محصولات و فرآورده های کشاورزی برحسب فصول تعرفه گمرکی : ۵۹ – ۱۳۵۵

(تن – هزاریال)

فصول تعرفه گمرکی	شـــرح	۱۳۵۵ مقدار	۱۳۵۵ ارزش
۰۶	نباتات ومحصولات گلکاری	۵۴۳	۱۸۷۷۱۸
۰۷	سبزیجات ونباتات و ریشه وغده های زیرخاکی – خوراکی	۵۹۳۳۲	۱۰۰۹۸۳۶
۰۸	میوه های خوراکی– پوست مرکبات، پوست خربزه وهمانند	۴۷۱۵۶۶	۱۱۳۹۷۰۸۷
۰۹	قهوه – چای – ادویه وهمانند	۲۳۴۳۹	۲۸۰۴۲۰۴
۱۰	غلات	۱۲۲۷۰۷۵	۲۰۹۲۷۵۷۶
۱۱	محصولات آردسازی– مالت – نشاسته گلوتن – اینولین – و همانند	۴۳۲۱۸	۸۹۲۸۳۷
۱۲	دانه ومیوه های روغن دار دانه وبذر ومیوه های گوناگون – نباتات صنعتی و دارویی– و همانند	۹۱۷۰	۷۴۲۱۹۹
۱۳	مواد اولیه نباتی برای رنگرزی یا دباغی– انگها– صمغها وسایر شیره ها و عصاره های نباتی	۱۳۷۶	۱۱۲۶۷۵
۱۴	مواد قابل بافت وتراش پذیر وسایر محصولات نباتی که درجای دیگر گفته نشده باشد	۶۳	۳۲۱۵
۱۷	قند ، شکروشیرینی	۲۶۶۲۲۱	۱۷۱۱۸۰۶۸
۱۸	کاکائو وفرآورده های آن	۱۹۵۹	۳۵۰۱۸۶
۱۹	فرآورده های غلات یا آرد یا نشاسته یا فکول– نانهای شیرینی	۵۹۲۸	۸۷۰۸۸۱
۲۰	فرآورده های سبزی ونباتات جالیزی ومیوه ها وسایر نباتات	۹۰۱	۶۳۳۰۳
۲۴	توتون وتنباکو	۱۰۱۸۶	۵۰۶۸۶۶۳
۵۴	کتان ورامی ومنسوجات حاصله	۱۵۱	۴۲۹۱۶
۵۵	پنبه ومنسوجات حاصله	۱۴۹۸۲	۴۷۲۳۰۹۰

مقدارو ارزش واردات محصولات ... (دنباله)

فصول تعرفه گمرکی	۱۳۵۶ مقدار	۱۳۵۶ ارزش	۱۳۵۷ مقدار	۱۳۵۷ ارزش	۱۳۵۸ مقدار	۱۳۵۸ ارزش	۱۳۵۹ مقدار	۱۳۵۹ ارزش
۰۶	۸۱۲	۳۵۵۲۴۰	۶۶۱	۵۳۸۶۲۷	۲۶۴	۱۵۵۹۱۵	۸۱	۴۲۳۶۹
۰۷	۳۹۶۸۵	۱۳۰۷۳۹۲	۱۷۳۱۹	۶۴۸۸۱۱	۲۵۳۶۰	۱۲۶۵۲۰۹	۳۲۳۲	۲۲۱۳۸۸
۰۸	۲۰۸۹۴۷	۵۱۷۰۵۲۰	۶۷۹۳۳	۱۷۴۴۰۰۸	۵۲۸۳	۳۲۱۰۹۴	۱۸۴۰	۱۰۴۷۸۳
۰۹	۲۴۱۴۵	۴۰۱۰۶۷۹	۱۷۷۹۰	۳۵۹۱۱۹۲	۳۶۰۶۶	۶۰۸۱۸۸۰	۱۳۴۳۳	۲۴۷۷۲۹۴
۱۰	۲۶۶۰۰۶۴	۳۸۵۴۴۰۳۲	۱۹۹۲۲۲۸	۲۶۶۶۶۲۳۵	۱۶۷۳۰۰۶	۲۸۸۶۱۳۱۷	۲۲۹۹۳۹۷	۳۷۷۶۴۳۵۵
۱۱	۱۶۵۵۲	۳۷۶۰۱۷	۱۳۳۰۵	۲۷۳۴۸۵	۱۷۳۷۶۷	۱۹۹۸۹۷۴	۴۹۳۳۶	۸۷۵۸۵۵
۱۲	۸۵۲۹	۹۳۲۲۹۴	۶۶۷۸	۸۳۰۶۲۰	۸۱۹۸	۱۳۹۹۶۴۷	۱۲۲۱۴	۱۶۹۴۴۹۹
۱۳	۴۴۱	۷۹۴۶۱	۳۱۳	۴۹۵۱۱	۴۵۱	۱۰۰۷۰۸	۲۱۳	۵۸۶۴۲
۱۴	۱۱۵	۹۳۲۷	۷۸	۱۴۰۰۵	۴۶	۳۲۲۷	۲۲	۵۶۴۱
۱۷	۴۵۸۳۴۹	۱۱۷۶۲۷۴۱	۲۵۲۳۳۶	۴۱۶۶۹۳۱	۱۲۸۱۹۷۳	۲۰۵۴۷۲۴۶	۳۸۲۱۷۸	۹۹۹۲۱۵۹
۱۸	۲۲۵۳	۶۰۹۵۳۹	۱۶۷۱	۴۶۲۴۱۲	۱۴۸۰	۵۳۳۷۶۳	۷۳۹	۲۴۸۰۴۰
۱۹	۶۸۱۰	۱۰۷۳۳۶۴	۵۱۵۲	۸۱۷۸۵۶	۷۱۲۶	۱۱۱۰۲۸۹	۳۸۵۵	۸۵۲۴۵۸
۲۰	۱۷۷۳	۱۱۷۲۹۶	۵۲۷۳	۱۹۸۱۷۳	۷۲۴	۶۶۶۳۴	۳۰۱	۴۸۴۸۶
۲۴	۷۵۴۸۰۵	۲۹۹۳۸۴۲۰	۱۱۸۰۷	۷۱۵۵۶۸۵	۴۷۲۸	۳۵۲۴۳۲۰	۱۰۱۰۸	۳۲۹۷۸۵۱
۵۴	۱۵۹	۷۳۹۲۵	۱۰۳	۴۱۸۴۹	۳۶	۳۴۰۶۶	۴۹	۴۴۲۷۵
۵۵	۴۳۸۵۴	۱۵۳۵۱۵۸۸	۱۴۶۷۵	۵۸۰۱۱۵۰	۵۶۷۰	۲۱۸۳۹۵۷	۵۰۴۰	۳۵۹۸۹۶۳

ماخذ – گمرک ایران . آمار بازرگانی خارجی ایران ، سالنامه های ۵۹– ۱۳۵۵ .

مقدارو ارزش صادرات محصولات وفرآوردههای کشاورزی برحسب فصول تعرفه گمرکی : ۵۹ ـ ۱۳۵۵
(تن ـ هزار ریال)

فصول تعرفه‌گمرکی	شرح	۱۳۵۵	
		مقدار	ارزش
۰۶	نباتات ومحصولات گلکاری	۲۳۳	۲۴۹۴
۰۷	سبزیجات و نباتات وریشه وغدههای زیرخاکی ـ خوراکی	۱۲۸۲۴	۱۴۴۳۶۹
۰۸	میوههای خوراکی ـ پوست مرکبات،پوست خربزه وهمانند	۱۰۳۳۶۴	۴۹۵۱۴۸۲
۰۹	قهوه ـ چای ـ ادویه وهمانند	۸۷۴۰	۴۸۰۷۴۸
۱۰	غلات	۷۳۹	۱۳۹۲۰
۱۱	محصولات آردسازی ـ مالت ـ نشاسته ـ گلوتن ـ اینولین وهمانند	۶۰۹	۳۰۴۱۷
۱۲	دانه ومیوههای روغن داردانه وبذرومیوههای گوناگون ـ نباتات صنعتی ودارویی ـ کاه ـ نوالهوهمانند	۲۱۲۲۷	۳۶۷۵۷۲
۱۳	مواداولیه نباتی برای رنگرزی یادباغی انگمها ـ صمغها وسایرشیرههاوعصارههای نباتی	۵۹۱۷	۸۳۸۶۷۷
۱۴	موادقابل بافت وتراش پذیروسایرمحصولات نباتی که درجای دیگرگفتهنشدهباشد	۴۲۵	۱۵۸۶
۱۷	قند ـ شکرو شیرینی	۲	۱۰۲
۱۸	کاکائو وفرآوردههای آن	۰	۰
۱۹	فرآوردههای غلات یاآردیانشاسته یافکول ـ نانهای شیرینی	۶۲۰۶	۷۹۶۴۳۸
۲۰	فرآوردههای سبزی ونباتات جالیزی ومیوه هاوسایرنباتات	۲۱۲	۱۱۲۴۳
۲۴	توتون و تنباکو	۷۷	۱۳۰۴۱
۵۴	کتان ورامی ومنسوجات حاصله	۴	۷۶۶
۵۵	پنبه ومنسوجات حاصله	۱۰۰۸۲۲	۸۶۷۸۲۱۱

مقدارو ارزش صادرات ... (دنباله)
(تن ـ هزار ریال)

فصول تعرفه‌گمرکی	۱۳۵۶		۱۳۵۷		۱۳۵۸		۱۳۵۹	
	مقدار	ارزش	مقدار	ارزش	مقدار	ارزش	مقدار	ارزش
۰۶	۶۸۷	۷۷۷۸	۷۳۹	۱۹۷۱۶	۱۰۶۹	۱۳۰۴۲	۲۶	۱۳۲۴
۰۷	۳۷۵۵۹	۳۸۸۴۳۷	۱۶۱۲۱	۱۹۶۳۷۸	۱۷۶۵۱	۲۴۷۳۸۷	۲۴۵۷	۳۶۴۱۰
۰۸	۱۳۴۷۳۷	۸۴۰۱۲۰۰	۱۰۶۲۳۸	۵۲۷۰۲۴۲	۱۲۱۳۸۲	۸۰۶۶۸۷۷	۲۷۶۴۳	۴۴۱۱۵۸۱
۰۹	۷۹۱۴	۵۴۶۵۹۷	۷۵۴۳	۶۵۳۲۰۱	۴۴۲۰	۴۸۰۱۸۲	۲۴۳۱	۲۹۲۶۹۱
۱۰	۹۱۴	۲۳۲۵۴	۳۷۲	۱۹۰۲۷	۱۷۸	۳۷۲۳	۱۳۴	۲۸۷۸
۱۱	۲۷۴	۸۰۴۰	۸۳	۱۴۲۲	۶۰۲	۳۲۶۷	۷۶	۵۲۴۶
۱۲	۲۷۸۹۱	۵۰۱۴۵۱	۱۸۴۴۹	۳۳۷۶۸۷	۱۶۹۹۷	۳۶۶۱۰۰	۲۸۴۴	۱۶۰۶۳۱
۱۳	۸۲۹۵	۱۴۸۴۹۴	۵۹۸۱	۸۵۷۵۱۶	۴۴۷۳	۸۵۶۳۶۵	۲۹۲۹	۴۶۱۹۲۲
۱۴	۱۰۶۲	۳۶۳۲	۱۵۵۱	۹۴۷۱۵	۱۳۴۹	۱۱۳۴۶۲	۱۱۸۲	۱۱۲۸۰۴
۱۷	۳۶۳۳۸	۷۴۴۱۴	۱۲۰	۱۱۵۲۱	۵۲	۱۰۹۰۱	۵۱	۹۱۷۱
۱۸	۵۱	۲۸۶۸	۳۲۴۴	۶۰۷۱۵۹	۶۳	۹۰۸۰	۳۰۰	۵۷۴۵۰
۱۹	۹۳۰۷	۱۳۹۱۴۸۴	۴۹۷۸	۶۵۲۲۲۷	۲۴۱۴	۳۶۷۴۶۳	۱۰۷۱	۱۸۵۶۱۴
۲۰	۱۳۷	۵۹۸۳	۸۶	۳۰۰۶	۶۲	۲۹۴۵	۲۰	۶۰
۲۴	۱۵۰	۲۶۸۷۸	۱۳۷	۳۹۳۵۲	۸۰	۲۹۲۳۶	۲۳	۱۲۹۴۷
۵۴	۷	۹۵۹	۱	۳۶	۱	۳۰	۰	۰
۵۵	۶۹۶۵۱	۶۷۹۵۶۱۰	۶۸۲۳۴	۷۲۵۲	۶۶۳۵۵	۵۴۷۹۱۱۹	۳۸۶۸	۳۷۷۶۵۱

ماخذ ـ گمرکات ایران .آمار بازرگانی خارجی ایران ، سالنامههای ۵۹ـ۱۳۵۵ .

مقدار و ارزش تفصیلی واردات برخی از محصولات کشاورزی برحسب کد و شرح تعرفه کالاها: ۱۳۵۹
(کیلوگرم ـ ریال)

کد	شرح تعرفه	وزن	ارزش
۱۰/۰۱ ا	گندم سخت	۷۱۸۰۸۹۴۹۴	۷۱۸۰۸۹۴۹۴۰
۱۰/۰۱ ب	متل، مخلوطی از گندم و چاودار	۱۴۳۶۶۸۹۴۳	۱۴۳۶۶۹۲۲۰۰
۱۰/۰۳	جو	۳۸۷۹۸۵۰۲۷	۵۲۵۷۷۵۶۰۳۸
۱۰/۰۵	ذرت	۶۴۷۰۲۵۷۰۴	۸۹۳۵۲۴۳۸۸۵
۱۰/۰۶ ا	شلتوک به صورت خوشه یا دانه	۱۰۰۹۵۰	۲۰۳۹۱۹۰
۱۰/۰۶ ب	برنج پوست کند مولی یا پوست داخلی	۳۷۶۶۳۸۵۴۴	۱۳۹۱۱۴۳۸۶۷۱
۱۰/۰۶ ج	برنج نیمه سفید کرده یا سفید کرده حتی صیقلی یا براق	۲۵۷۱۹۷۵۷	۱۰۳۶۹۸۲۳۹۸
۱۰/۰۷ ب	ذرت خوشه‌ای	۱۱۳۷	۳۱۰۱۳۱
۱۱/۰۱ ا	آرد گندم یا متل	۸۰۲۷۱۵۲	۲۸۹۴۱۲۶۰۶
۱۱/۰۱ ب ۲	آرد ذرت	۳۰۰۰۰۰	۸۶۳۵۲۳۴
۱۱/۰۲ ا	بلغور ـ اما چو پله گندم	۳۴۷۹۴۴۹۲	۳۶۶۰۶۷۲۹۰
۱۱/۰۲ ب	بلغور ـ اما چو پله غلات غیر گندم	۳۷۹۶۷۵۵	۸۶۴۳۰۷۳۹
۱۱/۰۲ ج	دانه‌های پوست کنده یا لفشیا خرد شده یا پهن شده و همچنین دانه‌های ورقمند، جوانه غلات حتی بشکل آرد به استثنای برنج. شلتوک پوست کنده و برنج سفید کرده و یا به صورت خرد برنج	۱۷۸۷۲۲	۱۷۱۷۱۳۹۰
۱۱/۰۸	نشاسته و فکول ـ اینولین	۱۶۱۹۷۶۹	۴۲۳۲۱۶۹۵
۱۲/۰۱ و	تخم پنبه ـ پنبه دانه، حتی خرد شده	۱۰۸۸۶۸۱	۲۳۹۰۰۲۸۰
۱۲/۰۳ ا	تخم چغندر	۱۰۲۱۷۱۶	۱۷۹۵۵۶۷۲۲
۱۵/۰۷ ب	روغن پنبه دانه	۱۷۳۳۶	۲۵۵۰۹۶۹
۱۷/۰۱ ب ا	شکر تصفیه شده	۳۷۸۹۰۲۶۴۹	۹۸۷۱۶۴۹۱۰۹
۱۷/۰۲ ب ۲	قند	۸۴۸۷	۲۲۹۵۰۵
۱۷/۰۲ ا ـ ۱	گلوکز	۳۲۱۸۷۲	۱۱۳۳۸۰۸۰۸
۱۷/۰۲ ا ـ ۲	مالتوز	۱۵۰۰	۴۱۵۲۹۹
۱۷/۰۲ ا ـ ۳	لاکتوز	۱۹۷۸۸	۲۳۹۱۱۵۴
۱۷/۰۲ ا ـ ۵	قندهای غیر مذکور	۲۳۰۷۸	۲۷۴۶۸۸۱
۱۷/۰۴ ج	سایر شیرینی‌های بدون کاکائو	۱۶۴۵	۸۰۰۰۰
۱۹/۰۲ ا،	عصاره‌های مالت	۴۹۵۰۵۸	۹۷۶۴۲۳۴۱
۱۹/۰۲ ب	فرآورده‌ها برای تغذیه کودکان یا برای مصارف پرهیزی یا طباخی که اساس آن آرد یا نشاسته یا فکول یا ـ عصاره مالت باشد حتی اگر بر حسب وزن کمتر از ۵۰ درصد کاکائو مخلوط داشته باشد	۳۲۵۴۸۵۴	۷۴۵۶۸۱۵۷۷
۱۹/۰۳	ماکارونی و اسپاگتی و فرآورده‌های مشابه	۶۵۱۶۴	۴۷۸۹۶۳۱
۱۹/۰۸	محصولات خبازی ظریف و محصولات نان شیرینی سازی و بیسکویت سازی حتی دارای کاکائو به هر نسبت	۲۰۲۱۵	۲۷۱۴۱۶۴
۲۱/۰۶ ا	خمیرمایه به صورت پودر یا تازه	۱۱۵۹۳۵	۲۰۰۰۸۳۰۹
۲۴/۰۱ ا	توتون و تنباکو از نوع ویرجینیا ـ با برگ دور سر بریده خشک کرده در سوار با کمک هوای گرم	۱۱۰	۶۵۰۲۰
۲۴/۰۱ د	توتون و تنباکو که دور برگ آن جزء "یاکلا" بریده شده باشد	۱۵۵۰۰	۲۸۲۲۶۶۴
۲۴/۰۱ ه	آخال توتون و تنباکو خام یا ساخته	۳۰	۹۳۰
۲۴/۰۲ ا	سیگار برگ، با نضمام آنهائیکه نوک آن بریده است ـ سیگاریلو	۴۸۵۴۷۹	۱۷۵۱۹۶۰۷۰
۲۴/۰۲ ب	سیگار	۷۰۸۳۷۲۳	۲۵۱۳۵۰۷۷۶۸
۲۴/۰۲ ج ۱	توتون برای سیگارو یا برای چپق و پیپ	۱۶۹۸۸۸۲	۴۰۰۲۵۵۷۹۸
۲۴/۰۲ ج ۳	توتون و تنباکوی جویدنی، ناسو و نوار، انفیه	۲۰۰۴۹	۳۸۳۲۰۱۵
۲۴/۰۲ ج ۴	توتونهای ساخته غیر مذکور	۸۰۴۱۵۳	۲۰۲۱۷۰۵۵۳

ماخذ ـ گمرک ایران، آمار بازرگانی خارجی ایران، سالنامه ۱۳۵۹.

مقدار و ارزش تفصیلی صادرات برخی از محصولات کشاورزی برحسب کد و شرح تعرفه کالاها : ۱۳۵۹

کد	شرح تعرفه	وزن	ارزش
۱۱/۰۲ج	دانه‌های پوست کنده یا مقشر یا خرد شده یا پهن شده و همچنین دانه‌های ورقه شده ـ جوانه غلات حتی بشکل آرد ـ بجز استثنای برنج . شلتوک پوست کنده و برنج سفید کرده و یا به صورت خرده برنج	۲۵۴۸	۱۲۸۶۷۴
۱۲/۰۹	کاکائو پوست غلات ـ آماده نشده ـ خرد شده یا نشده	۵۳۸۸۴۹	۳۳۷۰۶۳۷
۱۲/۱۰	چغندر علوفه‌ای ـ شلغم سوئدی ـ ریشه‌های علوفه‌ای ـ خمیل ـ یونجه ـ اسپرس . شبدر . کلم علوفه‌ای . ترمس ـ بوته‌های ماش و سایر علوفه‌های همانند	۷۲۵۲۸۸	۱۸۴۶۲۶۴۶
۱۷/۰۴ج	سایر شیرینیهای بدون کاکائو	۱۱۲۷۵	۱۱۷۱۳۲۷
۱۸/۰۶ج	سایر فرآورده‌های خوراکی دارای کاکائو	۳۰۰۰۰۰	۵۷۴۴۹۵۶۸
۱۹/۰۵	محصولاتی کما ساس آن غلات باشد و با عمل پف کردن و یا تفت دادن بدست آمده باشد از قبیل برنجک یا برنج پوک شده و ذرت بوداده و همانند	۴۹۱۳۰۰	۹۴۳۷۰۱۵۶
۱۹/۰۷ب	نان ـ بیسکویتهای دریایی و سایر فرآورده‌های خبازی متعارفی بدون قند یا عسل یا تخم مرغ یا چربی یا پنیر و یا میوه ، فطیر ـ خمیرلاک و مهر ـ خمیر خشک شده آرد ـ خمیر خشک شده نشاسته یا فکول به صورت ورقه و محصولات همانند	۱۴۳۰۰	۱۵۹۹۱۵۴
۱۹/۰۸	محصولات خبازی ظریف و محصولات نان شیرینی سازی و بیسکویت سازی حتی دارای کاکائو بهر نسبت	۵۶۵۱۸۶	۸۹۶۴۵۰۲۱
۲۴/۰۱ ا	توتون و تنباکو از نوع ویرجینیا ـ با برگ دور نبریده خشک کرده در سشوار با کمک هوای گرم	۵۰۰۰	۲۵۰۵۰۷۰
۲۴/۰۱ب	توتون و تنباکو خام یا نساخته که دور آنها بریده نشده و آخال آن	۱۱۰۰۰	۶۱۹۵۱۶۰
۲۴/۰۱د	توتون و تنباکو که دور برگ آن جزء "یاکلا" بریده شده باشد	۳۲۰	۳۷۷۲۸۰
۲۴/۰۱هـ	آخال توتون و تنباکو خام یا نساخته	۸۱۳	۲۰۷۱۸۱
۲۴/۰۲ب	سیگار	۱۷	۱۷۳۰۰
۲۴/۰۲ج۴	توتون‌های ساخته غیرمذکور	۶۰۰۰	۳۴۲۴۶۰۰

ماخذ ـ گمرک ایران . آمار بازرگانی خارجی ایران ، سالنامه ۱۳۵۹ .

۲۴ـ تغییرات موجودی گندم سیلوهای کشور : ۶۰ـ۱۳۵۵
(تن)

سال	موجودی اول سال	خرید داخلی	واردات (رسیده از خارج به سیلوها)	جمع کل فروش داخلی	صادرات توسط سازمان غله	موجودی آخر سال
۱۳۵۵	۴۳۶۲۳۴	(۱)۷۹۳۹۰۰	۸۳۰۳۸۹	۱۶۴۹۰۴۹	۰	۴۱۸۷۰۰ **
۱۳۵۶	۴۱۸۷۰۰	۹۸۰۵۰۰	۱۲۷۴۶۷۸	۲۰۴۸۴۷۸	۰	۶۲۵۴۰۰
۱۳۵۷	۶۲۵۴۰۰	۷۵۰۰۰۰	۱۰۷۸۵۲۵	۲۰۵۱۱۲۵	۰	۴۰۲۸۰۰
۱۳۵۸	۴۰۲۸۰۰	۸۳۰۱۱۴	۱۰۶۸۶۹۳	۲۰۳۱۸۰۷	۰	۲۶۹۸۰۰
۱۳۵۹	۲۶۹۸۰۰	۴۵۲۳۰۹	۱۷۸۷۱۵۲	۲۳۴۶۹۷۲	۰	۱۶۲۲۸۹
۱۳۶۰	۱۶۲۲۸۹	۸۷۳۹۳۶	۱۹۴۵۰۰۰	۲۴۴۷۶۹۶	۰	۵۹۴۹۰ **

(۱)ـ علاوه بر مقدار فوق ، دولت حدود ۸۰ هزار تن گندم بذری و خارج استاندارد خوراک انسانی را برای مصرف دام و طیور خریداری نموده است .
ماخذ ـ سازمان غله کشور ، گزارشهای سالهای ۶۰ـ۱۳۵۵ .

تعداد تراکتور، کمباین وتیلر برحسب قابلیت استفاده دراستانها : ۱۳۵۸
(دستگاه)

استان	تراکتور		کمباین		تیلر	
	قابل‌استفاده	ازکارافتاده	قابل‌استفاده	ازکارافتاده	قابل‌استفاده	ازکارافتاده
کل کشور	۷۰۹۴۲	۴۶۶۵	۳۱۲۲	۲۸۰	۲۷۹۰۸	۳۳۹۸
مرکزی	۴۳۸۵	۶۴۶	۱۴۴	۳۴	۳۳۸	۶۰
گیلان	۱۶۹	۶	۰	۰	۱۶۲۸۹	۱۸۶۱
مازندران	۶۳۷۷	۲۵۵	۵۸۲	۱۸	۱۶۴۶۱	۱۲۰۹
آذربایجان شرقی	۱۰۷۱۰	۳۹۱	۲۶۳	۳۵	۱۲۵۰	۰
آذربایجان غربی	۹۳۹۹	۴۳۵	۵۵	۴۶	۲۶۰	۴۰
باختران	۲۰۶۷	۱۱۹	۸۴	۱	۰	۰
خوزستان	۲۴۱۵	۳۲۶	۷۷۶	۷۷	۳	۰
فارس	۴۰۳۸	۴۴۴	۴۰۲	۱۴	۱۲۸۴	۱۲۹
کرمان	۲۴۱۶	۳۰۱	۱۱	۴	۴۹۷	۷۱
خراسان	۹۲۲۹	۳۶۴	۲۳۴	۹	۶۰۷	۱
اصفهان	۳۶۴۹	۲۰۸	۹۶	۱۶	۱۹۵	۱۶
سیستان‌وبلوچستان	۱۰۶۵	۱۱۶	۱۳	۰	۰	۰
کردستان	۳۳۷۱	۱۲۶	۲۷۷	۱۸	۰	۰
همدان	۲۸۴۹	۱۲۲	۷۴	۳	۰	۰
چهارمحال وبختیاری	۱۰۷۸	۵۷	۰	۰	۰	۰
لرستان	۲۱۳۳	۱۵۹	۰	۰	۰	۰
ایلام	۳۸۴	۱۳	۹	۲	۱	۰
بویراحمدوکهگیلویه	۱۸۳	۱۷	۵۹	۰	۰	۰
بوشهر	۳۱۳	۲۲	۰	۰	۱۲	۵
زنجان	۲۰۹۵	۲۰۱	۶	۳	۰	۰
سمنان	۱۱۹۹	۸۷	۳۷	۰	۵۷۴	۳
یزد	۵۵۳	۳۲	۰	۰	۱۳۷	۳
هرمزگان	۸۶۵	۲۱۸	۰	۰	۰	۰

ماخذ ـ مرکز آمارایران .

سطح زیر کشت انواع محصولات کشاورزی در مناطق روستائی به تفکیک استان : ۱۳۶۰
(هکتار)

استان	گندم (آبی)		گندم (دیم)		جو (آبی)		جو (دیم)		انواع برسمح	
	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد
کل کشور	۱۷۴۳۰۳۵	۱۰۰/۰	۴۴۹۳۳۸۴	۱۰۰/۰	۵۶۰۹۳۴	۱۰۰/۰	۱۸۱۹۶۴۳	۱۰۰/۰	۴۲۲۵۲۲	۱۰۰/۰
آذربایجان شرقی	۱۶۰۴۶۵	۹/۲	۵۳۰۱۸۳	۱۱/۸	۴۳۹۳۵	۷/۸	۲۶۰۴۴۶	۱۴/۳	۲۵۴۵	۰/۶
آذربایجان غربی	۷۴۳۳۰	۴/۳	۹۵۴۶۶	۲/۱	۱۶۷۰۷	۳/۰	۲۴۰۵۰	۱/۳	۴۲۱	۰/۱
اصفهان	۱۰۴۲۷۳	۶/۰	۳۵۴۱۸	۰/۸	۳۱۴۵۵	۵/۶	۱۱۰۲۰	۰/۶	۲۵۱۱	۰/۶
ایلام	۶۶۵۹	۰/۴	۶۳۵۹۱	۱/۴	۱۸۳۲	۰/۳	۳۹۶۲۰	۲/۲	۳۴۴	۰/۱
باختران	۳۴۰۶۵	۲/۰	۲۳۶۸۲۶	۵/۳	۶۳۶۰	۱/۱	۶۵۰۶۲	۳/۶	۱۲	۰/۰
بوشهر	۱۸۳۹	۰/۲	۱۴۹۹۰۶	۳/۳	۱۱۹۵	۰/۲	۷۰۸۵۲	۳/۹	۰	۰
تهران	۵۴۴۴۶	۳/۱	۸۲۱۵	۰/۲	۱۶۰۶۰	۲/۹	۳۱۸۱	۰/۲	۰	۰
چهارمحال و بختیاری	۳۷۱۴۵	۲/۱	۷۲۰۵۲	۱/۶	۸۴۸۲	۱/۵	۳۲۰۶۸	۱/۸	۲۱۰۴	۰/۵
خراسان	۳۱۷۷۱۷	۱۸/۲	۹۴۵۴۶۴	۲۱/۰	۱۴۶۳۸۳	۲۶/۱	۳۷۱۰۰۷	۲۰/۴	۲۷۲	۰/۱
خوزستان	۱۳۳۰۶۴	۷/۶	۳۶۲۲۷۶	۸/۱	۴۴۲۹۸	۷/۹	۱۴۶۹۵۳	۸/۱	۱۴۷۰۷	۳/۵
زنجان	۸۱۸۲۵	۴/۷	۳۸۸۱۲۳	۸/۶	۲۷۹۶۰	۵/۰	۱۵۸۰۴۷	۸/۷	۲۲۲۳	۰/۵
سمنان	۲۵۵۵۲	۱/۵	۹۷۹۶	۰/۲	۸۲۵۲	۱/۵	۷۷۷۵	۰/۴	۰	۰
سیستان و بلوچستان	۶۸۲۹۶	۳/۹	۱۷۹۶	۰/۱	۱۱۶۵۹	۲/۱	۳۸۶	۰/۰	۱۴۲۰	۰/۳
فارس	۲۲۰۴۰۳	۱۲/۶	۲۲۶۰۶۱	۵/۰	۶۰۹۸۷	۱۰/۹	۱۶۶۱۷۵	۹/۱	۲۹۴۵۳	۷/۰
کردستان	۱۲۰۷۳	۰/۷	۳۲۲۰۴۲	۷/۲	۱۸۹۳	۰/۳	۳۲۳۸۴	۱/۹	۷۱	۰/۰
کرمان	۸۷۷۴۸	۵/۰	۴۵۴۵	۰/۱	۲۹۱۶۲	۵/۲	۳۲۰۰	۰/۲	۳	۰/۰
کهکیلویه و بویراحمد	۸۴۲۳	۰/۵	۶۲۹۳۷	۱/۴	۶۷۵	۰/۲	۲۴۱۲۰	۱/۳	۲۵۸۸	۰/۶
گیلان	۹۴۵	۰/۱	۲۶۳۵۰	۰/۶	۳۴۰	۰/۱	۱۱۸۰۶	۰/۶	۲۰۲۸۳۵	۴۸/۰
لرستان	۹۱۱۴۴	۵/۲	۲۵۸۶۸۲	۵/۸	۱۴۱۹۰	۲/۵	۹۶۱۰۹	۵/۳	۵۳۰	۰/۱
مازندران	۲۱۲۶۲	۱/۲	۲۷۳۴۷۲	۶/۱	۱۱۱۹۹	۲/۰	۱۹۵۹۳۵	۱۰/۸	۱۶۰۴۸۳	۳۸/۰
مرکزی	۹۹۸۸۰	۵/۷	۱۵۳۸۸۲	۳/۴	۴۶۸۱۵	۸/۳	۲۰۱۵۳	۱/۱	۰	۰
هرمزگان	۸۳۰۳	۰/۵	۱۹۲۸۷	۰/۴	۲۵۰۸	۰/۴	۹۸۶۶	۰/۵	۰	۰
همدان	۸۱۸۶۵	۴/۷	۲۴۶۹۷۴	۵/۵	۲۶۹۱۹	۴/۸	۶۷۴۲۷	۳/۷	۰	۰
یزد	۱۱۳۰۲	۰/۶	۳۳	۰/۰	۱۶۶۸	۰/۳	۱	۰/۰	۰	۰

استان	سایر غلات (آبی)		سایر غلات (دیم)		انواع لوبیا (آبی)		انواع لوبیا (دیم)		انواع نخود (آبی)	
	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد
کل کشور	۱۸۸۵۸	۱۰۰/۰	۱۷۲۵۵	۱۰۰/۰	۴۱۹۱۱	۱۰۰/۰	۵۵۶۲	۱۰۰/۰	۳۸۸۲۹	۱۰۰/۰
آذربایجان شرقی	۳۸۴	۲/۰	۴۳۷۱	۲۵/۳	۳۰۵۳	۷/۳	۱۹۷	۳/۵	۲۶۳۰	۶/۸
آذربایجان غربی	۹۳	۰/۵	۲۴۳	۱/۴	۴۸۸	۱/۲	۶۱	۱/۱	۵۰۲۱	۱۲/۹
اصفهان	۳۲۱۶	۱۷/۱	۰	۰	۱۸۲۴	۴/۲	۲۶	۰/۵	۱۳۲۴	۳/۴
ایلام	۱۲۳	۰/۷	۰	۰	۵۱	۰/۱	۷	۰/۱	۱۲۵	۰/۳
باختران	۴۰۹	۲/۲	۱۳۴	۰/۸	۱۱۰۰	۲/۶	۶۷	۱/۲	۵۱۲	۱/۳
بوشهر	۰	۰	۰	۰	۱۱	۰/۰	۰	۰	۰	۰
تهران	۷۳۴	۳/۹	۱۰	۰/۱	۷۱۵	۱/۷	۰	۰	۵۳۱	۱/۴
چهارمحال و بختیاری	۷۴	۰/۴	۰	۰	۵۰۳	۱/۲	۸	۰/۱	۱۰۱۸	۲/۶
خراسان	۳۲۴۶	۱۷/۱	۲۸	۰/۲	۲۳۱۰	۵/۵	۳۲۰	۵/۸	۴۸۰۲	۱۲/۴
خوزستان	۱۶۴۰	۸/۷	۰	۰	۲۶۰۱	۶/۲	۱۵	۰/۳	۹	۰/۰
زنجان	۲۹۵	۱/۶	۲۸۴	۱/۶	۲۴۹۶	۶/۱	۵۶	۱/۰	۳۲۰۱	۸/۲
سمنان	۲۰۵	۱/۱	۰	۰	۳۸۳	۰/۹	۲۰۹	۳/۸	۳۰۷	۰/۸
سیستان و بلوچستان	۶۶۱	۳/۵	۱۰۸۵	۶/۳	۴	۰/۰	۰	۰	۱	۰/۰
فارس	۱۹۳۴	۱۰/۳	۰	۰	۴۰۳۴	۹/۶	۳	۰/۱	۹۴۱۲	۲۴/۲
کردستان	۱۹	۰/۱	۱۲	۰/۱	۷۵	۰/۲	۶	۰/۱	۲۴۸	۰/۶
کرمان	۱۹۷۵	۱۰/۵	۰	۰	۲۹۶۹	۷/۱	۳۶	۰/۶	۳۳۶۹	۸/۲
کهکیلویه و بویراحمد	۳۱	۰/۲	۰	۰	۲۳	۰/۱	۰	۰	۲۲۷	۰/۶
گیلان	۴	۰/۰	۴۱۰	۲/۴	۳۰۴	۰/۷	۱۴۲۹	۲۵/۷	۱۶	۰/۰
لرستان	۳۴۹	۱/۹	۵۲	۰/۳	۸۹۲۰	۲۱/۳	۲۸۶	۵/۱	۱۵۸۷	۴/۱
مازندران	۳۱۵۳	۱۶/۶	۹۵۵۴	۵۵/۳	۶۴۰	۱/۵	۲۷۷۳	۴۹/۸	۸۳	۰/۲
مرکزی	۶۳	۰/۳	۱۷	۰/۱	۶۸۰۰	۱۶/۲	۰	۰	۱۹۶۱	۵/۲
هرمزگان	۱۲۴	۰/۷	۱۰۳۵	۶/۰	۱۴۱	۰/۳	۰	۰	۱۶	۰/۰
همدان	۸	۰/۰	۲۰	۰/۱	۲۳۰۹	۵/۷	۶۵	۱/۲	۲۳۰۴	۵/۹
یزد	۱۱۲	۰/۶	۰	۰	۵۷	۰/۱	۰	۰	۱۲۵	۰/۴

استان	انواع نخود (دیم)		سایر حبوبات (آبی)		سایر حبوبات (دیم)		آفتابگردان (آبی)		آفتابگردان (دیم)	
	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد
کل کشور	۱۹۲۳۵۳	۱۰۰/۰	۳۵۲۹۰	۱۰۰/۰	۶۳۰۴۰	۱۰۰/۰	۲۰۴۰۳	۱۰۰/۰	۱۳۶۵۴	۱۰۰/۰
آذربایجان شرقی	۲۷۳۵۳	۱۴/۲	۳۶۵۶	۱۰/۴	۲۴۵۲۴	۳۸/۸	۱۰۷۰	۵/۲	۱۵۵	۱/۱
آذربایجان غربی	۲۲۶۶۲	۱۱/۸	۱۴۷	۰/۴	۶۶	۰/۱	۹۹۴۳	۴۸/۷	۵۵	۰/۴
اصفهان	۴۱۷	۰/۲	۱۴۹۴	۴/۲	۱۱۲	۰/۲	۶۳۹	۳/۱	۴۱	۰/۳
ایلام	۲۱۱۷	۱/۱	۴۹۸	۱/۴	۱۹۰	۰/۳	۲	۰/۰	۰	۰
باختران	۵۴۱۱۷	۲۸/۱	۴۹۷	۱/۴	۱۵۳۲	۲/۴	۱۷۵	۰/۹	۳۰۲	۲/۲
بوشهر	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
تهران	۴۹۴	۰/۳	۱۹۵	۰/۶	۱۱۲	۰/۲	۹۷	۰/۵	۱	۰/۰
چهارمحال و بختیاری	۳۲۶	۰/۲	۷۸۴	۲/۲	۲۹۷	۰/۵	۲	۰/۰	۰	۰
خراسان	۲۵۰۲۸	۱۳/۰	۱۰۲۷	۲/۹	۵۶۰۶	۸/۹	۸۵۴	۴/۲	۱۵۸۸	۱۱/۶
خوزستان	۰	۰	۵۲۷۶	۱۵/۰	۴	۰/۰	۲	۰/۰	۰	۰
زنجان	۱۱۵۰۸	۶/۰	۲۳۳۱	۶/۶	۱۳۴۲۷	۲۱/۲	۱۷۳	۰/۸	۱۰۲	۰/۷
سمنان	۸۸	۰/۰	۱۴۴	۰/۴	۷۳۶	۱/۲	۱۳۶	۰/۷	۲۳۰۹	۱۶/۹
سیستان و بلوچستان	۰	۰	۶۱۶	۱/۷	۲۳۶	۰/۴	۱	۰/۰	۰	۰
فارس	۹۰۶۰	۴/۷	۶۹۹۲	۱۹/۸	۲۷۹۷	۴/۴	۱۳۱۵	۶/۴	۰	۰
کردستان	۳۳۳۲	۱/۷	۱۱۴	۳/۰	۱۶۱	۰/۳	۵۶	۰/۳	۵۵۹	۴/۲
کرمان	۳۲۰	۰/۲	۲۴۳۷	۶/۹	۰	۰	۲۲۷۶	۱۱/۲	۰	۰
کهکیلویه و بویراحمد	۳۶۷	۰/۲	۵۷۲	۱/۶	۲۲۸	۰/۴	۰	۰	۰	۰
گیلان	۱۲۹	۰/۱	۱۱۵	۰/۳	۲۱۲۱	۳/۴	۰	۰	۹۷	۰/۷
لرستان	۱۳۰۱۷	۶/۸	۳۱۸۸	۹/۰	۲۱۲۸	۳/۴	۲۶	۰/۱	۰	۰
مازندران	۵۹۰	۰/۳	۴۱۲۹	۱۱/۷	۵۱۵۱	۸/۲	۲۷۸۲	۱۳/۶	۸۴۴۵	۶۱/۹
مرکزی	۱۳۲۲۸	۶/۹	۳۱۹	۰/۹	۱۰۸۹	۱/۷	۴۸۳	۲/۴	۰	۰
هرمزگان	۰	۰	۱۴۷	۰/۵	۳۳	۰/۱	۱۵	۰/۱	۰	۰
همدان	۸۱۱۶	۴/۲	۵۹۰	۱/۷	۲۴۷۰	۳/۹	۵۳	۰/۳	۰	۰
یزد	۴۴	۰/۰	۲۲	۰/۱	۰	۰	۲۰۲	۱/۵	۰	۰

استان	سوزا (آبی)		سوزا (دیم)		سایر دانه‌های روغنی (آبی)		سایر دانه‌های روغنی (دیم)		انواع پنبه (آبی)	
	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد
کل کشور	۹۹۹۹	۱۰۰/۰	۲۳۲۸۳	۱۰۰/۰	۱۶۷۵۷	۱۰۰/۰	۷۲۲۹	۱۰۰/۰	۱۴۵۶۴۸	۱۰۰/۰
آذربایجان شرقی	۱	۰/۰	۰	۰	۳۳۶	۲/۰	۶۹۹	۹/۸	۳۲۲۸	۲/۲
آذربایجان غربی	۴	۰/۰	۰	۰	۳۳	۰/۲	۱۰۶	۱/۵	۰	۰
اصفهان	۲	۰/۰	۰	۰	۲۹۱	۱/۷	۰	۰	۳۴۹۳	۲/۴
ایلام	۰	۰	۰	۰	۱	۰/۰	۰	۰	۰	۰
باختران	۵	۰/۱	۵۰	۰/۲	۵	۰/۰	۰	۰	۴۴	۰/۰
بوشهر	۰	۰	۰	۰	۷۴	۰/۴	۰	۰	۰	۰
تهران	۰	۰	۰	۰	۱۸	۰/۱	۰	۰	۳۲۳۶	۲/۲
چهارمحال و بختیاری	۰	۰	۰	۰	۷۵	۰/۴	۰	۰	۰	۰
خراسان	۲۱	۰/۲	۱۴	۰/۱	۱۱۵۹	۶/۹	۳۰۳۹	۴۲/۰	۴۲۶۸۴	۲۹/۳
خوزستان	۲۵	۰/۳	۰	۰	۶۱۹۷	۳۷/۰	۷	۰/۱	۱۲۹	۰/۱
زنجان	۳	۰/۰	۰	۰	۳۰	۰/۲	۶۸	۰/۹	۴۲۷	۰/۳
سمنان	۱	۰/۰	۰	۰	۱۰۹	۰/۷	۰	۰	۲۷۵۵	۱/۹
سیستان و بلوچستان	۰	۰	۰	۰	۳۴	۰/۲	۰	۰	۵	۰/۰
فارس	۲۱	۰/۲	۰	۰	۴۸۱۵	۲۸/۷	۱۸	۰/۲	۱۶۴۹۲	۱۱/۳
کردستان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
کرمان	۰	۰	۰	۰	۲۲۵۱	۱۳/۴	۰	۰	۳۹۳۰	۲/۷
کهکیلویه و بویراحمد	۰	۰	۰	۰	۲	۰/۰	۰	۰	۰	۰
گیلان	۰	۰	۱۶	۰/۱	۰	۰	۷	۰/۱	۰	۰
لرستان	۱۶۱۶	۱۶/۲	۰	۰	۳۲	۰/۲	۱	۰/۰	۲۳	۰/۰
مازندران	۸۲۹۶	۸۳/۰	۲۳۲۰۳	۹۹/۶	۲۱۸	۱/۳	۳۲۵۴	۴۵/۰	۶۲۱۲۰	۴۲/۷
مرکزی	۴	۰/۰	۰	۰	۹۹	۰/۶	۳۰	۰/۴	۶۵۴۴	۴/۵
هرمزگان	۰	۰	۰	۰	۴۹۵	۳/۰	۰	۰	۱	۰/۰
همدان	۰	۰	۰	۰	۲۶	۰/۲	۰	۰	۸۵	۰/۱
یزد	۰	۰	۰		۴۵۹	۲/۸	۰	۰	۴۶۲	۰/۳

استان	انواع سبد (دسم)		سایرنباتات لیفی (آبی)		سایرنباتات لیفی (دیم)		چغندرقند		انواع توتون (آبی)	
	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد
کل کشور	۳۶۵۰۹	۱۰۰/۰	۴۴۸	۱۰۰/۰	۴۸	۱۰۰/۰	۱۶۲۰۳۷	۱۰۰/۰	۹۲۹۵	۱۰۰/۰
آذربایجان شرقی	۰	۰	۳۰	۶/۷	۷	۱۴/۶	۶۴۱	۰/۴	۶۶	۰/۷
آذربایجان غربی	۰	۰	۸	۱/۸	۰	۰	۲۰۴۶	۱/۳	۳۵۰۷	۳۷/۷
اصفهان	۰	۰	۱۲	۲/۷	۰	۰	۱۲۱۰۷	۷/۵	۳	۰/۰
ایلام	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۸۸	۰/۱	۴۳	۰/۵
باختران	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۶۰۸۸	۳/۸	۸۱	۰/۹
بوشهر	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
تهران	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۶۱۵	۱/۶	۰	۰
چهارمحال وبختیاری	۰	۰	۴	۰/۹	۰	۰	۱۳۸۰	۰/۹	۰	۰
خراسان	۱۱۴۵	۳/۲	۱۰	۲/۲	۰	۰	۸۸۹۴۷	۵۴/۹	۰	۰
خوزستان	۰	۰	۲۰۸	۴۶/۴	۰	۰	۱۶۴۲	۱/۰	۰	۰
زنجان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴۴۲۸	۳/۷	۰	۰
سمنان	۰	۰	۲	۰/۴	۰	۰	۱۸۵۴	۱/۱	۰	۰
سیستان وبلوچستان	۶	۰/۰	۰	۰	۰	۰	۴	۰/۰	۰	۰
فارس	۰	۰	۵۴	۱۲/۲	۰	۰	۲۴۷۹۸	۱۵/۲	۰	۰
کردستان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵	۰/۰	۷۰۴	۷/۶
کرمان	۰	۰	۷۴	۱۶/۵	۰	۰	۳۴۲۴	۲/۱	۴۴	۰/۵
کهکیلویه وبویراحمد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴۳۰	۰/۳	۰	۰
گیلان	۰/۰	۰	۰	۰	۳۱/۲	۱۵	۰	۰	۰	۰
لرستان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۱۳۴	۱/۳	۲۸	۰/۳
مازندران	۹۶/۸	۳۵۳۵۷	۴۰	۸/۹	۵۴/۲	۲۶	۱	۰/۰	۴۷۰۸	۵۰/۶
مرکزی	۰	۰	۵	۱/۱	۰	۰	۱۹۱۴	۱/۲	۰	۰
هرمزگان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
همدان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۷۱۵۶	۴/۴	۱۱۱	۱/۲
یزد	۰	۰	۱	۰/۲	۰	۰	۳۳۵	۰/۲	۰	۰

سطح زیر کشت انواع محصولات کشاورزی . . . (دنباله)

استان	سبزمینی (آبی)		سبزمینی (دیم)		پیاز (آبی)		پیاز (دیم)		گوجه‌فرنگی (آبی)	
	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد
کل کشور	۱۱۳۳۴۸	۱۰۰/۰	۳۱۹۸	۱۰۰/۰	۲۸۲۵۲	۱۰۰/۰	۲۹۳۸	۱۰۰/۰	۴۹۷۰۳	۱۰۰/۰
آذربایجان شرقی	۲۵۱۷۷	۲۲/۳	۴۸۶	۱۵/۲	۴۸۲۳	۱۷/۲	۰	۰	۲۵۴۲	۵/۱
آذربایجان غربی	۳۷۱۹	۳/۲	۲	۰/۱	۲۶۸	۰/۹	۰	۰	۱۳۴۹	۲/۷
اصفهان	۱۴۲۱۹	۱۲/۵	۰	۰	۱۶۷۳	۵/۹	۰	۰	۱۳۴۶	۲/۷
ایلام	۳	۰/۰	۰	۰	۴۲	۰/۱	۰	۰	۲۱۷	۰/۴
باختران	۹۱۰	۰/۸	۰	۰	۲۸۷	۱/۰	۰	۰	۹۳۶	۱/۹
بوشهر	۵	۰/۰	۰	۰	۱۱۴۱	۴/۰	۰	۰	۱۰۲۱	۲/۱
تهران	۴۸۹۳	۴/۳	۱۳	۰/۴	۴۱۴	۱/۵	۰	۰	۷۸۹۸	۱۵/۸
چهارمحال و بختیاری	۲۴۷۱	۲/۲	۰	۰	۳۲	۰/۱	۰	۰	۱۶۲	۰/۳
خراسان	۸۹۵۷	۷/۹	۵۷	۱/۸	۱۷۰۳	۶/۰	۰	۰	۴۳۶۸	۸/۸
خوزستان	۲۵۷	۰/۲	۰	۰	۲۴۰۱	۸/۵	۰	۰	۷۹۷۳	۱۶/۰
زنجان	۱۱۸۴۸	۱۰/۵	۱	۰/۰	۲۰۶۸	۷/۳	۱	۰/۰	۲۰۷۲	۴/۲
سمنان	۶۲۶۵	۵/۵	۰	۰	۱۸۰	۰/۶	۰	۰	۱۸۸	۰/۴
سیستان و بلوچستان	۱۵۶	۰/۱	۰	۰	۵۵۴	۲/۰	۰	۰	۴۵۵	۰/۹
فارس	۳۵۱۸	۳/۲	۰	۰	۳۱۱۶	۱۱/۰	۰	۰	۳۹۷۴	۸/۰
کردستان	۲۱۵۷	۱/۹	۰	۰	۳۲۹	۱/۳	۰	۰	۲۳۰	۰/۵
کرمان	۵۶۹۱	۵/۰	۰	۰	۸۲۹	۲/۹	۰	۰	۹۷۶	۲/۰
کهکیلویه و بویراحمد	۴۲	۰/۰	۰	۰	۱۰۳	۰/۴	۰	۰	۹۷	۰/۲
گیلان	۲۶۷	۰/۲	۹۶۵	۳۰/۲	۲۹	۰/۱	۱۰۳۵	۳۵/۳	۲۹	۰/۱
لرستان	۲۱۳۵	۱/۹	۰	۰	۴۹۳	۱/۷	۰	۰	۲۶۱۵	۵/۳
مازندران	۷۷۳۴	۶/۸	۱۶۷۳	۵۲/۳	۳۹۸	۱/۴	۱۹۰۱	۶۴/۷	۹۲۳	۱/۹
مرکزی	۵۲۴۱	۴/۶	۰	۰	۱۱۸۷	۴/۲	۱	۰/۰	۸۰۲	۱/۶
هرمزگان	۶۹۳	۰/۶	۰	۰	۵۳۵۵	۱۹/۰	۰	۰	۸۷۶۳	۱۷/۶
همدان	۶۶۹۸	۵/۹	۱	۰/۰	۷۳۹	۲/۶	۰	۰	۶۱۶	۱/۲
یزد	۲۹۲	۰/۳	۰	۰	۸۸	۰/۳	۰	۰	۱۵۱	۰/۳

استان	انواع توتون (دیم)		تنباکو (آبی)		تنباکو (دیم)		نباتات حالیری (آبی)		نباتات حالیری (دیم)	
	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد
کل کشور	۶۶۸۱	۱۰۰/۰	۵۶۱۰	۱۰۰/۰	۲۱	۱۰۰/۰	۱۹۲۶۴۶	۱۰۰/۰	۲۳۷۵۰۸	۱۰۰/۰
آذربایجان شرقی	۲۲	۰/۳	۹	۰/۲	۱۷	۸۱/۰	۵۳۸۹	۲/۸	۵۳۱۷	۲/۲
آذربایجان غربی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵۹۷۸	۳/۱	۲۱۵	۰/۱
اصفهان	۰	۰	۱۱۰۲	۱۹/۶	۰	۰	۹۶۰۲	۵/۰	۲۱	۰/۰
ایلام	۰	۰	۱۰	۰/۲	۰	۰	۱۴۱۶	۰/۷	۲۷	۰/۰
باختران	۰	۰	۷۰	۱/۲	۰	۰	۹۶۵	۰/۵	۱۶۶	۰/۱
بوشهر	۰	۰	۱۷۹۲	۳۱/۹	۰	۰	۶۲۰	۰/۳	۲۷۵	۰/۱
تهران	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۰۱۳۴	۵/۳	۰	۰
چهارمحال و بختیاری	۰	۰	۳۳۴	۶/۰	۰	۰	۴۱۷	۰/۲	۰	۰
خراسان	۰	۰	۶۰۶	۱۰/۸	۰	۰	۳۸۹۴۶	۲۰/۲	۱۹۰۸۰۸	۸۰/۳
خوزستان	۰	۰	۹	۰/۲	۰	۰	۲۱۵۹۹	۱۱/۲	۳۸	۰/۰
زنجان	۰	۰	۲۴	۰/۴	۱	۴/۷	۲۱۸۱	۱/۱	۳۷۲۱	۱/۶
سمنان	۰	۰	۳۴	۰/۶	۰	۰	۸۴۲۹	۴/۴	۵۱۰۰	۲/۱
سیستان و بلوچستان	۰	۰	۱۵۳	۲/۷	۰	۰	۱۳۴۶۲	۷/۰	۲۶	۰/۰
فارس	۰	۰	۸۷۵	۱۵/۶	۰	۰	۲۳۸۴۷	۱۲/۵	۱۰۵	۰/۱
کردستان	۰	۰	۲	۰/۰	۰	۰	۴۴۴	۰/۲	۱۷۸	۰/۱
کرمان	۰	۰	۱۰۲	۱/۹	۰	۰	۱۴۳۰۸	۷/۴	۱۲	۰/۰
کهکیلویه و بویراحمد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۹۴	۰/۰	۰	۰
گیلان	۵۰۵۴	۷۵/۷	۰	۰	۰	۰	۴۰	۰/۰	۵۹۱۴	۲/۵
لرستان	۰	۰	۲	۰/۰	۰	۰	۴۳۵۴	۲/۳	۲۱	۰/۰
مازندران	۱۶۰۵	۲۴/۰	۰	۰	۰	۰	۴۴۹۴	۲/۳	۱۷۶۵۹	۷/۵
مرکزی	۰	۰	۸۳	۱/۵	۰	۰	۷۲۰۵	۳/۷	۳۰۱۶	۱/۳
هرمزگان	۰	۰	۳۷۴	۶/۷	۳	۱۴/۳	۱۲۳۶۴	۶/۵	۱۰۳	۰/۰
همدان	۰	۰	۲۹	۰/۵	۰	۰	۴۰۵۷	۲/۱	۴۷۶۸	۲/۰
یزد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۳۰۱	۱/۲	۱۸	۰/۰

سطح زیرکشت انواع محصولات کشاورزی ... (دنباله)
(هکتار)

استان	گوجه‌فرنگی (دیم)		سایرسبزیجات (آبی)		سایرسبزیجات (دیم)		یونجه‌واسپرس (آبی)		یونجه‌واسپرس (دیم)	
	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد
کل‌کشور	۳۶۴۷	۱۰۰/۰	۳۲۰۰۷	۱۰۰/۰	۹۷۰۱	۱۰۰/۰	۳۷۹۵۹۳	۱۰۰/۰	۵۶۴۸۴	۱۰۰/۰
آذربایجان شرقی	۹	۰/۲	۹۴۹	۳/۰	۶۰	۰/۶	۱۰۶۴۸۵	۲۸/۱	۴۶۲۸۰	۸۱/۹
آذربایجان غربی	۰	۰	۶۶۸	۲/۱	۰	۰	۳۵۳۲۲	۹/۳	۱۴۳۷	۲/۵
اصفهان	۰	۰	۳۰۰۶	۹/۴	۰	۰	۲۴۹۷۵	۶/۶	۱۴۶	۰/۳
ایلام	۰	۰	۵۳	۰/۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰
باختران	۳	۰/۱	۶۸	۰/۲	۰	۰	۳۰۶۷	۰/۸	۳	۰/۰
بوشهر	۰	۰	۹۵۸	۳/۰	۰	۰	۷	۰/۰	۰	۰
تهران	۰	۰	۴۹۸۳	۱۵/۶	۰	۰	۱۱۸۲۸	۳/۱	۱۶۸	۰/۳
چهارمحال‌وبختیاری	۰	۰	۱۸	۰/۱	۰	۰	۵۴۴۳	۱/۴	۰	۰
خراسان	۳	۰/۱	۲۷۲۹	۸/۵	۲	۰/۰	۲۵۵۴۶	۶/۷	۹۳۵	۱/۷
خوزستان	۰	۰	۴۲۲۰	۱۳/۵	۰	۰	۱۱۳۹	۰/۳	۰	۰
زنجان	۰	۰	۷۴۰	۲/۳	۰	۰	۶۳۲۶۱	۱۶/۷	۶۷۹۶	۱۲/۰
سمنان	۰	۰	۱۸۰	۰/۶	۰	۰	۲۳۵۰	۰/۶	۰	۰
سیستان‌وبلوچستان	۲۵	۰/۷	۲۷۲	۰/۸	۰	۰	۳۹۳۹	۱/۰	۱۳	۰/۰
فارس	۰	۰	۲۶۹۴	۸/۴	۰	۰	۷۹۵۴	۲/۱	۰	۰
کردستان	۰	۰	۵۲	۰/۲	۰	۰	۱۶۱۱۳	۴/۲	۰	۰
کرمان	۰	۰	۷۹۳	۲/۵	۰	۰	۱۶۹۳۹	۴/۵	۰	۰
کهکیلویه‌وبویراحمد	۰	۰	۱۳	۰/۰	۰	۰	۵۳۸	۰/۲	۰	۰
گیلان	۱۲۸۱	۳۵/۱	۲۹	۰/۱	۲۵۹۴	۲۶/۷	۱۰۴	۰/۰	۲۳۷	۰/۴
لرستان	۰	۰	۷۱۹	۲/۲	۵	۰/۱	۸۴۲۵	۲/۳	۲۲	۰/۰
مازندران	۲۳۲۶	۶۳/۸	۱۰۸۲	۳/۴	۷۰۴۰	۷۲/۶	۱۸۴۷	۰/۵	۱۶۴	۰/۳
مرکزی	۰	۰	۹۴۰	۲/۹	۰	۰	۱۶۶۸۵	۴/۴	۲۵	۰/۱
هرمزگان	۰	۰	۵۱۷۳	۱۶/۱	۰	۰	۴۹	۰/۰	۰	۰
همدان	۰	۰	۵۲۵	۱/۶	۰	۰	۲۵۶۱۷	۶/۷	۲۵۸	۰/۵
یزد	۰	۰	۱۰۴۳	۳/۲	۰	۰	۱۹۶۰	۰/۵	۰	۰

استان	شبدر (آبی)		شبدر (دیم)		سایر نباتات علوفه‌ای (آبی)		سایر نباتات علوفه‌ای (دیم)		سایر محصولات سالانه (آبی)	
	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد
کل کشور	۴۴۰۵۳	۱۰۰/۰	۱۵۰۷	۱۰۰/۰	۴۲۸۹۱	۱۰۰/۰	۴۸۵۸۵	۱۰۰/۰	۳۳۳۳۲	۱۰۰/۰
آذربایجان شرقی	۸۳۱	۱/۹	۹۷۷	۶۴/۸	۲۹۸۱	۷/۰	۱۵۰۸۸	۳۱/۰	۱۵۱۱	۴/۵
آذربایجان غربی	۹۰۶	۲/۱	۰	۰	۱۲۰۵۵	۲۸/۰	۳۶۱۰	۷/۴	۳۲۴	۱/۰
اصفهان	۵۶۰۸	۱۲/۷	۲	۰/۱	۳۲۰۸	۷/۵	۵	۰/۰	۴۲۸	۱/۳
ایلام	۰	۰	۰	۰	۱۲	۰/۰	۳۵	۰/۱	۰	۰
باختران	۶۳۴۹	۱۴/۴	۵	۰/۳	۳۷۰	۰/۹	۲۱۸۲	۴/۵	۳۶۵	۱/۱
بوشهر	۳	۰/۰	۰	۰	۱۴	۰/۰	۰	۰	۱۱۷	۰/۴
تهران	۷۹۲	۱/۸	۰	۰	۴۱۲۶	۹/۶	۲۸۰	۰/۶	۴۶۰	۱/۴
چهارمحال و بختیاری	۷۷۵۸	۱۷/۶	۰	۰	۱۹۳۰	۴/۵	۳۵۰۸	۷/۲	۳۵	۰/۱
خراسان	۱۲۷۴	۲/۹	۰	۰	۲۷۵۷	۶/۴	۳	۰/۰	۱۲۱۵۵	۳۶/۵
خوزستان	۱۲۱	۰/۳	۱۰۰	۶/۶	۵۹۲	۱/۴	۵	۰/۰	۱۲۵۳۱	۳۷/۶
زنجان	۷۵۸	۱/۷	۱۵	۱/۰	۷۵۹	۱/۸	۷۸۹	۱/۶	۱۲۰	۰/۴
سمنان	۱۰۷	۰/۲	۰	۰	۲۱۶	۰/۵	۵۰	۰/۱	۲۳۲	۰/۷
سیستان و بلوچستان	۵۰۸	۱/۲	۰	۰	۱۴۸۴	۳/۵	۳۶۵	۰/۸	۷۸	۰/۲
فارس	۱۵۰۲	۳/۴	۰	۰	۴۲۴۹	۹/۹	۳۱	۰/۱	۳۶۷	۱/۱
کردستان	۱۹۴۶	۴/۴	۰	۰	۵۹	۰/۱	۳۶۹	۰/۸	۳۱	۰/۱
کرمان	۰	۰	۰	۰	۷۷۵	۱/۸	۰	۰	۲۴۷۵	۷/۴
کهکیلویه و بویراحمد	۲۳۶	۰/۵	۰	۰	۲۶	۰/۱	۰	۰	۲	۰/۰
گیلان	۲۴۱	۰/۵	۱۳۰	۸/۹	۱۳۹۸	۳/۳	۴۷	۰/۱	۶۴۸	۱/۹
لرستان	۶۵۱۱	۱۴/۹	۰	۰	۱۱۳۲	۲/۶	۳۷۶۲	۷/۷	۵۸	۰/۲
مازندران	۱۴۴	۰/۳	۲۷۴	۱۸/۳	۱۲۸۶	۳/۰	۹۸۰۹	۲۰/۲	۱۹۷	۰/۶
مرکزی	۳۳۴۹	۷/۶	۰	۰	۱۴۴۷	۳/۴	۲۵۲۹	۵/۲	۱۴۳	۰/۴
هرمزگان	۰	۰	۰	۰	۳۷	۰/۱	۰	۰	۴۴۱	۱/۳
همدان	۵۱۰۹	۱۱/۶	۰	۰	۱۰۸۸	۲/۵	۶۱۱۸	۱۲/۶	۴۳۷	۱/۳
یزد	۰	۰	۰	۰	۸۹۰	۲/۱	۰	۰	۱۷۷	۰/۵

استان	انگور (آبی)		انگور (دیم)		انواع سیب (آبی)		انواع سیب (دیم)		انار (آبی)	
	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد
کل کشور	۱۶۶۷۸۰	۱۰۰/۰	۴۶۹۵۰	۱۰۰/۰	۱۴۰۶۷۲	۱۰۰/۰	۱۳۰۲	۱۰۰/۰	۳۱۷۹۶	۱۰۰/۰
آذربایجان شرقی	۱۵۸۱۵	۹/۵	۱۶	۰/۰	۲۱۳۸۵	۱۵/۲	۴۳	۳/۳	۱۰۸	۰/۳
آذربایجان غربی	۱۳۳۰۲	۸/۱	۱۴۰	۰/۳	۲۴۵۹۸	۱۷/۵	۰	۰	۰	۰
اصفهان	۶۵۶۰	۳/۹	۱۵	۰/۰	۷۹۵۷	۵/۷	۰	۰	۴۲۲۰	۱۳/۳
ایلام	۵۵	۰/۰	۰	۰	۳۰	۰/۰	۰	۰	۳۸	۰/۱
باختران	۳۴۶۰	۱/۵	۱۵۳	۰/۳	۱۴۱۳	۱/۰	۰	۰	۵۱۴	۱/۶
بوشهر	۱۷	۰/۰	۷	۰/۰	۵	۰/۰	۰	۰	۸۲	۰/۳
تهران	۸۷۶۰	۵/۴	۷۳۹	۱/۶	۱۵۲۰۱	۱۰/۸	۰	۰	۱۱۴۹	۳/۶
چهارمحال و بختیاری	۴۴۱۰	۲/۶	۰	۰	۹۰۹	۰/۶	۰	۰	۸۱	۰/۳
خراسان	۳۶۴۲۲	۲۱/۸	۱۱۴۵۶	۲۴/۳	۳۲۶۳۹	۲۳/۱	۳	۰/۲	۳۷۵۹	۱۱/۸
خوزستان	۶۱۱	۰/۴	۰	۰	۲۵۳	۰/۲	۰	۰	۱۱۲۹	۳/۶
زنجان	۲۹۰۳۱	۱۷/۴	۳۶۸۸	۷/۹	۶۲۷۳	۴/۵	۲۲	۱/۷	۱۷۵۵	۵/۵
سمنان	۱۳۹۷	۰/۸	۰	۰	۸۴۱	۰/۶	۰	۰	۷۵۲	۲/۴
سیستان و بلوچستان	۱۲۴۷	۰/۷	۰	۰	۱۵۲	۰/۱	۰	۰	۴۸۹	۱/۵
فارس	۷۶۱۰	۴/۶	۲۶۳۹۶	۵۶/۱	۹۳۸۴	۶/۷	۴	۰/۳	۷۱۳۹	۲۲/۵
کردستان	۵۲۳۶	۳/۱	۱۲۰۷	۲/۶	۲۰۶	۰/۱	۰	۰	۱۵	۰/۰
کرمان	۱۳۰۸	۰/۸	۱۴۱۱	۳/۰	۱۳۷۵	۱/۰	۰	۰	۱۷۴۰	۵/۵
کهکیلویه و بویراحمد	۷۳۵	۰/۴	۵۰۰	۱/۱	۹۹۹	۰/۷	۰	۰	۵۳۱	۱/۷
گیلان	۱۵۵	۰/۱	۱۲۰	۰/۳	۲۸۹	۰/۲	۲۵۹	۱۹/۹	۱۰۹	۰/۳
لرستان	۳۱۲۸	۱/۹	۳۰	۰/۱	۶۷۱	۰/۵	۰	۰	۳۶۸	۱/۲
مازندران	۱۱۶	۰/۱	۷۵	۰/۲	۱۲۴۲۴	۸/۸	۹۷۱	۷۴/۶	۱۱۸	۰/۴
مرکزی	۱۳۷۰۳	۸/۲	۵۰۴	۱/۱	۲۲۲۳	۱/۶	۰	۰	۵۸۲۷	۱۸/۳
هرمزگان	۶۳	۰/۰	۰	۰	۲۷	۰/۰	۰	۰	۴۴	۰/۱
همدان	۱۴۰۷۷	۸/۲	۴۹۳	۱/۱	۱۲۴۶	۰/۹	۰	۰	۰	۰
یزد	۵۶۲	۰/۳	۰	۰	۲۶۲	۰/۲	۰	۰	۱۸۲۹	۵/۷

استان	سایر محصولات سالانه (دیم)		چای (آبی)		چای (دیم)		مرکبات (آبی)		مرکبات (دیم)	
	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد
کل کشور	۲۷۰۰۱	۱۰۰/۰	۱۵۷	۱۰۰/۰	۲۶۴۳۱	۱۰۰/۰	۵۳۳۲۲	۱۰۰/۰	۲۳۷۰۸	۱۰۰/۰
آذربایجان شرقی	۴۹۴	۱/۸	۰	۰	۰	۰	۳	۰	۰	۰
آذربایجان غربی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
اصفهان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۷	۰/۰	۰	۰
ایلام	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۰/۰	۰	۰
باختران	۱۵۱	۰/۶	۰	۰	۰	۰	۲	۰/۰	۰	۰
بوشهر	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۰۳۰	۳/۸	۰	۰
تهران	۹۵	۰/۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
چهارمحال و بختیاری	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
خراسان	۲۵۰۸۵	۹۲/۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
خوزستان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۶۸۴	۵/۰	۰	۰
زنجان	۷	۰/۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
سمنان	۷	۰/۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
سیستان و بلوچستان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۷۵۷	۱/۴	۱	۰/۰
فارس	۵۶	۰/۲	۰	۰	۰	۰	۱۰۸۸۳	۲۰/۴	۰	۰
کردستان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
کرمان	۵	۰/۰	۰	۰	۰	۰	۱۵۳۹۶	۲۸/۹	۵	۰/۰
کهکیلویه و بویراحمد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴۹۷	۰/۹	۰	۰
گیلان	۱۶۳	۰/۶	۱۵۳	۹۷/۵	۲۳۰۷۵	۸۷/۳	۰	۰	۲۸۹۳	۱۲/۲
لرستان	۱۲	۰/۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مازندران	۹۱۲	۳/۵	۴	۲/۵	۳۳۵۶	۱۲/۷	۶۱۳۲	۱۱/۵	۲۰۸۰۸	۸۷/۸
مرکزی	۸	۰/۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
هرمزگان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۴۹۲۸	۲۸/۱	۱	۰/۰
همدان	۶	۰/۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
یزد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

استان	انار (دیم)		پسته (آبی)		پسته (دیم)		خرما (آبی)		خرما (دیم)	
	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد
کل‌کشور	۱۷۴۲	۱۰۰/۰	۶۶۲۵۱	۱۰۰/۰	۱۱۰۲۷	۱۰۰/۰	۶۹۹۷۸	۱۰۰/۰	۱۹۱۲۳	۰/۰
آذربایجان شرقی	۲	۰/۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	
آذربایجان غربی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	
اصفهان	۰	۰	۱۹۹	۰/۳	۰	۰	۴۰۹	۰/۶	۲	
ایلام	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵	۰/۰	۰	
باختران	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۹	۰	۰	
بوشهر	۱	۰/۱	۰	۰	۰	۰	۱۲۲۶۱	۱۷/۵	۲۱۷۵	۱/۲
تهران	۰	۰	۲۳	۰/۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
چهارمحال‌وبختیاری	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
خراسان	۱۱	۰/۶	۶۹۳	۱/۱	۱۱۰۰۶	۹۹/۸	۲۳۶	۰/۳	۰	۰
خوزستان	۰	۰	۱۵	۰/۰	۰	۰	۱۰۱۳۱	۱۴/۵	۹۷	۰/۵
زنجان	۴۰	۲/۳	۳۲۷	۰/۵	۱۹	۰/۲	۰	۰	۰	۰
سمنان	۰	۰	۶۹۰	۱/۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰
سیستان‌وبلوچستان	۱	۰/۱	۰۸۶	۱/۶	۰	۰	۴۶۳۰	۶/۶	۱۱۱۸	۵/۸
فارس	۴۸۰	۲۷/۶	۲۱۲	۰/۳	۰	۰	۷۳۹۳	۱۰/۶	۱۴۲۴	۷/۶
کردستان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
کرمان	۳	۰/۲	۵۹۴۶۸	۸۹/۸	۰	۰	۱۲۱۲۷	۱۷/۳	۱۶۵۶	۸/۷
کهکیلویه‌وبویراحمد	۲۶	۱/۵	۰	۰	۰	۰	۶	۰/۰	۰	۰
گیلان	۷۷	۴/۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
لرستان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مازندران	۱۱۰۱	۶۳/۱	۱۱	۰/۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مرکزی	۰	۰	۶۰۳	۰/۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰
هرمزگان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۲۵۵۶	۳۲/۳	۱۲۶۳۱	۶۶/۰
همدان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
یزد	۰	۰	۲۹۲۴	۴/۲	۰	۰	۲۲۴	۰/۳	۰	۰

استان	بادام (آبی)		بادام (دیم)		زیتون (آبی)		ریتون (دیم)		سایر میوه‌ها (آبی)	
	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد
کل کشور	۲۹۰۵۹	۱۰۰/۰	۱۲۴۰۶	۱۰۰/۰	۱۹۶۶	۱۰۰/۰	۰	۰	۱۰۵۲۲۷	۱۰۰/۰
آذربایجان شرقی	۱۱۱۵۱	۳۸/۵	۵۸۲	۴/۷	۰	۰	۰	۰	۲۱۹۳۸	۲۰/۸
آذربایجان غربی	۷۴۲	۲/۶	۱۱۶	۰/۹	۰	۰	۰	۰	۹۶۰	۰/۹
اصفهان	۲۷۸۵	۹/۶	۲۰	۰/۲	۰	۰	۰	۰	۱۰۰۲۲	۹/۵
ایلام	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۰۳	۰/۱
باختران	۷۲	۰/۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۲۸۸	۱/۲
بوشهر	۱	۰/۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۷	۰/۰
تهران	۱۳	۰/۰	۱	۰/۰	۰	۰	۰	۰	۹۲۳۰	۸/۸
چهارمحال و بختیاری	۱۵۶۱	۵/۴	۳	۰/۰	۰	۰	۰	۰	۶۶۶	۰/۶
خراسان	۲۲۷۳	۷/۸	۶۱۲۸	۲۹/۵	۰	۰	۰	۰	۲۰۸۸۶	۱۹/۸
خوزستان	۲	۰/۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۳۲	۰/۲
زنجان	۱۰۵۵	۳/۶	۲۰۹	۱/۷	۱۳۰۴	۶۶/۲	۰	۰	۶۹۳۹	۶/۶
سمنان	۴۲	۰/۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳۲۸۱	۳/۲
سیستان و بلوچستان	۵	۰/۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۷۵	۰/۳
فارس	۳۱۰۳	۱۰/۷	۴۳۴۳	۳۵/۰	۵	۰/۳	۰	۰	۲۶۳۴	۳/۵
کردستان	۲۲	۰/۱	۵۲	۰/۴	۰	۰	۰	۰	۷۹۵	۰/۸
کرمان	۱۹۰۵	۶/۶	۶۱۹	۵/۰	۰	۰	۰	۰	۹۶۲۳	۹/۲
کهکیلویه و بویراحمد	۷	۰/۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳۹۲	۰/۴
گیلان	۰	۰	۱۰۹	۰/۹	۴	۳۳/۴	۰	۰	۲۳۴۶	۲/۲
لرستان	۹۴	۰/۳	۴	۰/۰	۰	۰	۰	۰	۴۸۱	۰/۵
مازندران	۲	۰/۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۹۵۴	۲/۸
مرکزی	۱۷۸۵	۰/۱	۳۸	۰/۳	۰	۰	۰	۰	۳۰۷۱	۲/۹
هرمزگان	۲	۰/۰	۰	۰	۱	۰/۱	۰	۰	۱۹۹	۰/۲
همدان	۴۶۹	۱/۶	۱۵۵	۱/۲	۰	۰	۰	۰	۴۱۱۵	۳/۹
یزد	۱۹۶۵	۶/۸	۲۲	۰/۲	۰	۰	۰	۰	۱۶۸۹	۱/۶

استان	سایر میوه‌ها (دیم)		قلمستان و درختان درجه‌ای غیرمثمر (آبی)		قلمستان و درختان درجه‌های غیرمثمر (دیم)		مساحت کاشت محدد وزیر درختی (آبی)		مساحت کاشت مجدد و زیر درختی (دیم)	
	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد
کل کشور	۲۴۲۶۷	۱۰۰/۰	۱۰۴۰۲۹	۱۰۰/۰	۲۲۰۵۱	۱۰۰/۰	۱۸۵۵۴۲	۱۰۰/۰	۳۵۴۵۰	۱۰۰/۰
آذربایجان شرقی	۲۷۸	۱/۱	۱۵۲۸۴	۱۴/۶	۱۳۲۳	۶/۰	۱۸۸۸۵	۱۰/۲	۱۰۰	۰/۳
آذربایجان غربی	۰	۰	۷۶۱۴	۷/۳	۰	۰	۱۸۳۲۳	۹/۹	۰	۰
اصفهان	۱	۰/۰	۵۷۷۱	۵/۵	۰	۰	۱۳۴۵۳	۷/۳	۰	۰
ایلام	۰	۰	۴۷۹	۰/۵	۷	۰/۰	۸۰۵	۰/۴	۶۰	۰/۲
باختران	۶	۰/۰	۴۶۸۵	۴/۵	۴	۰/۰	۶۵۱	۰/۴	۲	۰/۰
بوشهر	۰	۰	۱۷۲۷	۱/۷	۱۶۳	۰/۷	۹۴۳	۰/۵	۰	۰
تهران	۲	۰/۰	۲۹۶۶	۲/۹	۰	۰	۵۴۰۳	۲/۹	۰	۰
چهارمحال و بختیاری	۰	۰	۳۳۲۱	۳/۲	۰	۰	۹۶۲	۰/۵	۰	۰
خراسان	۲۱۹	۰/۹	۷۳۹۱	۷/۱	۱۵۱۵	۶/۹	۱۹۸۷۴	۱۰/۷	۱۰۸۰	۳/۰
خوزستان	۰	۰	۲۷۹	۰/۲	۰	۰	۱۹۱۵۳	۱۰/۳	۴۹	۰/۱
زنجان	۲۰۰	۰/۸	۱۳۴۸۸	۱۳/۰	۱۱۸	۰/۵	۵۱۳۳	۲/۷	۱۲۲۳	۳/۴
سمنان	۰	۰	۸۳۶	۰/۸	۰	۰	۱۳۶۲	۰/۷	۰	۰
سیستان و بلوچستان	۰	۰	۵۱۱	۰/۵	۰	۰	۸۰۴۳	۴/۳	۲۵	۰/۱
فارس	۱۱۸۵۱	۴۸/۹	۸۱۰۰	۷/۸	۲۳۲۵	۱۰/۶	۲۴۴۳۹	۱۳/۲	۱۹۵۶	۵/۵
کردستان	۲۸	۰/۱	۴۷۹۲	۴/۶	۰	۰	۱۶۰	۰/۱	۰	۰
کرمان	۲۵۶	۱/۱	۶۶۸۸	۶/۴	۰	۰	۷۳۳۶	۴/۰	۲	۰/۰
کهکیلویه و بویراحمد	۳۹	۰/۲	۶۸۳	۰/۷	۰	۰	۱۲۰۳	۰/۶	۲	۰/۰
گیلان	۸۶۱۷	۳۵/۵	۱۲۰	۰/۱	۱۱۷۲۰	۵۳/۱	۵۳	۰/۰	۱۸۴۸	۵/۳
لرستان	۰	۰	۳۸۱۰	۳/۷	۳۹	۰/۲	۶۲۵	۰/۳	۹۴	۰/۳
مازندران	۲۷۴۷	۱۱/۳	۹۰۸	۰/۹	۴۷۹۶	۲۱/۸	۲۱۱۲۱	۱۱/۴	۲۸۶۹۳	۸۰/۹
مرکزی	۱۴	۰/۱	۳۱۳۳	۳/۰	۱	۰/۰	۳۸۹۹	۲/۱	۸۰	۰/۲
هرمزگان	۰	۰	۳۳	۰/۰	۰	۰	۸۲۷۹	۴/۵	۰	۰
همدان	۴	۰/۰	۸۷۸۳	۸/۴	۴۰	۰/۲	۱۵۰۱	۰/۸	۲۳۵	۰/۷
یزد	۰	۰	۲۵۲۷	۲/۴	۰	۰	۳۹۳۴	۲/۱	۱	۰/۰

ماخذ : جهاد سازندگی ، کمیته آمار و برنامه ریزی ، آمارگیری روستائی جهاد سازندگی ، آبانماه ۱۳۶۰ ، سطح زیرکشت انواع محصولات کشاورزی در مناطق روستائی استانها و شهرستانهای کشور (نشریه شماره ۵) ، اسفند ۱۳۶۱

توزیع اراضی کشاورزی به تفکیک استان : ۱۳۶۰
(هکتار)

استان	آبش (آبی)		آبس (دیم)		کل زمینهای کشاورزی (آبی)		کل زمینهای کشاورزی (دیم)	
	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد	سطح	درصد
کل کشور	۱۷۲۹۷۰۶	۱۰۰/۰	۳۴۹۳۵۱۹	۱۰۰/۰	۶۴۶۰۸۹۲	۱۰۰/۰	۱۰۷۱۶۳۰۷	۱۰۰/۰
آذربایجان شرقی	۱۲۸۷۳۵	۷/۴	۵۳۵۸۱۵	۱۵/۳	۵۶۸۲۷۱	۸/۸	۱۴۵۴۶۴۹	۱۳/۶
آذربایجان غربی	۳۸۶۹۸	۲/۲	۶۵۷۱۹	۱/۹	۲۴۰۹۳۱	۳/۷	۲۱۳۹۴۸	۲/۰
اصفهان	۱۰۱۳۳۰	۵/۹	۲۸۰۰۱	۰/۸	۳۵۳۶۱۸	۵/۵	۷۵۲۴۷	۰/۷
ایلام	۸۷۱۷	۰/۵	۸۹۵۹۹	۲/۶	۲۰۱۴۴	۰/۳	۱۹۵۱۳۳	۱/۸
باختران	۱۰۰۴۳	۰/۶	۱۹۲۲۴۷	۵/۵	۸۲۵۶۶	۱/۳	۵۵۳۰۰۸	۵/۲
بوشهر	۱۵۲۴	۰/۱	۳۲۶۰۸	۰/۹	۲۵۵۰۶	۰/۴	۲۵۵۹۸۷	۲/۷
تهران	۵۱۲۹۹	۳/۰	۵۴۱۴	۰/۲	۲۰۷۲۴۱۳	۳/۲	۱۸۷۳۰	۰/۲
چهارمحال و بختیاری	۳۶۰۶۳	۲/۱	۷۴۸۸۵	۲/۱	۱۱۶۲۱۸	۱/۸	۱۸۳۱۴۷	۱/۷
خراسان	۴۰۲۷۱۰	۲۳/۲	۶۳۴۴۰۵	۱۸/۲	۱۱۹۵۶۰۸	۱۸/۵	۲۲۳۳۸۴۵	۲۰/۸
خوزستان	۵۱۸۲۷	۳/۰	۷۶۶۱۳	۲/۲	۳۰۸۸۵۱	۴/۸	۵۸۶۰۵۹	۵/۵
زنجان	۱۰۵۹۸۸	۶/۱	۳۹۰۴۳۵	۱۱/۱	۳۷۰۲۶۰	۵/۷	۹۷۶۴۵۴	۹/۱
سمنان	۴۶۸۶۸	۲/۷	۶۰۸۲	۰/۲	۱۱۱۳۲۶	۱/۷	۳۲۱۵۲	۰/۳
سیستان و بلوچستان	۱۹۲۱۳	۱/۱	(۱) ۷۹	۰/۰	۱۲۴۰۸۴	۱/۹	۵۱۱۲	۰/۰
فارس	۲۳۰۵۵۱	۱۳/۳	۱۳۲۳۴۳	۳/۸	۶۹۶۳۸۱	۱۰/۸	۵۸۱۵۴۱	۵/۴
کردستان	۶۷۲۰	۰/۴	۳۳۳۰۵۲	۹/۵	۵۴۲۴۸	۰/۸	۶۹۵۳۷۶	۶/۵
کرمان	۱۲۳۷۵۲	۷/۲	۱۷۴۰	۰/۰	۴۰۸۵۸۶	۶/۳	۱۳۸۰۶	۰/۱
کهکیلویه و بویراحمد	۳۹۱۸	۰/۲	۴۸۷۶۶	۱/۴	۲۰۶۸۷	۰/۳	۱۳۶۹۸۱	۱/۳
گیلان	۱۶۳۷	۰/۱	۲۷۸۲۰	۰/۸	۲۱۲۷۵۶	۳/۴	۱۳۲۶۴۷	۱/۲
لرستان	۷۵۸۶۱	۴/۲	۲۵۷۷۹۹	۷/۴	۲۳۳۹۹۹	۳/۶	۶۳۱۸۹۵	۵/۹
مازندران	۱۳۸۵۷	۰/۸	۶۱۹۰۲	۱/۸	۳۱۲۶۲۵	۴/۸	۶۶۸۱۸۸	۶/۳
مرکزی	۱۴۳۰۱۶	۸/۳	۱۸۵۲۲۵	۵/۳	۳۷۱۴۳۱	۵/۷	۳۷۹۶۹۰	۳/۵
هرمزگان	۱۲۸۲۲	۰/۷	۵۳۷۹	۰/۲	۸۷۳۹۵	۱/۴	۴۸۳۳۸	۰/۵
همدان	۱۰۰۶۲۳	۵/۸	۳۰۷۴۸۲	۸/۸	۲۹۲۲۵۳	۴/۶	۶۴۴۱۶۳	۶/۰
یزد	۱۳۹۳۲	۰/۸	۹۴	۰/۰	۴۳۷۲۵	۰/۷	۲۱۱	۰/۰

(۱) ـ این مقدار شامل آبش شهرستان چاه بهار نمی شود .

ماخذ ـ جهاد سازندگی . کمیته آمار و برنامه ریزی . آمارگیری روستایی جهاد سازندگی آبانماه ۱۳۶۰ . سطح زیر کشت انواع محصولات کشاورزی مناطق روستایی استانها و شهرستانهای کشور (نشریه شماره ۵) . اسفند ۱۳۶۱

استخراج از : نشریات مرکز آمار ایران

آمارکلی جنگلهای کشور (۱)
(هکتار)

شـــــرح	مساحت
جمع	۱۸۰۲۰۴۸۷
جنگلهای کرانه دریای مازندران	۳۴۲۰۴۸۷
جنگلهای بلوط غرب	۱۰۰۰۰۰۰۰
جنگلهای پسته (پراکنده درجنوب وشرق)	۲۴۰۰۰۰۰
جنگلهای کوهستانی آهکی (جنگلهای ارس)	۱۲۰۰۰۰۰
جنگلهای گرمسیری وکویری	۱۰۰۰۰۰۰

(۱)ــ آمار موضوع کرانه دریای مازندران براساس نشریه آماری جنگلهای شمال ایران با استفاده از عکسهای هوائی واندازه گیری نمونه های زمینی محاسبه گردیده است .
مساحت سایر مناطق جنگلی ایران از کتاب جنگلشناسی مرحوم کریم ساعی بنیان گزار جنگلبانی ایران اقتباس گردیده است .
ماخذ ــ سازمان جنگلها ومراتع کشور . دفتر طرح وبرنامه بودجه . آمار فعالیتهای انجام شده در سال ۱۳۵۷ . تهران : ۱۳۵۹ .

مساحت جنگلهای شمال به تفکیک جنگلی وغیرجنگلی
(کیلومترمربع)

شـــــرح	جمع	جنگلـــــی		غیرجنگلی
		تجارتی	غیرتجارتی	
مساحت	۳۴۲۰۵	۱۳۳۰۹	۲۹۹۰	۱۲۹۰۶
درصد	۱۰۰/۰	۳۸/۹	۸/۸	۵۲/۳

ماخذ ــ سازمان جنگلبانی ایران . آمار جنگلهای شمال ایران در سال ۱۳۴۳ ؛ تهران : ۱۳۴۳ .

مساحت انواع جنگلهای تجارتی شمال

نوع جنگـــــل	مساحت (کیلومترمربع)	درصد	نوع جنگـــــل	مساحت (کیلومترمربع)	درصد
جمع	۱۳۳۰۹	۱۰۰/۰			
راش	۲۳۳۰	۱۷/۵	سوزنی برگ	۶۴	۰/۵
بلوط	۸۷۵	۶/۶	مخلوط	۱۰۰۴۰	۷۵/۴

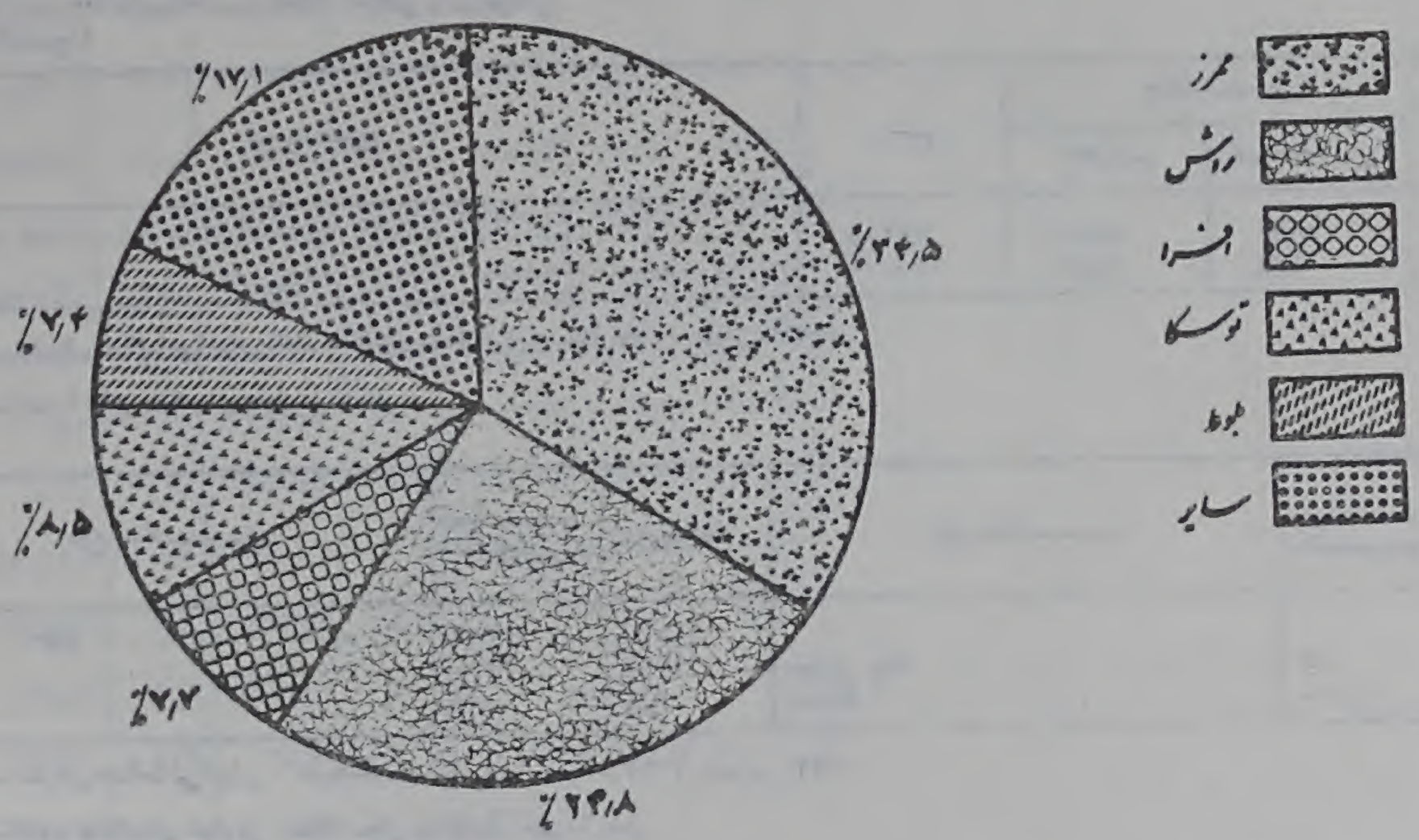
ماخذ ــ سازمان جنگلبانی ایران . آمار جنگلهای شمال ایران در سال ۱۳۴۳ . تهران : ۱۳۴۳ .

مساحت جنگلهای تجارتی منطقه شمال به تفکیک حوزه آبخیز
(کیلومترمربع)

حوزه آبخیـــــز	مساحت	درصد	حوزه آبخیـــــز	مساحت	درصد
جمع	۱۳۳۰۹	۱۰۰/۰	پلی رود	۶۱۳	۴/۶
کرگان وگنبدرود	۲۱۳۳	۱۶/۰	چالوس رود	۴۸۷	۳/۶
تجن رود	۱۹۱۷	۱۴/۴	هرازرود	۴۷۵	۳/۶
شهسواررود	۱۴۶۷	۱۱/۰	سرداب رود	۳۷۱	۲/۸
کجورود	۱۴۱۲	۱۰/۶	ناورود	۳۰۹	۲/۳
تالارود	۹۵۵	۷/۲	شفارود	۲۹۴	۲/۲
سفیدرود	۸۸۷	۶/۷	بابل رود	۲۰۵	۱/۵
نکارود	۷۸۲	۵/۹	لوه‌رود	۱۹۶	۱/۵
شفت رود	۶۷۷	۵/۱	قره سورود	۱۲۹	۱/۰

ماخذ ــ سازمان جنگلبانی ایران . آمار جنگلهای شمال ایران در سال ۱۳۴۳ . تهران : ۱۳۴۳ .

توزیع درصد حجم موجودی انواع درختان جنگلهای تجارتی شمال



استخراج از : نشریات مرکز آمار ایران

حجم کل موجودی جنگلهای تجارتی شمال برحسب نوع درخت وبه تفکیک طبقات قطر
(هزارمترمکعب)

نوع درخت	جمع	طبقات قطر (سانتیمتر)				
		۱۳–۲۹	۴۰–۴۹	۵۰–۶۹	۷۰–۸۹	۹۰ ببالا
جمع	۲۸۴۸۴۳	۲۹۰۱۲	۵۹۳۲۶	۷۴۱۷۱	۵۹۱۹۴	۶۳۱۲۹
ممرز	۹۸۳۶۸	۱۲۲۶۷	۲۱۱۶۴	۲۸۵۲۴	۲۰۴۲۳	۱۵۹۸۹
راش	۷۰۶۴۱	۴۰۵۳	۱۴۵۰۴	۲۱۶۳۹	۱۷۰۰۱	۱۳۴۴۶
توسکا	۲۴۲۹۷	۱۱۱۲	۳۴۶۶	۵۷۱۸	۵۹۴۱	۸۰۶۰
افرا	۲۱۹۷۶	۱۵۷۰	۴۱۴۳	۳۷۷۵	۴۲۲۸	۸۲۶۰
بلوط	۲۰۹۷۶	۹۰۶	۳۷۲۶	۶۶۰۷	۳۵۲۵	۵۲۱۲
نمدار	۱۲۶۲۵	۶۰۹	۱۹۱۱	۲۵۹۵	۲۳۹۵	۵۱۱۵
نارون	۱۱۶۱۹	۷۲۲	۱۵۱۲	۱۶۱۲	۲۱۰۰	۵۶۶۴
انجیلی	۸۹۰۱	۳۳۷۶	۲۶۹۰	۱۷۷۰	۸۶۱	۲۰۳
خرمندی	۶۰۱۱	۲۴۰۲	۲۹۰۲	۴۴۸	۱۴۱	۱۱۷
آزاد	۳۲۰۰	۵۱۷	۱۱۵۱	۷۸۲	۳۷۶	۳۷۶
زبان گنجشک	۱۴۳۲	۴۹	۴۲۳	۱۶۵	۳۷۳	۴۲۳
شب خسب	۸۰۰	۳۷۹	۴۰۹	۱۲	۰	۰
لیلکی	۶۲۹	۲۸۸	۳۰۱	۳۲	۸	۰
لرگ	۵۶۵	۲۱	۱۷۸	۱۱۴	۱۶۴	۸۸
سرخدار	۱۳۹	۱۱	۰	۰	۹۲	۳۴
انجیر	۱۱۷	۹۴	۲۳	۰	۰	۰
زربین	۷۵	۳۶	۱۹	۱۹	۰	۰
گردو	۶۶	۰	۴۹	۱۸	۰	۰
شمشاد	۲۵	۱۳	۱۲	۰	۰	۰
انواع دیگر (۱)	۲۳۷۸	۵۷۹	۷۵۳	۳۴۲	۵۶۴	۱۴۱

(۱)ــ مانند درختان ارگیل وگیلاس جنگلی وسپیدار وجل وغیره .
ماخذ ــ سازمان جنگلبانی ایران آمار فعالیتهای انجام شده در ایران در سال ۱۳۴۳ . تهران : ۱۳۴۴ .

حجم کل موجودی جنگلهای تجارتی شمال برحسب دستجات مختلف حجم

دستجات حجم (مترمکعب درهکتار)	حجم کل موجودی (هزارمترمکعب)	درصد حجم کل	دستجات حجم (متر مکعب درهکتار)	حجم کل موجودی (هزارمترمکعب)	درصد حجم کل
جمع	۲۸۴۸۴۳	۱۰۰/۰			
کمتراز ۵۰ مترمکعب	۱۰۴۹۷	۳/۷	۲۹۹ــ۲۰۰	۸۳۱۹۵	۲۹/۲
۹۹ــ۵۰	۳۳۷۴۳	۱۱/۹	۳۹۹ــ۳۰۰	۳۹۳۸۴	۱۳/۸
۱۴۹ــ۱۰۰	۳۵۷۱۸	۱۲/۵	۴۹۹ــ۴۰۰	۱۷۶۲۴	۶/۲
۱۹۹ــ۱۵۰	۵۹۴۷۰	۲۰/۹	۷۴۹ــ۵۰۰	۵۲۱۲	۱/۸

ماخذ ــ سازمان جنگلبانی ایران . آمار فعالیتهای انجام شده در ایران در سال ۱۳۴۳ . تهران : ۱۳۴۴ .

حجم کل موجودی وحجم درختان الواری جنگلهای تجارتی شمال برحسب نوع درخت
(هزارمترمکعب)

نوع درخت	حجم کل موجودی	درصد	حجم درختان الواری	درصد
جمع	۲۸۴۸۴۳	۱۰۰/۰	۲۵۵۷۷۰	۱۰۰/۰
ممرز	۹۸۳۶۸	۳۴/۵	۸۶۰۶۷	۳۳/۷
راش	۷۰۶۴۲	۲۴/۸	۶۶۵۸۳	۲۶/۰
توسکا	۲۴۲۹۷	۸/۵	۲۳۱۴۸	۹/۱
افرا	۲۱۹۷۶	۷/۷	۲۰۴۱۱	۸/۰
بلوط	۲۰۹۷۶	۷/۴	۲۰۰۶۴	۷/۸
نمدار	۱۲۶۲۵	۴/۴	۱۱۹۹۶	۴/۷
نارون	۱۱۶۱۹	۴/۱	۱۰۹۳۴	۴/۳
انجیلی	۸۹۰۲	۳/۱	۵۵۳۱	۲/۲
خرمندی	۶۰۱۱	۲/۱	۳۵۸۷	۱/۴
آزاد	۳۲۰۰	۱/۱	۲۶۵۸	۱/۰
زبان گنجشک	۱۴۳۲	۰/۵	۱۳۸۲	۰/۵
شب خسب	۸۰۰	۰/۳	۴۴۳	۰/۲
لیلکی	۶۲۹	۰/۲	۳۵۱	۰/۱
لرگ	۵۶۵	۰/۲	۵۳۱	۰/۲
سرخدار	۱۳۸	//	۱۱۸	۰/۱
انجیر	۱۱۷	//	۲۱	//
زربین	۷۵	//	۳۸	//
گردو	۶۶	//	۶۴	//
شمشاد	۲۵	//	۱۲	//
انواع دیگر (۱)	۲۳۲۸	۰/۸	۱۸۳۰	۰/۷

(۱)ــ مانند درختان ازگیل وگیلاس جنگلی وسپیدار وجل وغیره .
ماخذ ــ سازمان جنگلبانی ایران . آمار فعالیتهای انجام شده در ایران در سال ۱۳۴۳ . تهران : ۱۳۴۳ .

حجم موجودی چوب جنگلهای تجارتی شمال برحسب درجه مرغوبیت
(هزارمترمکعب)

شرح	حجم	درصد
حجم موجودی باسرشاخه	۳۲۶۷۶۶	۱۰۰/۰
حجم موجودی درختان سالم	۲۴۹۰۷۸	۷۶/۲
موجودی درختان نخبه (درجه ۱)	۵۱۵۳۷	۱۵/۸
موجودی درختان قابل قبول (درجه ۲)	۱۸۱۰۳۸	۵۵/۴
موجودی درختان قابل قبول (درجه ۳)	۱۶۵۰۲	۵/۰
حجم موجودی درختان ناسالم وسرشاخه	۷۷۶۸۸	۲۳/۸
موجودی سرشاخه وسایرشاخه های جانبی	۴۱۹۲۱	۱۲/۸
موجودی درختان کج وتاب خورده (درجه ۴)	۲۷۱۰۸	۸/۳
موجودی درختان پوسیده (درجه ۵)	۸۰۳۶	۲/۵
موجودی درختان مرده (درجه ۶)	۶۲۴	۰/۲

ماخذ ــ سازمان جنگلبانی ایران . آمار فعالیتهای انجام شده در ایران در سال ۱۳۴۳ . تهران : ۱۳۴۳ .

میزان رویش ومرگ ومیروحجم قابل برداشت درختان موجود والواری جنگلهای تجارتی شمال
(هزارمترمکعب)

شـــــرح	درختان مـوجـــود		درختان الـــواری	
	حجـم	درصدرویـش	حجـــم	درصدرویـــش
رویش کل سالانه	۴۶۲۶	۱۰۰/۰	۳۵۶۲	۱۰۰/۰
رویش درختان سالم	۳۹۵۵	۸۵/۵	۳۱۵۸	۸۸/۷
رویش درختان کج وتاب خورده	۵۴۶	۱۱/۸	۲۹۶	۸/۳
رویش درختانیکه بیش ازنصف حجم آنها پوسیده است	۱۲۴	۲/۷	۱۰۷	۲/۰
مرگ ومیرسالانه	۵۷۵	×	۵۷۵	×
برداشت سالانه	۴۰۵۱	×	۲۹۸۷	×

ماخذ- سازمان جنگلبانی ایران . آمارفعالیتهای انجام شده درایران درسال ۱۳۴۳ . تهران : ۱۳۴۳ .

مساحت جنگلکاری به تفکیک استان : ۱۳۶۰-۱۳۴۱
(هکتار)

استان	جمع	۵۴- ۱۳۴۱	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰
کل کشور	۴۴۰۵۶	۲۲۹۶۰	۴۹۶۸	۵۸۴۸	۲۳۵۷	۳۹۳	۷۲	۸۴۰
مرکزی (۱)	۶۳۵۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰	۰	۰
گیلان	۵۵۵۳	۴۴۰۹	۶۵۰	۲۵۰	۵۸	۲۹	۰	۱۵۷
مازندران (۲)	۲۵۱۶۵	۱۳۷۵۷	۳۳۵۰	۴۷۵۰	۲۱۸۹	۳۶۴	۷۲	۶۸۳
آذربایجان شرقی	۹۰۰	۴۱۵	۳۲۰	۱۶۵	۰	۰	۰	۰
آذربایجان غربی	۲۵۶	۲۱۱	۲۵	۲۰	۰	۰	۰	۰
باختران	۱۱۵	۱۱۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰
خوزستان	۱۴۲۵	۱۱۵۵	۱۱۰	۱۲۰	۶۰	۰	۰	۰
فارس	۹۷۱	۸۳۶	۵۰	۸۵	۰	۰	۰	۰
کرمان	۴۵	۴۰	۵	۰	۰	۰	۰	۰
خراسان (۱)	۲۶۸	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰	۰	۰
اصفهان	۴۳۸	۲۷۰	۱۶۸	۰	۰	۰	۰	۰
سیستان وبلوچستان	۱۶۶	۱۳۲	۳۴	۰	۰	۰	۰	۰
کردستان	۳۱۷	۲۸۷	۳۰	۰	۰	۰	۰	۰
همدان	۳۴۶	۱۷۶	۰	۱۷۰	۰	۰	۰	۰
چهارمحال وبختیاری	۲۸	۲۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰
لرستان	۵۲۰	۴۲۰	۰	۱۰۰	۰	۰	۰	۰
ایلام	۳۵۶	۱۰۴	۹۴	۱۰۸	۵۰	۰	۰	۰
بویراحمدوکهکیلویه	۱۱۵	۵۷	۲۸	۳۰	۰	۰	۰	۰
بوشهر	۷۰	۵۴	۱۶	۰	۰	۰	۰	۰
زنجان	۲۷۷	۲۳۲	۳۰	۱۵	۰	۰	۰	۰
سمنان	۸۸	۶۸	۲۰	۰	۰	۰	۰	۰
یزد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
هرمزگان	۲۶۷	۱۹۴	۳۸	۳۵	۰	۰	۰	۰

(۱)- سطح جنگلکاری استان مرکزی وخراسان به تفکیک درسالهای مختلف تا این تاریخ مشخص نشده است ومجموع سطح جنگلکاری درستون جمع منظور شده است .
(۲)- شامل منطقه جنگلکاری نوشهر ، ساری وگرگان می باشد .
ماخذ- سازمان جنگلها ومراتع کشور . دفتر طرح وبرنامه بود جمع آمار فعالیتهای انجام شده درسالهای ۵۷ ، ۵۸ ، ۵۹ و ۶۰

مشخصات پارکهای جنگلی احداث شده در سالهای مختلف

نام پارک	سرجنگلداری (محل پارک)	سال احداث	مساحت (هکتار)		نوع درخت
			فعلی	قابل توسعه	
صفرابسته	رشت	۱۳۵۷	۳۸۶	۰۰۰	سفیدپلت
امامزاده هاشم	رشت	۱۳۶۰	۱۱	۰۰۰	انجیلی ـ توسکا ـ صنوبر
توفقا ساحلی سی سنگان ...	نوشهر	۱۳۶۰	۲۵	۲۵۰	توسکا ـ اقاقیا
هولا	ساری	۱۳۵۸	۶۹	۲۳۰	انجیلی ـ ممرز ـ کاج
فرق	گرگان	۱۳۵۷	۱۳۱۰	۱۳۱۰۰	ممرز ـ انجیلی ـ بلوط آزاد ـ افرا
دلند	گرگان	۱۳۵۷	۷۵۰	۵۰۰۰	ممرز ـ انجیلی ـ بلوط ـ آزاد
چشمه‌علی دامغان	سمنان	۱۳۶۱	۷۴	۱۴۹	اقاقیا ـ صنوبر ـ عرعر ـ چنار
برازجان	بوشهر	۱۳۶۰	۲۲	۱۱۰	کهور ـ اکالیپتوس ـ ابریشم
خورموج	بوشهر	۱۳۶۰	۱۹	۹۲	کهور ـ ابریشم ـ اکالیپتوس
هراز	مازندران	۱۳۴۳	۱۰	۱۷۰	خرمندی ـ لرگ ـ انجیلی وغیره
سی سنگان	تنکابن ـ نوشهر	۱۳۴۴	۲۰۰	۱۰۰۰	شمشاد ـ بلوط ـ ممرز ـ افرا ـ انجیلی وغیره
سی سرا	تنکابن ـ نوشهر	۱۳۴۸	۳	۰	شمشاد
فین (چالوس)	تنکابن ـ نوشهر	۱۳۴۸	۸	۲۰۰	توسکا ـ لرگ ـ خرمندی ـ افرا ـ سمدار ـ ممرز انجیلی وغیره
نور	مازندران (رستم رود)	۱۳۵۲	۱۰۰۰	۲۰۰۰	توسکا ـ گردو ـ خرمندی ـ افرا ـ انجیلی وغیره

ماخذ ـ سازمان جنگلها و مراتع کشور . دفتر طرح و برنامه و بودجه . آمار فعالیتهای انجام شده در سالهای ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ و گزارش سال ۱۳۶۱ .

تعداد آتش‌سوزی ، مساحت مورد حریق ، تعداد نهال و درخت سوخته شده در جنگلها : ۱۳۶۰ـ۱۳۵۵

سال	تعداد آتش‌سوزی (فقره)	مساحت مورد حریق (هکتار)	تعداد درخت و نهال سوخته و آسیب دیده (هزار اصله)
۱۳۵۵	۳۷	۱۳۸۴	۱۶۶
۱۳۵۶	۳۸	۱۷۷۵	۳۸
۱۳۵۷	۴۶	۱۶۲۲	۸۳
۱۳۵۸	۶۷	۱۳۵۵	۵۱۵
۱۳۵۹	۵۳	۱۸۱۴	۷۴
۱۳۶۰	۷۶	۱۵۲۲	۲۶۴

ماخذ ـ سازمان جنگلها و مراتع کشور . دفتر طرح و برنامه و بودجه . آمار فعالیتهای انجام شده در سالهای ۶۰ـ۱۳۵۵ .

تخمین مساحت مراتع برحسب نوع مرتع
(هکتار)

نوع مرتع	مساحت**
جمع	۱۰۰۰۰۰۰۰۰
مراتع خوب (شامل مراتع متجرجنگلی) باظرفیت یک گوسفنددرهکتاردریک دوره تعلیف(۱)	۱۹۰۰۰۰۰۰
مراتع متوسط باظرفیت یک گوسفنددر۲هکتاردریک دوره تعلیف	۲۵۰۰۰۰۰۰
مراتع فقیرباظرفیت یک گوسفنددر۱۵ هکتاردریک دوره تعلیف	۵۶۰۰۰۰۰۰

(۱) ــ یک دوره تعلیف ، ۱۰۰ روزچرادرنظرگرفته‌می‌شود .
ماخذ ــ سازمان‌جنگلهاومراتع‌کشور . دفترطرح وبرنامه وبودجه .آمارفعالیتهای‌انجام‌شده‌درسال ۱۳۵۶

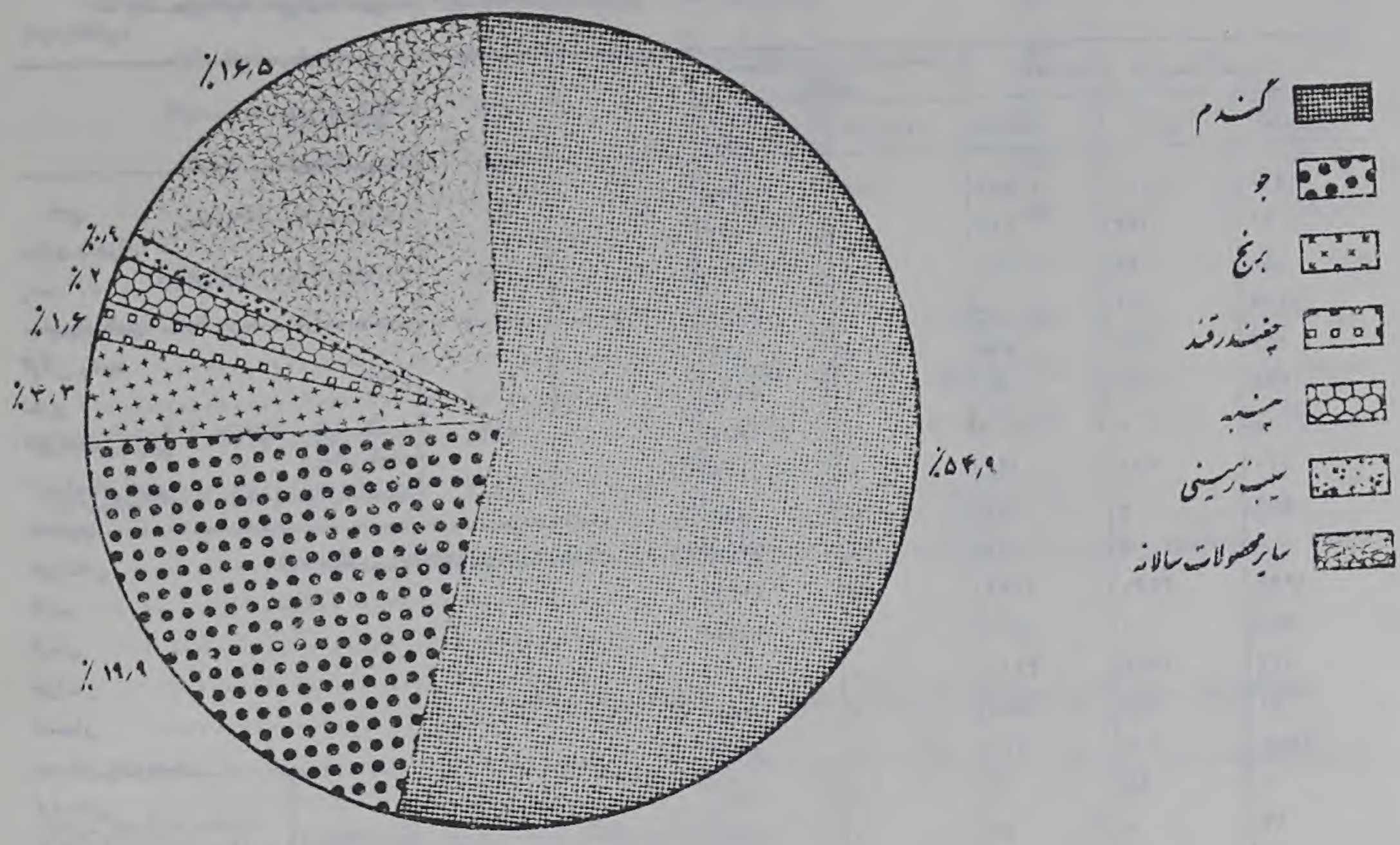
اقدامات مربوط به اجرای قانون ملی‌شدن جنگلهاومراتع‌کشور تاپایان سال ۱۳۶۰
(هزارهکتار)

سرجنگلداری	مساحت‌منابع ملی‌شده‌باصدور رای‌قطعی		مساحت‌منابع دردست اقدام		
	تاپایان اسفند ۱۳۶۰	سال ۱۳۶۰	تشخیص	آگهی	کمیسیون
جمع	۴۰۳۳۵	۱۲۴	۱۰۵۴۲	۱۰۳۰۱	۹۹۹۶
مرکزی وتهران	۴۲۳	۰	۱۲۶	۱۴۳	۴۴
رشت	۲۹۶	۲	۳۱	۵۶	۵۶
نوشهروتنکابن	۲۱۲	۰	—	۱۹	۱۰۹
گرگان وگنبد	۱۸۴	۰	۵۹۵	۶۶۰	۱۲۲
ساری	۱۰۷۴	۰	۱۱	۳۶۶	۳۴۹
آذربایجان شرقی	۱۶۲۶	۰	۱۱	۰	۰
آذربایجان غربی	۱۸۴۷	۰	۱۴۴	۳۱۶	۱۲۰
باختران	۵۵۸	۰	۳۴۸	۰	۵۶۷
خوزستان	۲۲۰۹	۰	۳۲	۰	۰
فارس	۳۷۲۲	۹۵	۱۷۶۴	۳۴۶۰	۱۶۷۶
کرمان	۴۷۳۶	۰	۱۵۸۳	۰	۸۹۶
خراسان	۱۴۱۰	۰	۳۶۹۰	۴۶۲۳	۱۲۲
اصفهان	۹۶۵	۰	۱۵۸۲	۱۴۶	۹۲
سیستان وبلوچستان	۵۴۸۲	۰	۳۳۱	۱۱۲	۴۵۴۱
کردستان	۱۰۵۳	۰	۶۸	۵۷	۰
همدان	۷۴۵	۰	۵۵	۰	۲۴
چهارمحال‌وبختیاری	۵۷۱	۰	۴	۰	۲۵
لرستان	۷۰۲	۰	۱۸	۶۲	۲۵۰
ایلام	۱۵۶۶	۰	۰	۱۸۷	۳۳
بویراحمدوکهکیلویه	۱۹۵۰	۰	۰	۰	۱
بوشهر	۱۱۵۲	۱۳	۱۸	۱۳	۴۶۷
زنجان	۱۰۰۲	۰	۴۵	۳۰	۴۱۷
سمنان	۲۷۱۵	۰	۴۹	۳۳	۳۰
یزد	۹۷۷	۶۳	+	۰	۲۲۶
هرمزگان	۳۱۶۰	۰	۳۸	۱۹	۰

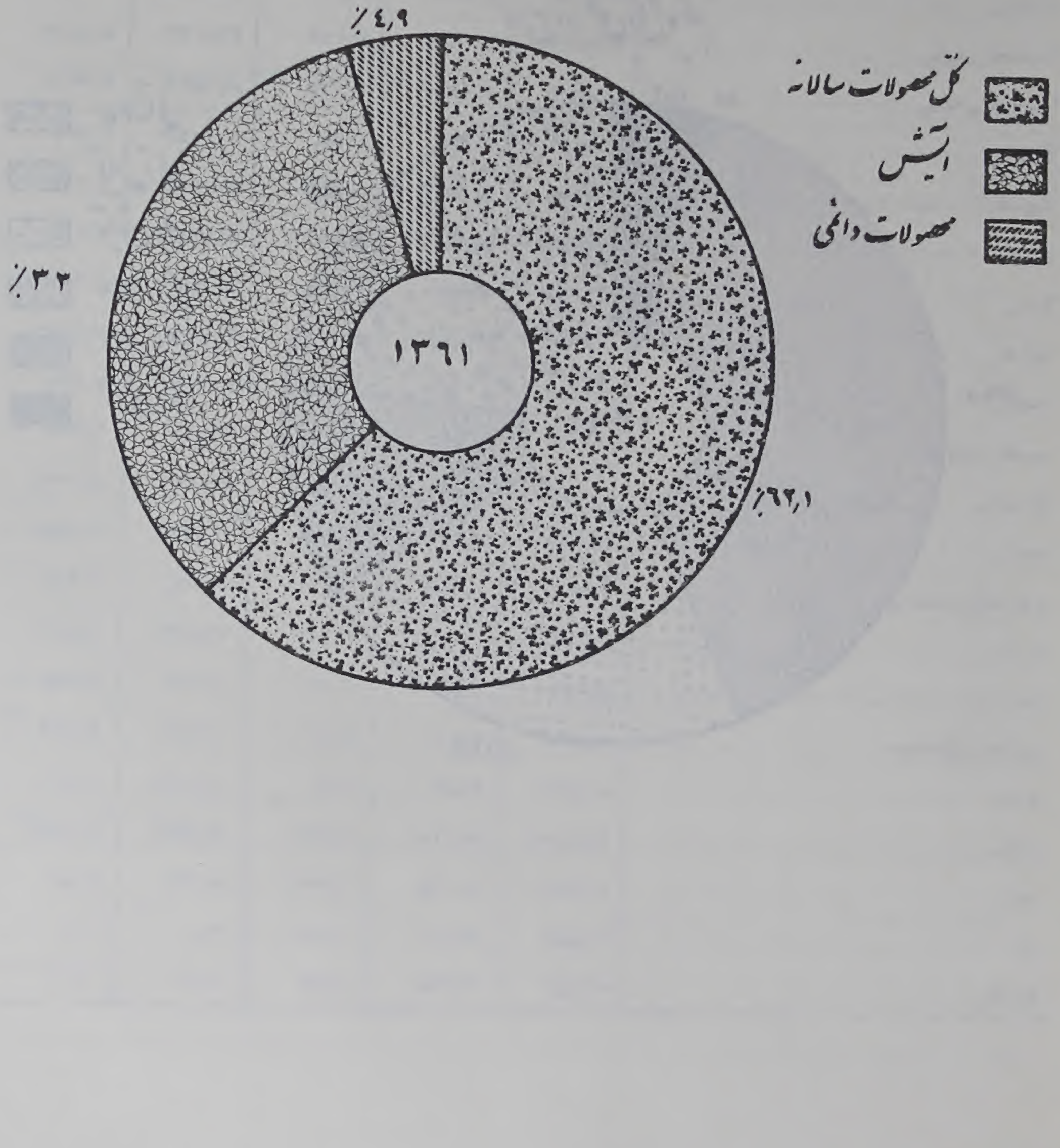
ماخذ ــ سازمان جنگلهاومراتع کشور . دفترطرح وبرنامه وبودجه ــ آمارفعالیتهای انجام‌شده در سال ۱۳۶۰ .

توزیع سطح زیر کشت محصولات سالانه

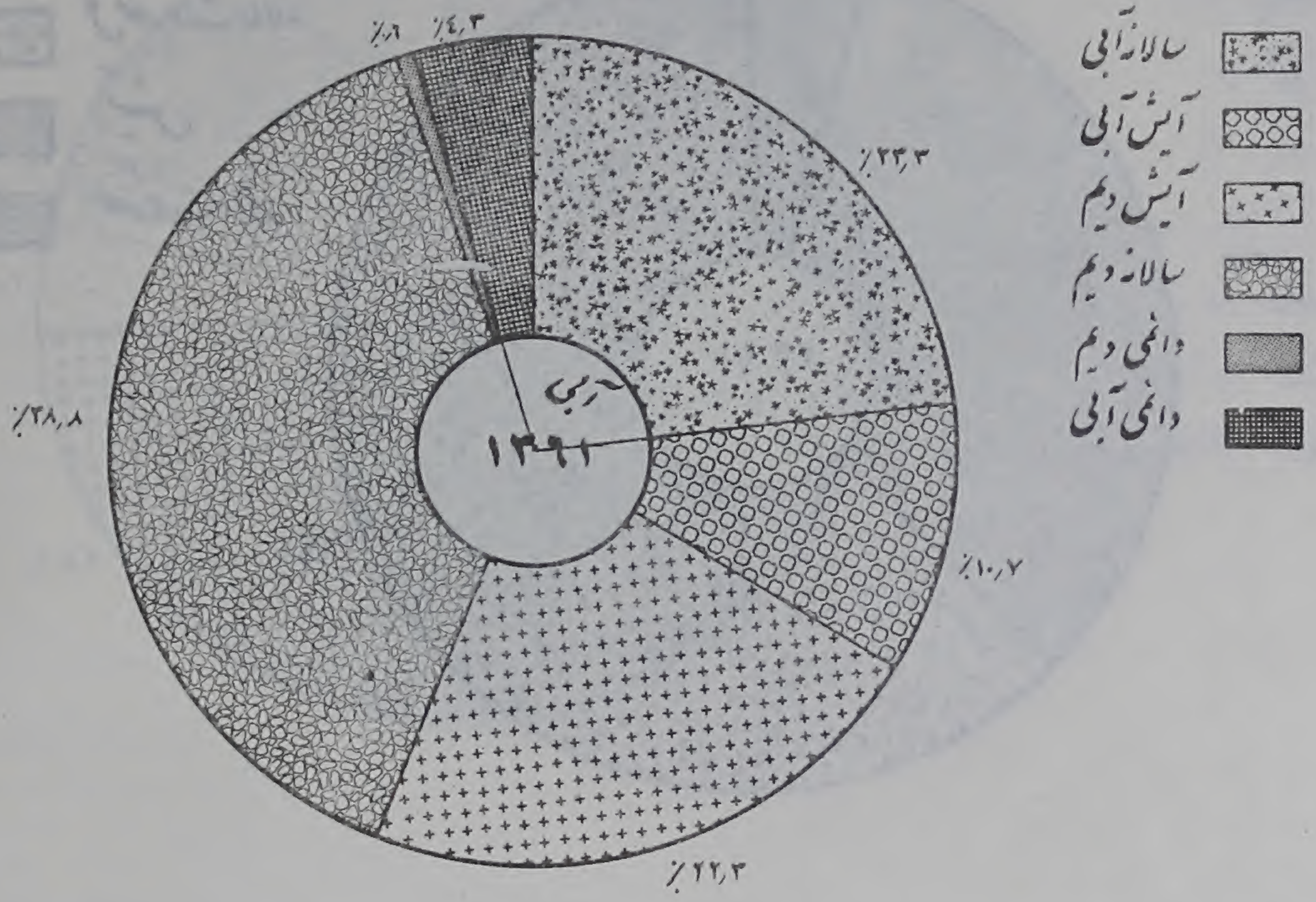
سال ۱۳۶۱



توزیع اراضی کشاورزی



توزیع اراضی آبی و دیم



توزیع واراضی کشاورزی روستائی ۱۳۶۱
(صدهکتار)

استان	کل اراضی				
	جمع	آبی		دیم	
		زیرکشت محصولات سالانه و دائمی	آیش	زیرکشت محصولات سالانه و دائمی	آیش
کل کشور	۱۴۸۴۵۵/۹	۴۱۰۲۸/۷	۱۵۸۲۴/۳	۵۸۴۷۸/۹	۳۳۱۲۴/۴
تهران	۲۲۳۵/۹	۱۵۸۴/۸	۴۵۸/۶	۱۲۴/۰	۶۸/۵
مرکزی	۶۸۶۴/۲	۱۷۵۹/۳	۱۳۰۱/۷	۱۵۳۳/۳	۲۲۶۹/۹
گیلان	۲۶۳۹/۱	۱۶۸۰/۸	۸/۸	۷۸۶/۳	۱۶۳/۲
مازندران	۸۸۶۵/۷	۲۹۶۸/۵	۲۹/۳	۵۳۴۵/۷	۵۲۲/۱
آذربایجان شرقی	۱۶۳۶۷/۴	۳۴۳۱/۴	۸۲۱/۴	۷۴۲۵/۷	۴۶۸۸/۸
آذربایجان غربی	۷۶۱۸/۱	۲۸۹۶/۸	۵۴۲/۱	۲۹۵۴/۸	۱۲۲۴/۴
باختران	۶۱۵۰/۸	۴۹۳/۷	۵۸/۶	۳۵۰۱/۰	۲۰۹۷/۷
خوزستان	۸۰۹۶/۸	۲۳۸۸/۴	۶۵۵/۵	۴۰۶۰/۵	۹۹۲/۴
فارس	۱۱۵۲۷/۳	۴۱۴۹/۵	۲۲۶۱/۶	۳۵۷۵/۵	۱۵۴۰/۹
کرمان	۳۰۱۲/۳	۱۸۸۲/۳	۱۰۴۹/۷	۵۶/۸	۲۳/۵
خراسان	۲۷۵۴۸/۹	۷۱۶۰/۷	۴۱۶۲/۴	۱۱۶۳۳/۲	۴۵۹۲/۷
اصفهان	۴۲۵۱/۳	۲۳۳۱/۵	۹۳۳/۱	۴۱۶/۲	۵۷۰/۵
سیستان وبلوچستان	۱۰۹۱/۰	۵۸۲/۴	۲۲۹/۶	۱۳۵/۴	۱۴۳/۶
کردستان	۱۰۲۰۸/۰	۸۳۵/۱	۳۹۲/۶	۴۶۳۰/۷	۴۳۴۹/۵
همدان	۷۵۶۸/۴	۱۷۴۱/۸	۸۲۹/۸	۲۴۳۸/۷	۲۵۵۸/۲
چهارمحال وبختیاری	۱۸۰۵/۰	۵۹۳/۰	۲۳۸/۱	۵۱۷/۸	۴۵۶/۰
لرستان	۵۹۰۷/۸	۱۱۰۹/۸	۴۰۳/۷	۲۲۶۵/۶	۲۱۲۸/۷
ایلام	۱۳۵۲/۵	۹۷/۹	۲۲/۱	۶۶۴/۸	۵۶۷/۷
بویراحمدوکهکیلویه	۱۰۳۸/۳	۱۲۰/۷	۴۳/۷	۴۸۴/۱	۳۸۹/۹
بوشهر	۱۷۶۵/۸	۲۸/۶	۳/۷	۱۶۰۷/۱	۱۱۶/۴
زنجان	۱۰۲۵۹/۳	۱۸۴۰/۶	۷۳۹/۹	۴۰۷۸/۶	۳۶۰۰/۲
سمنان	۱۰۷۳/۱	۵۳۰/۵	۳۷۳/۴	۱۴۳/۸	۲۵/۵
یزد	۴۵۵/۷	۲۷۴/۴	۱۸۱/۱	۰/۲	۰/۰
هرمزگان	۷۵۳/۲	۵۳۶/۲	۸۳/۸	۹۹/۱	۳۴/۱

شرح	سالانه	آبی	دائمی
کل	۹۲۲۳	۴۸۹۵	۷۲۷
آبی	۳۲۶۵	۱۵۸۲	۶۳۸
دیم	۵۷۵۹	۳۳۱۳	۸۹

۲ـ سطح کاشت ،تولید ،بذر و عملکرد هفت محصول عمده زراعی روستائی کشور ـ سال ۱۳۶۱

شرح	سطح کاشت (هزار هکتار)	تولید (هزار تن)	بذر (هزار تن)	عملکرد در هکتار (کیلوگرم)
گندم	۵۰۵۹	۴۲۷۰	۵۷۴	۸۴۴
آبی	۱۳۹۹	۲۳۳۷	۲۴۸	۱۶۷۱
دیم	۳۶۶۰	۱۹۳۳	۳۲۶	۵۲۸
جو	۱۸۳۱	۱۵۱۲	۲۰۰	۸۲۶
آبی	۴۹۸	۸۷۹	۸۵	۱۷۶۳
دیم	۱۳۳۳	۶۳۳	۱۱۵	۴۷۵
برنج	۳۹۷	۱۰۹۸	—	۲۷۶۶
چغندرقند	۱۴۷	۳۵۵۲	—	۲۴۱۴۳
پنبه	۱۸۰	۲۷۴	—	۱۵۲۰
آبی	۱۳۶	۲۲۳	—	۱۶۳۵
دیم	۴۴	۵۱	—	۱۱۶۱
سیب زمینی	۸۵	۸۳۹	—	۹۸۲۷
پیاز	۲۶	۵۶۳	—	۲۱۸۰۹

۳ـ تعداد دام و طیور روستائی کشور ـ سال ۱۳۶۱
(هزار راس، هزار قطعه)

گاو و گوساله	گوسفند و بره	بز و بزغاله	طیور نژاد بومی و دورگ
۵۰۸۹	۳۴۲۸۸	۱۸۴۶۹	۱۴۸۹۱

سطح‌کاشت ، تولید گندم‌آبی‌ودیم
(صدهکتار-صدتن) ۱۳۴۶

استان	سطح‌کاشت			تولید		
	جمع	آبی	دیم	جمع	آبی	دیم
کل‌کشور	۵۰۵۹۴/۳	۱۳۹۹۱/۰	۳۶۶۰۳/۸	۴۲۷۰۰/۵	۲۳۳۷۲/۴	۱۹۳۲۸/۵
تهران	۵۱۳/۰	۴۳۲/۳	۸۰/۷	۸۱۶/۳	۷۹۹/۱	۱۷/۲
مرکزی	۱۸۹۱/۶	۶۶۹/۰	۱۲۲۲/۶	۱۸۵۱/۵	۱۴۰۸/۰	۴۴۳/۵
گیلان	۱۵۷/۱	۵/۵	۱۵۱/۶	۶۸/۷	۳/۸	۶۴/۹
مازندران	۲۸۴۷/۳	۲۷۱/۶	۲۵۷۵/۷	۲۸۴۳/۱	۳۹۴/۶	۳۴۴۸/۵
آذربایجان‌شرقی	۵۵۳۳/۴	۱۰۷۴/۱	۴۴۵۹/۳	۴۲۰۵/۷	۱۶۰۱/۳	۲۶۰۴/۴
آذربایجان‌غربی	۲۷۸۸/۲	۱۰۶۰/۵	۱۷۲۷/۷	۲۷۷۲/۴	۱۳۲۰/۶	۱۴۵۱/۸
باختران	۲۶۷۷/۶	۱۸۴/۵	۲۴۹۳/۱	۲۳۰۸/۶	۲۵۲/۸	۲۰۵۵/۹
خوزستان	۴۰۱۱/۴	۱۰۶۲/۹	۲۹۴۸/۵	۱۷۹۳/۰	۹۸۱/۲	۸۱۱/۸
فارس	۳۴۲۰/۳	۱۲۶۹/۸	۱۶۵۰/۶	۴۵۲۰/۱	۳۷۹۸/۷	۷۲۱/۴
کرمان	۵۹۶/۳	۵۶۴/۴	۳۱/۹	۱۰۹۸/۵	۱۰۸۹/۹	۸/۶
خراسان	۹۷۱۴/۷	۲۸۷۷/۸	۶۸۳۶/۹	۵۲۹۲/۳	۴۰۴۹/۵	۱۲۴۲/۸
اصفهان	۱۱۶۰/۱	۸۴۷/۰	۳۱۳/۱	۲۶۹۶/۶	۲۶۲۰/۷	۷۵/۹
سیستان‌وبلوچستان	۳۵۹/۲	۳۴۸/۲	۱۱/۱	۲۹۰/۳	۲۸۲/۹	۷/۵
کردستان	۳۹۵۲/۲	۳۵۸/۹	۳۵۹۳/۴	۲۳۶۲/۸	۵۵۸/۵	۱۸۰۴/۳
همدان	۲۵۴۱/۴	۷۵۳/۵	۱۷۸۸/۰	۲۴۴۱/۷	۱۴۷۴/۹	۹۶۶/۸
چهارمحال‌وبختیاری	۶۲۸/۰	۲۷۷/۷	۳۵۰/۳	۸۶۷/۵	۶۰۸/۱	۲۵۹/۴
لرستان	۲۰۸۲/۳	۴۸۴/۰	۱۵۹۸/۳	۲۳۰۵/۹	۸۰۹/۱	۱۴۹۶/۸
ایلام	۴۹۵/۲	۳۹/۸	۴۵۵/۴	۴۲۹/۳	۴۳/۰	۴۰۶/۴
بویراحمدوکهکیلویه	۴۱۰/۰	۴۹/۵	۳۶۰/۵	۲۳۷/۴	۴۱/۷	۱۹۵/۷
بوشهر	۱۰۹۳/۵	۰/۲	۱۰۹۳/۳	۲۲۴/۵	۰/۱	۲۲۴/۴
زنجان	۳۲۶۹/۸	۵۰۳/۱	۲۷۶۶/۸	۱۵۳۹/۴	۵۶۸/۰	۹۷۱/۵
سمنان	۲۶۰/۱	۲۰۵/۲	۵۴/۹	۴۰۸/۶	۳۸۱/۶	۲۷/۰
یزد	۱۰۴/۲	۱۰۴/۲	۰	۲۳۴/۸	۲۳۴/۸	۰
هرمزگان	۸۷/۴	۴۷/۳	۴۰/۱	۷۱/۵	۴۹/۵	۲۲/۰

سطح کاشت ، تولید
(صدهکتار ـ صدتن)

استان	سطح‌کاشت			تولید		
	جمع	آبی	دیم	جمع	آبی	دیم
کل کشور	۱۸۳۱۲/۸	۴۹۸۴/۷	۱۳۳۲۸/۱	۱۵۱۲۱/۲	۸۷۹۰/۲	۶۳۳۰/۸
تهران	۱۹۲/۱	۱۷۰/۰	۲۲/۱	۳۲۸/۲	۳۲۴/۰	۴/۲
مرکزی	۵۸۴/۸	۴۰۷/۸	۱۷۷/۰	۹۹۸/۷	۹۷۲/۱	۲۶/۶
گیلان	۶۱/۹	۱/۷	۶۰/۲	۳۶/۳	۱/۵	۳۴/۸
مازندران	۱۳۹۹/۹	۸۴/۱	۱۳۱۵/۸	۹۳۴/۸	۸۲/۳	۸۴۲/۶
آذربایجان شرقی	۲۰۳۲/۰	۲۵۱/۹	۱۷۸۰/۱	۱۲۰۳/۹	۳۰۷/۷	۸۹۶/۲
آذربایجان غربی	۸۳۰/۳	۳۱۵/۰	۵۱۵/۳	۸۳۸/۵	۴۱۳/۱	۴۲۵/۴
باختران	۵۲۴/۹	۳۸/۶	۴۸۶/۳	۵۳۵/۸	۶۵/۷	۴۷۰/۱
خوزستان	۱۴۳۷/۹	۳۱۹/۲	۱۱۱۸/۶	۶۵۹/۶	۲۷۲/۲	۳۸۷/۳
فارس	۳۳۴۴/۹	۷۰۷/۶	۱۶۳۷/۴	۲۲۶۵/۸	۱۴۶۸/۴	۷۹۷/۴
کرمان	۱۸۸/۳	۱۶۴/۵	۲۳/۹	۳۶۲/۱	۳۵۱/۹	۱۰/۲
خراسان	۳۹۹۲/۳	۱۳۲۴/۲	۲۶۶۸/۱	۲۵۹۹/۶	۲۰۲۶/۱	۵۷۳/۵
اصفهان	۳۸۲/۹	۲۸۹/۷	۹۳/۲	۸۶۸/۱	۸۴۳/۲	۲۴/۹
سیستان وبلوچستان	۸۳/۸	۷۹/۱	۴/۷	۶۳/۲	۶۰/۸	۲/۴
کردستان	۳۹۴/۸	۳۸/۲	۳۵۶/۶	۲۳۳/۸	۵۱/۶	۱۸۲/۲
همدان	۶۹۷/۱	۳۶۹/۰	۴۲۸/۱	۷۹۰/۹	۶۳۸/۹	۱۵۲/۰
چهارمحال وبختیاری	۲۰۵/۹	۷۰/۱	۱۳۵/۸	۲۹۳/۹	۱۸۴/۲	۱۰۹/۷
لرستان	۶۸۱/۵	۱۰۵/۹	۵۷۵/۶	۹۱۵/۴	۲۲۲/۱	۶۹۳/۳
ایلام	۲۱۹/۷	۲۳/۱	۱۹۶/۶	۲۳۲/۴	۳۱/۰	۲۰۱/۳
کهگیلویه وبویراحمد	۱۲/۹	۲/۰	۱۱۹/۹	۷۱/۲	۰/۷	۷۰/۵
بوشهر	۵۱۰/۳	۵/۹	۵۰۴/۴	۱۱۴/۶	۵/۰	۱۰۹/۶
زنجان	۱۲۱۲/۶	۱۹۴/۱	۱۰۱۸/۵	۴۷۶/۶	۲۲۰/۴	۲۵۶/۱
سمنان	۱۵۵/۳	۹۰/۶	۶۴/۶	۲۲۲/۷	۱۸۴/۴	۳۸/۲
یزد	۱۷/۶	۱۷/۶	۰/۰	۳۸/۰	۳۸/۰	۰/۰
هرمزگان	۳۵/۱	۱۴/۸	۲۰/۳	۳۷/۱	۱۹/۹	۱۷/۲

استان	سطح کاشت	تولید
کل کشور	۳۹۶۹/۶	۱۰۹۸۰/۵
تهران	۰	۰
مرکزی	۰	۰
گیلان	۱۶۳۶/۰	۴۲۸۷/۸
مازندران	۱۶۹۱/۳	۴۹۱۴/۸
آذربایجان شرقی	۱۱/۲	۱۰/۰
آذربایجان غربی	//	//
کردستان	۰	۰
خوزستان	۱۳۳/۴	۲۲۶/۳
فارس	۳۶۸/۵	۱۱۹۵/۳
کرمان	۰	۰
خراسان	۳۹/۶	۹۵/۱
اصفهان	۲۰/۲	۷۹/۷
سیستان و بلوچستان	۲۴/۵	۶۰/۷
کردستان	۰	۰
همدان	۰	۰
چهارمحال و بختیاری	۵/۴	۱۷/۳
لرستان	۱/۰	۵/۰
ایلام	۴/۹	۴/۳
کهگیلویه و بویراحمد	۲۷/۶	۷۴/۱
بوشهر	۰	۰
زنجان	۶/۰	۱۰/۱
سمنان	۰	۰
یزد	۰	۰
هرمزگان	۰	۰

سطح‌کاشت ،تولید،بذر،آبیاری،کشاورزی‌روستائی ۱۳۶۱

(صدهکتار ـ صدتن)

استان	سطح کاشت			تولید		
	جمع	آبی	دیم	جمع	آبی	دیم
کل کشور	۱۸۰۰/۴	۱۳۶۴/۱	۴۳۶/۲	۲۷۳۶/۱	۲۲۲۹/۶	۵۰۶/۵
تهران	۱۰/۲	۱۰/۲	۰	۱۷/۳	۱۷/۳	۰
مرکزی	۴۰/۰	۴۰/۰	۰	۵۸/۷	۵۸/۷	۰
گیلان	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مازندران	۹۷۵/۴	۵۴۶/۵	۴۲۸/۸	۱۷۲۶/۷	۱۲۲۱/۰	۵۰۵/۸
آذربایجان شرقی	۱۱/۲	۱۱/۲	۰	۹/۷	۹/۷	۰
آذربایجان غربی	۰	۰	۰	۰	۰	۰
باختران	۰/۹	۰/۹	۰	۱/۸	۱/۸	۰
خوزستان	۰/۷	۰/۷	۰	۱/۲	۱/۲	۰
فارس	۱۷۲/۱	۱۷۲/۱	۰	۲۹۵/۹	۲۹۵/۹	۰
کرمان	۲۸/۸	۲۸/۸	۰	۴۰/۸	۴۰/۸	۰
خراسان	۴۸۱/۵	۴۷۴/۱	۷/۴	۴۷۲/۸	۴۷۲/۰	۰/۷
اصفهان	۳۱/۹	۳۱/۹	۰	۴۸/۲	۴۸/۲	۰
سیستان وبلوچستان ..	۰	۰	۰	۰	۰	۰
کردستان	۰	۰	۰	۰	۰	۰
همدان	۱/۹	۱/۹		۲/۷	۲/۷	۰
چهارمحال وبختیاری ..	۰	۰	۰	۰	۰	۰
لرستان	۰	۰	۰	۰	۰	۰
ایلام	۰	۰	۰	۰	۰	۰
بویراحمدوکهکیلویه ..	۰	۰	۰	۰	۰	۰
بوشهر	۰	۰	۰	۰	۰	۰
زنجان	۱۴/۲	۱۴/۲	۰	۲۳/۷	۲۳/۷	۰
سمنان	۲۵/۶	۲۵/۶	۰	۲۸/۹	۲۸/۹	۰
یزد	۶/۰	۶/۰	۰	۷/۷	۷/۷	۰
هرمزگان	۰	۰	۰	۰	۰	۰

تعداد انواع عمده دام به تفکیک استان : ۱۳۶۰

(راس)

استان	گوسفندوبره		بز و بزغاله		گاو و گوساله		گاومیش وبچه گاومیش	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل کشور (۱)	۴۵۹۰۸۶۰۱	۱۰۰/۰	۲۶۳۶۰۶۲۳	۱۰۰/۰	۵۶۹۲۶۴۲	۱۰۰/۰	۲۶۱۴۰۷	۱۰۰/۰
آذربایجان شرقی	۵۴۲۲۷۰۹	۱۱/۸	۱۱۲۸۷۳۶	۴/۳	۸۲۱۸۰۸	۱۴/۴	۱۲۱۸۴۰	۴۶/۶
آذربایجان غربی	۱۸۵۲۸۳۹	۴/۱	۲۸۶۶۶۷	۱/۱	۲۰۶۹۶۴	۳/۶	۶۶۰۱۲	۲۵/۳
اصفهان	۲۰۸۷۸۷۳	۴/۵	۱۰۸۳۸۳۵	۴/۱	۲۷۷۹۲۲	۴/۹	۱۵۲	۰/۱
ایلام	۷۲۱۱۲۹	۱/۶	۶۷۰۸۹۸	۲/۶	۴۴۹۴۱	۰/۸	۰	۰
باختران	۱۳۰۰۰۴۵	۲/۸	۵۹۱۷۲۰	۲/۲	۱۶۷۴۸۳	۲/۹	۲۸۴	۰/۱
بوشهر	۳۲۷۳۸۵	۰/۸	۵۰۶۰۳۴	۱/۹	۳۸۸۷۳	۰/۷	۰	۰
تهران	۹۸۲۰۶۶	۲/۱	۳۰۹۲۶۹	۱/۲	۸۳۶۶۵	۱/۵	۴۴۹	۰/۲
چهارمحال و بختیاری	۹۷۴۳۸۳	۲/۱	۷۴۸۲۸۸	۲/۸	۱۲۹۳۴۳	۲/۶	۰	۰
خراسان	۱۰۱۳۲۲۴۳	۲۲/۱	۴۱۲۲۰۴۹	۱۵/۵	۳۸۰۴۷۱	۶/۷	۳۰۱۸	۱/۲
خوزستان	۲۲۷۱۹۷۵	۴/۹	۱۶۹۹۰۵۷	۶/۹	۳۰۱۸۳۷	۵/۳	۳۸۰۲۳	۱۴/۵
زنجان	۲۳۲۹۴۵۰	۵/۱	۷۹۹۰۴۱	۳/۰	۲۷۱۹۷۴	۴/۸	۱۰۱۳	۰/۴
سمنان	۸۸۵۲۸۹	۱/۹	۶۳۶۳۲۳	۲/۴	۲۷۷۷۸	۰/۵	۰	۰
سیستان و بلوچستان	۵۲۳۹۲۵	۱/۱	۹۴۱۲۶۸	۳/۶	۱۰۶۶۱۷	۱/۹	۹۹	۰/۰
فارس	۳۸۷۳۹۸۱	۸/۴	۴۸۸۵۶۹۶	۱۸/۴	۲۹۰۴۲۳	۵/۱	۴۹۵	۰/۲
کردستان	۶۸۴۶۶۸	۱/۵	۲۲۹۴۵۱	۰/۹	۹۶۵۵۳	۱/۷	۲۳	۰/۰
کرمان	۱۵۶۴۹۵۲	۳/۴	۱۹۸۴۳۸۰	۷/۴	۱۹۴۴۹۶	۳/۴	۰	۰
کهکیلویه و بویراحمد	۴۶۸۱۱۴	۱/۰	۷۴۴۳۶۵	۲/۸	۴۷۸۶۱	۰/۸	۰	۰
گیلان	۷۷۵۰۳۹	۱/۷	۲۲۲۶۰۶	۰/۸	۶۸۵۱۸۱	۱۲/۰	۲۴۴۶۲	۹/۴
لرستان	۲۰۸۹۵۴۷	۴/۶	۱۷۴۲۲۷۸	۶/۶	۲۹۵۰۹۲	۵/۲	۳۲۳	۰/۱
مازندران	۲۸۶۳۰۱۰	۶/۲	۵۱۰۱۸۶	۱/۹	۷۲۶۸۸۳	۱۲/۸	۳۴۸۲	۱/۳
مرکزی	۱۹۰۸۳۷۸	۴/۲	۸۰۸۲۹۶	۳/۱	۱۹۲۳۹۳	۳/۵	۱۷۳۲	۰/۷
هرمزگان	۱۳۹۹۲۲	۰/۴	۷۸۴۲۵۸	۳/۰	۴۶۶۱۰	۰/۸	۰	۰
همدان	۱۴۸۵۶۸۶	۳/۲	۵۲۲۶۶۵	۲/۰	۲۱۹۱۷۳	۳/۹	۰	۰
یزد	۲۱۸۹۹۴	۰/۵	۳۹۴۲۵۷	۱/۵	۱۳۲۵۱	۰/۲	۰	۰

(۱) ــ در استانهای آذربایجان غربی ، ایلام ، باختران ، خوزستان و کردستان به ترتیب تعداد ۱۵۲۹ ، ۱۷۱ ، ۵۹۸ ، ۲۶۵۰۵۳۳ آبادی آمارگیری نشده است.

ماخذ ــ جهاد سازندگی . کمیته آمار و برنامه ریزی . آمارگیری روستائی جهادسازندگی آبانماه ۱۳۶۰ . تعداد انواع دامهای عمده درمناطق روستائی استانها و شهرستانهای کشور (نشریه ۹) . اسفند ۱۳۶۱ .

بخش هفتم :

حیوانات :

اساس حیوانات ایران از دوران پالئوارکتیک (قدیمی شمالی) است ، ولی بعضی عناصر آن از حیوانات حبشی **Ethiopic** و هند و مالایا میباشد . شباهت آن با حیوانات ترکستان و سواحل قفقازی دریای خزر زیاد و دنباله آنها محسوب میشود و در بخشهای شمالی ایران نمونه‌های حیوانات شمالی و مغولی و تبتی نیز دیده میشود .و در جنوب نمونه‌های حشرات گرمسیری آفریقائی مانند زنبور باریک و زنبور سیاه (نکتارین)**Nectarine** و مرغهائی‌مانندترقه‌وبلبل است . در جنگلهای شمالی ایران ببر و شوکا و مرال دیده میشود . درآبهای جنوبی ایران سنگ پشت‌های آبی و کوسه و بسیاری از حیوانات بی‌مهره‌مخصوص دریاهای گرم یارودهای مناطق گرمسیر مانندخرچنگ‌دراز (لانگوست)**Palinurus** و آکتی‌نی**Actinia** و اسفنج**Spongia** وغیره‌زندگی میکنند .

گروهی از جانورشناسان معتقدند که‌در کناره‌های ایران داخل و افغانستان کانونی‌است که مهد پیدایش حیوانات دشتی ایران و افغان مانند آب‌چلیک **Calidris** و پرندگان و حشرات راست بال است .

اقسام این گروههای حیوانات با کوههای بی‌درخت و زمین‌های‌سخت ماسه‌ای و سنگ قلوه‌ای ارتباط کامل دارند ولی علاوه بر این حیوانات خاص از گروههای حیوانات نقاط دیگر نیز دیده میشود . مثلا در میان حیوانات شنزارها انواع حیوانات دیگری که اصلشان از نقاط مختلف است فراوانند .

در تمام ایران درحدود ۸۰۰ نوع حیوانات مهره‌دار و ده‌ها هزار جانوران بی‌مهره دیده شده که از آن میان ۱۰۰ نوع پستاندار و ۴۰۰ نوع پرنده و قریب ۸۰ نوع خزنده و انواع بسیارماهی‌های آب شیرین و دریائی تشخیص داده شده است .

صفات طبیعی خاص‌حیوانات ایران از اینقرارند : انواع جوندگان تقریبا" در تمام نقاط و مخصوصا" در بخش‌های کویری و نیمه کویری دیده میشوند مانند موش‌های صحرائی و موش‌کور و خرگوشهادر جنگلها و انواع موشها و جوجه‌تیغی .

حیوانات سم شکافته از حیث‌انواع کمتر از حیوانات دیگر ولی گله‌ها و و دسته‌های بزرگ آنها در بعضی‌نقاط وجود دارد مانند گراز .

آهو در اغلب نقاط دیده میشود. شتر یک‌کوهان و دو کوهان فقط بحالت اهلی وجود دارد. در کوه‌های ایران بزکوهی و قوچ و میش و کل فراوان است در جنگلهای‌شمال گوزن قفقازی و بز وحشی را میتوان یافت.

از حیوانات تک سم که تقریبا" در جنوب غربی آسیا از میان رفته‌اند در قسمتی از ایران گورخر و خروحشی دیده میشود.

از درندگان در قسمتهای مرتفع ایران، یوزپلنگ در کوههای اطراف کویرها بشکار آهو میپردازد. پلنگ و در جنگلهای کناره خزر ببر و گرگ و کفتار و شغال و روباه در همه جا و در کوه‌های البرز خرس خاکستری و گربه کوهی زیاد است.

ظاهرا" تا این اواخر در تمام قسمت‌های جنوبی ایران" شیر یال‌کوتاه" ایران وجود داشته و بعقیده بعضی‌تا اوایل سده بیستم در جنوب و جنوب‌غربی شیراز این نوع شیرها زیاد و بشکار گرازهائی که در جنگلهای بلوط از بلوط تغذیه میکرده‌اند میپرداخته‌اند. آخرین افراد آن را دراین نواحی ظاهرا" پس از جنگ اول جهانی شکار کرده و از میان برده‌اند ولی ممکن است در کوههای دور افتادهٔ لرستان و خوزستان هنوز وجود داشته باشد.

پرندگان ایران بسیار متنوع هستند. از تیره ماکیانی‌ها، بلدرچین و در کوههای نیمه‌خشک‌ودامنه‌های آنها تیهو و کبک و کبک دری و در جنوب و بعضی نقاط از کناره‌های خزر دراج و در جنوب خزر در کمره‌های مرتفع هوبره و در دره‌های رودها و نقاط کم درخت جنگل قرقاول و در قسمتهای جنوب غربی ایران هوبره خاکستری و در جنوب خزر و سواحل خلیج‌فارس وشط العرب درنا و غاز سرخ دیده میشود.

از پرندگان گوشتخوار روزانه در کوه‌ها و دشت‌ها **باشه** و بازسرسفید و **دال** و کرکس و در حوالی آبادی‌ها خرگوش و موش و در کوهها عقاب و باز و لاشخور و غیره...

از مرغان پا بلند، حواصل در ساحل رودها و دریاها ماهیخوار و آب‌چلیک و غیره.

در موقع زمستان از دریاچه‌ها و رودهای روسیه میلیونها اردک و غاز و پره‌لا بسوی ایران آمده پس از گذشتن زمستان و گرم‌شدن هوا مجددا" مراجعت می‌کنند.

در نواحی استپـی دشتی ایران چهار نوع باقـرقره (سینه سیاه) دیده میشود که با صدای مخصوص خود پرواز میکنند. در جنگلها و باغها قمری و کبوترهای وحشی (تقا) و کبوترهای کوهی که در کوهها و شکفت‌ها لانه میکنند فراوان است.

از تیره کلاغ‌ها انواع کلاغ، زنبورخوار، و هدهد، پرستوی شب،دارکوب- کاکلی و دارکوب، جغد، مرغ شباهنگ و بوم زیاد است. گنجشگ‌ها انـواع فراوان دارند ولی تمام آنـها از اقسام کوچک میباشند در میان آنـها میتوان توکا، دم جنبانک، سیره، ترقه، و گنجشک ـ چرخ‌ریسک و کاکلی را نام برد. انواع موشهای مختلف که در استپ‌های دشتی زندگی می‌کنند بسیارزیاد و در قسمتهای بی‌آب هم دیده میشوند.

در کشاورزی ایران به سار اهمیت زیاد داده میشود. این پرندگان در دامنه‌های سنگی دره‌های کوهستانی لانه نهاده در شهرستانهای شمالی و در جنوب در کوه‌های فارس دیده میشوند.

چنانکه معلوم است سارها ملخ را بمقدار زیاد و همچنین ملخ دریائی و زنجره را از میان میبرند. در نقاطی که ملخ هجوم میآورد غالبا" دسته‌های بیشمار مرکب ازمیلیونها سار بحرکت‌در میآیند.

خزندگان ایران نیز وضع مخصوصی دارند. در دشت‌ها و بیابانـها غالبا" از جوندگان کمتر نیستند بیشتر از همه‌سوسمارها ومارها دیده میشوند. ازسوسمار انواع مارمولک،سوسمار و سوسمارگوسفندی و سرگرد دیده میشود در نقاط مرطوب‌تر سوسمارهای پهن، خشن، سفید، سبز، و بادکش فراوان است.

مارهای ایران از انواع عادی و زیتونی و سفید و زرد و قفقازی وشاخدار میباشد. در بعضی نقاط اقسام مارهای شبیه به بوا که مخصوص نواحی کویری و نیمه کویری و نمـونه مارهای قدیمی هستند فراوان است.

مارهای آبی و بی زهر و مارهای خیزان غالبا" دیده میشود. از مارهای زهری و سمی خطرناک برای انسان وحیوانات اهلی بایدافعی و کبرا را ذکر کرد که گاهی درازی آن به ۱۸۰ سانتیمتر میرسد. و از آن خطرناک‌ترگرزه- دراز است که طولش دو متر و دندانهای زهری آن یک‌سانتیمتر و نیم است. زندگی می‌کنـد و آنـها رامیتوان گاهی در سوراخهای نزدیک چشمه‌ها مشاهده کرد ـ در دشت‌های شنی‌افعی زهری معمولی که طولش از ۷۰ سانتیمتر بیشتر نیست دیده میشود.

در ایران جنوبی و در آبهای خلیج فارس سنگ پشت‌های بزرگ دریائی و مارهای دریائی و در دلتاهای رودهای شرقی گاهی کرکدیل (بندرت) دیده شده است.

در نواحی کویری سنگ‌پشت معمولی و سنگ پشت یونانی‌و استپی و در رودهای پست کناره خزر سنگ پشت‌های باتلاقی فراوان است.

دوزیستان درایران بواسطه‌خشکی هوا کمتر دیده شده است ولی سمندر سبز، قورباغه ، غوک و وزغ برکه‌ای و قفقازی فراوان است.

ماهی‌های آب شیرین از نظر انواع بسیار زیاد و متفاوت وحتی در بعضی قسمتها ماهی‌های مخصوص بومی میتوان مشاهده کرد که انواع آن از اینقرار است: ماهی سبیلو، ماهی کبود و اسبله ، کفال ، سیپرین (کپور)، ماهی برهنه، و ماهی رودکوهی و ماهی دراز. در میان بی مهرگان ملخ‌ها اهمیت خاصی‌دارند.

ملخ دشتی (شیستوسرک) چنانکه معلوم شده گاهگاهی موجب خسارت یا حتی موجب محو زراعت و بستان میشود و علاوه بر آن بچوب درختان و درختچه‌ها و بدرختان میوه آسیب فراوان میرساند.

علاوه بر شیستوسرک دو حشره دیگر نیز در بعضی سالها تکثیر فوق‌العاده یافته موجب خسارات هنگفت میشوند یکی ملخ‌مراکشی‌و دیگری سن که ممکن‌است تا نصف محصول غلات را از میان ببرند.

از جانوران بی مهره مضر دیگر که فراوان است میتوان پشه‌های پادرشت و ریز و شپشک‌ها و انواع بسیاری از بند پائیان مانند عنکبوت‌های خاکستری و سیاه و رتیل و عقرب را یادآوری کرد.

در بررسیهای سالهای ۱۹۴۲ – ۱۹۴۳ در ایران ۳۳ نوع پشه تشخیص داده شده که ۱۴ نوع آن مالاریائی واز جنس انوفل میباشد . پشه‌های ریز دیگر (۵ تا ۷ نوع) نیز در ایران از نظر بیماریهای مخصوص قابل دقت هستند و از میان آنها پشه پاپاتازی موجب پیدایش تب سنگین پاپاتاجی و سالک یا **لیشمانیوز** پوستی Leischmaniose میشود. در بعضی نقاط‌کنه‌هائی متعدد دیده میشود که یکی از معروفترین آنها ملهOrnithodorus (غریب‌گز) موجب‌انتقال بیماری تب‌های راجعه است.

در تمام ایران عقرب، عنکبوت، رتیل فراوان است.

تقسیم‌بندی نواحی مختلف جانوری ایران از دیدگاه یکی از دانشمندان

روسی زارودنی **Zaroudni** بشرح زیر است:

۱ ــ بخش جنوبی خزر:

حاشیه‌باریک ساحلی دریای‌خزر برکه‌هاو باتلاقهای متعدد داردودرآنهاپرندگان آبی و باتلاقی بحد وفور یافت میشود. اردک‌های بزرگ وکوچک، پره‌لا، آب چلیـــک، حـــواصل‌های مختلف، پلیکان‌های بزرگ و کوچک، که در درختان جنگلهای نزدیک لانه میگذارند. در نیزارهابه‌وفور پرندگان‌آبی بزرگ و کوچک و در شالی زارها در موقعیکه آب دارد پرندگان متعدد و وزغ‌های فراوان در جست و خیزنـــد. در ماه‌های‌زمستانی در دریای خزر گروه‌های بیشمـــــاری از پرندگان مهاجر بصورت گله‌های بزرگ غاز و مرغابی وقو و فلامینگو**Flamingo** زمستان را بسر میبرند. چنانکه تا ۱۸۰ نوع از آنها را توانسته‌اند تشخیص دهند.

ماهیهای کناره دریای خزر نیز مانند حیوانات دیگر آن متنوع و قریب‌سی نوع ماهیهای آب شیرین و دریائی مهاجر یا نیمه مهاجر تشخیص داده شده که بسیاری ازجنس‌های آن مخصوص همین ناحیه‌است. ماهیهای عمده کناره جنوبی عبارتند از شاه ماهی**Alburnus Chaleoides** لسیسکوس **Leucizcus** پنج‌نوع‌ماهی سفید **Chulpea**، سفید چشم، سبیلو، سوروگا **Sevrouga** اوسترا **Ossetra** بلوگا**Belouga** و شیپا**Chipa** ولوسوس‌خزر، سوداک **Soudak** کوتوم **Koutoum**ژرخ **Gerekh**، بیچکا**Acanthopterygi** و خارماهی و مینوگا **Minoga** یا مارماهی مخصوص دریای خزر.

علاوه بر آنها چند نوع ماهی دریای سیاه را در آبهای خزر پرورش داده‌اند و دو نوع کفال**Mugil** بسیار زیاد شده و در موقع زمستان تقریبا" تمام آنها متوجه سواحل ایران میشوند بعضی از انواع ماهیها مخصوصا"شاه‌ـ ماهی **Aldurnus** و لسیس و سوروگا و استرین (سگ‌ماهی) و بلوگا که وزن بعضـی از آنها به ۲۵۰ کیلوگرم میرسد از نظر تجارتی اهمیت دارند. تنها نمونـه پستانداران دریائی که در دریای خزر دیده میشود فکهای مخصوص هستند **Phoca** که در موقع تابستان گله‌های آن‌ها بطرف آبهای عمیق نزدیک سواحل جنوبی میروند.

خرچنگهای معمولی بحر خزر از انواع دراز و پهن و خرچنگهای آب‌شیرین درکنار رودها و نهرهائی‌که‌بدریا میریزند زیاد است، قریب ۶۰ جنس خرچنگهای کج‌رو و بیست نوع سخت پوستان دیگر و مقدار زیادی خرچنگهای بسیار پست‌تر

و حشرات آبی که اغلب غذای ماهیها هستند، پنجاه نوع نرم‌تنان از نوع دریسن Dreissena، دیداکنا Didacna و کاردیوم Cardium که غذای عمده ماهیها و پرندگان را تشکیل میدهند.

۲ ـ **ناحیه شمالی غربی:** که دارای استپ‌های کوهی با اقلیم نیمه کویری و کم گیاه‌بوده و درختان برگ پهن منحصر است بدره‌های کوه‌ها و در تیغهٔ آب پخش‌کن‌ها انواع درختان کوتاه اورس دیده میشود و بهمین جهت حیوانات آن نیز متناسب بازمین‌های آزاد بی درخت میباشد.

مجاورت زمین این نواحی باقفقاز، حیوانات آن‌ها رامتشابه ساخته‌و عمده آنها عبارتند از قوچ و میش کوهی و بسیاری از پستانداران کوچکتر. درندگان آن پلنگ، گربه‌کوهی، خرس، گرگ، شغال، روباه و کفتار و بندرت ببر دیده میشود در دره‌های‌عریض خشک و جلگه‌ها و هامون‌ها با هوای بری پستانداران کوچکتر مانند روباه، خارپشت و از جوندگان خرگوش و موش‌کور و موش کوهی زندگی می‌کنند.

از پرندگان میتوان، کرکس‌ها، عقاب‌کبک‌کوهی، گنجشک شاخدار، پرستوی کوهی رانامبرد، پرندگان نیمه دشتی عبارتنداز: تیهو و سینه سیاه و خروس‌کولی و غیره و مخصوصا" انواع سارها که دشمن و منهدم کننده ملخ‌های مراکشی هستند.

سوسمارها و مارها متعدد و متنوعند. حیوانات نواحی مسکون عبارتست از انواع موش‌های خانگی و صحرائی، در ناحیه میانه مخصوصا" **مله** که موجب تب راجعه میشود. از پرندگان هدهدو مگس‌خوار خاکستری.

۳ ـ **ناحیه خراسان:** مشتمل است بر تمام قسمت شمال‌شرقی ایران که‌از کوه‌های بلند و بریده پوشیده شده و آن کوه‌ها را دره‌های‌عریض موازی از هم جدا میکند.

اقلیم آن کوهی و استپی و نیمه کویری و نباتاتش کم و بهمین جهت از همه حیث شباهت کلی باترکمنستان شوروی دارد و از یک گروه محسوب میشوند.

پستانداران معمولی آن عبارتنداز قوچ‌ومیش‌وبزهای‌کوهی که‌پلنگ‌ها بشکارآنها می‌پردازند. حیوانات‌قسمت‌غربی‌خراسان، گوزن، خرس، ببر و گربه کوهی است. پستانداران کوچک آن سمور، خارپشت، دله، روباه، خفاش، سیاه‌گوش، موش کور هندی، و انواع موشهای دیگر است.

پرندگان این ناحیه بیشتر پرندگان ثابتی هستند که لانه‌های خود را در

محل‌های معین ساخته و پیوسته در آن‌بسر میبرند و بعضی‌از انواع آنها مشخص کوههای بلند آسیا محسوب میشوند.

پرندگان خراسان از انواع گوشتخواران بزرگ، مانند کرکس، باز ،انواع لاشخورانی که ازنوک‌یک بال آنها تا بال دیگر ۱/۵۰متراست‌و کبوتر و کبک، قمری ،کبک کوهی، و گنجشک‌های متعدد.

خزندگان خراسان در هر قسمت تقریبا" یکنواخت و مقدار آنها زیاد و میتوان گفت منحصر بهمان ناحیه است.

ماهیهای خراسان‌که منحصر به رودهای کوهستانی است چندان زیاد و متنوع نیست و با ماهیهای قسمت‌های کوهستانی دیگر اختلافی ندارد ازحشرات خراسان مخصوصا" ملخ‌ها قابل ذکراند. از خراسان به ترکمنستان گله‌های ملخ مراکشی در موقع ملخ خوارگی موجب خسارات عمده به کشتزارهای پنبه میشوند، حرکت آنها پس‌از تخم‌ریزی از دره هریرود و بعضی دره‌های کوهستانی غربی‌تر بطرف شمال است.

۴ ــ قهستان ، کرمان مشتمل است بر دشت‌های مرکزی ایران و دشت‌کویر و دشت‌لوت و کوههائی که در آنها قرار گرفته یا آنها را فرا میگیرند. این قسمت خشکترین نواحی ایران و گیاهان آن منحصر است به عفلهای شوره‌زاری و حیوانات آن نیز مخصوص به خود است.

در این قسمت انواع پستانداران بزرگ از تمام نواحی دیگر بهتر محفوظ مانده و عبارتند از آهوها، گاوهای کوهی، بزکوهی و قوچ، خرس، پلنگ ،گربه‌ـ دشتی،گرگ‌کفتار، روباه، راسو. جوندگان آن نیز بسیار فراوان است و لانه‌های خود را در زمین حفر می‌کنند.

حیوان مخصوص این قسمت آهوی جیران است که از تندروترین حیوانات میباشد و در هنگامی تعقیبش کنند میتواند تا ۷۰ کیلومتر در ساعت بدود. فراوانترین جانوران این قسمت جوندگان هستند که بعضی از آنها گله‌های بزرگی راتشکیل میدهند.

انواع گنجشکها زاغی و مرغهای شکاری و مرغهای گوشتخوار و بوم زیاد است خزندگان استپی مانند سنگ‌پشت و مارها و سوسمار مخصوصا "سوسمار بزرگی بنام سوسمارگوسفندی یا (زمزم) بطول ۱۵۰ سانتیمتر دیده میشود. سوسمارهای کوچک دیگرکه در کمره‌های خشک و سنگستانها زندگی میکنند بنامهای مختلف تیرمار، مارمولک و همچنین مارها وافعی و مار کبرا و مخصوصا" نوع خاصی

مار خاردار **Acanthodaetylus** یافت میشود .

حیوانات رودهای مرکزی ایران چندان زیاد نیست و اقسام ماهیهای‌کوچک است که آنها را بنام ماهی سیاه یا ماهی سبیلدار و برحسب رنگ وشکل‌بنام‌های مختلف مینامند .

در نهرها و قناتها انواع وزغ و غوک و مارآبی دیده میشود و از گزندگان سمی عقرب‌ها ، رتیل ، پشه و در سوراخهای جوندگان نیز عده‌زیادی ملخ بسر میبرند .

۵ ــ **قسمت زاگرس:** جنوب‌غربی ایران چنانکه اشاره شد رطوبت‌زیاد ترو رستنی بیشتر دارد و در بعضی از نواحی آن جنگلهای بلوط یافت میشود حیوانات آن متناسب باوضع جنگل و همچنین استپ‌های باز است چنانکه در این کوه‌ها در حدود ۱۷۰ نوع پرنده و هوبره و کبوتر و غیره و گله‌های گراز و تا چندی پیش شاید شیر یافت میشده است .

در نهرهای کوچک کوهستانی زاگرس که مربوط به کارون است بیش از ده نوع ماهی خاص و محلی تشخیص داده‌اند .

۶ ــ **قسمت سیستان:** ناحیه پست و هامونی شوره زار و دارای گیاهان شوره‌روی است در جلگه‌های‌کویری آهو ، خرگوش ، شغال ، روباه و جوندگان بسیار است در حوالی هیرمند وکناره دریاچه‌ها گراز و گربه‌وحشی و پرندگان بسیار است که در میان آنها پرندگان آبی و باتلاقی مانند غاز، مرغ‌سقا ، درنا، حواصل ، اردک ، جره را میتوان شمرد در قسمت‌های دیگر انواع گنجشک‌ها و پرندگان این قسمت بیش‌از ۲۰۰ نوع است که شصت نوع از آنها آشیانه‌ساز هستند .

وضع خاک و شن و ریگ‌ها موجب آن شده که شماره خزندگان آن نیز زیاد و شبیه بقسمتهای دیگر ایران‌باشد .

۷ ــ **بلوچستان:** مرکب‌از کوههای بلند و دره‌های زیادی است وحیوانات آن بکلی با مناطق دیگر اختلاف فاحش دارد و نزدیک بجانوران هندوستان و عربستان و دنباله آنهاست . موشهای پرنده و مخصوصا "شب پره و از جوندگان موش خرما . سمورها وخرگوش و آهوی معروف بنت **Bennet** وگاهی هم پلنگ دیده میشود .

در کوه‌ها و جنگلهای بلوچستان بیش‌از ۱۵۰ نوع پرنده آشیانه داردکه غالبا" شبیه به پرندگان هنداست . و علاوه بر آن انواع کبک و هوبره و

دارکوب کبوددیده‌میشود .

در ساحل برکه‌ها از دوزیستان وزغ و غوکهای سبز دیده میشود ازخزندگان سنگ‌پشت‌های استپی و مارمولک‌زرین و سوسمار پابلند و خاکستری و مار کور و مارهای رنگارنگ دیگر و مارهای آبی در همه جا دیده میشود .

۸ ــ دشت‌های کارون : قسمتی‌از جلگه وسیع بین‌النهرین است‌که دردامنه‌های فلات ایران قرار گرفته و مشابه آن است . دشتی که در قسمت سفلای کارون قرار داردبسبب هوای خشک و گرم و نوع نباتات خود مشخص میباشد ، در بعضی نقاط‌منظره زمین‌های خشک مبدل به بیشه‌های درختان و درختچه‌های کوچک و بوته‌های کَبَرْ و کرت و بوته‌های‌انبوه سمی و در هم غلبلب میشود . در برکه‌های شوراب و در زمینهای شوره‌نباتات رطوبی شور میروید و دراین نقاط حیوانات هوای آزاد نیمه کویری و دره‌های رود فراوان است درندگان وحشی آن عبارتند از مانگوست **Mangouste** یاموش فرعونی **Ichneumon** شغال و شاید تا این اواخر شیر و از جوندگان خرگوش و موش‌های مختلف و از سمداران گراز ــ وحشی ، آهو و دو نوع گوزن . پرندگان این ناحیه بیشتر دارای‌انواع مشابه با بین‌النهرین و اختلافش با سایر قسمتهای ایران بیشتر میباشد . پرندگان قسمتهای شمالی و مرغان نواحی کوهستانی چون در این نقاط شرایط زندگی مناسب ندارند باین طرف متوجه نمیشوند . پرندگان آن بیشتر از پرندگان برکه‌ها یعنی لکلک و درنا و قسمتی‌از پرندگان دشت‌های وسیعند .

خزندگان معمولی این قسمت علاوه بر آنچه در نقاط جنوبی گفته شد قسمتی‌از انواع خزندگان افریقائی است . از دوزیستان غوک و وزغ سبز و در نواحی دشتی سوسمارها و سوسمارهای‌زرین‌و مارهای گرمسیر و مارهای پران‌زیاد است . ماهی‌های حوزه کارون و شط‌العرب مشتمل بر ۵۴ نوع است که ۱۹ نوع آن مخصوص همین منطقه و یکی از آنها کفال‌است .

۹ ــ سواحل خلیج‌فارس ودریای‌عمان : کناره دریای عمان و خلیج‌فارس از آن جهت قابل ملاحظه است که در آن جانوران دریاهای‌گرم استوائی مانند مرجان را میتوان یافت . مرجانهائی که اسکلت آهکی دارند در بعضی‌نقاط سنگها و پایه‌های متخلخلی بصورت جزیره‌های سطحی یا اندک آب گرفته میسازند که در سوارخها ومنافذ آنها انواع کرمها و خرچنگها و اسنفج‌ها و خارتنان و نرم‌تنان و ماهی‌ها و بسیاری از طبقات جانوران عجیب و غریب دیگر است‌که اشکال آنها موجب تعجب است .

در نقاطی از ساحل که درختچه‌های انبه میروید اگرچه حیوانات بزرگ کم است ولی‌انواع جانوران برکه‌ای فراوان است و برگ‌های درختان انبه آنها راازآفتاب سوزان محافظت میکند جهان مخصوصی از موجودات دریائی و آب شیرین و نباتات بوجود آمده و در میان آنها ماهی‌های بالدار قابل ذکر است، این ماهی‌ها وضع خاص و عجیبی دارند و از حیث‌وضع زندگی تا حدی نظیر وزغ‌ها میباشند. طول آنها کمتر از پانزده سانتیمتر نیست. رنگشان خاکستری روشن یامایل بسبز با خالهای کبود یا خاکستری و باله‌های کبود رنگ آنها لکه‌های سیاه و سفید دارد چشمان برآمده آنها برنگ سرخ است.

ماهی‌های ایران مانند دوزیستان درلجن و گل‌و لای خزیده گاهی هم بر روی شاخه درختان‌انبه‌میروند و یکمرتبه در آب فرو رفته در گل پنهان‌میشوند پس از مد دریا توده‌های بزرگی از بقایای مارهای دریائی بنفش و ستاره‌های دریائی متنوع هلوتوریHolothuriaو کرمهای مختلف آبی و آکتی‌نیActinie های گوناگون و اسفنج اشکال متناوب وگوناگون نرم‌تنان و میگو و خرچنگ باریک و هشت‌پا برجای میماند و مخصوصا" انواع خرچنگهای آن زیاداست. این فراوانی حیوانات بی مهره گله‌ها و دسته‌های بزرگ مرغان آبی مانند: حواصل، درنا، لکلک واردک را بدین سواحل می‌کشاند، گاهی بندرت سنگ‌پشت‌بزرگ دریائی و مارهای دریائی و کرکدیل نیز میتوان یافت.

فراوانی میگو و لانگوستLangousteو مخصوصا" خرچنگ‌ها موجب حیرت مسافران می‌گردد خرچنگ‌ها با همنوعان خود تفاوت زیاد دارندبرخی از آنها سخت و محکم چون سنگ ولی چالاک و گروهی بهنگام خطر پاها را در زیر خود جمع کرده چون برجستگی سنگ بنظر می‌آیند. پاره‌ای دارای دستهای دراز و چنگالهای شفافی هستند که اندازه تنه هیچگونه قابل مقایسه با آن نیست و ناچیز بنظر میآید. شماره خرچنگهای صدف‌نشین (گوشه نشین) چنان زیاداست که فضای بسیاری از سنگهای ساحلی را بکلی می‌پوشاند ماهی‌های این قسمت از کناره‌های ایران بسیار زیاد و همه از انوع دریاهای‌گرمند. ماهیهای بالدار که در هنگام گریز از دشمن از آب بیرون پریده و مسافت ۱۰ مترراميتواند پرواز کنند، ماهی‌های بزرگ از انواع تن و ماکرلMaquerel یا اسکمبری Scumbri پلامیدPelamideکفال در همه جا فراوان است. گاهی در آبهای خلیج فارس کوسه‌های بزرگ یافت میشود. شاه‌ماهی، چنبری، شاخدار خاردار و غیره در همه جا هست. دسته‌های بزرگ و عظیم ماهی‌ساردین در

کناره‌های جزایر هرمز و لارک و قشم در حرکت هستند.

در آبهای خلیج‌فارس‌ودریای‌عمان بوجودات شب افروزمخصوصا" در تنگه هرمز زیاد است. جانوران فروزان از انواع گوناگون حیوانات مانند هیدرها و مدوزها و سخت پوستان و نرم پوستان و ماهی‌ها میباشند. گاهی فراوانی باکتریهای‌شب‌تاب چنان‌آب را روشن میکند که امواج آب چون‌شعله‌های فروزان آتش دیده میشود.

فراوانی صدف مروارید در آبهای خلیج فارس مخصوصا در قسمتهای‌کم‌عمقی که در امتداد جزایر و رابط ایران و شبه جزیره عمان و عربستان قرار دارند قابل ملاحظه است. صید صدف مروارید در حوالی جزیره هرمز و در مقابل بندر لنگه از دوره‌های باستانی معمول بوده و این نقاط از مهمترین مراکز مروارید محسوب میشوند.

ماهی‌های رودهای ایران که بخلیج‌فارس ودریای عمان میریزند مانندحوزه کارون قریب ۳۰ نوع میباشد که بعضی از آنها محلی و مخصوصی است مانند سیپریون**Cyprion**و هاپا **Happa** غیره.

اطلاعات آماری درباره شیلات ایران :

استخراج از : سالنامه آماری کشور (سال ۱۳۶۱)

از نشریات مرکز آمار ایران .

دریاهای شمال و جنوب ایران و رودخانه‌های داخلی از منابع مهم ثروت ملی است که در صورت سرمایه گذاری مناسب و استفاده صحیح از این منابع و ذخائر ارزشمند می‌توان علاوه بر تامین نیازهای داخلی بویژه احتیاجات مواد غذایی در زمینه مواد پروتئینی و گوشت ، استفاده سر شاری از طریق صادرات انواع ماهی و سایر فرآورده‌های منابع آبزی نصیب خزانه عمومی کشور کرد .

بنابراین نظریه ، اهمیت خاص هریک از منابع مزبور ، وجود محدوده‌های مشخص و متمایز بهره برداری از آنها و تنوع فرآورده‌های حاصله ، در باره هر یک از منابع کلیاتی بشرح زیر در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد تا استفاده از سایر اطلاعات آماری راتسهیل نماید .

۱ ــ دریای مازندران (خزر)

الف ــ تاریخچه فعالیت :

صید ماهی و استفاده از منابع آبزی در سواحل دریای مازندران ورودخانه‌های مربوط به آن تا زمان حکومت قاجار تابع هیچ نظام وقاعدهٔ خاص و مدونی نبود .

نیاز دولت حاجی میرزا آغاسی صدراعظم محمد شاه قاجار به پول از سویی و فشار دولت روسیه تزاری که به ارزش ذخایر گرانبهای سواحل جنوبی این دریا پی ــ برده بود ، برای کسب امتیاز بهره برداری از دیگر سو باعث شد که محمد شاه قاجار و حاجی میرزا آغاسی تسلیم خواسته‌های سفارت روسیه تزاری شوند و اجازه بهره‌برداری از ماهیان سواحل جنوبی دریای مازندران را در مقابل دریافت اجاره بهای سالانه‌ای معادل ۶۵۰۰۰ ریال به شخصی به نام " **عبدل** " از اتباع روسیه تـــزاری واگذار کنند .

این وضع تا آغاز صدرات "میرزاتقی خان امیرکبیر" ادامه داشت ، تا اینکه در سال ۱۲۶۵ هجری قمری قرار داد مزبور لغو شد . در این تاریخ شخصی بنام " میرزا ابراهیم خان دریابیگی " موفق به اخذ امتیاز چهار ساله بهره برداری از سواحل جنوبی دریای مازندران ورودخانه‌های بین ارک و آستارا شد . لیکن خویشاوندی او با چند تن از اتباع روسیه تزاری انگیزه مداخلات سود جویانه در کار ابراهیم خان دریابیگی گردید . امیرکبیر که این مداخلات را به هیچ وجه نمی‌پذیرفت تا خیر نخستین قسط اجاره بها را بهانه قرار داد و پیمان ابراهیم خان دریابیگی را لغو کرد .

درگیریهای پی در پی ایران با دولت روسیه ، فقر خزانه دولت و نفوذ عمال بیگانه در حکام م وقت موجب شد امتیاز بهره برداری از منابع آبزی دریای مازندران در حوزه جنوبی تا سال ۱۲۵۵ خورشیدی در اختیار افراد متعدد خارجی قرار گیرد . در سال ۱۲۵۴ خورشیدی شخصی بنام "**استپان مارتینویچ لیانازوف**" که از سرمایه ـ داران هشترخان ارمنستان و صاحب امتیاز شیلات آن شهر بود متوجه کرانه‌های جنوبی دریای مازندران شد و پس از یکسال آزمایش در سال ۱۲۵۵ خورشیدی امتیاز بهره‌ـ برداری از این سواحل را در قبال پرداخت سالانه ۵۰۰۰۰۰ ریال ضمن عقد یک قرارداد ۲۷ ساله بدست آورد .

پس از وی این امتیاز با قرار داد جدیدی به پسرش منتقل گردید و به این ترتیب از آغاز کار لیانازوف‌ها برای نخستین بار مراکز متعدد و تاسیسات مقدماتی برای صنعت صید و بهره برداری توسط آنان بوجود آمد .

پس از خاتمه مدت قرارداد لیانازوف‌ها ، شخصی بنام "**گریگوریطرویچ وانتسوف**" به ضمانت تجارتخانه "**تومانیانس**" بهره‌برداری از آبزیان حوزه جنوبی دریای مازندران را بعهده گرفت . در سال ۱۳۰۶ خورشیدی این قرار داد لغو شد و پیمان جدیدی بین دولتین ایران و شوروی برای ایجاد شرکتی بنام " شرکت مختلط ماهی ایران و شوروی " منعقد گردید . طبق پیمان مزبور امتیاز بهره برداری از سواحل دریای مازندران و چند رودخانه مهم داخلی ، به مدت ۲۵ سال به این شرکت واگذار گردید .

لازم به تذکر است که سایر روخانه‌های داخلی در اختیار وزارت دارایی بود که از طریق مزایده به اجاره داده می‌شد . در طول مدت فعالیت شرکت مختلط ایران و شوروی مصرف فرآورده‌های شیلات در ایران کم شده و بیشتر این محصولات به شوروی صادر می‌شد .

در ۱۲ بهمن ماه ۱۳۳۱ خورشیدی مدت این قرار داد به پایان رسید و شیلات ملی اعلام شد و طی ۲ سال بهای تمام سهام دولت شوروی از طریق تحویل ماهی و خاویار به آن دولت پرداخت شد . شرکت سهامی شیلات ایران که پس از شرکت مختلط ماهی ایران و شوروی کار بهره برداری از دریای مازندران را بعهده گرفته بود تا سال ۱۳۴۶ وابسته به وزارت دارایی بود .

در این تاریخ با تشکیل وزارت منابع طبیعی ، شرکت سهامی شیلات ایران از وزارت دارایی جدا و باین وزارتخانه وابسته گردید و با انحلال وزارت منابع طبیعی و تفویض وظایف آن به وزارت کشاورزی و منابع طبیعی و تغییرات بعدی ، اکنون

شرکت سهامی شیلات ایران وابسته به وزارت کشاورزی و عمران روستایی است.

بموجب اساسنامه و قانون تاسیس شرکت سهامی شیلات ایران مصوب یازدهم مرداد ۱۳۳۹ ،اجازه بهره برداری از دریاها ، دریاچه و رودخانه‌های ایران که محل عبور ماهی هستند به شرکت سهامی شیلات ایران داده شد . بر اساس این قانون ، شرکت سهامی شیلات ایران کار بهره برداری از سواحل جنوبی دریای مازندران و رودخانه‌ها ، خلیج هاو مردابهای آنرا بعنهده دارد .

برای آگاهی از فعالیت شیلات ضروری است مشخصات کلی دریای مازندران را بدانیم و پس از بررسی اجمالی رودخانه‌ها ، خلیج ها و مردابهای آن و شناخت انواع ماهیان ، چگونگی بهره برداری از آنها را مورد مطالعه قرار دهیم .

ب ــ حوزه فعالیت شیلات .

دریای مازندران بزرگترین و ارزنده‌ترین دریاچه بسته جهان بشمار می‌رود که اخیرا "ازطریق کانال ولگا ــ دن به دریای آزاد راه یافته است . طول دریا ۱۲۰۵ کیلومتر ،پهنای آن ۵۵۴کیلومتر ، مساحت ۴۳۸۰۰۰ کیلومتر مربع ، حجم آب حدود ۷۹۳۱۹ کیلومتر مکعب ، طول محیط کرانه ۶۳۷۹ کیلومتر ووسعت حوزه ۳۷۳۳۰۰۰۰ کیلومتر مربع می باشد ، طول کرانه دریای مازندران در ایران ۹۹۲ کیلومتر ووسعت حوزه درایران بالغ بر ۲۵۶۰۰۰ کیلومتر مربع تخمین زده شده است . عمیق ترین نقطه دریای مازندران در جنوب آن واقع شده است که عمق آن در حدود ۱۰۰۰ متر است .

تذکر : احتمال دارد که ارقام ارائه شده تفاوت‌هایی هر چند مختصر بااعداد و ارقام دیگری داشته باشد که جهت معرفی بیشتر این دریا در بخش های دیگر کتاب آورده شده است . انگیزه اصلی موءلف در عدم تغییر و یا یکسان سازی اعداد و ارقام حفظ و رعایت امانت در نقل مطالب از منابع مختلف بوده که بعضا" مذکور افتاده است .

رودخانه‌هایی که به دریای مازندران می‌ریزند بشرح زیر می باشند .

آب رودخانه‌های سواحل شمالی دریا یعنی ولگا ،سالاک و اورال مجموعا" در حدود ۸۸% آبهای وارده است . آب رودخانه‌های سواحل غربی در حدود ۷ % تخمین زده شده است .آب رودخانه‌های سواحل جنوبی واقع درخاک ایران مجموعا" ۵% آبهای وارده را تشکیل داده است .

از تعداد ۳۵۰ رشته رودخانه‌ای که از کرانه‌های ایران به دریای مازندران

میریزند ، ۴۵رشته‌آن‌وارد مرداب انزلی می‌شوند . بعلاوه چند روخانه نیز به خلیج گرگان می‌ریزند .

خُلیج انزلی ــ این‌خلیج دربخش‌غربی سواحل جنوبی دریای مازندران واقع شده‌است و مساحت آن در حدود ۲۰۰ کیلومتر مربع است. نزدیک دهانه باریک خلیج‌جزایرمتعددی موجود است که بر اثر کاهش مداوم ارتفاع آب دریا پیوسته بر وسعت آنهاافزوده‌می‌شود . جزایر مزبور بوسیله روگاهها یابابهایی از یکدیگر مجزا می‌شوند . این روگاهها محل طبیعی تخم ریزی ماهیها هستند و از این جهت برای شیلات‌اهمیت بسیار دارند . در خلیج انزلی ، خلیج های‌کوچکی مانند "کپورچال وبهم بر" وجود دارد که مانند خود خلیج انزلی از نظر پرورش و صید ماهی سفید قابل‌توجه‌می باشند . ۳۴رودخانه به خلیج انزلی می‌ریزند که ۱۸ رودخانه از آنها قابل ماهیگیری است .

خلیج گرگانــ وسعت خلیج گرگان تا چند سال پیش به ۴۰۰کیلومتر مربع می‌رسیدولی بعلت‌کمبود بارندگی و ایجاد سد بر روی رودخانه‌ها و در نتیجه کاهش سطح آب دریاو شیب کم کرانه ، بسرعت در حال خشک شدن است و بهمین دلیل مجمع الجزایر "**آشوراده**" که در کنار این خلیج قرار دارد و در گذشته شامل سه جزیره‌بودوکشتیهاازفواصل میان این جزایر به خلیج رفت و آمد می‌کردند ، اکنون بهم پیوسته و به شبه جزیره **میانکاله** متصل شده‌اند . فقط یک دهنه کم عمق میان آشور کوچک و کرانه خاوری دریای مازندران (بندر ترکمن) باقی‌مانده است که قایق‌های‌موتوری‌بزحمت‌ازآن‌می‌گذرندواگرلارروبی نشود دیری نخواهد پائیدکه این معبر نیز مسدود خواهد شد .

برخلاف خلیج‌انزلی رودخانه‌های زیادی به این خلیج نمی‌ریزند و ازمیان رودخانه‌هایی‌کهواردخلیج‌گرگان‌می‌شوند فقط دو رودخانه "**سیاه آب**" و "**امیرآباد**" از نظر صیدقابل‌توجه‌اند درخلیج‌گرگان‌ماهی‌کوچک اندام فلس داری بنام "**کلمه**" بحد وفور وجود داشت ، بطوریکه در اوائل قرن بیستم سالی در حدود ۵۰ هزار تن از آن در این خلیج صید می‌شد و بهمین سبب در مصب رود قره سوتاسیسات عظیم صید ماهی ایجاد شده بود که هنوز نیز بر قرار است . اما متاسفانه بر اثر عوامل‌متعدد منجمله کاهش روز افزون آب خلیج و قطع ارتباط‌آن با دریا ، تعداد این ماهی تقلیل یافته است .

ج ــ شناخت انواع ماهیان

بطور کلی‌قریب ۱۰۰ گونه وزیر گونه از ماهیان دریایی و مهاجر ، در دریای

مازندران زندگی می‌کنند، که در حال حاضر فقط از ۱۵ تا ۲۰ نوع بهره برداری می‌شود. نام ماهیان قابل بهره‌برداری بشرح زیر است.

دسته‌ماهیان‌فلسدار : ماهیان فلسدار قابل بهره‌برداری فعلا " **شامل ماهی سفید ،سوف ، کفال ،کپور ، ماش ، سس ، سیم ، کلمه ،اردک‌ماهی ،کیلکا ، ریزه‌کولی ، شاکولی و ماهی آزاد** می‌باشند.

مدت رشد ماهی تا حد استاندارد صید برای ماهیان فلسدار حداقل ۴ ساله می‌باشد.

ـ دسته ماهیان خاویاری (استروژن) : این دسته از ماهیان که تا سماهیان نیز نامیده می‌شوند شامل **اوزون‌برون (سوروگا)** ، **شیپ‌ماهی** که نوعی از اوزون‌برون است ، **تاس‌ماهی (آسترا) و فیل‌ماهی** (بلوگا) می‌باشند.

د ـ بهره برداری از ذخایر آبزی دریای مازندران.

چون‌دریای‌مازندران‌دریای تقریبا " بسته‌ای است که به اقیانوسها مستقیما " راه‌ندارد نمی‌توان انتظار داشت بهره برداری از این دریا از طریق مهاجرت آبزیان دریاها و اقیانوس‌های دیگر تامین شود. بعلاوه صید بی‌رویه و عوامل‌نامساعد بیولوژیک‌واکولوژیک منجمله‌گسترش‌سطح‌کاشت‌ومصرف بیشترآب ،آلودگی آبها از طریق کار برد سموم شیمیایی در کشاورزی و همچنین و رود فاضل‌آب کارخانه‌ها به رودخانه‌هایی‌که‌محل‌تخم‌ریزی‌و تکثیر طبیعی برخی‌از آبزیان مهم دریای مازندران بشمارمی‌روند ، منابع آبزی را در برابر خطر انقراض نسل قرار داده است و به این ترتیب زاد وولد طبیعی ماهی برای جبران بهره برداری از آبزیان به هیچ‌وجه نمی‌تواند جوابگو باشد.

صید ماهیان‌فلسدار به استثنای " **کیلکا** " با توجه به‌کیفیت بیولوژیک این‌گونه ماهیان و زمان تخم ریزی و توالد و تناسل‌آنها معمولا " از اول آبانماه هر سال تا ۱۵فروردین‌سال بعد توسط صیادان شرکتهای تعاونی طبق قرار داد انجام می‌شد. تنهاصید **شک‌ماهی** یا **هرینگ** از اول آذر ماه هر سال تا پایان اردیبهشت ماه سال بعد عمل می‌شده است. صید به دو طریق تراکتوری‌وپره کشی (کشیدن تورماهیان فلسدارتوسط نیروی انسانی)و با روش صید محاصره‌ای یا نیمه انتظاری انجام می‌شود.

صید ماهی **کیلکا** شبها در اعماق دریاوسیله ناوگان صیادی انجام می‌شود. کیلکاکه‌شاید کوچکترین ماهی دریای مازندران باشد و طول آن حداکثر به ۱۲ الی ۱۵سانتیمتر می‌رسد ، از سال ۱۳۱۸ در بندر ترکمن صید می‌شود. تولید مثل این

ماهی از راه تخم ریزی در دریا و بیشتر در روی تخته سنگهای کف دریاصورت می‌گیرد. ماهی کیلکاچون بسیارظریف و لطیف است در هوای گرم و شرایط نا مساعد بسرعت فاسد می‌شود، بهمین دلیل و همچنین به سبب تخم ریزی در فصول گرم صید کیلکا در فصل تابستان قطع می‌شود و فقط ۹ ماه از سال بهره برداری انجام می‌شود.

صید ماهیان غضروفی از آستارا تا صیدگاه لاریم ساری مدت ۶ ماه از سال بطور متناوب انجام می‌گیردکه‌دو ماه (از ۱۱ مرداد تا اواخر مهرماه) صید پائیزه وچهارماه‌دیگر (از۱۵ بهمن ماه تا اواسط خرداد سال بعد) صید بهاره نام دارد. فصل‌صید دربندر ترکمن تا جزیره آشور بمناسبت وضع خاص اکولوژیک دریا در این ناحیه بطور متوالی از ۲۱ مرداد تا اواسط خرداد ماه سال بعد ادامه می‌یابد.

روش صید، صید انتظاری‌است‌که عبارت از قرار دادن تورهای ثابت است و به انتظار عبور ماهیان در دریا ماندن. به سبب وضع خاص دریای مازندران و محیط زیست و بیولوژی ماهیان، نواحی خاصی برای صید هر یک‌از انواع آنها مناسبتر است. **فیل‌ماهی** ازنظرجثه‌بزرگترین‌نوع‌ماهی غضروفی‌است که بطور متوسط حدود ۴۰ کیلوخاویار دارد و از این نظر با ارزش ترین نوع ماهی غضروفی بشمار می‌رود.

به‌تشخیص‌کارشناسان‌خاویارسازی، خاویاربرحسب‌مرغوبیتی‌که دارد معمولا" در هر یک‌از انواع **سور وگا**، **آستراوبلوگا** به سه درجه تقسیم می‌شود:

خاویاردرجه۱: دانه‌های درشت، شفاف وسالم، به‌رنگ‌خاکستری روشن مشخصات مرغوبترین خاویار صادراتی ایران است. مواظبت از ماهی و خاویار در مراحل مختلف صید و عمل آوری، لازمهٔ بدست آوردن این رقم خاویار می‌باشد.

خاویار درجه ۲: ۵۰ در صد دانه‌های این رقم خاویار شکسته است و نوعی نرمی بخصوص در آنها مشاهده می‌شود. عواملی از قبیل کوبیدگی شکم ماهی در امواج دریا یا در مراحل بعدی صید و احتمالا" بی‌توجهی در امر عمل‌آوری باعث شکستن دانه‌های خاویار می‌گردد.

خاویار فشرده: دانه‌های‌این‌رقم خاویار ۷۰% شکستگی دارد و شیری و نرم است. کوبیدگی شدید شکم ماهی در امواج دریا و یامرگ ماهی در امواج دریا سبب می‌شودکه‌خاویاردرشکم‌ماهی به‌میزان بیشتری شکسته وله شود. طریقهٔ عمل‌آوردن این نوع خاویار از سایر ارقام متفاوت است.

۲ ـ خلیج فارس و دریای عمان :

حدود ۱۸۰۰ کیلومتر از کرانه‌های شمالی خلیج فارس و دریای عمان در خاک ایران‌قرار دارد . دریاهای‌جنوب‌سرشار از ذخایر گوشتی و سایر فرآورده‌های دریایی می‌باشد . دکتر **هر الدبلگواد** دانشمندماهی شناس دانمارکی که طی سالهای ۱۳۱۵ و۱۳۱۶درباره ذخائر دریای جنوب مطالعات عمیقی بعمل آورد اعلام داشته است که‌با استفاده از روشهای جدید می‌توان علاوه بر صید سالانه ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تن انواع ماهی ، فرآورده‌های دیگری چون روغن ، چرم ، کود ، چسب ، مروارید ، پلاستیک ، دارو و غیره نیز بدست آورد .

مطالعه این دانشمند اهمیت نقش‌اقتصادی منابع دریاهای جنوب را روشن می‌سازد ، خاصه که به اعتقاد کارشناسان بین‌المللی امکانات صید و بهره برداری ازماهیها و موجودات آبزی و فرآورده‌های آنها به مراتب بیشتر از پیش بینی دکتر بلگواد است .

باید دانست که بهره برداری از ذخائر مزبور پس‌از سالهای رکود وارد مرحله جدیدی که متضمن‌منافع ملی ایران خواهد شد می‌گردد .

ماهیهای جنوب از لحاظ اهمیت اقتصادی به سه دسته درجه یک‌و درجه دو (خوراکی)و درجه سه (غیر خوراکی) تقسیم می‌شوند . در حوزه بوشهر انواع ماهیهای خوراکی درجه یک‌و دو همچنین میگو صید می‌شود . حوزه بندرعباس در محل اتصال آبهای خلیج فارس‌و دریای عمان گذرگاه تمام ماهیهایی است که از اقیانوس‌هند به طرف تنگه هرمزمی آیند . صید ماهی دردریای جنوب در دو فصل پائیز (از شهریور تا اواخر دی) و زمستان (از اوائل بهمن تا آخر اردیبهشت) صورت می‌گیرد . صید میگو در خلیج فارس در فصل تابستان و در دریای عمان از اوائل فصل پائیز تا بهمن‌ماه انجام می‌شود .

بهره‌برداری‌ازماهیهاوموجودات آبزی و فرآورده‌های مربوطه در خلیج فارس و بحر عمان از سال ۱۳۴۰ تحت نظارت شرکت سهامی شیلات جنوب ایران انجام می‌گیرد . این شرکت‌سابقا "تابع‌وزارت‌جنگ بود و اکنون وابسته به وزارت کشاورزی و عمران روستایی است .

انواع ماهیهای‌قابل‌بهره‌برداری‌خلیج فارس‌و دریای عمان فعلا " بشرح ذیل می‌باشند :

انواع مهم ماهیهای قابل بهره‌برداری‌خلیج فارس و دریای عمان

نوع ماهی	حداقل وزن (گرم)	حداکثروزن (کیلوگرم)
ماهی حلوا سفید	۲۰۰	۱/۵
شوریده	۲۰۰	۱/۵
قباد	۲۰۰	۱/۵
سبیتی	۵۰۰	۶
شیر	۲۰۰	۴۰
میش	۵۰۰	۳۰
سرخو	۲۰۰	۶
کفشک	۲۰۰	۳
سنگسر	۲۰۰	۲/۵
شانک	۲۰۰	۳
هامور	۲۰۰	۳۰۰
کدر	۲۰۰	۱۰
سوکلا	۲۰۰	۴۰
مقوا	۲۰۰	۶
طعطعو	۱۵۰	۰۰۰
بیاح	۳۰۰	۴

۳ ــ رودخانه‌های داخلی

علاوه بر حوزه دریای مازندران و حوزه خلیج فارس و بحر عمان ، تعدادی ازرودخانه‌های داخلی نیز قابل بهره‌برداری می‌باشند و واحدهای بهره‌برداری از منابع آبزی‌از قبیل شرکت ماهی قزل‌آلا (جاجرود) ، ماهی سرای کرج و . . . . در کناررودخانه‌ها و پشت سدها در زمینهٔ پرورش‌ماهی فعالیت می‌کنند . بعنوان مثال تولیدماهی قزل‌آلا درسال ۱۳۵۷ توسط شرکت ماهی قزل‌آلا در حدود ۸۵ تن بوده است .

چون آمار تولیدرودخانه‌های داخلی در دسترس نبوده است لذا اطلاعات این بخش فقط شامل حوزه‌های دریای‌مازندران‌وخلیج‌فارس‌و بحر عمان می‌باشدکه‌توسط

شرکت سهامی شیلات ایران و شرکت سهامی شیلات جنوب ایران در اختیار مرکز آمار ایران قرار داده شده است.

لازم به‌یادآوری است که ذخائر و فرآورده‌های حاصل از دریاها و رودخانه‌ها منحصر به‌ماهی، میگو و خاویار نیست لیکن در این بخش به اقلام یاد شده‌بسنده شده است.

تولیدات و فروش انواع ماهی و میگو درشیلات جنوب .

انواع ماهی صیدشده درشیلات جنوب : ۶۰ – ۱۳۵۵

(تن)

سال	جمع	ماهی کنسرو	ماهی غیر کنسرو
۱۳۵۵	۸۲۷۹	۷۹۷	۷۴۸۲
۱۳۵۶	۸۸۳۵	۱۷۰۵	۷۱۳۰
۱۳۵۷	۲۹۴۱	۳۴۶	۲۵۹۵
۱۳۵۸	۵۸۲۷	۱۴۴۵	۴۳۸۲
۱۳۵۹	۷۱۱۹	۱۳۱۴	۵۸۰۵
۱۳۶۰	۸۷۰۰	۳۷۰۰	۵۰۰۰

ماخذ شرکت سهامی شیلات جنوب ایران

مقدارصیدمیگو به‌تفکیک سهم شیلات و کمپانیهای خارجی : ۶۰ – ۱۳۵۵

(تن)

سال	کل صید	سهم شیلات		سهم کمپانیهای خارجی	
		مقدار	درصدنسبت به‌کل صید	مقدار	درصد نسبت به کل‌صید
۱۳۵۵	۴۰۴۰	۱۸۴۱	۴۶	۲۱۹۹	۵۴
۱۳۵۶	۱۶۷۵	۵۴۱	۳۲	۱۱۳۴	۶۸
۱۳۵۷	۱۰۵۱	۶۶۵	۶۳	۳۸۶	۳۷
۱۳۵۸	۱۷۳۸	۱۰۸۱	۶۲	۶۵۷	۳۸
۱۳۵۹	۱۲۱۸	۹۹۱	۸۱	۲۲۷	۱۹
۱۳۶۰	۱۰۵۰	۱۰۵۰	۱۰۰	۰	۰

ماخذ شرکت سهامی شیلات جنوب ایران

مقدارو ارزش فروش میگوتوسط شیلات جنوب به‌تفکیک صادرات ومصرف داخلی : ۶۰–۱۳۵۵

(تن– میلیون ریال)

سال	صادرات		مصرف داخلی	
	مقدار	ارزش	مقدار	ارزش
۱۳۵۵	۹۶۶	۳۸۷	۲۹۳	۸۰
۱۳۵۶	۶۰۰	۰۰۰	۲۸۹	۰۰۰
۱۳۵۷	۴۰۰	۰۰۰	۲۶۵	۰۰۰
۱۳۵۸	۳۲۰	۰۰۰	۷۶۱	۰۰۰
۱۳۵۹	۲۲۷	۰۰۰	۹۹۱	۰۰۰
۱۳۶۰	۰	۰	۶۰۰	۰۰۰

ماخذ – شرکت سهامی شیلات جنوب ایران .

۱ـ ارزش ماهی صید شده وخاویار ، کل مبلغ پرداختی به کارکنان وسرمایه گذاری شرکت سهامی شیلات ایران : ۶۰ـ ۱۳۵۴
(میلیون ریال)

دوره بهره برداری	ارزش ماهی صید شده و خاویار	کل مبلغ پرداختی به کارکنان	سرمایه گذاری
۵۵ – ۱۳۵۴	۹۶۰	۵۸۰	۷۶
۵۶ – ۱۳۵۵	۱۲۰۰	۶۵۴	۵۸
۵۷ – ۱۳۵۶	۹۱۷	۷۹۵	...
۵۸ – ۱۳۵۷	۱۴۱۴	۱۲۴۷	...
۵۹ – ۱۳۵۸	...	...	...
۶۰ – ۱۳۵۹	...	...	...

ماخذ ـ شرکت سهامی شیلات ایران

ارزش انواع ماهیهای صید شده وخاویار شیلات ایران : ۶۰ – ۱۳۵۴
(میلیون ریال)

دوره بهره برداری	ارزش کل	ارزش ماهیهای فلسدار	ارزش ماهیهای غضروفی	ارزش خاویار
۵۵ – ۱۳۵۴	۹۶۰	۴۵۳	۱۱۶	۳۹۱
۵۶ – ۱۳۵۵	۱۲۰۰	۶۸۳	۱۳۱	۳۸۶
۵۷ – ۱۳۵۶	۹۱۷	۶۶۲	۱۱۲	۱۲۳
۵۸ – ۱۳۵۷	۱۴۱۴	۶۶۸	۴۳۳	۳۱۳
۵۹ – ۱۳۵۸	...	...	...	...
۶۰ – ۱۳۵۹	...	...	...	...

ماخذ ـ شرکت سهامی شیلات ایران .

تولیدات و فروش انواع ماهی شیلات شمال (۱)

صید انواع ماهی توسط شیلات ایران : ۶۰ – ۱۳۵۴
(تن)

دوره بهره برداری	جمع کل	ماهیهای فلسدار				ماهیهای غضروفی
		جمع	سفید	کفال	سایر	
۵۵ – ۱۳۵۴	۶۹۹۴	۵۱۵۵	۴۶۶	۲۸۰۷	۱۸۸۲	۱۸۳۹
۵۶ – ۱۳۵۵	۷۲۱۲	۵۴۰۴	۱۰۵۴	۲۸۸۹	۱۴۶۱	۱۸۰۸
۵۷ – ۱۳۵۶	۴۸۹۹	۴۰۱۱	۴۱۳	۲۱۹۱	۱۴۰۷	۸۸۸
۵۸ – ۱۳۵۷	۳۴۱۰	۱۶۴۹	۲۸۳	۶۰۹	۷۵۷	۱۷۶۱
۵۹ – ۱۳۵۸	...	...	...	...	...	...
۶۰ – ۱۳۵۹	...	...	...	...	...	...

ماخذ ـ شرکت سهامی شیلات ایران

(۱) ـ تفاوتهای جزئی درجداول ناشی ازگردکردن ارقام ویامربوط به سایرانواع ماهی می باشد . سایرتناقضات وناهماهنگیها ناشی ازعللی است که درگزارشات شرکت سهامی شیلات شمال درج نشده است .

تولیدوفروش‌خاویار

تولیدوفروش‌خاویار: ۶۰ – ۱۳۵۴
(کیلوگرم – میلیون ریال)

دوره‌بهره برداری	موجودی اول‌دوره بهره برداری	مقدار تولید	فروش		موجودی آخر دوره بهره برداری
			مقدار	ارزش	
۵۵ – ۱۳۵۴	۷۹۰۵	۲۱۴۸۶۱	۱۹۵۰۱۸	۳۶۰	۲۷۷۴۸
۵۶ – ۱۳۵۵	۲۷۷۴۹	۲۱۰۴۴۲	۲۳۰۷۴۸	۴۱۲	۷۴۴۲
۵۷ – ۱۳۵۶	۷۴۴۲	۲۱۴۵۱۳ **	۱۸۸۵۰۰ **	۰۰۰	۳۳۴۸۸ **
۵۸ – ۱۳۵۷	۳۳۴۸۸	۱۹۷۵۰۷ **	۱۹۶۱۰۰ **	۰۰۰	۳۴۸۸۸ **
۵۹ – ۱۳۵۸	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰
۶۰ – ۱۳۵۹	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰

ماخذ: شرکت سهامی شیلات ایران

فروش‌خاویاربه‌تفکیک صادرات‌ومصرف‌داخلی: ۶۰ – ۱۳۵۴ .
(تن)

دوره‌بهره‌برداری	مقدارفروش خاویار		
	جمع	صادرات	مصرف‌داخلی
۵۵ – ۱۳۵۴	۱۹۵	۱۶۶	۲۹
۵۶ – ۱۳۵۵	۲۳۱	۱۹۷	۳۴
۵۷ – ۱۳۵۶	۱۸۸ **	۱۵۷ **	۳۱ **
۵۸ – ۱۳۵۷	۱۹۶ **	۱۸۴ **	۱۲ **
۵۹ – ۱۳۵۸	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰
۶۰ – ۱۳۵۹	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰

ماخذ – شرکت سهامی شیلات ایران .

مهم‌ترین دامهای خانگی ایران :

گله‌داری یکی از منابع ثروت قدیمی ایران از دوران‌های باستانی تا عصر کنونی است.

حیوانات اهلی ایران گوناگون و عبارتند از گوسفند، بز، شترو شاخداران بزرگ، اسب، استر و الاغ. گله‌داری عمده عبارتست از گوسفند و بزکه ۸۵ درصد گله‌ها را تشکیل میدهند.

بخشهای مهم پرورش‌گوسفند و شاخداران بزرگ یکی آذربایجان و دیگری خراسان است در ناحیه باختران گله‌های گوسفند و گاو وجود دارد.

مراتع بزرگ و چراگاه‌های وسیع در نقاط مختلف و باشکال مختلف‌کوهستانی و دشتی و کویری و خشک و مرطوب موجب بسط گله‌داری ایران شده است. غذای عمده گله‌های گوسفند و بز علفهای چراگاه‌هاست. زمستانهای بی‌برف موجب آن است که از دامنه تا قله‌های‌کوه‌ها در فصول مختلف بتوان محل چرای گله‌ها را تأمین کرد. چراگاههای طبیعی در یک محل‌اگر چه برای تمام سال میتوانند خوراک گله‌ها را تأمین کنند ولی‌کوچ دادن رمه‌ها ازمحلی بمحلی دیگر که موجب چادرنشینی صاحبان آنها گردیده در تمام سال برای خوراک گوسفندان و گله‌های دیگر کافیست وسعت واین چراگاه‌ها قریب ۸۵ درصد تمام مساحت ایران یعنی یکصد و چهل میلیون هکتار است و میتوان گفت تمام‌سطح ایران باستثنای قسمت‌های زراعت شده و نمکزارها و باطلاقها و تپه‌های شنی چراگاه گله‌ها میباشد.

گله‌داران در هنگام زمستان رمه‌های خود را بنواحی گرم میبرند. این نواحی در جنوب عبارتند از رود کارون و سواحل خلیج‌فارسو در هنگام تابستان آنها را بنقاط‌مرتفع کوهستانی میرانند. فاصله مراتع تابستانی از مراتع‌زمستانی برای بعضی قبایل از صدها کیلومتر تجاوز میکنند. مثلا" ایلات بختیاری در

مواقع تابستان در ارتفاعات غربی اصفهان و در زمستان در دره‌های کارون و نواحی مجاور شوشتر و مسجد سلیمان بسر میبرند. بعضی‌از انواع حیوانات‌شاخدار اهلی محتاج به خوراک‌های تکمیلی هستند که بوسیله زراعت یونجه و اسپرس و جو تأمین میشود.

گوسفند و بز بیشتر در خوزستان، کردستان، آذربایجان، لرستان، بختیاری فارس، کرمان و خراسان یعنی تقریبا" همه جا جز نواحی جنگلی جنوب خزر و زاگرس دشت‌های نمکزار و دشت‌های مرکزی پرورش می‌یابند. اغلب گوسفندان ایران از نوع نژاد کرد با پشم‌های خشن ویا نیمه خشن است نوع قراکل در خراسان و شیرازیافت میشود. قسمت عمده پشم ایران بخارج صادر میشود.

پرورش کرم ابریشم بیشتردر گیلان و مازندران، خراسان و مازندران مرسوم است.

تعداد انواع دام درمناطق روستائی کشور (۱) استخراج از : نشریات مرکز آمار ایران

تعداد انواع دام درسالهای مختلف
(هزارراس)

سال	گوسفند و بره	بز و بزغاله	گاووگوساله	گاومیش	الاغ
۱۳۵۲	۲۷۸۱۹ **	۱۴۱۹۲	۵۲۹۱ **	۲۲۰	۱۹۶۱
۱۳۵۶	۳۱۸۷۲ **	۰۰۰ **	۴۸۶۶ **	۰۰۰	۰۰۰
۱۳۵۷	۳۵۹۵۲ **	۱۸۲۶۶ **	۴۷۱۷ **	۰۰۰	۰۰۰
۱۳۵۸	۳۵۲۱۹ **	۱۶۷۶۳ **	۴۶۹۵ **	۰۰۰	۰۰۰
۱۳۵۹ (۲)	۳۰۹۶۲ **	۱۷۳۵۸ **	۳۵۹۹ **	۰۰۰	۰۰۰

تعداد انواع دام . . . (دنباله)
(هزارراس)

سال	اسب	قاطر و استر	شتر (هزارنفر)
۱۳۵۲	۳۱۶	۱۵۶	۱۱۵
۱۳۵۶	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰
۱۳۵۷	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰
۱۳۵۸	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰
۱۳۵۹ (۲)	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰

(۱) ــ انواع دام خانوارهای متحرک درسالنامه آماری ۱۳۵۹ مندرج است .

(۲) ــ اطلاعات مربوط به سال ۱۳۵۹ ،استانهای گیلان ،خوزستان وکردستان راشامل نمی شود .

ماخذ ــ مرکز آمار ایران .نتایج سرشماری کشاورزی ،مرحله اول ۱۳۵۲ .تهران : ۱۳۵۴ .ص ۶۸۳ .

ــ مرکز آمار ایران .نتایج مقدماتی آمارگیری کشاورزی روستائی (سالهای ۱۳۵۶ ،۱۳۵۷ ،۱۳۵۸ و ۱۳۵۹) .

بخش هشتم :

راه و حمل و نقل ایران :

استخراج از سالنامه آماری کشور (سال ۱۳۶۱) ،
از نشریات مرکز آمار ایران

ایجاد و نگهداری راهها در برقراری ارتباط بین نقاط مختلف کشور و استفاده از ثروت و ذخائر ملی و بهبود وضع کشاورزی اهمیت بسزائی دارد و از آنجائی که احداث راهها در مناطق مختلف باید بر اساس امکانات حال و نیازمندیهای آینده باشد ، اطلاع از چگونگی وضع راهها ، حجم نقل و انتقالات بر حسب مبداء و مقصد ، نوع محمولات ، مسیرها ، نوع وسایل حمل و مساله توزیع راهها بر حسب نوع و مناطق ، همه برای برنامه ریزیهای صحیح و اقدامات عمرانی و بجریان انداختن سرمایه ووسایل حمل در دوره‌های مختلف زمانی ضرورت دارد .

این بخش درسه قسمت ، راههای زمینی ، آبی و هوائی تنظیم شده است .

قسمت ۱ ــ حمل و نقل زمینی

الف ــ جاده

تا سال ۱۳۴۱ برای تهیه آمار از میزان حمل و نقل و ترافیک در راههای شوسه کشور طرح آمارگیری تهیه نشده بود . بهمین سبب از این رشته فعالیت ، آمار صحیحی در دست نبود . در این سال وزارت راه و ترابری برای اولین بار از ترافیک وسایط ــ نقلیه در جاده‌های کشور آمار تفکیکی تهیه نمود و " شرکت ملی نفت ایران " نیز آمار طول راههای اصلی بر حسب منطقه ونوع راه و آمار تفکیکی وسایط نقلیه در سطح کل کشور را منتشر ساخت . آمار جاده‌های موجود کشور در سالهای اخیر ، از وزارت راه و ترابری اخذ گردیده است .

تعاریف :

آزادراهها : راههای اسفالته ای هستند که خط رفت و برگشت در آنها از یکدیگر جدا بوده و هر کدام لااقل دارای ۲ باند به عرض ۳/۵ متر باشند .

راههای اصلی : راههای اسفالته‌ای هستند که لااقل دارای ۹ متر عرض بوده که معمولا " ارتباط بین استانها را ممکن می سازند .

راههای فرعی : راههائی هستند که عرض تمام شده آنها کمتر از ۹ متر بوده و رویهٔ آنها اسفالته یا شنی است و به سه درجه تقسیم می‌گردند .

راههای روستایی : راههائی هستند که عرض تمام شده آنها معمولا " کمتر از ۶/۵ متر است .

شبکهٔ راههای پرآمد و رفت کشور.



سایر راهها : راههائی هستند که عبور و مرور وسائط نقلیه در آنها انجام می‌گیرد ولی فاقد مشخصات فنی راهسازی می باشند .

ب ـ راه آهن .

راه آهن دولتی ایران از اوائل سال ۱۳۲۴ در تشکیلات خود واحدی بنام " قسمت آمار و مطالعات " منظور نمود تا بتواند نیازهای آماری خود را در زمینه برنامه‌ریزیها توسط این قسمت تامین نماید . این قسمت مسئول تمرکز انواع آمارهای مورد نیاز راه آهن است . آمارهای مورد نیاز راه آهن توسط دوایر آمار نواحی و بخشهای راه آهن تهیه می‌گردد . واحد آمار راه آهن جمهوری اسلامی ایران " آمارهای لازم را از روی گزارشهای ماهانه و روزانه دریافتی از نواحی و بخشها تنظیم وجداول آمار تنظیمی را در سالنامه آماری خود جهت اطلاع عموم منتشر می‌سازد .

تعاریف :

خطوط اصلی : خطوطی است که ایستگاهی را به ایستگاه دیگر وصل می‌کند .

خطوط فرعی : از خطوط اصلی منشعب‌شده‌و به کارخانجات ، انبارها و . . . متصل می‌شود .

خطوط مانوری : در داخل ایستگاه به منظور تلاش و تنظیم قطارها کشیده می‌شود .

ناحیه: یک منطقه خط است که از نظر سازمان و مدیریت مستقل و تابع مرکز بوده ، دارای یک‌رئیس ناحیه است لکن بخشهای مختلف آن از نظر امور فنی تابع اداره کل مربوطه در مرکز است .

واگنهای مخصوص: شامل‌واگنهای رستوران ، پست ، توشه ، سینما ، یخچال ، آمبولانس ، کمک ترمز ، تشریفاتی ، بازرسی و تفتیش .

قطارهای عملیات : قطارهائی که برای خود راه آهن حمل و نقل می‌کنند (بدون درآمد) .

لکوموتیومنفرد : لکوموتیوی‌که‌تنهاو بدون‌واگن برای نقل و انتقالات به محلی فرستاده می‌شود .

وزن بارخالص : مجموع وزن محمولات تجارتی و دولتی (غیر از محمولات خود راه آهن) ووزن منظور شده حیوانات حمل شده است .

وزن بارخالص قطارهای مسافری : وزن مسافران ووسائل آنهاست‌که برای هر واگن چهار تن منظور می‌شود .

وزن غیر خالص: عموما " وزن خالص باضافه وزن قطار است .

درآمد کل : مجموع در آمدهای مسافر بـری ، بارکشی ، متفرقه ، اداری و دفتر داری است .

درآمد حمل مسافر : مجموع در آمد از فروش بلیط مسافرت ، بلیط ورودی به سکوی ایستگاه ووصولی در قطار است .

درآمد حمل توشه : کرایه حمل بار و بنه مسافرین است .

درآمد حمل‌بار : کرایه حمل محمولات تجارتی است .

قسمت ۲ ــ حمل و نقل آبی :

درمورد تهیه طرحی برای آمارگیری از بنادر و کشتیرانی ایران مطالعات پراکنده‌ای توسط وزارت گمرکات و انحصارات سابق ، سازمان بنادر و کشتیرانی ، سازمان برنامه وسازمان بنادر و خلیج فارس انجام شده و آمارهائی که تا قبل از سال ۱۳۴۵ در این زمینه تهیه شده محدود به اقلام عمده در حدود مقاصد اداری و مالی بوده است .

ازسال ۱۳۴۲ که وزارت گمرکات و انحصارات منحل و سازمان بنادر و کشتیرانی جزو وزارت اقتصاد گردید ، طرح آمارگیری جاری بنادر و کشتیرانی ایران توسط ادارهٔ کل آمار بازرگانی وزارت اقتصاد تهیه و اجرا شد که اولین نتایج آن در فروردین ماه ۱۳۴۵ منتشر گردید . حوزه آماری برای طرح مزبور شامل تمام بنادر و آبهای داخلی کشور بود که به پنج منطقهٔ بحر خزر ، بحرعمان ، خلیج فارس ، دریاچه‌های داخلی ورودخانه‌های داخلی تقسیم گردیده بود ولی فعلا " این طرح در شش بندر خرمشهر ، امام خمینی ، بوشهر ، بندر عباس ، انزلی ، نوشهر و آبادان بطور محدود اجـرا می‌گردد . روش اجرای این طرح ، آمارگیری جاری از طریق تکمیل دو نوع پرسشنامه است ، یکی پرسشنامه بندر شامل ، اقلام درآمد و هزینه بندر که ماهانه تنظیم می‌شود و دیگری پر سشنامه شناور که روزانه برای کشتیهای وارد شده به بنادر تکمیل می‌شود ، ونام و نشان و مشخصات کشتی ، نوع و فعالیت آن ، ظرفیت ، مدت توقف در بندر ، تناژبار تخلیه و بارگیری شده و تعداد مسافرین و کارکنان ورودی و خروجی در آن ثـبت می‌شود و تکمیل پرسشنامه‌ها توسط ادارات سازمان بنادر و کشتیرانی در هر بندر انجام می‌گیرد .

تعاریف

ظرفیت غیر خالص ثبت شده : گنجایش داخلی شناور بر حسب تن (۱۰۰ فوت مکعب) می باشد که طبق مقررات بین‌المللی در گواهینامه مربوطه عینا " ذکر می‌شود .

ظرفیت خالص ثبت شده : مانده ظرفیت غیر خالص ثبت شده پس از کسر حجم فـضای مربوط به ماشین آلات ، کـارکنان ، انبارها و سایر فضاهائی است که به امر

کشتیرانی اختصاص دارد که مراتب عینا " طبق مقررات بین‌المللی در گواهینامه‌های مربوطه مذکور است .

تابعیت کشتی : نام کشوری که شناور ، زیر پرچم آن به دریا نوردی اشتغال دارد .

انواع کشتی از لحاظ نیروی محرکه بقرار زیر است :

موتوری : با نیروی محرکه ناشی از احتراق داخلی اعم از موتورهای دیزلی ، بنزینی و مانند آنها (این تعریف موتور لنجها را هم در بر می‌گیرد) .

بخاری : با نیروی محرکه از دیگ یا ماشین بخار .

بادبانی : دارای بادبان و یا نیروی محرکه باد .

باربر یدک : شناورهای بدون نیروی محرکه که بوسیله واحدهای دیگر کشیده می‌شوند .

فعالیت کشتی : از لحاظ نوع عمده محمولات مشخص می‌گردد .

نفتکش : تانکرهائی که مواد نفتی اعم از خام یا تصفیه شده حمل می‌کنند .

باری : شناوری که کالای تجارتی حمل می‌کند .

مسافری : شناوری که مسافر حمل می‌کند .

ماهیگیری : شناورهائی که مورد استفاده ماهیگیری است .

قسمت ۳ ـ حمل و نقل هوایی :

اولین شرکت هواپیمایی ایرانی بنام " هواپیمائی ملی ایران " در سال ۱۳۲۳ ، شروع بکار کرد . در سال ۱۳۲۵ یک آمارگر ایرانی در این موسسه مامور شد زیر نظر کارشناسان سوئدی آمارهای لازم را طبق سیستم بین‌المللی تهیه نماید . گزارش ماهانه این آمار و ارقام به " یاتا " (سندیکای بین‌المللی هواپیمایی) فرستاده می‌شد . از سال ۱۳۳۸ فعالیت در زمینه تهیه آمار تجارتی بیشتر شد و تهیه آمارهایی بر مبنای مقاصد اقتصادی شرکت ، (از دیاد یا حذف خطوط و هواپیماها ، مطالعه میزان تحرک ، بار و مسافر در خطوط مختلف) شروع گردید . در شهریور ۱۳۴۵ در هواپیمایی ملی ایران یک اداره آمار تشکیل شد . خلاصه آمارهای هوائی ماهانه و سالانه توسط این اداره تهیه و به " یاتا " گزارش می‌شود .

آمـــارهای لازم از روی کارتها و بلیطها و بارنامه‌ها تهیه می‌شود . شرکتهای هواپیمایی خارجی در ایران ، هر یک با توجه به اهمیت سازمان خود آمارهای لازم را جمع آوری کرده و بمراکز شرکت در خارج از کشور گزارش می‌نمایند .

اداره کل هواپیمایی کشوری نیز آمارهای خود را با کمک شرکت هواپیمایی ملی

ایران که اینک به هواپیمائی جمهوری اسلامی ایران تغییر نام یافته است و عضو سازمان بین المللی هواپیمایی می باشد طبق فرمهای استاندارد مرتبا" تکمیل و به سازمان مزبور گزارش می دهد. جداول آماری مندرج در این قسمت توسط کارشناسان مرکز آمار ایران ازروی نشریات آماری و همچنین با مراجعه مستقیم به شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران جمع آوری گردیده است. لازم به یاد آوری است که ارقام مربوط به پروازهای هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران شامل پروازهای در بستی نمی باشد.

تعاریف

مسافر یا بار داخلی: مسافر یا باری است که مبداء و مقصد پرواز آن در داخل کشور باشد ولو مسیر پرواز مرزهای کشور را قطع کند.

مسافر یا بار بین المللی: مسافر یا باری است که مبداء یا مقصد پرواز آن در خارج از کشور باشد.

اضافه بار: وزن باری که مسافران اضافه بر مقدار مجاز مجانی ،همراه دارند.

تن کیلومتر حمل شده: مجموع تن کیلو مترهای مسافر ، بار ، اضافه بار و پست می باشد. وزن هر مسافر بزرگ با بارمجانی که می تواند همراه ببرد ۹۰ (۲۰+۷۰) کیلوگرم و مسافر کوچکی که صندلی در هواپیما اشغال کند ۵۵ (۲۰+۳۵) کیلوگرم و طفل مسافر ۱۵ کیلوگرم منظور می شود.

تن کیلومتر عرضه شده: گنجایش حمل به تن ضربدر کل مسافت طی شده.

نفر کیلومتر حمل شده: گنجایش حمل به تن ضربدر کل مسافت طی شده.

نفر کیلومتر حمل شده: حاصلضرب تعداد مسافران ضربدر مسافت طی شده.

نفر کیلومتر عرضه شده: حاصلضرب گنجایش هواپیما یعنی تعداد صندلیها ضربدر کل مسافت طی شده.

طول راههای موجودکشوربرحسب نوع وبه‌تفکیک استان : ۱۳۶۱
(کیلومتر)

استان	جمع	آزادراه	راه‌اصلی	راه‌فرعی	راه‌روستایی	سایراههها
کل‌کشور (۱)	۹۵۸۹۷	۲۱۱	۱۳۶۳۰	۲۳۸۴۵	۲۱۷۳۰	۳۶۲۸۱
تهران	۲۳۷۵	۱۸۲	۹۳۱	۵۲۲	۶۰۶	۱۳۲
مرکزی	۲۳۰۳	۶۳	۵۶۴	۲۹۵	۶۹۴	۶۸۷
گیلان	۲۴۱۴	۰	۴۲۵	۱۱۵۳	۴۰۷	۴۲۹
مازندران	۶۲۹۲	۱۴	۱۰۰۷	۲۰۹۳	۲۳۵۲	۸۲۶
آذربایجان شرقی	۴۷۸۲	۰	۹۹۱	۱۸۱۹	۱۴۶۴	۵۰۸
آذربایجان غربی	۲۹۰۶	۰	۵۰۴	۲۶۶	۴۲۷	۱۷۰۹
باختران	۳۳۱۳	۱۰	۴۷۶	۱۴۲۸	۱۳۱۴	۸۵
خوزستان	۵۲۵۱	۰	۸۷۴	۱۸۳۴	۲۵۴۳	۰
فارس	۷۵۸۳	۰	۶۲۳	۱۲۵۵	۱۷۵۸	۳۹۴۷
کرمان	۱۲۳۵۵	۰	۱۲۲۵	۱۰۸۲	۲۵۹	۹۷۸۹
خراسان	۶۶۵۴	۰	۱۲۵۵	۱۳۱۷	۱۴۴۰	۲۶۴۲
اصفهان	۶۱۳۲	۸۲	۹۶۵	۷۰۳	۱۸۲۱	۲۵۶۱
سیستان وبلوچستان	۸۱۸۷	۰	۴۶۲	۱۵۷۲	۱۶۶	۵۹۸۷
کردستان	۱۶۵۴	۰	۲۸۸	۱۱۰۰	۱۸۲	۸۴
همدان	۲۴۷۵	۰	۵۵۱	۷۸۹	۸۱۰	۳۲۵
چهارمحال‌وبختیاری	۲۰۶۸	۰	۰	۱۲۴۷	۴۱۳	۴۰۸
لرستان	۴۴۰۴	۰	۴۸۱	۶۶۹	۷۱۶	۲۵۳۸
ایلام	۱۴۳۹	۰	۲۲۶	۶۸۱	۲۳۷	۲۹۵
بویراحمدوکهکیلویه	۱۷۵۶	۰	۰	۴۹۳	۶۲۰	۶۴۳
بوشهر	۱۶۰۶	۰	۱۳۰	۶۵۷	۸۱۹	۰
زنجان	۲۷۷۲	۵۵	۷۰۹	۹۵۸	۱۰۵۰	۰
سمنان	۱۷۸۷	۰	۷۰۳	۴۱۶	۶۶۸	۰
یزد	۳۲۲۹	۰	۲۴۰	۲۵۸	۵۲۰	۲۲۱۱
هرمزگان	۲۱۶۰	۵	۰	۱۲۳۶	۴۴۴	۴۷۵

(۱) ــ ارقام مذکور بصورت مقدماتی جمع آوری شده ونیز امار راههای واقع درمناطق‌جنگی منظـــور نگردیده است .

ماخذ ــ وزارت راه‌وترابری . دفتر بودجه وآمارو برنامه‌ریزی .

طول خطوط راه آهن کشوربرحسب نواحی مختلف : ۱۳۶۱
(کیلومتر)

نواحی	جمع خطوط	اصلی	فرعی ومانوری
کل‌کشور	۵۶۷۵	۴۵۶۶	۱۱۰۹
آذربایجان	۷۰۷	۴۶۸	۲۳۹
اراک	۳۵۷	۲۸۵	۷۲
اصفهان	۷۴۷	۶۲۶	۱۲۱
تهران	۶۱۰	۴۳۶	۱۷۴
جنوب شرق	۴۸۰	۴۱۳	۶۷
خراسان	۳۷۹	۳۳۴	۴۵
شمال	۴۲۸	۳۸۱	۴۷
شمال شرق	۵۰۸	۴۷۷	۳۱
شمال‌غرب	۵۲۶	۴۶۷	۵۹
لرستان	۲۸۴	۲۱۴	۷۰
میرجاوه ــ زاهدان	۹۸	۹۴	۴
ناحیه راه آهن جنوب	۵۵۱	۳۷۱	۱۸۰

ماخذ ــ راه آهن جمهوری اسلامی‌ایران . دفترآماروبررسیهای فنی .

حمل ونقل باروومسافرودرآمدحاصلة بوسیله راه آهن : ۶۱ــ ۱۳۵۶

سال	درآمدکل (میلیون‌ریال)	تعدادمسافر (هزارنفر)	وزن محمولات (هزارتن)
۱۳۵۶	۱۰۸۰۲	۶۴۶۷	۹۱۰۸
۱۳۵۷	۹۱۱۹	۵۴۱۹	۶۹۴۳
۱۳۵۸	۸۸۷۹	۶۱۰۱	۶۱۳۸
۱۳۵۹	۱۰۲۳۱	۴۹۲۰	۵۷۱۲
۱۳۶۰	۱۱۸۶۹	۴۳۲۰	۶۷۴۱
۱۳۶۱	۱۶۵۰۳	۶۳۴۵	۷۹۳۳

ماخذ ــ راه آهن جمهوری اسلامی ایران . دفترآماروبررسیهای فنی .

درآمد راه آهن به تفکیک اقلام عمده : ۶۱ – ۱۳۵۶
(میلیون ریال) (۱۰۰ = ۱۳۵۵)

شرح	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱
جمع						
مبلغ	۱۰۸۰۲	۹۱۱۹	۸۸۷۸	۱۰۲۳۱	۱۱۸۶۹	۱۶۵۰۳
شاخص	۹۷/۷	۸۲/۵	۸۰/۳	۹۲/۵	۱۰۷/۴	۱۴۹/۳
حمل مسافر						
مبلغ	۲۸۷۵	۲۴۳۵	۲۷۹۰	۲۷۸۸	۲۶۲۸	۳۹۸۵
شاخص	۱۱۵/۳	۹۷/۷	۱۱۱/۹	۱۱۱/۸	۱۰۵/۴	۱۵۹/۹
حمل توشه						
مبلغ	۴۶	۷۸	۷۲	۸۴	۹۷	۱۰۸
شاخص	۹۵/۸	۱۶۲/۵	۱۵۰/۰	۱۷۵/۰	۲۰۲/۱	۲۲۵/۰
حمل بار						
مبلغ	۶۱۶۵	۴۶۷۳	۵۰۵۵	۶۰۵۵	۷۱۸۴	۱۰۶۲۱
شاخص	۱۱۰/۵	۸۳/۸	۹۰/۶	۱۰۸/۶	۱۲۸/۸	۱۹۰/۴
درآمدفرعی حمل ونقل وسایردرآمد						
مبلغ	۱۷۱۶	۱۹۳۳	۹۶۱	۱۳۰۴	۱۹۶۰	۱۷۸۹
شاخص	۵۸/۴	۶۵/۸	۳۲/۷	۴۴/۴	۶۶/۷	۶۰/۹

ماخذ – راه آهن جمهوری اسلامی ایران . دفترآماروبررسیهای فنی.

تعدادمسافران راه آهن به تفکیک نوع واگن قطار : ۶۱ – ۱۳۵۶
(هزارنفر)

شرح	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱
جمع	۶۴۶۷	۵۴۱۹	۶۱۰۱	۴۹۲۰	۴۳۲۰	۶۳۴۴
شاخص (۱۰۰ = ۱۳۵۵)	۹۹/۸	۸۳/۶	۹۴/۱	۷۵/۹	۶۶/۶	۹۷/۹
درجه یک	۸۵۸	۷۶۵	۸۵۲	۷۵۲	۴۴۳	۴۸۵
درجه دو	۲۴۳۴	۲۲۳۰	۲۵۷۱	۲۶۶۹	۳۳۲۰	۴۵۲۷
درجه سه	۳۱۷۵	۲۴۲۴	۲۶۷۸	۱۴۹۹	۵۵۷	۱۳۳۲

ماخذ – راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران . دفترآماروبررسیهای فنی .

وسایط نقلیه موتوری‌کل کشوربه تفکیک نوع‌و نوع‌شماره: ۶۱ – ۱۳۵۶ (۱)

سال		جمع (۲)			سواری			
		شخصی	کرایه	دولتی	سیاسی	سرویس	شخصی	کرایه
۱۳۵۶	۰۰۰۰	۱۳۹۲۳۴۸	۲۰۷۰۵۹	۶۸۳۰۳	۲۰۷۱	۳۹۲۷	۱۰۵۷۰۰۴	۵۷۹۲
۱۳۵۷	۰۰۰۰	۱۵۱۷۶۸۶	۲۴۰۰۶۵	۷۵۵۵۲	۲۲۰۹	۴۱۱۳	۱۱۶۴۷۵۵	۸۳۶۸
۱۳۵۸	۰۰۰۰	۱۶۱۰۵۰۵	۲۶۱۲۰۷	۷۸۶۷۳	۲۳۷۲	۴۱۷۶	۱۲۴۷۸۳۷	۹۵۵۷
۱۳۵۹	۰۰۰۰	۱۷۸۴۲۲۴	۲۸۲۶۳۰	۸۲۷۰۲	۲۴۶۵	۴۲۱۲	۱۳۳۷۷۸۱	۱۱۲۲۳
۱۳۶۰	۰۰۰۰	۱۹۱۸۶۹۶	۲۹۷۸۷۰	۸۷۷۲۸	۲۵۶۰	۴۲۵۵	۱۴۰۶۹۷۷	۱۲۸۹۶
۱۳۶۱	۰۰۰۰	۲۰۱۳۷۶۶	۳۱۰۴۹۸	۹۹۸۶۵	۲۶۴۶	۴۲۹۵	۱۴۵۸۳۴۹	۱۴۳۴۸

وسایط نقلیه موتوری‌کل‌کشور... (دنباله)

سال		سواری		باری‌شهری‌وبیابانی			آمبولانس	
		تاکسی	دولتی	شخصی	کرایه	دولتی	شخصی	دولتی
۱۳۵۶	۰۰۰۰	۲۹۱۳۰	۶۳۹۳۶	۵۴۶۳۲	۱۶۲۳۲۳	۱۰۶۶	۱۱۹	۷۵
۱۳۵۷	۰۰۰۰	۲۹۹۹۹	۶۹۳۸۶	۵۷۷۲۳	۱۸۵۹۳۵	۱۷۰۴	۱۴۰	۱۴۰
۱۳۵۸	۰۰۰۰	۳۲۳۳۴	۷۱۳۶۸	۵۹۱۵۶	۱۹۹۷۲۹	۱۹۴۴	۱۴۴	۱۶۰
۱۳۵۹	۰۰۰۰	۳۳۴۸۹	۷۴۲۲۶	۶۰۳۲۷	۲۰۸۹۷۱	۲۲۱۲	۱۴۸	۱۷۴
۱۳۶۰	۰۰۰۰	۳۶۰۰۱	۷۷۲۲۶	۶۱۹۱۶	۲۱۶۰۰۹	۲۹۰۳	۱۵۴	۲۱۲
۱۳۶۱	۰۰۰۰	۳۸۰۰۷	۸۶۴۶۳	۶۶۴۸۳	۲۲۲۲۶۱	۴۴۸۵	۱۶۰	۲۶۵

وسایط نقلیه موتوری‌کل‌کشور... (دنباله)

سال		اتوبوس‌شهری‌وبیابانی			جرثقیل	موتورسه‌چرخ وبارکش‌شهری		موتورسیکلت بنزینی‌وگازی
		شخصی	کرایه	دولتی		شخصی‌وکرایه	دولتی	
۱۳۵۶	۰۰۰۰	۱۳۷۲	۳۶۱۶۴	۲۹۵	۱۵	۱۶۷۸۱	۴۱۱	۲۶۷۷۴۰
۱۳۵۷	۰۰۰۰	۱۴۹۹	۳۷۹۹۸	۴۸۱	۱۵	۲۲۳۱۳	۷۳۸	۲۸۲۱۲۳
۱۳۵۸	۰۰۰۰	۱۵۷۷	۴۰۱۹۱	۵۵۶	۱۵	۲۶۹۶۲	۸۶۸	۲۹۰۳۳۶
۱۳۵۹	۰۰۰۰	۱۶۲۹	۴۲۵۷۳	۶۲۳	۱۵	۳۵۹۱۱	۱۰۸۸	۳۷۲۶۷۰
۱۳۶۰	۰۰۰۰	۱۸۲۶	۴۵۷۸۳	۷۳۳	۱۵	۴۰۶۶۵	۱۶۹۰	۴۳۵۳۰۴
۱۳۶۱	۰۰۰۰	۲۳۴۹	۴۷۳۶۰	۱۰۹۳	۱۵	۴۵۷۸۰	۲۵۹۵	۴۷۲۱۳۸

(۱) – تعداد وسایط نقلیه‌مندرج‌درجدول‌براساس‌تعداد وسایط نقلیه‌شماره‌گذاری‌شده‌می‌باشدوتعداد وسایط نقلیه اسقاطی منظوروکسرنشده‌است.
(۲) – اتومبیل‌های‌سیاسی، سرویس، تاکسی‌وجرثقیل‌درجمع منظورنشده‌است.
ماخذ – شهربانی جمهوری‌اسلامی‌ایران. اداره‌طرح‌وبررسی‌وراهنمائی‌کشور.

وسایط نقلیه شماره‌گذاری‌شده‌کشوربه‌تفکیک‌تهران‌وسایرشهرستانها : ۱۳۶۱

نوع‌وسیله نقلیه	نوع‌شماره	کل‌کشور	تهران	سایرشهرستانها
جمع (انواع‌وسایط نقلیه) (۱)	شخصی	۵۸۲۳۶	۲۶۹۷۳	۳۱۲۶۳
	کرایه	۱۲۶۲۸	۲۱۴۰	۱۰۴۸۸
	دولتی	۱۲۱۳۷	۵۵۸۷	۶۵۵۰
انواع‌اتومبیل‌سواری	شخصی	۵۱۳۷۲	۲۶۵۹۶	۲۴۷۷۶
	کرایه	۱۴۵۲	۰	۱۴۵۲
	تاکسی	۲۰۰۶	۶۵	۱۹۴۱
	سرویس	۴۰	۲۵	۱۵
	سیاسی	۸۶	۸۶	۰
	دولتی	۹۲۳۷	۵۵۸۷	۳۶۵۰
انواع‌اتوبوس‌شهری‌وبیابانی	شخصی	۵۲۳	۳۶۲	۱۶۱
	کرایه	۱۵۷۷	۸۳۷	۷۴۰
	دولتی	۳۶۰	۰	۳۶۰
انواع‌آمبولانس	شخصی	۶	۰	۶
	کرایه	۰	۰	۰
	دولتی	۵۳	۰	۵۳
انواع‌باری‌شهری‌وبیابانی	شخصی	۴۵۶۷	۰	۴۵۶۷
	کرایه	۶۲۵۲	۱۳۰۳	۴۹۴۹
	دولتی	۱۵۸۲	۰	۱۵۸۲
انواع‌موتورسه‌چرخ‌وبارکش‌شهری (وانت)	شخصی	۱۷۶۸	۱۵	۱۷۵۳
	کرایه	۳۳۴۷	۰	۳۳۴۷
	دولتی	۹۰۵	۰	۹۰۵

(۱) ـ اتومبیلهای‌تاکسی ، سرویس ، سیاسی‌وانواع موتورسیکلت درجمع منظورنگردیده‌است .

ماخذ ـ شهربانی‌جمهوری‌اسلامی‌ایران .اداره‌طرح‌وبررسی‌وراهنمائی‌کشور .

کشتیهای واردشده به بنادربازرگانی کشور : ۶۱ ـ ۱۳۵۶

بندر	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱
جمع	۳۳۱۰	۲۷۸۹	۱۴۹۵	۱۳۵۹	۱۱۹۴	۱۳۲۹
خرمشهر	۱۱۸۷	۹۳۲	۲۸۱	۱۴۶	۰	۰
بندرامام خمینی	۸۵۹	۸۴۰	۶۰۷	۴۲۵	۲۷۳	۱۲۴
انزلی	۲۳۵	۲۴۷	۲۱۹	۳۰۴	۲۲۱ (۱)	۳۱۰
بوشهر	۲۴۲	۱۶۲	۷۱	۷۴	۱۱۴	۱۶۵
بندرعباس وبندرشهیدرجایی	۴۸۹	۴۰۸	۲۱۳	۳۱۶	۴۸۶	۴۹۸
نوشهر	۹۸	۶۶	۵۰	۷۶	۱۰۰	۲۳۲
آبادان	۲۰۰	۱۳۴	۵۴	۱۸	۰	۰

(۱) ـ علاوه برارقام ذکرشده ۵۰ فروندکشتی مسافربری به‌وزن خالص ۱۷ هزارتن وناخالص ۵۰ هزارتن به‌بندرانزلی واردشده‌اند.
ماخذ ـ سازمان بنادر وکشتیرانی . اداره آمار وانفورماتیک .

وزن کالاهای تخلیه شده (بجزموادنفتی) دربنادربازرگانی کشور : ۶۱ ـ ۱۳۵۶
(هزارتن)

شرح	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱
جمع	۱۵۰۴۶	۱۴۵۳۶	۸۷۷۳	۱۰۰۲۲	۱۱۱۸۸	۱۰۰۵۱
شاخص (۱۰۰ = ۱۳۵۵)	۱۱۰/۳	۱۰۶/۶	۶۴/۳	۷۳/۵	۸۲/۰	۷۳/۷
خرمشهر	۳۸۶۶	۳۶۴۱	۱۲۷۸	۸۵۶	۰	۰
بندرامام خمینی	۵۶۴۸	۵۸۳۳	۴۰۱۹	۴۱۰۶	۳۴۶۶	۲۱۳۷
انزلی	۳۴۷	۳۸۵	۳۹۵	۵۶۱	۵۱۹	۸۰۳
بوشهر	۸۶۴	۶۹۶	۳۵۴	۵۲۴	۷۴۸	۱۲۵۰
بندرعباس وبندرشهیدرجایی	۳۲۲۸	۲۹۸۳	۲۳۳۵	۳۷۳۴	۶۲۴۸	۵۶۸۴
نوشهر	۱۶۷	۱۱۷	۹۱	۱۶۶	۲۰۷	۱۷۷
آبادان	۹۲۶	۸۸۱	۳۰۱	۷۵	۰	۰

ماخذ ـ سازمان بنادروکشتیرانی . اداره آمار وانفورماتیک .

وزن کالاهای بارگیری‌شده (بجزموادنفتی) اربنادرباازرگانی کشور : ۶۱ ـ ۱۳۵۶
(هزارتن)

شرح	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱
جمع	۹۷۰	۹۲۶	۸۵۰	۴۳۸	۱۶۹	۱۱۴
شاخص (۱۰۰=۱۳۵۵)	۱۱۸/۳	۱۱۲/۹	۱۰۳/۷	۵۳/۴	۲۰/۶	۱۳/۹
خرمشهر	۱۸۶	۱۵۲	۱۷۰	۷۷	۰	۰
بندرامام‌خمینی	۴۱۵	۴۱۷	۴۲۵	۲۸۵	۳۸	۴
انزلی	۷۰	۵۶	۴۴	۲۳	۱۴	۰
بوشهر	۳۵	۳۲	۴۳	۱۶	۵۹	۴۴
بندرعباس وبندرشهیدرجایی	۲۳۴	۲۳۰	۱۴۱	۳۵	۵۸	۶۶
نوشهر	۵	۴	۵	۰	۰	۰
آبادان	۲۵	۳۵	۲۲	۲	۰	۰

ماخذ ـ سازمان بنادروکشتیرانی . اداره آماروانفورماتیک .

سهم واردات وصادرات ازطریق بنادربازرگانی کشوربسبت به کل واردات وصادرات‌کشور : ۶۱ ـ ۱۳۵۶
(هزارتن)

شرح	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱
واردات						
کل کشور	۱۷۱۵۰	۱۱۹۲۱	۱۲۹۹۶	۱۱۰۱۲	۱۶۳۱۵	۱۶۷۳۷
بنادرتابعه	۱۵۰۴۶	۱۰۱۵۹	۱۰۸۸۶	۷۷۰۴	۱۰۸۱۳	۱۲۳۵۳
درصد	۸۷/۷	۸۵/۱	۸۳/۸	۷۰/۰	۶۶/۳	۷۳/۸
صادرات						
کل‌کشور	۱۱۳۵	۶۶۷	۸۸۵	۲۹۹	۲۳۳	۲۱۱
بنادرتابعه	۹۷۰	۵۰۴	۶۴۹	۱۹۰	۱۲۲	۹۷
درصد	۸۵/۵	۷۵/۶	۷۳/۳	۶۳/۵	۵۲/۴	۴۶/۰

ماخذ ـ گمرک ایران . دفترآماروامورپین المللی .

ورود و خروج مسافر در فرودگاه مهرآباد به تفکیک داخلی وخارجی: ۶۱ ـ ۱۳۵۶
(هزار نفر)

شرح	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱
ورودی						
جمع	۱۶۱۰	۱۷۵۵	۱۲۰۷	۱۰۸۰	۸۵۲	۱۰۴۴
داخلی	۹۰۹	۱۰۰۲	۷۹۰	۸۲۸	۷۴۹	۹۳۹
بین‌المللی	۷۰۱	۷۵۳	۴۱۷	۳۵۲	۱۰۳	۱۰۵
خروجی						
جمع	۱۶۶۲	۱۸۴۵	۱۵۳۰	۱۱۱۸	۸۵۸	۱۰۵۸
داخلی	۹۱۱	۱۰۱۰	۷۶۶	۷۲۷	۷۲۷	۹۳۱
بین‌المللی	۷۵۱	۸۳۵	۷۶۴	۳۹۱	۱۳۱	۱۲۷
ترانزیت ..	۱۶۵	۱۹۹	۳۷	۳۳	۰	۰

ماخذ ـ سازمان هواپیمائی کشوری. اداره‌اموربین‌المللی وحمل‌ونقل‌هوایی.

تعدادمسافر و وزن بار ومحمولات پستی حمل‌شده بوسیله‌هواپیمایی جمهوری‌اسلامی‌ایران: ۶۱ ـ ۱۳۵۶

سال	مسافر (هزارنفر)	بار (تن)	اضافه‌بار (تن)	محمولات پستی (تن)	تن کیلومتر		
					حمل شده (هزار)	عرضه‌شده (هزار)	درصدحمل‌شده به‌عرضه‌شده
۱۳۵۶	۳۲۰۳	۲۵۳۴۰	۶۵۴۷	۱۲۵۲	۴۸۸۰۳۵	۱۰۴۶۵۱۳	۴۷
۱۳۵۷	۲۸۲۸	۱۹۹۶۰	۵۳۴۲	۱۰۲۲	۴۵۳۸۳۲	۸۸۱۱۰۵	۵۲
۱۳۵۸	۲۵۹۲	۱۳۸۷۰	۳۹۰۱	۱۲۹۹	۳۶۵۲۸۶	۵۹۹۵۳۳	۶۱
۱۳۵۹	۱۸۰۹	۹۶۷۴	۱۴۴۱	۸۹۶	۱۸۸۹۷۸	۲۹۸۹۸۸	۶۳
۱۳۶۰	۱۸۶۳	۱۵۷۷۸	۰	۱۹۷۰	۲۱۷۲۳۳	۳۴۷۲۶۸	۶۳
۱۳۶۱	۲۳۱۰	۲۱۸۷۷	۰	۱۹۵۶	۲۴۵۰۸۹	۳۹۸۳۵۲	۶۲

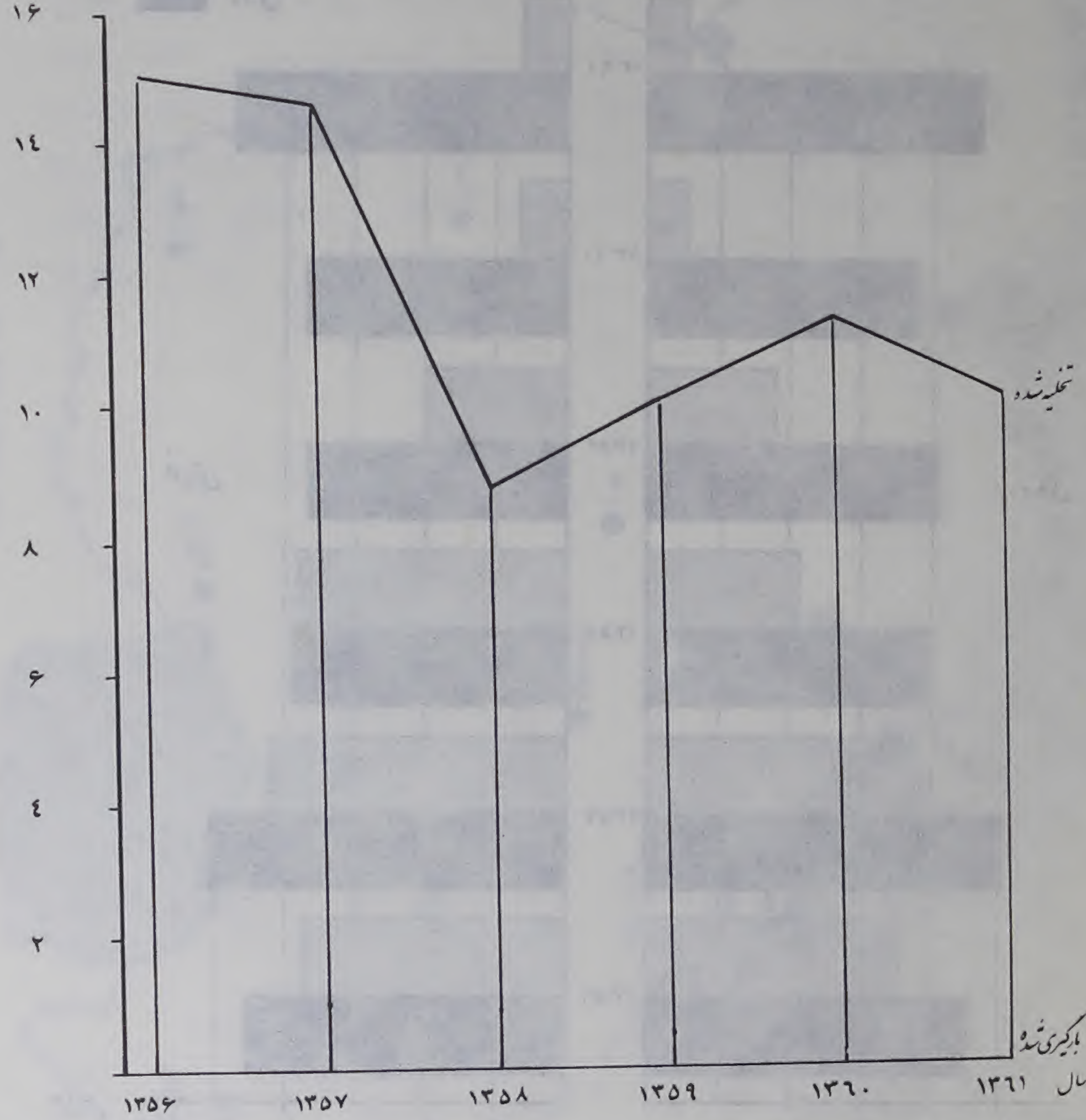
ماخذ ـ هواپیمایی جمهوری اسلامی‌ایران. اداره‌آماروسیستم های‌اطلاعاتی.

مسافران داخلی شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران برحسب شهر : ۶۱ ـ ۱۳۵۶
(نفر)

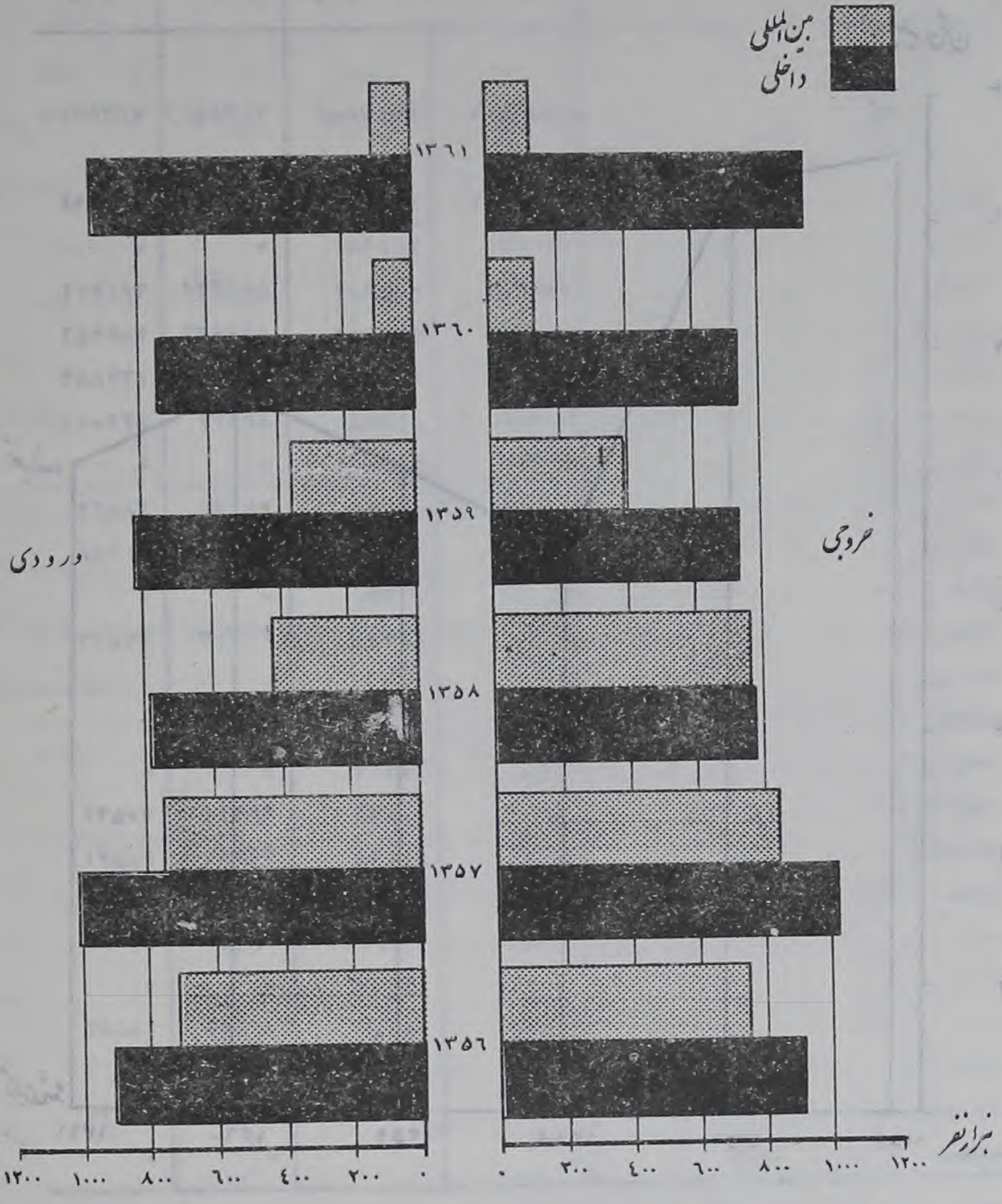
شهر	۱۳۵۶		۱۳۶۱	
	ورودی	خروجی	ورودی	خروجی
جمع	۲۶۵۶۳۴۱	۲۶۹۷۱۷۷	۲۱۵۹۷۱۷	۲۱۷۹۴۹۶
تهران	۱۲۳۲۴۶۷	۱۲۷۷۷۴۳	۹۵۲۳۴۰	۹۶۸۴۰۳
آبادان	۱۷۰۰۸۷	۱۶۴۱۱۳	۰	۰
اصفهان	۱۹۷۶۶۷	۲۰۳۵۰۷	۱۲۴۱۸۵	۱۱۹۱۹۳
شیراز	۲۸۳۸۸۵	۲۸۷۴۱۵	۲۴۶۶۳۸	۲۵۴۹۸۲
مشهد	۲۰۳۶۶۴	۲۰۵۹۱۷	۳۷۳۱۵۸	۳۵۸۴۳۱
تبریز	۸۷۶۱۹	۸۹۶۲۰	۹۷۶۹۸	۱۰۰۲۷۱
اهواز	۹۹۳۴۱	۱۰۰۵۹۶	۰	۰
کرمان	۵۰۴۱۳	۴۹۶۹۸	۵۴۲۵۷	۴۹۸۸۴
راهدان	۴۷۸۱۷	۴۸۵۵۹	۹۱۷۳۴	۹۵۶۱۳
خارک	۲۰۱۵۵	۱۷۲۲۴	۰	۰
بوشهر	۴۷۵۰۲	۴۸۴۱۹	۳۱۳۴۹	۳۲۸۷۷
همدان	۹۲۸	۸۸۴	۰	۰
سنندج	۹۷۳	۱۳۹۴	۰	۰
باختران	۳۵۲۱۳	۳۱۴۶۴	۰	۰
بندرلنگه	۱۰۱۰۴	۱۳۰۰۴	۱۱۳۹۴	۱۳۵۰۶
بندرعباس	۹۲۴۸۰	۸۶۲۱۸	۱۰۶۷۶۷	۱۱۷۵۸۹
ارومیه	۲۶۵۹۱	۲۳۵۹۱	۰	۰
رشت	۲۰۴۶۴	۱۹۱۴۲	۱۷۵۶۱	۱۸۰۹۷
رامسر	۱۱۲۴۲	۱۰۵۸۰	۰	۰
یزد	۱۷۷۲۹	۱۸۰۸۹	۲۷۹۹۰	۲۶۵۸۱
نوشهر	۰	۰	۰	۰
چاه بهار	۰	۰	۲۴۶۴۶	۲۴۰۶۹
بیرجند	۰	۰	۰	۰

ماخذ ـ هواپیمائی جمهوری اسلامی ایران . اداره آمار و سیستم های اطلاعاتی

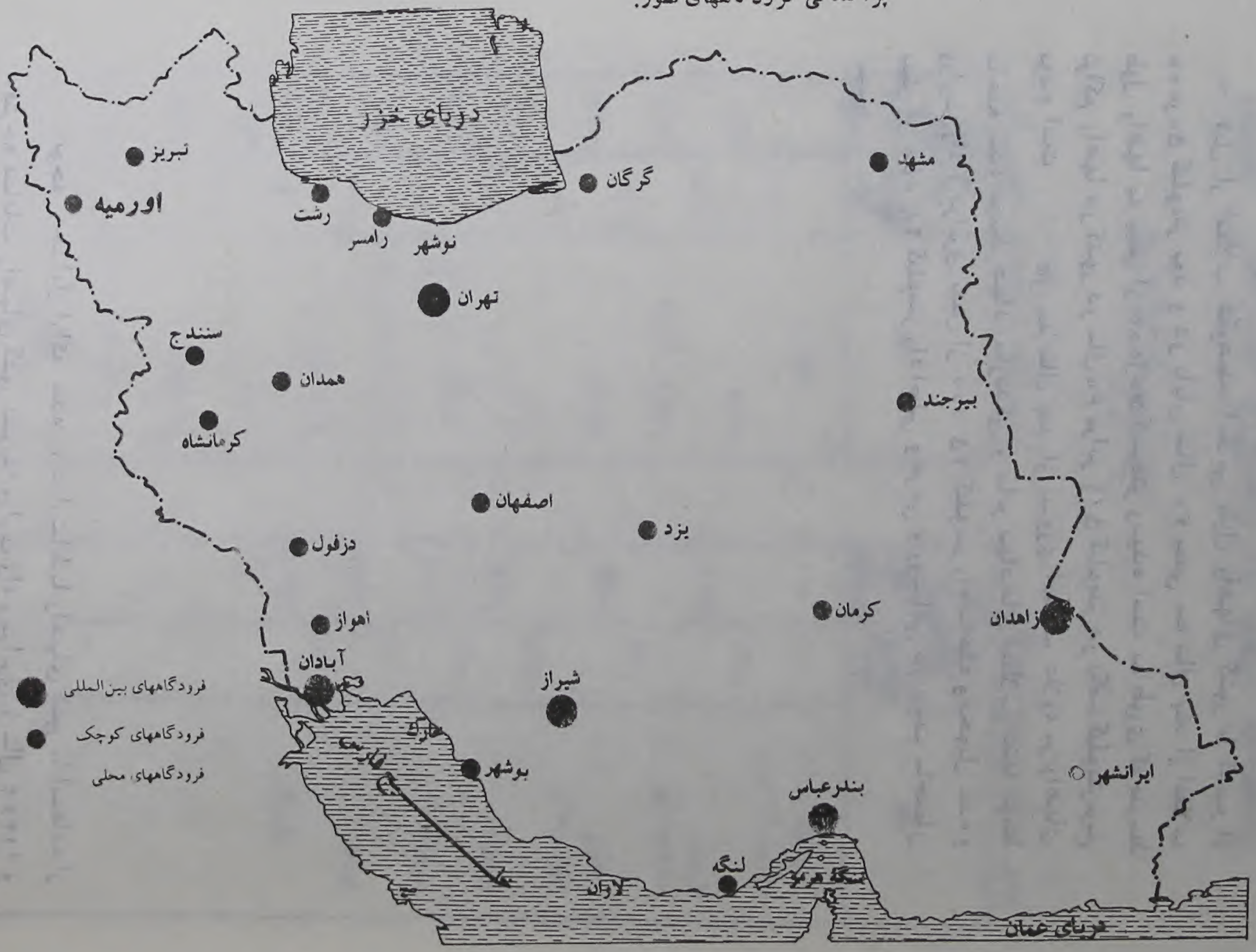
وزن کالاهای تخلیه شده و بارگیری شده (بجز مواد نفتی) در بنادر بازرگانی کشور



ورود و خروج مسافر در فرودگاه مهرآباد



پراکندگی فرودگاههای کشور.



مسافات راههای کشور :

قبل از انقلاب شکوهمند اسلامی طول راههای کشور ما کمتر از ۵۰٫۰۰۰ کیلومتر بود و در پایان سال ۶۰ یعنی سه سال بعد از انقلاب طول راهها به بیش از ۷۰٫۰۰۰ کیلومتر رسیده است به طوری که متوسط تراکم راهها در کشور در سال ۶۰ برابر ۵/۱ کیلومتر در یکصدکیلومترمربع بوده است در سه سال بعد از پیروزی انقلاب علاوه بر راههای ساخته شده توسط جهاد سازندگی و سایر نهادهای انقلابی تنها توسط وزارت راه و ترابری بیش از ۱۵ ۰۰۰ کیلومتر راه ساخته و تحویل شده و بیش از ۲۸ ۰۰۰ کیلومتر راه اصلی و فرعی و روستائی در دست ساختمان است

توجه : جداول ارائه شده ، درارتباط با راههای کشور با استفاده از دفترچه مسافات راههای کشور نشریهٔ وزارت راه و ترابری (سال ۱۳۶۲) و سالنامه‌های آماری ۱۳۶۱ مرکز آمار ایران تهیه وتنظیم شده است .

محورهای تهران

به‌نقاط مهم ورودی و خروجی کشور

بطور خلاصه

محور تهران ، تبریز ، بازرگان

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تهران		
میدان فردوسی	۱۴۸	
قزوین		۱۴۸
سبزه‌میدان	۱۷۱	
زنجان		۳۱۹
سبزه‌میدان	۲۷۸	
تبریز		۵۹۷
صوفیان	۴۰	
مرند		۶۳۷
بازرگان	۲۰۳	
		۸۷۱

تهران ، ساوه ، همدان ، خرم‌آباد ، اندیمشک ، خونین شهر

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تهران		
ساوه	۱۴۴	۱۴۴
دوراهی ساوه	۱۴۶	۲۹۰
همدان	۵۱	۳۴۱
سامن	۱۰۹	۴۵۰
دوراهی نهاوند	۱۴	۴۶۴
اشتربنان‌دره‌صیدی	۸	۴۷۲
خرم‌آباد	۱۱۹	۵۹۱
معمولان	۶۱	۶۵۲
اندیمشک	۱۴۶	۷۹۸
دوراهی اندیمشک	۱۴۷	۹۴۵
خرمشهر	۱۲۵	۱۰۷۰

تهران ،تبریز ، خوی ، ارومیه ، سرو

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تهران		
میدان فردوسی		
	۱۴۸	
قزوین		**۱۴۸**
سبزه‌میدان		
	۱۷۱	
زنجان		**۳۱۹**
سبزه‌میدان		
	۲۷۸	
تبریز		**۵۹۷**
	۴۰	
صوفیان		۶۳۷
	۳۱	
مرند		**۶۶۸**
	۹۳	
خوی		**۷۶۱**
	۱۳۳	
ارومیه		**۸۹۴**
	۵۰	
سرو		**۹۴۴**

تهران ، قم ، کاشان ، یزد ، کرمان ، بزمان ، راسک ، بندرچاه‌بهار

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تهران		
	۱۵۶	
قم		**۱۵۶**
	۳۴۷	
نایین		**۵۰۳**
	۱۶۸	
یزد		**۶۷۱**
	۹	
دوراهی بافق		۶۸۰
	۱۳۶	
انار		۸۱۶
	۲۰۶	
کرمان		**۱۰۲۲**
	۳۵	
ماهان		۱۰۵۷
	۱۳۸	
دارزین		۱۱۹۵
	۲۶	
بم		**۱۲۲۱**
	۹۱	
ریگان		۱۳۱۲
	۱۶۵	
بزمان		۱۴۷۷
	۱۰۱	
ایرانشهر		۱۵۷۸
	۳۶۶	
چاه‌بهار		۱۹۴۴

تهران ، تبریز ، جلفا

تهران		
میدان فردوسی		
	۱۴۸	
قزوین		**۱۴۸**
سبزه‌میدان		
	۱۷۱	
زنجان		**۳۱۹**
سبزه‌میدان		
	۲۷۸	
تبریز		**۵۹۷**
	۴۰	
صوفیان		۶۳۷
	۹۷	
جلفا		**۷۳۴**

تهران ،ساوه ،سلفچگان ،
اراک ،خرم‌آباد ،اهواز ،ماهشهر ،
بندر امام

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تهران		
	۱۴۴	
ساوه		**۱۴۴**
	۸۰	
راهجرد شرقی		۲۲۴
	۷۵	
اراک		**۲۹۹**
میدان شاه‌حسینی سابق		
	۱۰۹	
سه‌راهی بروجرد		۴۰۸
	۳۳	
چالانچولان		
سیلاخور سفلی		۴۴۱
	۶۲	
خرم‌آباد		**۵۰۳**
	۶۱	
معمولان		۵۶۴
	۱۴۶	
اندیمشک		**۷۱۰**
	۳۳۳	
بندر امام خمینی		۱۰۴۳

تهران ،بابل ،ساری ،بندر ترکمن

تهران		
	۲۳۰	
بابل		**۲۳۰**
میدان امام		
	۲۰	
قائم‌شهر		**۲۵۰**
	۲۰	
ساری		**۲۷۰**
میدان ساعت		
	۱۱۳	
بندر ترکمن		**۳۸۳**

جلفا ،تبریز ،سنندج ،
باختران ،اندیمشک ،آبادان ،بندر امام

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
جلفا		
	۱۳۷	
تبریز		**۱۳۷**
	۹	
سردرود		۱۴۶
	۱۵۸	
میاندوآب		**۳۰۴**
	۵۵	
بوکان		۳۵۹
	۴	
گل‌تپه		۳۶۳
	۸۸	
دوراهی تکاب		۴۵۱
	۵۱	
دوراهی بیجار		۵۰۲
	۸۷	
سنندج		**۵۸۹**
	۱۵۵	
ماهیدشت شرقی		۷۴۴
	۳۳	
سه‌راهی اندیمشک		۷۷۷
	۳۶	
هرسم		۸۱۳
	۲۲۵	
اندیمشک		**۱۰۳۸**
	۱۴۷	
دوراهی اندیمشک		۱۱۸۵
	۱۴۴	
آبادان		**۱۳۲۹**
	۹۲	
بندر امام خمینی		۱۴۲۱

تهران ،کاشان ،
یزد ،کرمان ،زاهدان ،مرزپاکستان

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تهران		
	۱۵۶	
قم	۱۵۶	
	۳۴۷	
نایین	۵۰۳	
	۱۶۸	
یزد	۶۷۱	
	۹	
دوراهی بافق	۶۸۰	
	۱۳۶	
انار	۸۱۶	
	۲۰۶	
کرمان	۱۰۲۲	
	۳۵	
ماهان	۱۰۵۷	
	۱۳۸	
دارزین	۱۱۹۵	
	۲۶	
بم	۱۲۲۱	
	۳۳۴	
زاهدان	۱۵۵۵	
	۹۶	
مرز پاکستان	۱۶۵۱	

تهران ـ قم از طریق آزاد راه ۱۳۵ ـ کیلومتر می‌باشد (ابتدا ی اتوبان بهشت زهرا) .

تهران ،قم ،اراک ،
خرم‌آباد ،اندیمشک ،آبادان ،بندرامام

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تهران		
	۲۸۹	
اراک		۲۸۹
میدان شاه‌حسینی		
سابق	۱۰۹	
سه‌راهی بروجرد		۳۹۸
	۳۳	
چالانچولان		
سیلاخور سفلی		۴۳۱
	۶۲	
خرم‌آباد		۴۹۳
	۶۱	
معمولان		۵۵۴
	۱۴۶	
اندیمشک		۷۰۰
	۱۴۷	
دوراهی اندیمشک		۸۴۷
	۱۴۴	
آبادان		۹۹۱
	۹۲	
بندر امام خمینی		۱۰۸۳

تهران ،قزوین ،رشت ،آستارا

تهران		
میدان فردوسی	۱۴۸	
قزوین		۱۴۸
سبزه‌میدان	۱۷۷	
رشت		۳۲۵
میدان شهرداری	۱۸۹	
آستارا		۵۱۴

تهران ،قم ،سلفچگان ،اصفهان ،شیراز ،بوشهر

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تهران		
بهشت‌زهرا	۲۱	۲۱
کهریزک	۳	۲۴
حسن‌آباد	۲۲	۴۶
نعلبندان	۳۶	۸۲
ساری‌بلاغ	۱۱	۹۳
کوشک‌نصرت	۷	۱۰۰
باقرآباد	۲۲	۱۲۲
شکوهیه	۱۵	۱۳۷
نفت البرز	۵	۱۴۲
قم	۱۴	**۱۵۶**
شاه‌جمال	۴	۱۶۰
طرلاب	۲۰	۱۸۰
سنبل‌آباد	۹	۱۸۹
سلفچگان	۱۰	۱۹۹
نیزار	۲۲	۲۲۱
دو دهک	۱۹	۲۴۰
عباس‌آباد	۸	۲۴۸
دلیجان	۱۲	۲۶۰
هستیجان	۱۶	۲۷۶
رباط ترک	۱۶	۲۹۲
میمه	۴۳	۳۳۵
وندادہ	۶	۳۴۱
چاه سرخ	۲۴	۳۶۵
مورچه‌خورت	۱۵	۳۸۰
سه‌راهی شاهین‌شهر	۱۹	۳۹۹
سه‌راهی حاجی‌آباد	۱۲	۴۱۱
پلیس راه اصفهان	۱۰	۴۲۱
اصفهان	۱۴	**۴۳۵**
سه‌راهی مبارکه	۳۰	۴۶۵
مهیار	۱۶	۴۸۱
دوراهی شاه‌سید علی‌اکبر	۲۳	۵۰۴
شهرضا	۱۱	**۵۱۵**
مقصودبیک	۲۴	۵۳۹
دوراهی اسفرجان	۳	۵۴۲

تهران ، قم ، سلفچگان ، اصفهان ، شیراز ، بوشهر

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
امین‌آباد	۱۴	۵۵۶
ابزدخواست	۱۰	۵۶۶
آباده	۷۳	۶۳۹
سورمق	۲۵	۶۶۴
خان‌خوره	۳۵	۶۹۹
دهبید	۳۰	۷۲۹
دیدگان	۳۵	۷۶۴
قادرآباد	۱۰	۷۷۴
سه‌راهی پاسارگاد	۱۷	۷۹۱
سعادت‌شهر	۱۸	۸۰۹
سیوند	۲۵	۸۳۴
تخت‌طاوس	۲۰	۸۵۴
تخت‌جمشید	۹	۸۶۳

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
مرودشت	۱۱	۸۷۴
بلخان	۴	۸۷۸
زرقان	۱۰	۸۸۸
پالایشگاه	۶	۸۹۴
باجگاه	۶	۹۰۰
اکبرآباد	۶	۹۰۶
شیراز	۱۳	۹۱۹
خان‌زنیان	۴۱	۹۶۰
دشت‌ارژن	۱۹	۹۷۹
ابوالحیات	۳۶	۱۰۱۵
چنارشاهیجان	۳۴	۱۰۴۹
دوراهی کازرون	۲۱	۱۰۷۰
کنارتخته	۴۰	۱۱۱۰
دالکی	۲۰	۱۱۳۰

تهران ،قم ، سلفچگان ،اصفهان ، شیراز ، بوشهر

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۳۰	
برازجان		**۱۱۶۰**
	۱۵	
خوش‌آب		۱۱۷۵
	۵	
گزبلند		۱۱۸۰
	۵	
عیسوند		۱۱۸۵
	۱۰	
احمدی		۱۱۹۵
	۱۰	
چغادک		۱۲۰۵
	۲۵	
بوشهر		**۱۲۳۰**

تهران ، سمنان ، نیشابور ، مشهد

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تهران		
	۲۵	
دوراهی غنی‌آباد		۲۵
	۱۵	
دوراهی پارچین		۴۰
	۳	
مامازن		۴۳
	۱۱	
شریف‌آباد		۵۴
	۲۸	

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
ایوانکی		۸۲
	۳۴	
گرمسار		**۱۱۶**
	۸۳	
لاسجرد		۱۹۹
	۱۶	
سرخه		۲۱۵
	۱۲	
دوراهی فیروزکوه		۲۲۷

تهران ، سمنان ، نیشابور ، مشهد

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۷	
سمنان	**۲۳۴**	
میدان اصلی شهر	۵۴	
سه‌راهی فیض‌آباد	۲۸۸	
	۲۰	
قوشه	۳۰۸	
	۱۵	
سیدآباد	۳۲۳	
	۲۲	
دامغان	**۳۴۵**	
	۲۱	
مهماندوست	۳۶۶	
	۴۴	
شاهرود	**۴۱۰**	
	۶۴	
میامی	۴۷۴	
	۶	
ابراهیم‌آباد	۴۸۰	
	۳۱	
میاندشت	۵۱۱	
	۳۳	
عباس‌آباد	۵۴۴	
	۳۶	
کاهک	۵۸۰	
	۱۴	
داورزن	۵۹۴	
	۱۵	
صدخرو	۶۰۹	
	۴۰	
مالکی	۶۴۹	
	۱۵	
سبزوار	**۶۶۴**	
	۱۸	
باغ‌حر	۶۸۲	
	۲۲	
سلطان‌آباد	۷۰۴	

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۴۱	
همت‌آباد		۷۴۵
	۱۰	
بزقوجان		۷۵۵
	۲۲	
نیشابور		**۷۷۷**
	۲۵	
قدمگاه		۸۰۲
	۶	
باغش		۸۰۸
	۲۵	
حسین‌آباد		۸۳۳
	۱۳	
امام‌نقی		۸۴۶
	۳	
دلبران		۸۴۹
	۳	
سه‌راهی تربت‌حیدریه		۸۵۲
	۵	
ملک‌آباد		۸۵۷
	۷	
امان‌آباد		۸۶۴
	۱۹	
سه‌راهی طرق		۸۸۳
	۹	
مشهد میدان آزادی		۸۹۲

تهران ،قزوین ،همدان ،باختران ،خسروی

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تهران		
میدان فردوسی	۱۴۸	
قزوین		**۱۴۸**
سبزه‌میدان	۲۲۷	
همدان		**۳۷۵**
	۷۷	
سه‌راهی تویسرکان	۴۵۲	
	۱۰۰	
باختران		**۵۵۲**
میدان آزادی	۲۴	
ماهیدشت شرقی	۵۷۶	
	۱۶۷	
خسروی		**۷۴۳**

تهران ،قم ،اصفهان ،شیراز ،بوشهر

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تهران		
	۱۵۶	
قم		۱۵۶
	۱۰۴	
دلیجان		۲۶۰
	۱۷۵	
اصفهان		۴۳۵
	۱۳۱	
ایزدخواست		۵۶۶
	۳۵۳	
شیراز		۹۱۹
	۱۵۱	
دوراهی کازرون		۱۰۷۰
	۱۶۰	
بوشهر		۱۲۳۰

تهران ،قم ،کاشان ،
یزد ،رفسنجان ،باغین ،سیرجان

تهران		
	۱۵۶	
قم		۱۵۶
	۳۴۷	
نایین		۵۰۳
	۱۶۸	
یزد		**۶۷۱**
	۹	
دوراهی بافق		۶۸۰
	۱۳۶	
انار		۸۱۶
	۲۰۲	
سه‌راهی سیرجان		۱۰۱۸
	۱۲۶	
سیرجان		**۱۱۴۴**
	۳۱۰	
بندرعباس		**۱۴۵۴**

محور تهران ،بابل ،ساری ،
بجنورد ،مشهد ،مرز افغانستان

تهران		
	۲۳۰	
بابل		۲۳۰
میدان امام	۲۰	
قائم‌شهر		۲۵۰
	۲۰	
ساری		**۲۷۰**
میدان ساعت	۴۴۸	
بجنورد		**۷۱۸**
	۲۴۸	
مشهد		**۹۶۶**
	۲۴۴	
مرز افغانستان		**۱۲۱۰**

تهران ، ساوه ، همدان باختران ، سنندج

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تهران		
	۳۵	
سه‌راهی سلطان‌آباد		۳۵
	۱۰	
رباط‌کریم		۴۵
	۴۲	
سه‌راهی پرندک		۸۷
	۱۱	
راویه		۹۸
	۴۶	
ساوه		۱۴۴
	۵۶	
غرق‌آباد		۲۰۰
	۱۳	
نوبران		۲۱۳
	۳۹	
تجرک		۲۵۲
	۲۹	
فامنین		۲۸۱
	۹	
دوراهی ساوه		۲۹۰
	۲	
روان		۲۹۲
	۹	
دوراهی پایگاه		۳۰۱
	۱۰	
کوریجان		۳۱۱
	۳۲	
همدان		۳۴۳
	۱۲	
سه‌راهی بهار		۳۵۵

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۶	
سه‌راهی سنندج		۳۶۱
	۳۰	
اسدآباد		۳۹۱
	۲۷	
قیل		۴۱۸
	۲	
سه‌راهی تویسرکان		۴۲۰
	۵	
کنگاور		۴۲۵
	۳۳	
صحنه		۴۵۸
	۲۴	
سه‌راهی سنقر		۴۸۲
	۲	
بیستون		۴۸۴
	۶	
سه‌راهی هرسین		۴۹۰
	۲۵	
میدان امام		۵۱۵
	۵	
باختران		۵۲۰
میدان آزادی		
	۱۳	
قازانچی		۵۳۳
	۳۷	
قلعه شاه‌خانی		۵۷۰
	۷	
کامیاران		**۵۷۷**
	۳۴	
فقیه‌سلیمان		۶۱۱
	۴۰	
سنندج		۶۵۱

تهران ،قائم شهر ، از طریق فیروزکوه

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تهران		
	۲۷	
سه‌راهی شمشک		۲۷
	۱۲	
پاسگاه توزین جاجرود		۳۹
	۲۲	
رودهن		۶۱
	۱۵	
دوراهی دماوند		۷۶
	۱۶	
دوراهی ساران		۹۲
	۱۷	
سربندان		۱۰۹
	۴۷	
فیروزکوه		۱۵۶
	۱۵	
گدوک		۱۷۱
	۱۲	
ورسک		۱۸۳
	۸	
سرخ‌آباد		۱۹۱
	۸	
دوآب بالا		۱۹۹
	۱۲	
پل‌سفید		۲۱۱
	۵	
آزادمهر		۲۱۶
	۷	
زیرآب		۲۲۳
	۱۷	
شیرگاه		۲۴۰
	۵	
چای‌باغ		۲۴۵
	۱۱	
مته‌کلا		۲۵۶
	۵	
قائم شهر		**۲۶۱**

تهران ،کرج ،چالوس

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تهران		
	۴۸	
کرج	۴۸	
	۵۱	
دوآب	۹۹	
	۱۱	
گچسر	۱۱۰	
	۱	
دوراهی گاجره	۱۱۱	
	۶	
تونل کندوان	۱۱۷	
	۸	
پل زنگوله	۱۲۵	
	۲۶	
دوراهی دلیر	۱۵۱	
	۱۷	
مرزن‌آباد	۱۶۸	
	۴	
دوراهی دشت نظیر	۱۷۲	
	۲۲	
چالوس	۱۹۴	

تهران ،همدان ، از طریق بویین‌زهرا

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تهران		
میدان فردوسی	۳۰	
کاروانسراسنگ	۱۶	۴۶
کرج	۲۰	
مردآباد	۴	۷۰
دوراهی جوادیه	۳۹	۱۰۹
اشتهارد	۳۰	۱۳۹
بویین	۳۳	۱۷۲
دانسفهان	۲۷	۱۹۹
نهاوند	۵۱	۲۵۰
آوج	۳۳	۲۸۳
رزن	۳۰	۳۱۳
دوراهی ساوه	۲۰	۳۱۵
روان	۹	۳۲۴
دوراهی پایگاه	۱۰	۳۳۴
کوریجان	۳۲	۳۶۶
همدان		

محور تهران ،تبریز ،بازرگان

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تهران		
میدان فردوسی	۳۰	
کاروانسراسنگ	۳۰	
	۱۶	
کرج	۴۶	
	۷	
حصارک	۵۳	
	۷	
کردان	۶۰	
	۱۳	
هشتگرد	۷۳	
	۲۰	
ابیک علیا	۹۳	
	۳	
سه‌راهی طالقان	۹۶	
	۲۴	
کوندج	۱۲۰	
	۵	
حصارخروان	۱۲۵	
	۲۳	
قزوین	۱۴۸	
سبزه‌میدان		
	۱۴	
مهدی‌آباد کوچک	۱۶۲	
	۱۱	
سه‌راهی کهک	۱۷۳	
	۸	
تاکستان	۱۸۱	
	۷	
سه‌راهی تاکستان	۱۸۸	

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۲۵	
قروه		۲۱۳
	۱۶	
ابهر		۲۲۹
	۷	
خرمدره		۲۳۶
	۸	
هیدج		۲۴۴
	۸	
صایین‌قلعه		۲۵۲
	۱۲	
عمیدآباد		۲۶۴
	۱۷	
سه‌راهی سعیدیه		۲۸۱
	۴	
قره‌بلاغ		۲۸۵
	۱۳	
بناب		۲۹۸
	۸	
پلیس‌راه زنجان		۳۰۶
	۱۳	
زنجان		۳۱۹
سبزه‌میدان		
	۱۹	
امین‌آباد		۳۳۸
	۱۷	
نیکپی		۳۵۵
	۱۷	
کهناب		۳۷۲
	۱۶	
تازه‌کند		۳۸۸
	۹	
سرچم سفلی		۳۹۷

محور تهران ، تبریز ، بازرگان

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۱۴	
پلدختر	۴۱۱	
	۲۲	
میانه		**۴۳۳**
	۶۴	
قره‌چمن	۴۹۷	
	۲۲	
تیکمداش	۵۱۹	
	۱۸	
بستان‌آباد	۵۳۷	
	۳۲	
سعیدآباد	۵۶۹	
	۱۳	
دوراهی اهر	۵۸۲	
	۱۵	
تبریز		**۵۹۷**
	۴۰	
صوفیان	۶۳۷	
	۱۴	
سیوان	۶۵۱	
	۷	
پیام	۶۵۸	
	۱۰	
مرند		**۶۶۸**
	۱۰	
یکان سفلی	۶۷۸	
	۱۰	
کوشک‌سرای	۶۸۸	
	۱۷	
قرخلر	۷۰۵	
	۱۳	
قاپلیق	۷۱۸	
	۱۴	
ایواغلی	۷۳۲	

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۴۷	
شاه‌بلاغی	۷۷۹	
	۱۴	
مرگن قدیم	۷۹۳	
	۲۲	
یولاگلدی	۸۱۵	
	۳۵	
ماکو		**۸۵۰**
	۱۳	
کشمش‌تپه	۸۶۳	
	۸	
بازرگان		**۸۷۱**

تهران ،قم ،کاشان ،
یزد ،کرمان ،زاهدان ،مرز پاکستان

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تهران		
	۲۱	
بهشت‌زهرا		۲۱
	۳	
کهریزک		۲۴
	۲۲	
حسن‌آباد		۴۶
	۳۶	
نعلبندان		۸۲
	۱۱	
ساری‌بلاغ		۹۳
	۷	
کوشک‌نصرت		۱۰۰
	۲۲	
باقرآباد		۱۲۲
	۱۵	
شکوهیه		۱۳۷
	۵	
نفت البرز		۱۴۲
	۱۴	
قم		**۱۵۶**
	۱۵	
لنگرود		۱۷۱
	۱۶	
شوراب		۱۸۷
	۲۰	
انتهای حوزه		۲۰۷
	۲۲	
سن‌سن		۲۲۹
	۲۸	
راوند		۲۵۷

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
کاشان	۱۲	۲۶۹
خرمدشت	۱۸	۲۸۷
شادیان	۲	۲۸۹
نواب	۱	۲۹۰
چالقره	۱۷	۳۰۷
ده‌زیر	۳	۳۱۰
هنجن	۱۸	۳۲۸
نطنز	۱۸	**۳۴۶**
سه‌راهی شجاع‌آباد	۱۳	۳۵۹
مهاباد	۳۰	۳۸۹
اردستان	۲۳	**۴۱۲**
ظفرقند	۲۴	۴۳۶
نیستانک	۳۸	۴۷۴
نایین	۲۹	**۵۰۳**
نوگنبد	۳۰	۵۳۳
دوراهی عقدا	۴۱	۵۷۴
فخرآباد	۵	۵۷۹

تهران ،قم ،کاشان ،
یزد ،کرمان ،زاهدان ،مرز پاکستان

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۳۶	
اردکان		**۶۱۵**
میبد	۹	۶۲۴
	۳۰	
دوراهی طبس		۶۵۴
	۱۷	
یزد		**۶۷۱**
دوراهی بافق	۹	۶۸۰
	۲۱	
مهریز		**۷۰۱**
	۳	
دوراهی شیراز		۷۰۴
	۵۱	
کرمانشاهون		۷۵۵
	۲۸	
دوراهی شمش		۷۸۳
	۳۳	
انار		۸۱۶
	۳۰	
بیاض		۸۴۶
	۶۸	
رفسنجان		**۹۱۴**
	۲۳	
کبوترخان		۹۳۷
	۵۹	
باغین		۹۹۶
	۲۶	
کرمان		۱۰۲۲
	۳۵	
ماهان		۱۰۵۷

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۴۷	
سه‌راهی راین		۱۱۰۴
	۳۲	
خانه‌خاتون		۱۱۳۶
	۳۲	
اسارق		۱۱۶۸
	۲۷	
دارزین		۱۱۹۵
	۲۶	
بم		**۱۲۲۱**
	۴۰	
سه‌راهی رستم‌آباد		۱۲۶۱
	۲۱	
فهرج		۱۲۸۲
	۵۳	
شورگز		۱۳۳۵
	۴۸	
کهورک		۱۳۸۳
	۶۴	
نصرت‌آباد		۱۴۴۷
	۱۰۰	
سه‌راهی کرمان		۱۵۴۷
	۸	
زاهدان		**۱۵۵۵**
	۱۴	
لارو		۱۵۶۹
	۳۰	
خان‌محمدچاه		۱۵۹۹
	۴۰	
میرجاوه		**۱۶۳۹**
	۱۲	
مرز پاکستان		**۱۶۵۱**

تهران ،قزوین ،همدان ،باختران ،خسروی

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تهران		
میدان فردوسی	۳۰	
کاروانسراسنگ	۳۰	
کرج	۱۶	۴۶
حصارک	۷	۵۳
کردان	۷	۶۰
هشتگرد	۱۳	۷۳
ابیک علیا	۲۰	۹۳
سه‌راهی طالقان	۳	۹۶
کوندج	۲۴	۱۲۰
حصار خروان	۵	۱۲۵
قزوین	۲۳	**۱۴۸**
سبزه‌میدان		
مهدی‌آباد کوچک	۱۴	۱۶۲
سه‌راهی کهک	۱۱	۱۷۳
تاکستان	۸	**۱۸۱**
سه‌راهی تاکستان	۷	۱۸۸
نهاوند	۲۰	۲۰۸
آوج	۵۱	۲۵۹
رزن	۳۳	۲۹۲
دوراهی ساوه	۳۰	۳۲۲
روان	۲	۳۲۴
دوراهی پایگاه	۹	۳۳۳
کوریجان	۱۰	۳۴۳
همدان	۳۲	**۳۷۵**
سه‌راهی بهار	۱۲	۳۸۷
سه‌راهی سنندج	۶	۳۹۳
اسدآباد	۳۰	۴۲۳
قیل	۲۷	۴۵۰
سه‌راهی توبسرکان	۲	۴۵۲
کنگاور	۵	۴۵۷

تهران ،قزوین ،همدان ،باختران ،خسروی

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۳۳	
صحنه	۴۹۰	
	۲۴	
سه‌راهی سنقر	۵۱۴	
	۲	
بیستون	۵۱۶	
	۶	
سه‌راهی هرسین	۵۲۲	
	۲۵	
میدان امام	۵۴۷	
	۵	
باختران	۵۵۲	
میدان آزادی		
	۲۴	
ماهیدشت شرقی	۵۷۶	
	۱۳	
چهارزبر سفلی	۵۸۹	
	۲۰	
سه‌راهی اندیمشک	۶۰۹	
	۵	
اسلام‌آباد	۶۱۴	

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۱۳	
فیروزآباد		۶۲۷
	۶	
خسروآباد		۶۳۳
	۱۵	
کرند		۶۴۸
	۱۲	
سرمیل		۶۶۰
	۳۳	
سرپل‌ذهاب		۶۹۳
	۴	
قره‌بلاغ اعظم		۶۹۷
	۲۶	
قصرشیرین		۷۲۳
	۲۰	
خسروی		۷۴۳

تهران ،قم ،کاشان ،
یزد ،رفسنجان ،باغین ،سیرجان ،بندرعباس

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تهران		
	۲۱	
بهشت‌زهرا		۲۱
	۳	
کهریزک		۲۴
	۲۲	
حسن‌آباد		۴۶
	۳۶	
نعلبندانِ		۸۲
	۱۱	
ساری‌بلاغ		۹۳
	۷	
کوشک‌نصرت		۱۰۰
	۲۲	
باقرآباد		۱۲۲
	۱۵	
شکوهیه		۱۳۷
	۵	
نعت البرز		۱۴۲
	۱۴	
قم		**۱۵۶**
	۱۵	
لنگرود		۱۷۱
	۱۶	
شوراب		۱۸۷
	۲۰	
انتهای حوزه		۲۰۷
	۲۲	
سن‌سن		۲۲۹

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۲۸	
راوند		۲۵۷
	۱۲	
کاشان		۲۶۹
	۱۸	
خرمدشت		۲۸۷
	۲	
شادیان		۲۸۹
	۱	
نواب		۲۹۰
	۱۷	
چالقره		۳۰۷
	۳	
ده‌زیر		۳۱۰
	۱۸	
هنجن		۳۲۸
	۱۸	
نطنز		**۳۴۶**
	۱۳	
سه‌راهی شجاع‌آباد		۳۵۹
	۳۰	
مهاباد		۳۸۹
	۲۳	
اردستان		**۴۱۲**
	۲۴	
ظفرقند		۴۳۶
	۳۸	
نیستانک		۴۷۴
	۲۹	
نایین		**۵۰۳**
	۳۰	
سوگند		۵۳۳

تهران ،قم ،کاشان ،
یزد ،رفسنجان ،باغین ،سیرجان ،بندرعباس

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۴۱	
دوراهی عقدا		۵۷۴
	۵	
فحرآباد		۵۷۹
	۳۶	
اردکان		**۶۱۵**
	۹	
میبد		۶۲۴
	۳۰	
دوراهی طبس		۶۵۴
	۱۷	
یزد		**۶۷۱**
	۹	
دوراهی بافق		۶۸۰
	۲۱	
مهریز		**۷۰۱**
	۳	
دوراهی شیراز		۷۰۴
	۵۱	
کرمانشاهون		۷۵۵
	۲۸	
دوراهی شمش		۷۸۳
	۳۳	
انار		۸۱۶
	۳۰	
بیاض		۸۴۶
	۶۸	
رفسنجان		**۹۱۴**
	۲۳	
کبوترخان		۹۳۷

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۵۹	
باغین		**۹۹۶**
	۲۲	
سه‌راهی سیرجان		۱۰۱۸
	۱۲	
مشیز		۱۰۳۰
	۵۲	
خانه‌سرخ		۱۰۸۲
	۳۶	
حسین‌آباد		۱۱۱۸
	۲۶	
سیرجان		**۱۱۴۴**
	۹۰	
علی‌آباد		۱۲۳۴
	۴۸	
حاجی‌آباد		۱۲۸۲
	۲۲	
کهکم		۱۳۰۴
	۶۵	
گهره		۱۳۶۹
	۶۵	
دوراهی باباغلام		۱۴۳۴
	۱۰	
شقو		۱۴۴۴
	۱۰	
بندر عباس		**۱۴۵۴**

تهران ،قم ،کاشان ،یزد ،
انار ، شهربابک ، سیرجان ،بندرعباس

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تهران		
	۱۵۶	
قم		**۱۵۶**
	۳۴۷	
نایین		۵۰۳
	۱۶۸	
یزد ،،		**۶۷۱**
	۹	
دوراهی بافق		۶۸۰
	۱۰۳	
دوراهی شمش		۷۸۳
	۳۳	
انار		۸۱۶
	۵۰	
جوزم		۸۶۶
	۵۰	
شهربابک		**۹۱۶**
	۳۴	
سه‌راهی شهربابک		۹۵۰
	۱۹	
نرکره		۹۶۹

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۲۶	
زیدآباد		۹۹۵
	۲۶	
سیرجان		**۱۰۲۱**
	۹۰	
علی‌آباد		۱۱۱۱
	۴۸	
حاجی‌آباد		۱۱۵۹
	۲۲	
کهکم		۱۱۸۱
	۶۵	
گهره		۱۲۴۶
	۶۵	
دوراهی باباغلام		۱۳۱۱
	۱۰	
شقو		۱۳۲۱
	۱۰	
بندر عباس		**۱۳۳۱**

توجه : از تهران تا دو راهی شمش بصورت تفصیل در جدول قبلی (تهران ، قم ، کاشان ، یزد ، رفسنجان ، باغین ، سیرجان ، بندرعباس) آمده است .

تهران ، قم ، کاشان ، یزد ،
رفسنجان ، خاتون‌آباد ، سیرجان ، بندرعباس

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تهران		
	۱۵۶	
قم		۱۵۶
	۳۴۷	
نایین		۵۰۳
	۱۶۸	
یزد		۶۷۱
	۹	
دوراهی بافق	۶۸۰	
	۱۳۶	
انار	۸۱۶	
	۹۸	
رفسنجان		۹۱۴
	۵۰	
گود احمر سفلی	۹۶۴	
	۵۴	
خاتون‌آباد	۱۰۱۸	
	۱۰	
سه‌راهی شهربابک	۱۰۲۸	
	۱۹	
نرکره	۱۰۴۷	
	۲۶	
زیدآباد	۱۰۷۳	

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۲۶	
سیرجان		۱۰۹۹
	۹۰	
علی‌آباد	۱۱۸۹	
	۴۸	
حاجی‌آباد	۱۲۳۷	
	۲۲	
کهکم	۱۲۵۹	
	۶۵	
گهره	۱۳۲۴	
	۶۵	
دوراهی باباغلام	۱۳۸۹	
	۱۰	
شقو	۱۳۹۹	
	۱۰	
بندر عباس	۱۴۰۹	

توجه : از تهران تارفسنجان بصورت تفصیل در جداول قبلی (جدول تهران قم ، کاشان ، یزد ، رفسنجان ، باغین ، سیرجان ، بندرعباس) آمده‌است .

محور تهران ،آمل ،
ساری ،بجنورد ،مشهد ،مرز افغانستان

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تهران		
	۲۷	
سه‌راهی شمشک		۲۷
	۱۲	
پاسگاه توزین جاجرود		۳۹
	۲۲	
رودهن		۶۱
	۷	
آبعلی		۶۸
	۷	
پیست آبعلی		۷۵
	۶	
امامزاده هاشم		۸۱
	۱۱	
پلور		۹۲
	۱۹	
گزنک		۱۱۱
	۱۰	
وانا		۱۲۱
	۱۱	
باینجان		۱۳۲
	۲۲	
هردرود		۱۵۴
	۱۰	
سیاه‌بیشه		۱۶۴
	۸	
شاهزید سفلی		۱۷۲
	۵	
منگل جنوبی		۱۷۷
کره‌سنگ	۴	۱۸۱
محمدآباد	۸	۱۸۹
امامزاده عبدالله	۶	۱۹۵
آمل	۶	**۲۰۱**
درویش‌خیل	۸	۲۰۹
بابلکان سفلی	۱۰	۲۱۹
زرگر محله	۴	۲۲۳
بابل	۷	**۲۳۰**
میدان امام	۲۰	
قائم‌شهر		**۲۵۰**
	۲۰	
ساری		**۲۷۰**
میدان ساعت	۳	
آزادکله	۳	۲۷۳
سمکنده بالا	۳	۲۷۶
بادله	۵	۲۸۱
سورک	۳	۲۸۴
سه‌راهی شیلات اسلام‌آباد	۲	۲۸۶

محور تهران ،آمل ،
ساری ،بجنورد ، مشهد ، مرز افغانستان

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۹	
نکا		۲۹۵
	۱۲	
رستمکلا		۳۰۷
	۴	
کرجی محله		۳۱۱
	۷	
بهشهر		**۳۱۸**
	۱۶	
لمراسک		۳۳۴
	۳	
۳		۳۳۷
	۹	
گلوگاه		۳۴۶
	۹	
نوکنده		۳۵۵
	۳	
سه‌راهی بندرگز		۳۵۸
	۱۵	
کردکوی		**۳۷۳**
	۱۳	
دوراهی خطیرآباد		۳۸۶
	۱۴	
گرگان		۴۰۰
	۱۸	
نقی‌آباد		۴۱۸
	۸	
قرق سفلی		۴۲۶
	۴	
فاضل‌آباد		۴۳۰
	۱۱	
علی‌آباد		**۴۴۱**

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۱۷	
خان‌ببین		۴۵۸
	۶	
دلند		۴۶۴
	۸	
قره‌قاچ		۴۷۲
	۵	
آزادشهر		۴۷۷
	۲۶	
مینودشت		۵۰۳
	۹	
گالیکش		۵۱۲
	۲۶	
شغال‌تپه علیا		۵۳۸
	۱۱	
تنگراه		۵۴۹
	۳۸	
چشمه‌خان‌محمد		۵۸۷
	۴۳	
چمن‌بید		۶۳۰
	۱۳	
جوزک		۶۴۳
	۲۹	
گریک		۶۷۲

محور تهران ،آمل ،
ساری ،بجنورد ،مشهد ،مرز افغانستان

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۱۸	
بدرانلو		۶۹۰
	۲۸	
بجنورد		**۷۱۸**
	۱۰	
بابا امان		۷۲۸
	۶	
علیداد		۷۳۴
	۱۰	
قاضی		۷۴۴
	۱۰	
رضاآباد طاهری		۷۵۴
	۱۲	
پلیس راه		۷۶۶
	۱۲	
شیروان		**۷۷۸**
	۱۹	
برزل‌آباد		۷۹۷
	۱۴	
فاروج		۸۱۱
	۱۹	
شهر کهنه		۸۳۰
	۶	
قوچان		**۸۳۶**
	۳	
پلیس راه قوچان		۸۳۹
	۱۸	
سه‌راهی سبزوار		۸۵۷
	۵۰	
پلیس راه		۹۰۷
	۴	
چناران		۹۱۱
	۱۷	
سه‌راهی گلمکان		۹۲۸
	۱۹	
سه‌راهی فردوس		۹۴۷
	۱۹	
مشهد		**۹۶۶**
	۹	
سه‌راهی طرق		۹۷۵
	۴	
خواجه‌اباصلت		۹۷۹
	۲۲	
سه‌راهی نیشابور		۱۰۰۱
	۴۰	
فریمان		۱۰۴۱
	۲۲	
مالکی		۱۰۶۳
	۶۵	
تربت‌جام		**۱۱۲۸**
	۶۲	
تایباد		۱۱۹۰
	۲۰	
مرز افغانستان		۱۲۱۰

تهران ،ساوه ،
همدان ،خرم‌آباد ،اندیمشک ، خرمشهر

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تهران		
	۳۵	
سه‌راهی سلطان‌آباد	۳۵	
	۱۰	
رباط‌کریم	۴۵	
	۴۲	
سه‌راهی پرندک	۸۷	
	۱۱	
زاویه	۹۸	
	۴۶	
ساوه	۱۴۴	
	۵۶	
غرق‌آباد	۲۰۰	
	۱۳	
نوبران	۲۱۳	
	۳۹	
تجرک	۲۵۲	
	۲۹	
فامنین	۲۸۱	
	۹	
دوراهی ساوه	۲۹۰	
	۲	
روان	۲۹۲	
	۹	
دوراهی پایگاه	۳۰۱	
	۱۰	
کوریجان	۳۱۱	
	۳۲	
همدان	۳۴۳	
	۳۳	
الفاوت	۳۷۶	

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۳۲	
جوکار	۴۰۸	
	۲۷	
ملایر	**۴۳۵**	
	۶	
سه‌راهی اورزمان	۴۴۱	
	۱۱	
سامن	۴۵۲	
	۷	
یونس	۴۵۹	
	۷	
دوراهی نهاوند	۴۶۶	
	۸	
اشترنیان دره‌صیدی	۴۷۴	
	۱۹	
بروجرد	**۴۹۳**	
	۵	
سه‌راهی بروجرد	۴۹۸	
	۳۳	
چالانچولان		
سیلاخور سفلی	۵۳۱	
	۵	
سه‌راهی درود	۵۳۶	
	۲۳	
زاغه	۵۵۹	
	۲۴	
سه‌راهی تجره	۵۸۳	

تهران ، ساوه ،
همدان ، خرم‌آباد ، اندیمشک ، خرمشهر

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
خرم‌آباد	۱۰	۵۹۳
معمولان	۶۱	۶۵۴
ملاوی	۳۵	۶۸۹
بابازید	۸	۶۹۷
پل‌دختر	۷	۷۰۴
سه‌راهی سرآب‌جهانگیر	۷	۷۱۱
پل‌زال	۴۷	۷۵۸
مرز استان	۳۰	۷۸۸
اندیمشک	۱۲	۸۰۰
سه‌راهی دهلران	۱۵	۸۱۵
سه‌راهی شوش	۲۳	۸۳۸
سه‌راهی هفت‌تپه	۱۴	۸۵۲
عبدالخان پائین	۳۰	۸۸۲
مهرانه	۱۶	۸۹۸
الهالی	۱۳	۹۱۱
الباجی	۱۶	۹۲۷
دوراهی تصفیه‌شکر	۸	۹۳۵
دوراهی چهارشیر	۷	۹۴۲
دوراهی اندیمشک	۵	۹۴۷
دوراهی کوشک‌آغاجاری	۵۴	۱۰۰۱
حسینیه بالنجان	۲۶	۱۰۲۷
دوراهی شلمچه	۳۹	۱۰۶۶
خرمشهر	۶	۱۰۷۲

تهران ،قم ،اراک ،خرم‌آباد ،
اندیمشک ، خرمشهر ،آبادان ،بندرامام

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تهران		
	۲۱	
بهشت‌زهرا		۲۱
	۳	
کهریزک		۲۴
	۲۲	
حسن‌آباد		۴۶
	۳۶	
نعلبندان		۸۲
	۱۱	
ساری‌بلاغ		۹۳
	۷	
کوشک‌نصرت		۱۰۰
	۲۲	
باقرآباد		۱۲۲
	۱۵	
شکوهیه		۱۳۷
	۵	
تفت الیرز		۱۴۲
	۱۴	
قم		۱۵۶
	۴	
شاه‌جمال		۱۶۰
	۲۰	
طرلاب		۱۸۰
	۹	
سنبل‌آباد		۱۸۹

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۱۰	
سلفچگان		۱۹۹
	۱۵	
راهجرد شرقی		۲۱۴
	۳۹	
شهسواران		۲۵۳
	۱۴	
کارچان		۲۶۷
	۱۱	
حاجی‌آباد		۲۷۸
	۱۱	
اراک		**۲۸۹**
میدان شاه‌حسینی سابق		
	۶	
سنجان		۲۹۵
	۱۴	
دوراهی آزادشهر		۳۰۹
	۱۵	
دوآب		۳۲۴
	۶	
توره		۳۳۰
	۸	
پاسگاه‌پلیس‌راه‌توره		۳۳۸
	۶۰	
سه‌راهی بروجرد		۳۹۸
	۳۳	
چالانچولان سیلاخورسفلی		۴۳۱

تهران ،قم ،اراک ،خرم‌آباد ،
اندیمشک ،خرمشهر ،آبادان ،بندرامام

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
سه‌راهی درود	۵	۴۳۶
زاغه	۲۳	۴۵۹
سه‌راهی تجره	۲۴	۴۸۳
خرم‌آباد	۱۰	**۴۹۳**
معمولان	۶۱	۵۵۴
ملاوی	۳۵	۵۸۹
بابازید	۸	۵۹۷
پل‌دختر	۷	۶۰۴
سه‌راهی سرآب‌جهانگیر	۷	۶۱۱
پل‌زال	۴۷	۶۵۸
مرز استان	۳۰	۶۸۸
اندیمشک	۱۲	۷۰۰

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
سه‌راهی دهلران	۱۵	۷۱۵
سه‌راهی شوش	۲۳	۷۳۸
سه‌راهی هفت‌تپه	۱۴	۷۵۲
عبدالخان پائین	۳۰	۷۸۲
مهرانه	۱۶	۷۹۸
الهالی	۱۳	۸۱۱
الباجی	۱۶	۸۲۷
دوراهی تصفیه‌شکر	۸	۸۳۵
دوراهی چهارشیر	۷	۸۴۲
دوراهی اندیمشک	۵	۸۴۷
دوراهی کوشک آغاجاری	۵۴	۹۰۱
حسینیه بالنجان	۲۶	۹۲۷
دوراهی شلمچه	۳۹	۹۶۶
خرمشهر	۶	**۹۷۲**
سه‌راهی بندر ماهشهر	۱۵	۹۸۷

تهران ،قم ،اراک ،خرم‌آباد ،
اندیمشک ،خرمشهر ،آبادان ،بندرامام

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۴	
آبادان		۹۹۱
	۵	
سه‌راهی خوردورق		۹۹۶
	۳۷	
خوردورق		۱۰۳۳
	۳۷	
سربندر		۱۰۷۰
	۱۳	
بندر امام‌خمینی		**۱۰۸۳**

تهران ،تبریز ،خوی ،ارومیه ،سرو

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تهران		
میدان فردوسی		
	۳۰	
کاروانسراسنگ		۳۰
	۱۶	
کرج		**۴۶**
	۷	
حصارک		۵۳
	۷	
کردان		۶۰
	۱۳	
هشتگرد		۷۳
	۲۰	
ابیک علیا		۹۳
	۳	
سه‌راهی طالقان		۹۶
	۲۴	
کوندج		۱۲۰
	۵	
حصار خروان		۱۲۵
	۲۳	
قزوین		**۱۴۸**
سبزه‌میدان		
	۱۴	
مهدی‌آباد کوچک		۱۶۲
	۱۱	
سه‌راهی کهک		۱۷۳
	۸	
تاکستان		**۱۸۱**
	۷	
سه‌راهی تاکستان		۱۸۸

تهران ، تبریز ، خوی ، ارومیه ، سرو

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۲۵	
قروه		۲۱۳
	۱۶	
ابهر		۲۲۹
	۷	
خرمدره		۲۳۶
	۸	
هیدج		۲۴۴
	۸	
صایین‌قلعه		۲۵۲
	۱۲	
عمیدآباد		۲۶۴
	۱۷	
سه‌راهی سعیدیه		۲۸۱
	۴	
قره‌بلاغ		۲۸۵
	۱۳	
بناب		۲۹۸
	۸	
پلیس‌راه زنجان		۳۰۶
	۱۳	
زنجان		**۳۱۹**
سبزه‌میدان		
	۱۹	
امین‌آباد		۳۳۸
	۱۷	
نیکپی		۳۵۵
	۱۷	
کهناب		۳۷۲
	۱۶	
تازه‌کند		۳۸۸
	۹	
سرچم سفلی		۳۹۷

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۱۴	
پلدختر		۴۱۱
	۲۲	
میانه		**۴۳۳**
	۶۴	
قره‌چمن		۴۹۷
	۲۲	
تیکمداش		۵۱۹
	۱۸	
بستان‌آباد		۵۳۷
	۳۲	
سعیدآباد		۵۶۹
	۱۳	
دوراهی اهر		۵۸۲
	۱۵	
تبریز		**۵۹۷**
	۴۰	
صوفیان		۶۳۷
	۱۴	
سیوان		۶۵۱
	۷	
پیام		۶۵۸
	۱۰	
مرند		**۶۶۸**
	۱۰	
یکان سفلی		۶۷۸
	۱۰	
کوشک‌سرای		۶۸۸
	۱۷	
قرخلر		۷۰۵
	۱۳	
قاپلیق		۷۱۸
	۱۴	
ایواغلی		۷۳۲

تهران ، تبریز ، خوی ، ارومیه ، سرو

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
خوی	۲۹	۷۶۱
قره‌تپه	۳۲	۷۹۳
سلماس	۱۱	۸۰۴
قوشچی	۴۵	۸۴۹
کارخانه قند	۲۵	۸۷۴
ارومیه	۲۰	۸۹۴
نازلو	۱۳	۹۰۷
چره	۲۶	۹۳۳
سرو	۱۱	۹۴۴

تهران ، قم ، اراک ، خرم‌آباد ، اندیمشک ، اهواز ، دارخوین ، آبادان

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تهران		
	۸۲	
نعلبندان		۸۲
	۱۱	
ساری‌بلاغ		۹۳
	۱۹۶	
اراک		**۲۸۹**
میدان شاه‌حسینی		
سابق	۶	
سنجان		۲۹۵
	۴۳	
پاسگاه پلیس راه توره		۳۳۸
	۶۰	
سه‌راهی بروجرد		۳۹۸
	۳۳	
چالانچولان		
سیلاخور سفلی		۴۳۱
	۶۲	
خرم‌آباد		**۴۹۳**
	۶۱	
معمولان		۵۵۴
	۱۳۴	
مرز استان		۶۸۸
	۱۲	
اندیمشک		**۷۰۰**
	۱۵	
سه‌راهی دهلران		۷۱۵
	۲۳	

تهران ،قم ،اراک ،خرم‌آباد ،
اندیمشک ،اهواز ،دارخوین ،آبادان

راه	مسافت به‌کیلومتر: فواصل جزء	مسافت به‌کیلومتر: جمع مسافت
سه‌راهی شوش		۷۳۸
	۱۴	
سه‌راهی هفت‌تپه		۷۵۲
	۳۰	
عبدالخان پائین		۷۸۲
	۱۶	
مهرانه		۷۹۸
	۱۳	
الهالی		۸۱۱
	۱۶	
الباجی		۸۲۷
	۸	
دوراهی تصفیه‌شکر		۸۳۵
	۷	
دوراهی چهارشیر		۸۴۲
	۵	
دوراهی اندیمشک		۸۴۷
	۵	
اهواز		**۸۵۲**
	۸۳	
دارخوین		۹۳۵
	۱۹	
سلیمانیه		۹۵۴
	۲۴	
سه‌راهی خوردورق		۹۷۸
	۵	
آبادان		**۹۸۳**

تهران ،قزوین ،رشت ،آستارا

راه	مسافت به‌کیلومتر: فواصل جزء	مسافت به‌کیلومتر: جمع مسافت
تهران		
میدان فردوسی		
	۳۰	
کاروانسراسنگ		۳۰
	۱۶	
کرج		**۴۶**
	۷	
حصارک		۵۳
	۷	
کردان		۶۰
	۱۳	
هشتگرد		۷۳
	۲۰	
ابیک‌علیا		۹۳
	۳	
سه‌راهی طالقان		۹۶
	۲۴	
کوندج		۱۲۰
	۵	
حصارخروان		۱۲۵
	۲۳	
قزوین		**۱۴۸**
سبزه‌میدان		
	۳۲	
کوهین		۱۸۰
	۱۱	
آب‌ترش		۱۹۱
	۷	
یوزباش‌چای		۱۹۸
	۳۲	
لوشان		۲۳۰

تهران ،قزوین ،رشت ،آستارا

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۲۰	
منجیل		۲۵۰
	۸	
رودبار		**۲۵۸**
	۷	
گنجه		۲۶۵
	۷	
رستم‌آباد		۲۷۲
	۴	
جمشیدآباد		۲۷۶
	۱۸	
امامزاده هاشم		۲۹۴
	۳۱	
رشت		**۳۲۵**
میدان شهرداری		
	۵	
گشارود		۳۳۰
	۸	
خاچکیں		۳۳۸
	۳	
حمام		۳۴۱
	۳	
پشت‌رود		۳۴۴
	۵	
حسن‌رود		۳۴۹
	۵	
طالب‌آباد		۳۵۴
	۷	
شالور		۳۶۱
	۲	
غازیان		۳۶۳
	۲	
بندر انزلی		**۳۶۵**
	۲۳	
کپورچال		۳۸۸
	۴	
تازه‌آباد		۳۹۲
	۴	
رضوانشهر		۳۹۶
	۴	
بول		۴۰۰
	۵	
اردجان		۴۰۵
	۵	
سره‌سر		۴۱۰
	۴	
دیناچال		۴۱۴
	۱۶	
اسالم		۴۳۰
	۱۰	
هشتپر		**۴۴۰**
	۱۸	
لیسار		۴۵۸
	۱۰	
خطبه‌سرا		۴۶۸
	۵	
شیل‌آور		۴۷۳
	۱۱	
چوبار		۴۸۴
	۷	
لمیر		۴۹۱
	۹	
لندویل		۵۰۰
	۱۴	
آستارا		۵۱۴

محورهای بین مراکز و شهرهای بزرگ استانها

همدان ،قروه ،سنندج

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
همدان		
	۱۲	
سه‌راهی بهار		۱۲
	۶	
سه‌راهی سنندج		۱۸
	۳	
صالح‌آباد		۲۱
	۱۶	
همه‌کسی		۳۷
	۶	
داشبلاغ		۴۳
	۵	
وینسار		۴۸
	۳۶	
قروه		**۸۴**
	۳۷	
دهگلان		۱۲۱
	۶۱	
سنندج		**۱۸۲**

شاهرود ،آزادشهر ،گنبدکاووس

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
شاهرود		
میدان اصلی شهر		
	۶	
بسطام		۶
	۴۰	
چهل‌دختر		۴۶
	۲۰	
خوش‌ییلاق		۶۶
	۱۵	
تیل‌آباد		۸۱
	۳۳	
نوده		۱۱۴
	۱۰	
آزادشهر		۱۲۴
	۴	
گنبدکاووس		**۱۲۸**

محور شیراز، فسا، کهکم، بندرعباس

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
شیراز		
	۹	
پایگاه نیرو هوایی	۹	
	۳	
فرودگاه	۱۲	
	۲	
دهکده روانی	۱۴	
	۴	
پل فسا	۱۸	
	۱۰	
گل‌چهره	۲۸	
	۱۷	
دریاچه مهارلو	۴۵	
	۴۶	
سروستان	۹۱	
	۳۸	
مقابری	۱۲۹	
	۲۲	
دزجان	۱۵۱	
	۱۳	
فسا	۱۶۴	
	۳	
کوشک قاضی	۱۶۷	
	۱۱	
نوبندگان	۱۷۸	
	۶	
جلیان	۱۸۴	
	۱۵	
ششده	۱۹۹	
	۳۸	
داراکویه	۲۳۷	
	۱۸	
گونو	۲۵۵	

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۴	
کرسیا		۲۵۹
	۸	
امامزاده حسن		۲۶۷
	۸	
داراب		۲۷۵
	۱۹	
ده‌خیر علیا		۲۹۴
	۱۰	
فتح‌آباد		۳۰۴
	۱۳	
قلعه‌بیابان		۳۱۷
	۲۲	
رستاق		۳۳۹
	۱۹	
سرگردنه فورک		۳۵۸
	۱۰	
فورک		۳۶۸
	۸۲	
کهکم		۴۵۰
	۶۵	
گهره		۵۱۵
	۶۵	
دوراهی باباغلام		۵۸۰
	۱۰	
شقو		۵۹۰
	۱۰	
بندر عباس		۶۰۰

یزد ،هزات ،شهربابک ،رفسنجان ،کرمان کرمان ، دارزین ، جیرفت ، کهنوج ، بندرعباس

راه	مسافت به‌کیلومتر: فواصل جزء	مسافت به‌کیلومتر: جمع مسافت
یزد		
	۹	
دوراهی بافق		۹
	۲۱	
مهریز		۳۰
	۳	
دوراهی شیراز		۳۳
	۳۵	
تنگ‌چنار		۶۸
	۷	
دوراهی مروست		۷۵
	۱۰۸	
مروست		۱۸۳
	۵۴	
هرات		۲۳۷
	۹۲	
شهربابک		۳۲۹
	۳۴	
سه‌راهی شهربابک		۳۶۳
	۱۰	
خاتون‌آباد		۳۷۳
	۵۴	
گوداحمرسفلی		۴۲۷
	۵۰	
رفسنجان		۴۷۷
	۲۳	
کبوترخان		۵۰۰
	۵۹	
باغین		۵۵۹
	۲۶	
کرمان		۵۸۵

راه	مسافت به‌کیلومتر: فواصل جزء	مسافت به‌کیلومتر: جمع مسافت
کرمان		
	۳۵	
ماهان		۳۵
	۴۷	
سه‌راهی راین		۸۲
	۳۲	
خانه خاتون		۱۱۴
	۳۲	
ابارق		۱۴۶
	۲۷	
دارزین		۱۷۳
	۲۶	
ده‌بکری		۱۹۹
	۶۶	
جیرفت		۲۶۵
	۵۶	
بهادرآباد		۳۲۱
	۳۰	
کهنوج		۳۵۱
	۷۲	
منوجان		۴۲۳
	۲۳	
رودان		۴۴۶
	۱۰	
فاریاب		۴۵۶
	۱۸	
دوراهی حسن‌لنگی		۴۷۴
	۶۲	
شقو		۵۳۶
	۱۰	
بندرعباس		۵۴۶

محور آستارا ،
رشت ،نوشهر ،ساری ،بندرترکمن

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
آستارا		
	۱۴	
لندویل		۱۴
	۹	
لمیر		۲۳
	۷	
چوبار		۳۰
	۱۱	
شیل‌آور		۴۱
	۵	
خطبه‌سرا		۴۶
	۱۰	
لیسار		۵۶
	۱۸	
هشتپر		۷۴
	۱۰	
اسالم		۸۴
	۱۶	
دیناچال		۱۰۰
	۴	
بره‌سر		۱۰۴
	۵	
اردجان		۱۰۹
	۵	
پونل		۱۱۴
	۴	
رضوانشهر		۱۱۸
	۴	
تازه‌آباد		۱۲۲
	۴	
کپورچال		۱۲۶

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۲۳	
بندر انزلی		۱۴۹
	۲	
غازیان		۱۵۱
	۲	
شالور		۱۵۳
	۷	
طالب‌آباد		۱۶۰
	۵	
حسن‌رود		۱۶۵
	۵	
پشت‌رود		۱۷۰
	۳	
خمام		۱۷۳
	۳	
خاچکین		۱۷۶
	۸	
گشارود		۱۸۴
	۵	
رشت		۱۸۹
میدان شهرداری		
	۱۰	
جعفرآباد		۱۹۹
	۷	
کوچصفهان		۲۰۶
	۶	
رودبارکی		۲۱۲
	۷	
سفیدرود		۲۱۹

محور آستارا ،
رشت ،نوشهر ، ساری ، بندرترکمن

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
آستانه	۲	۲۲۱
بازکیاکوراب	۶	۲۲۷
لاهیجان	۵	۲۳۲
لنگرود	۱۴	۲۴۶
کلیدبر	۲	۲۴۸
شلمان	۳	۲۵۱
چینی‌جان	۴	۲۵۵
رودسر	۴	۲۵۹
دریاوارسر	۶	۲۶۵
کیل‌کلایه	۴	۲۶۹
کلاچای	۲	۲۷۱
چابکسر	۲۰	۲۹۱

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
دریاپشته	۶	۲۹۷
رامسر (سخت‌سر)	۶	۳۰۳
رمک	۵	۳۰۸
دوراهی سادات محله	۱	۳۰۹
کتالم	۲	۳۱۱
نسارود	۲	۳۱۳
چالکرود	۲	۳۱۵
شیرود	۴	۳۱۹
تنکابن	۸	۳۲۷
ولی‌آباد	۸	۳۳۵
نشتارود	۱۰	۳۴۵
عباس‌آباد	۷	۳۵۲
منتل‌قو	۹	۳۶۱

محور آستارا ،
رشت ،نوشهر ،ساری ،بندرترکمن

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
ساقی‌کلایه	۳	۳۶۴
کلارآباد	۲	۳۶۶
هایت‌خزر	۵	۳۷۱
نمک‌آبرود	۱	۳۷۲
هچرود	۳	۳۷۵
سردآبرود	۶	۳۸۱
چالوس	۵	۳۸۶
نوشهر	۵	۳۹۱
خیررودکنار	۱۲	۴۰۳
چلندر	۸	۴۱۱
سی‌سنگان	۱۱	۴۲۲
صلاح‌الدین‌کلا	۳	۴۲۵
دریاپشته	۳	۴۲۸
ویلاشهر	۲	۴۳۰
دریاشهر	۴	۴۳۴
علمده غربی	۲	۴۳۶

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
نور	۷	۴۴۳
پارک جنگلی نور	۴	۴۴۷
رستمرود	۴	۴۵۱
ایزده بالا	۴	۴۵۵
تمیشان	۷	۴۶۲
محمودآباد	۵	۴۶۷
سیاهکلا محله‌شرقی	۱۲	۴۷۹
خانه‌دریا	۲	۴۸۱
چاکسر	۳	۴۸۴
سرخرود شرقی	۱	۴۸۵
فریدون‌کنار	۸	۴۹۳
خزرشهر	۵	۴۹۸
دریا کنار	۳	۵۰۱
بابلسر	۴	۵۰۵
میربازار	۶	۵۱۱
امیرکلا	۹	۵۲۰

محور آستارا ،
رشت ،نوشهر ، ساری ، بندرترکمن

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
بابل	۵	۵۲۵
قائم شهر	۲۰	۵۴۵
ساری	۲۰	۵۶۵
میدان ساعت	۳	
آزادکله		۵۶۸
سمکنده بالا	۳	۵۷۱
بادله	۵	۵۷۶
سورک	۳	۵۷۹
سه‌راهی شیلات اسلام آباد	۲	۵۸۱
نکا	۹	۵۹۰
رستمکلا	۱۲	۶۰۲
گرجی محله	۴	۶۰۶
بهشهر	۷	۶۱۳
لمراسک	۱۶	۶۲۹
تیرتاش	۳	۶۳۲
گلوگاه	۹	۶۴۱
نوکنده	۹	۶۵۰
سه‌راهی بندرگز	۳	۶۵۳
بندر ترکمن	۲۵	۶۷۸

محور اراک ،ملایر ،همدان		
اراک		
میدان امام خمینی	۶	
سنجان		۶
دوراهی آزاد شهر	۱۴	۲۰
دوآب	۱۵	۳۵
توره	۶	۴۱
پاسگاه پلیس راه توره	۸	۴۹
زنگنه علیا	۲۶	۷۵
جوراب	۱۸	۹۳
ملایر	۱۰	۱۰۳
جوکار	۲۷	۱۳۰
الغاوت	۳۲	۱۶۲
همدان	۳۳	۱۹۵

محور اصفهان ،
الیگودرز ،خرم‌آباد ،اندیمشک ،اهواز

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
اصفهان		
	۱۰	
سه‌راهی آتشگاه		۱۰
	۱۹	
نجف‌آباد		۲۹
	۱۹	
تیران		۴۸
	۲۲	
افجان		۷۰
	۶	
سه‌راهی چادگان		۷۶
	۱۸	
قلعه‌ناظر		۹۴
	۸	
سه‌راهی دولت‌آباد		۱۰۲
	۲۲	
سه‌راهی حسین‌آباد		۱۲۴
	۵	
دامنه		۱۲۹
	۵	
داران		۱۳۴
	۸	
نهرخلج		۱۴۲
	۱۰	
اورونبلاغ		۱۵۲
	۸	
بویین		۱۶۰

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۱۶	
نوغان سفلی		۱۷۶
	۱۳	
دره‌ساری		۱۸۹
	۹	
چمن‌سلطان		۱۹۸
	۳۵	
الیگودرز		۲۳۳
	۲۰	
ازنا		۲۵۳
	۴۰	
درود		۲۹۳
	۱۸	
سه‌راهی دورود		۳۱۱
	۲۳	
زاغه		۳۳۴
	۲۴	
سه‌راهی تجره		۳۵۸
	۱۰	
خرم‌آباد		۳۶۸
	۶۱	
معمولان		۴۲۹
	۳۵	
ملاوی		۴۶۴
	۸	
بابازید		۴۷۲
	۷	
پل‌دختر		۴۷۹

محور اصفهان ،
الیگودرز ،خرم‌آباد ،اندیمشک ،اهواز

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۷	
سه‌راهی سرآب‌جهانگیر	۴۸۶	
	۴۷	
پل‌زال	۵۳۳	
	۳۰	
مرز استان	۵۶۳	
	۱۲	
اندیمشک	**۵۷۵**	
	۱۵	
سه‌راهی دهلران	۵۹۰	
	۲۳	
سه‌راهی شوش	۶۱۳	
	۱۴	
سه‌راهی هفت‌تپه	۶۲۷	
	۳۰	
عبدالخان پائین	۶۵۷	
	۱۶	
مهرانه	۶۷۳	
	۱۳	
الهالی	۶۸۶	
	۱۶	
الباجی	۷۰۲	
	۸	
دوراهی تصفیه‌شکر	۷۱۰	
	۷	
دوراهی چهارشیر	۷۱۷	
	۵	
دوراهی اندیمشک	۷۲۲	
	۵	
اهواز	**۷۲۷**	

اصفهان ، نایین ، یزد

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
اصفهان		
	۱۰	
خوراسگان	۲۷	۱۰
سگزی	۳۰	۳۷
کوهپایه		۶۷
	۱۵	
موشکنان	۱۱	۸۲
تودشکچو	۴۷	۹۳
نایین	۳۰	۱۴۰
نوگنبد	۴۱	۱۷۰
دوراهی عقدا	۵	۲۱۱
فخرآباد	۳۶	۲۱۶
اردکان	۹	۲۵۲
میبد	۳۰	۲۶۱
دوراهی طبس	۱۷	۲۹۱
یزد		**۳۰۸**

اصفهان ،خوانسار ،گلپایگان ،خمین ،اراک

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
اصفهان		
سه‌راهی آتشگاه	۱۰	۱۰
نجف‌آباد	۱۹	۲۹
تیران	۱۹	۴۸
افجان	۲۲	۷۰
سه‌راهی چادگان	۶	۷۶
قلعه‌ناظر	۱۸	۹۴
سه‌راهی دولت‌آباد	۸	۱۰۲
سه‌راهی حسین‌آباد	۲۲	۱۲۴
دامنه	۵	۱۲۹
خوانسار	۳۸	۱۶۷
گلپایگان	۲۹	۱۹۶
سعیدآباد	۸	۲۰۴
مرق	۱۲	۲۱۶
چشمه‌سفید	۲	۲۱۸

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
خمین	۱۸	۲۳۶
ورچه	۱۹	۲۵۵
حسن‌آباد	۱۰	۲۶۵
گیلی	۳	۲۶۸
حسین‌آباد مسیله	۱۸	۲۸۶
دوراهی خمین	۶	۲۹۲
اراک	۵	۲۹۷

محور اصفهان ،فولادشهر ، شهرکرد		
اصفهان		
دستگرد خبار	۱۰	۱۰
فلاورجان	۹	۱۹
خیرآباد	۳	۲۲
فولادشهر	۱۰	۳۲
زرین‌شهر	۱۰	۴۲
کلیشادرخ	۳۰	۷۲
سه‌راهی پلیس راه	۲۱	۹۳
فرخ‌شهر	۲	۹۵
شهرکرد	۹	۱۰۴

اصفهان ، شهرضا ، بروجن ، شهرکرد

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
اصفهان		
	۳۰	
سه‌راهی مبارکه		۳۰
	۱۶	
مهیار	۴۶	
	۲۳	
دوراهی شاه سید علی اکبر	۶۹	
	۱۱	
شهرضا	۸۰	
	۲۴	
دهاقان	۱۰۴	
	۱۱	
دیزج	۱۱۵	
	۱۵	
مرز استان	۱۳۰	
	۱۰	
بروجن	**۱۴۰**	
	۸	
فرادنبه	۱۴۸	
	۲۱	
سفید دشت	۱۶۹	
	۲۲	
سه‌راهی پلیس راه	۱۹۱	
	۲	
فرخ شهر	۱۹۳	
	۹	
شهرکرد	۲۰۲	

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
یاسوج امیری		
	۴	
سنجان		۴
	۲	
مه‌ریان		۶
	۲	
رحیم آباد		۸
	۱	
مادوان سفلی		۹
	۲	
گوشه سفلی		۱۱
	۸	
برآفتاب		۱۹
	۷	
بیاره		۲۶
	۶	
سی سخت		۳۲
	۱۶	
پاتاوه		۴۸
	۱۶	
کلواری		۶۴
	۲۶	
جوانمردی		۹۰
	۸	
رشیدریگی		۹۸
	۳	
کوشکی		۱۰۱
	۱۶	
دوراهان سفلی		۱۱۷
	۳۵	
گندمان		۱۵۲

یاسوج ،بروجن ، شهرکرد

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
بروجن	۱۷	۱۶۹
فرادنبه	۸	۱۷۷
سفیددشت	۲۱	۱۹۸
سه‌راهی پلیس راه	۲۲	۲۲۰
فرخ‌شهر	۲	۲۲۲
شهرکرد	۹	۲۳۱

بندرعباس ،کهنوج ، دارزین ، زاهدان

بندر عباس		
شقو	۱۰	۱۰
دوراهی حسن‌لنگی	۶۲	۷۲
فاریاب	۱۸	۹۰
رودان	۱۰	۱۰۰
منوجان	۲۳	۱۲۳
کهنوج	۷۲	۱۹۵
بهادرآباد	۳۰	۲۲۵
جیرفت	۵۶	۲۸۱

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
ده‌بکری	۶۶	۳۴۷
دارزین	۲۶	۳۷۳
بم	۲۶	۳۹۹
سه‌راهی رستم‌آباد	۴۰	۴۳۹
فهرج	۲۱	۴۶۰
شورگز	۵۳	۵۱۳
کهورک	۴۸	۵۶۱
نصرت‌آباد	۶۴	۶۲۵
سه‌راهی کرمان	۱۰۰	۷۲۵
زاهدان	۸	۷۳۳

کرمان ،فردوس، گناباد ، تربت‌حیدریه ، مشهد

کرمان		
سه‌راهی چترود	۴۳	۴۳
راور	۱۰۰	۱۴۳
کوه‌وربند	۷۵	۲۱۸

کرمان ، فردوس ، گناباد ، تربت حیدریهٔ مشهد

راه	مسافت به‌کیلومتر: فواصل جزء	مسافت به‌کیلومتر: جمع مسافت
نای‌بندان	۱۰۳	
		۳۲۱
دیهوک	۱۴۲	
		۴۶۳
سه‌راهی بشرویه	۴۷	
		۵۱۰
فردوس	۵۲	**۵۶۲**
باغستان‌بالا	۲۰	
		۵۸۲
گناباد	۵۲	**۶۳۴**
سه‌راهی شادمهر	۱۱۸	
		۷۵۲
تربت حیدریه	۱۶	**۷۶۸**
کامه سفلی	۲۲	
		۷۹۰
رباط سنگ	۹	
		۷۹۹
سرهنگ	۱۲	
		۸۱۱
گرماب	۶	
		۸۱۷
رباط سفید	۲۳	
		۸۴۰
اسلام قلعه	۱۲	
		۸۵۲
سه‌راهی تربت‌حیدریه	۱۸	
		۸۷۰
ملک‌آباد	۵	
		۸۷۵

راه	مسافت به‌کیلومتر: فواصل جزء	مسافت به‌کیلومتر: جمع مسافت
امان‌آباد	۷	
		۸۸۲
سه‌راهی طرق	۱۹	
		۹۰۱
مشهد	۹	
میدان آزادی		۹۱۰

محور کرمان ، بزمان ، ایرانشهر ، راسک ، چاه‌بهار

کرمان		
ماهان	۳۵	
		۳۵
سه‌راهی راین	۴۷	
		۸۲
خانه‌خاتون	۳۲	
		۱۱۴
ابارق	۳۲	
		۱۴۶
دارزین	۲۷	
		۱۷۳
بم	۲۶	**۱۹۹**
سه‌راهی رستم‌آباد	۴۰	
		۲۳۹
ریگان	۵۱	
		۲۹۰

محور کرمان ، بزمان ، ایرانشهر ، راسک ، چاه‌بهار

راه	مسافت به‌کیلومتر: فواصل جزء	مسافت به‌کیلومتر: جمع مسافت
بزمان	۱۶۵	۴۵۵
سه‌راهی بمپور	۸۵	۵۴۰
ایرانشهر	۱۶	**۵۵۶**
بندان	۱۲۳	۶۷۹
راسک	۶۴	۷۴۳
هودر	۱۷	۷۶۰
سه‌راهی پیشین	۳	۷۶۳
ناهوکلات	۶۰	۸۲۳
بوسیدیان بالا	۴۰	۸۶۳
سه‌راهی نگور	۶	۸۶۹
سه‌راهی کنارک	۳۸	۹۰۷
چاه‌بهار	۱۵	۹۲۲

یزد ، طبس ، گناباد ، تربت‌حیدریه ، مشهد

راه	مسافت به‌کیلومتر: فواصل جزء	مسافت به‌کیلومتر: جمع مسافت
یزد		
دوراهی طبس	۱۷	۱۷
خرانق	۶۲	۷۹
ساغند	۶۵	۱۴۴
رباط پشت بادام	۶۴	۲۰۸
رباط خان	۸۸	۲۹۶
رباط کور	۶۲	۳۵۸
طبس	۵۱	**۴۰۹**
عباس‌آباد	۴۲	۴۵۱
دیهوک	۴۱	۴۹۲
سه‌راهی بشرویه	۴۷	۵۳۹
فردوس	۵۲	**۵۹۱**
باغستان بالا	۲۰	۶۱۱
گناباد	۵۲	**۶۶۳**
سه‌راهی شادمهر	۱۱۸	۷۸۱

یزد ، طبس ، گناباد ، تربت حیدریه ، مشهد

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۱۶	
تربت حیدریه		۷۹۷
	۲۲	
کامه سفلی		۸۱۹
	۹	
رباط سنگ		۸۲۸
	۱۲	
سرهنگ		۸۴۰
	۶	
گرماب		۸۴۶
	۲۳	
رباط سفید		۸۶۹
	۱۲	
اسلام قلعه		۸۸۱
	۱۸	
سه‌راهی تربت حیدریه		۸۹۹
	۵	
ملک‌آباد		۹۰۴
	۷	
امان‌آباد		۹۱۱
	۱۹	
سه‌راهی طرق		۹۳۰
	۹	
مشهد		۹۳۹
میدان آزادی		

مهریز ، ده‌بالا ،
تفت ، یزد ، دوراهی بافق ، بهآباد

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
مهریز		
	۱۹	
فخرآباد		۱۹
	۷	
طزرجان		۲۶
	۶	
ده‌بالا		۳۲
	۲۴	
تفت		۵۶
	۲۰	
یزد		۷۶
	۹	
دوراهی بافق		۸۵
	۵	
احمدآباد		۹۰
	۵	
خوبدک		۹۵
	۶	
فهرج		۱۰۱
	۸۰	
بافق		۱۸۱
	۹	
دوراهی چغارت		۱۹۰
	۱۶	
دوراهی معدن کوشک		۲۰۶
	۲۵	
معدن کوشک		۲۳۱
	۴۰	
بهآباد		۲۷۱

محور مشهد ،
بیرجند ،زاهدان ، ایرانشهر ،چاه‌بهار

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
مشهد		
میدان آزادی		
	۹	
سه‌راهی طرق		۹
	۱۹	
امان‌آباد		۲۸
	۷	
ملک‌آباد		۳۵
	۵	
سه‌راهی تربت‌حیدریه		۴۰
	۱۸	
اسلام‌قلعه		۵۸
	۱۲	
رباط‌سفید		۷۰
	۲۳	
گرماب		۹۳
	۶	
سرهنگ		۹۹
	۱۲	
رباط‌سنگ		۱۱۱
	۹	
کامه‌سفلی		۱۲۰
	۲۲	
تربت‌حیدریه		**۱۴۲**
	۱۶	
سه‌راهی شادمهر		۱۵۸
	۱۱۸	
گناباد		**۲۷۶**
	۶	
بیدخت		۲۸۲
	۴۳	
اسلام‌آباد		۳۲۵
	۶۳	
قائن		**۳۸۸**

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۴۹	
سده		۴۳۷
	۵۹	
بیرجند		**۴۹۶**
	۳۸	
مود		۵۳۴
	۳۴	
سربیشه		۵۶۸
	۴۶	
سهل‌آباد		۶۱۴
	۵۰	
شوسف		۶۶۴
	۱۱	
حسین‌آباد		۶۷۵
	۲۲	
خوشانه		۶۹۷
	۶	
نهلبندان		۷۰۳
	۱۰	
خونیک		۷۱۳
	۷۵	
سفیدابه		۷۸۸
	۱۰۳	
سه‌راهی زابل		۸۹۱
	۲۵	
حرمک		۹۱۶

محور مشهد ،
بیرجند ، زاهدان ، ایرانشهر ، چاه‌بهار

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۵۱	
سه‌راهی کرمان	۹۶۷	
	۸	
زاهدان	**۹۷۵**	
	۵۷	
سه‌راهی جون‌آباد	۱۰۳۲	
	۳۵	
میرآباد	۱۰۶۷	
	۲۱	
ده‌پایید	۱۰۸۸	
	۵	
اسکل‌آباد	۱۰۹۳	
	۶۰	
خاش	**۱۱۵۳**	
	۲۴	
سه‌راهی ایرندگان	۱۱۷۷	
	۳۹	
کاروانسر	۱۲۱۶	
	۵۸	
دامن	۱۲۷۴	
	۲۶	
ایرانشهر	**۱۳۰۰**	
	۱۲۳	
بندان	۱۴۲۳	
	۶۴	
راسک	۱۴۸۷	
	۱۷	
هودر	۱۵۰۴	

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۳	
سه‌راهی پیشین	۱۵۰۷	
	۶۰	
باهوکلات	۱۵۶۷	
	۴۰	
نوبندیان بالا	۱۶۰۷	
	۶	
سه‌راهی نگور	۱۶۱۳	
	۳۸	
سه‌راهی کنارک	۱۶۵۱	
	۱۵	
چاه‌بهار	**۱۶۶۶**	

محور شیراز ، سورمق ، تفت ، یزد

شیراز		
	۱۳	
اکبرآباد		۱۳
	۶	
باجگاه		۱۹
	۶	
پالایشگاه		۲۵
	۶	
زرقان		۳۱
	۱۰	
بلحان		۴۱
	۴	
مرودشت		۴۵
	۱۱	
تخت جمشید		۵۶

محور شیراز، سورمق، تفت، یزد

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تخت‌طاوس	۹	
سیوند	۶۵	
سعادت‌شهر	۲۰	۸۵
سه‌راهی پاسارگاد	۲۵	۱۱۰
قادرآباد	۱۸	۱۲۸
دیدگان	۱۷	۱۴۵
دهبید	۱۰	۱۵۵
خان‌خوره	۳۵	۱۹۰
سورمق	۳۰	۲۲۰
کهنه‌ابرکوه	۳۵	۲۵۵
ده‌شیر	۴۴	۲۹۹
	۳۰	۳۲۹
دوراهی علی‌آباد	۳۰	۳۵۹
اسلامیه	۲۳	
تفت	۷	۳۸۱
یزد	۲۰	۴۰۹

محور شیراز، بهبهان، اهواز

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
شیراز		
خان‌زنیان	۴۱	۴۱
دشت‌ارژن	۱۹	۶۰
ابوالحیات	۳۶	۹۶
چنارشاهیجان	۳۴	۱۳۰
نورآباد	۲۸	۱۵۸
فهلیان سفلی	۹	۱۶۷
مسیری	۷	۱۷۴
باباحیدان علیا	۶	۱۸۰
تل‌گرد	۲	۱۸۲
قلعه‌رستم	۱	۱۸۳
تخته‌سنگ	۳	۱۸۶
پاسگاه ده‌نو	۶	۱۹۲

محور شیراز، بهبهان، اهواز

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۶	
عربها		۱۹۸
	۲	
قهوه‌خانه سورنا		۲۰۰
	۲	
کوبن		۲۰۲
	۵	
شوش		۲۰۷
	۲	
بوستان		۲۰۹
	۲	
دوراهی باشت		۲۱۱
	۱۰	
قهوه‌خانه‌حان‌احمد		۲۲۱
	۸	
سیاه‌کشنه		۲۲۹
	۹	
امامزاده‌جعفر		۲۳۸
	۱۷	
گچساران		**۲۵۵**
	۵۳	
خیرآباد		۳۰۸
	۱۸	
بهبهان		**۳۲۶**
	۳۷	
بیدبلند		۳۶۳
	۵۲	
رستم‌آباد		۴۱۵
	۱۴	
رامهرمز		**۴۲۹**

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۳۹	
سه‌راهی رامهرمز		۴۶۸
	۳۵	
کوپال		۵۰۳
	۴۸	
چارشیر		۵۵۱
	۵	
اهواز		**۵۵۶**

محور شیراز، نی‌ریز، سیرجان، کرمان

شیراز		
	۹	
پایگاه نیرو هوایی		۹
	۳	
فرودگاه		۱۲
	۲	
دهکده روانی		۱۴
	۴	
پل فسا		۱۸
	۱۰	
گل‌چهره		۲۸
	۱۷	
دریاچه مهارلو		۴۵
	۴۶	
سروستان		۹۱
	۳۸	
مقابری		۱۲۹
	۱۰	
قمپ آتشکده		۱۳۹

محور شیراز ، نی‌ریز ، سیرجان ، کرمان

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
علی‌آباد	۱	
رونیز	۲۰	۱۴۰
استهبان	۲۹	۱۶۰
نیریز	۳۳	۱۸۹
حسن‌آباد	۲۳	۲۲۲
قطرویه	۲۶	۲۴۵
بشنه	۲۰	۲۷۱
خیرآباد	۵۴	۲۹۱
سیرجان	۳۶	۳۴۵
حسین‌آباد	۲۶	۳۸۱
خانه‌سرخ	۳۶	۴۰۷
مشیز (بردسیر)	۵۲	۴۴۳
سه‌راهی سیرجان	۱۲	۴۹۵
باغین	۲۲	۵۰۷
کرمان	۲۶	۵۲۹
		۵۵۵

محور شیراز ، نورآباد ، یاسوج

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
شیراز		
خان‌زنیان	۴۱	۴۱
دشت‌ارژن	۱۹	۶۰
ابوالحیات	۳۶	۹۶
چنارشاهیجان	۳۴	۱۳۰
نورآباد	۲۸	۱۵۸
فهلیان سفلی	۹	۱۶۷
مسیری	۷	۱۷۴
بابامیدان علیا	۶	۱۸۰
کافه شیخ‌الیاس	۱۶	۱۹۶
مورگا	۱۷	۲۱۳
تنگاری	۱۳	۲۲۶
دشت‌روم	۸	۲۳۴
سرابتاوه سفلی	۹	۲۴۳
تل‌خسرو سفلی	۱	۲۴۴
کارخانه قند	۵	۲۴۹
یاسوج امیری	۲	۲۵۱

شیراز ، جهرم ، لار ، تنگ‌دالان ، بندرعباس

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
شیراز		
پایگاه‌نیروی‌هوائی	۹	۹
فرودگاه	۳	۱۲
دهکده روانی	۲	۱۴
پل‌فسا	۴	۱۸
باباحاجی	۱۷	۳۵
سه‌راهی فیروزآباد	۳	۳۸
آب‌گرم	۳۷	۷۵
اسمعیل‌آباد	۸	۸۳
خفر	۳۱	۱۱۴
آسمانگرد	۱۱	۱۲۵
تادوان	۱۴	۱۳۹
مخک	۱۲	۱۵۱
قطب‌آباد	۲۱	۱۷۲
جهرم	۲۱	۱۹۳

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۱۴	
محمدآباد		۲۰۷
رزک	۲۳	۲۳۰
منصورآباد	۲۴	۲۵۴
بریز	۵۵	۳۰۹
دهکو	۱۶	۳۲۵
قلعه‌کورده	۱۰	۳۳۵
نارنجی	۲	۳۳۷
خلعت‌پوشان	۲	۳۳۹
لار	۱۹	**۳۵۸**
تنگ‌دالان	۹۲	۴۵۰
کهورستان	۱۴۸	۵۹۸
دوراهی باباغلام	۸۴	۶۸۲
شقو	۱۰	۶۹۲
بندرعباس	۱۰	**۷۰۲**

بوشهر ، بندرماهشهر ، کوپال ، اهواز

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
بوشهر		
	۲۵	
چغادک		۲۵
	۱۰	
احمدی		۳۵
	۱۰	
عسوند		۴۵
	۵	
گزبلند		۵۰
	۵	
خوش‌آب		۵۵
	۱۵	
برازجان		۷۰
	۱۸	
آب‌انبار		۸۸
	۱۵	
ده‌کوه گناوه		۱۰۳
	۱۷	
خلیفه		۱۲۰
	۱۰	
چهارروستایی		۱۳۰
	۲۸	
گناوه		**۱۵۸**
	۶۷	
بندردیلم		۲۲۵
	۵۴	
هندیجان		۲۷۹

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۸۰	
بندر ماهشهر		۳۵۹
	۲۳	
سه‌راهی امیدیه سفلی		۳۸۲
	۳۵	
رامشیر		۴۱۷
	۷	
سه‌راهی رامهرمز		۴۲۴
	۳۵	
کوپال		۴۵۹
	۴۸	
چارسر		۵۰۷
	۵	
اهواز		**۵۱۲**

محور آبادان ، بندرماهشهر ، برازجان ، بندرلنگه ، میناب ، جاسک

آبادان		
	۵	
سه‌راهی خوردورق		۵
	۳۷	
خوردورق		۴۲
	۳۷	
سربندر		۷۹
	۹	
بندر ماهشهر		**۸۸**
	۸۰	
هندیجان		۱۶۸
	۵۴	
بندر دیلم		۲۲۲

محور آبادان ، بندرماهشهر ،
برازجان ، بندرلنگه ، میناب ، جاسک

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۶۷	
گناوه		**۲۸۹**
	۲۸	
چهارروستایی		۳۱۷
	۱۰	
خلیفه		۳۲۷
	۱۷	
ده‌کوه‌گناوه		۳۴۴
	۱۵	
آب‌انبار		۳۵۹
	۱۸	
برازجان		**۳۷۷**
	۱۵	
خوش‌آب		۳۹۲
	۵	
گزبلند		۳۹۷
	۵	
عبسوند		۴۰۲
	۱۰	
احمدی		۴۱۲
	۱۰	
جعادک		۴۲۲
	۲۶	
اهرم		۴۴۸
	۲۷	
خورموج		۴۷۵
	۴۰	
کاکی		۵۱۵
	۸۹	
کنگان		۶۰۴

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۳۰	
طاهری		۶۳۴
	۱۰۵	
گاوبندی		۷۳۹
	۹۱	
حمیران		۸۳۰
	۸۲	
بندر چارک		۹۱۲
	۶۸	
بندر لنگه		۹۸۰
	۱۱	
بندر کنگ		۹۹۱
	۱۰۰	
بندر خمیر		۱۰۹۱
	۵۰	
کهورستان		۱۱۴۱
	۸۴	
دوراهی باباغلام		۱۲۲۵
	۱۰	
شقو		۱۲۳۵
	۶۲	
دوراهی حسن‌لنگی		۱۲۹۷
	۳۲	
میناب		**۱۳۲۹**
	۷۵	
سیریک		۱۴۰۴
	۸۵	
کوه‌مبارک		۱۴۸۹
	۶۵	
جاسک		**۱۵۵۴**

خرم‌آباد ،اندیمشک ،اهواز

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
خرم‌آباد		
میدان شقایق	۶۱	
معمولان	۶۱	
ملاوی	۳۵	
بابازید	۹۶	
پل‌دختر	۸	۱۰۴
سه‌راهی سرآب‌جهانگیر	۷	۱۱۱
پل زال	۴۷	۱۱۸
مرز استان	۳۰	۱۶۵
اندیمشک	۱۲	۱۹۵
سه‌راهی دهلران	۱۵	۲۰۷
سه‌راهی شوش	۲۳	۲۲۲
سه‌راهی هفت‌تپه	۱۴	۲۴۵
عبدالخان پایین	۳۰	۲۵۹
مهرانه	۱۶	۲۸۹
الهالی	۱۳	۳۰۵
الباجی	۱۶	۳۱۸
		۳۳۴

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۸	
دوراهی تصفیه‌شکر	۷	۳۴۲
دوراهی چهارشیر	۵	۳۴۹
دوراهی اندیمشک	۵	۳۵۴
اهواز		**۳۵۹**

محور خرم‌آباد ، دره‌شهر ، ایلام

خرم‌آباد		
میدان شقایق	۶۱	
معمولان		۶۱
ملاوی	۳۵	۹۶
بابازید	۸	۱۰۴
پل‌دختر	۷	۱۱۱
سه‌راهی سرآب‌جهانگیر	۷	۱۱۸
گاومیشان	۲۴	۱۴۲
دره‌شهر	۲۲	**۱۶۴**
چناربashi	۹۱	۲۵۵
دوراهی ایلام	۴۷	۳۰۲
ایلام	۶	**۳۰۸**

خرم‌آباد ، پل‌صیمره ، باختران

راه	مسافت به‌کیلومتر: فواصل جزء	مسافت به‌کیلومتر: جمع مسافت
خرم‌آباد		
میدان شقایق		
	۶۱	
معمولان		۶۱
	۳۵	
ملاوی		۹۶
بابازید	۸	۱۰۴
	۴۴	
سه‌راهی کوهدشت		۱۴۸
	۴۰	
سه‌راهی امامزاده‌محمد		۱۸۸
	۶	
پل‌صیمره		۱۹۴
	۱۳	
شاه‌بداغ		۲۰۷
	۱۹	
هرسم		۲۲۶
	۳۶	
سه‌راهی اندیمشک		۲۶۲
	۲۰	
چهارزبرسفلی		۲۸۲
	۱۳	
ماهیدشت شرقی		۲۹۵
	۲۴	
باختران		۳۱۹

باختران ، هرسین ، خرم‌آباد

راه	مسافت به‌کیلومتر: فواصل جزء	مسافت به‌کیلومتر: جمع مسافت
باختران		
میدان آزادی		
	۵	
میدان امام		۵
	۲۵	
سه‌راهی هرسین		۳۰
	۲۳	
هرسین		۵۳
	۶	
انتهای حوزه		۵۹
	۱۱	
هفت‌چشمه		۷۰
	۳۱	
نورآباد		۱۰۱
	۱۰	
سه‌راهی نهاوند		۱۱۱
	۱۹	
فیروزآباد		۱۳۰
	۲۱	
سه‌راهی الشتر		۱۵۱
	۱۰	
کاکارضاامیدعلی		۱۶۱
	۱۳	
رباط نمکی		۱۷۴
	۱۸	
خرم‌آباد		۱۹۲
میدان سراب گیو		

محور باختران ،
ایلام ،دهلران ،دزفول ،اهواز

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
باختران		
	۲۴	
ماهیدشت شرقی		۲۴
	۱۳	
چهارزبرسفلی		۳۷
	۲۰	
سه‌راهی اندیمشک		۵۷
	۵	
اسلام‌آباد		۶۲
	۲۷	
گواور		۸۹
	۲۱	
سه‌راهی گیلانغرب		۱۱۰
	۳	
چهارمله		۱۱۳
	۱۲	
سه‌راهی سومار		۱۲۵
	۱۳	
ایوان		۱۳۸
	۵۰	
ایلام		۱۸۸
	۶	
دوراهی ایلام		۱۹۴
	۵۴	
صالح‌آباد		۲۴۸
	۱۹	
گنجان‌چم		۲۶۷
	۱۸	
مهران		۲۸۵
	۴۳	
پل‌چنگوله		۳۲۸

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۳۹	
نصریان		۳۶۷
	۴۶	
دهلران		۴۱۳
	۲۶	
موسیان		۴۳۹
	۱۸	
دوراهی موسیان		۴۵۷
	۴۸	
دشت‌عباس		۵۰۵
	۳۹	
جسرنادری		۵۴۴
	۹	
سه‌راهی دهلران		۵۵۳
	۱۵	
اندیمشک		۵۶۸
	۱۰	
دزفول		۵۷۸
	۱۱	
سه‌راهی شوش		۵۸۹
	۵۵	
کشت‌وصنعت کارون		۶۴۴
	۱۸	
شوشتر		۶۶۲
	۱۲	
شرف‌آباد اشرفی		۶۷۴
	۸	
قلعه‌خان		۶۸۲
	۳۳	
ملاثانی		۷۱۵

محور باختران ،
ایلام ،دهلران ،دزفول ،اهواز

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۱۱	
ویس		۷۲۶
	۱۵	
زرگان‌گرانه		۷۴۱
	۸	
چهارشیر		۷۴۹
	۵	
اهواز		۷۵۴

باختران ،اسلام‌آباد ،ایلام

باختران	۲۴	
ماهیدشت شرقی		۲۴
	۱۳	
چهارزبرسفلی		۳۷
	۲۰	
سه‌راهی اندیمشک		۵۷
	۵	
اسلام‌آباد		۶۲
	۲۷	
گواور		۸۹
	۲۱	
سه‌راهی گیلانغرب		۱۱۰
	۳	
چهارمله		۱۱۳
	۱۲	
سه‌راهی سومار		۱۲۵
	۱۳	
ایوان		۱۳۸
	۵۰	
ایلام		**۱۸۸**

محور تبریز ،مرند ،خوی ،ارومیه

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
تبریز		
	۴۰	
صوفیان		۴۰
	۱۴	
سیوان		۵۴
	۷	
پیام		۶۱
	۱۰	
مرند		**۷۱**
	۱۰	
یکان سفلی		۸۱
	۱۰	
کوشک‌سرای		۹۱
	۱۷	
فرخلر		۱۰۸
	۱۳	
قاپلیق		۱۲۱
	۱۴	
ایواغلی		۱۳۵
	۲۹	
خوی		**۱۶۴**
	۳۲	
قره‌نبه		۱۹۶
	۱۱	
سلماس		**۲۰۷**
	۴۵	
قوشچی		۲۵۲
	۲۵	
کارخانه قند		۲۷۷
	۲۰	
ارومیه		**۲۹۷**

جلفا ، تبریز ، سقز ، سنندج ،
باختران ، اندیمشک ، اهواز ، خرمشهر

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
جلفا		
	۱۳	
شجاع‌آباد		۱۳
	۱۲	
دره‌دیز		۲۵
	۲۱	
چرچر		۴۶
	۲۰	
مرند		۶۶
	۱۰	
پیام		۷۶
	۷	
سیوان		۸۳
	۱۴	
صوفیان		۹۷
	۴۰	
تبریز		**۱۳۷**
	۹	
سردرود		۱۴۶
	۱۳	
خسروشهر		۱۵۹
	۷	
ایلخچی		۱۶۶
	۵	
خاصبان		۱۷۱
	۷	
ممقان		۱۷۸
	۳	
دوراهی کاوگان		۱۸۱
	۷	
آذرشهر		**۱۸۸**
	۳۳	
سه‌راهی رحمانلو		۲۲۱
	۵	
عجب‌شیر		۲۲۶

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۲۸	
بناب		۲۵۴
	۲۵	
ملکان		۲۷۹
	۲۵	
میاندوآب		**۳۰۴**
	۲۲	
گل‌آباد		۳۲۶
	۳۳	
بوکان		۳۵۹
	۴	
گل‌تپه		۳۶۳
	۱۱	
کچک		۳۷۴
	۴	
سراب		۳۷۸
	۱۴	
صالح‌آباد		۳۹۲
	۴	
سقز		**۳۹۶**
	۳۱	
سنته		۴۲۷
	۲۰	
تیلکو		۴۴۷
	۴	
دوراهی تکاب		۴۵۱
	۳۹	
دیوان‌دره		۴۹۰
	۱۲	
دوراهی بیجار		۵۰۲

جلفا ، تبریز ، سقز ، سنندج ،
باختران ، اندیمشک ، اهواز ، خرمشهر

راه	مسافت به‌کیلومتر: فواصل جزء	مسافت به‌کیلومتر: جمع مسافت
	۸۷	
سنندج		۵۸۹
	۴۰	
فقیه‌سلیمان		۶۲۹
	۳۴	
کامیاران		۶۶۳
	۷	
قلعه شاه‌خانی		۶۷۰
	۳۷	
قازانچی		۷۰۷
	۱۳	
میدان امام		۷۲۰
	۵	
باختران		**۷۲۵**
میدان آزادی		
	۲۴	
ماهیدشت شرقی		۷۴۹
	۱۳	
چهارزبرسفلی		۷۶۲
	۲۰	
سه‌راهی اندیمشک		۷۸۲
	۳۶	
هرسم		۸۱۸
	۱۹	
شاه‌بداغ		۸۳۷
	۱۳	
پل صیمره		۸۵۰
	۶	
سه‌راهی امامزاده‌محمد		۸۵۶

راه	مسافت به‌کیلومتر: فواصل جزء	مسافت به‌کیلومتر: جمع مسافت
	۴۰	
سه‌راهی کوهدشت		۸۹۶
	۴۴	
بابازید		۹۴۰
	۷	
پل‌دختر		۹۴۷
	۷	
سه‌راهی سرآب‌جهانگیر		۹۵۴
	۴۷	
پل‌زال		۱۰۰۱
	۳۰	
مرز استان		۱۰۳۱
	۱۲	
اندیمشک		**۱۰۴۳**
	۱۵	
سه‌راهی دهلران		۱۰۵۸
	۲۳	
سه‌راهی شوش		۱۰۸۱
	۱۴	
سه‌راهی هفت‌تپه		۱۰۹۵
	۳۰	
عبدالخان پائین		۱۱۲۵
	۱۶	
مهرانه		۱۱۴۱
	۱۳	
الهالی		۱۱۵۴

جلفا ، تبریز ، سقز ، سنندج ،
باختران ، اندیمشک ، اهواز ، خرمشهر

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۱۶	
الباجی		۱۱۷۰
	۸	
دوراهی تصفیه‌شکر		۱۱۷۸
	۷	
دوراهی چهارشیر		۱۱۸۵
	۵	
دوراهی اندیمشک		۱۱۹۰
	۵۴	
دوراهی کوشک آغاجاری		۱۲۴۴
	۲۶	
حسینیه بالنجان		۱۲۷۰
	۳۹	
دوراهی شلمچه		۱۳۰۹
	۶	
خرمشهر		۱۳۱۵

محور تبریز ،
بستان‌آباد ، سراب ، اردبیل ، آستارا

تبریز		
	۱۵	
دوراهی اهر		۱۵
	۱۳	
سعیدآباد		۲۸
	۳۲	
بستان‌آباد		۶۰
	۴	
اتباتان		۶۴
	۵	
گوگرچین		۶۹
	۸	
کردکندی		۷۷

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۱۲	
اخربوخاری		۸۹
	۳	
دوراهی هریس		۹۲
	۱۶	
مهربان		۱۰۸
	۱۱	
خاتون‌آباد		۱۱۹
	۱۲	
سراب		**۱۳۱**
	۶	
اسبسنان		۱۳۷
	۷	
پل سوسن		۱۴۴
	۷	
کلیان		۱۵۱
	۸	
یانیق		۱۵۹
	۱۰	
راهباسی		۱۶۹
	۸	
نیر		۱۷۷
	۱۷	
رصاقلی قشلاقی		۱۹۴
	۱۳	
شام‌اسبی		۲۰۷
	۹	
اردبیل		**۲۱۶**
	۱۰	
گیلان‌ده		۲۲۶
	۴	
آق‌بلاغ		۲۳۰
	۳	
نوجه‌ده		۲۳۳

محور تبریز،
بستان‌آباد، سراب، اردبیل، آستارا

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۳	
خانکندی		۲۳۶
	۴	
خلیل‌کندی		۲۴۰
	۳	
نمین		۲۴۳
	۵	
خانقاه		۲۴۸
	۱۵	
حیران وسطی		۲۶۳
	۳۰	
آستارا		۲۹۳

ارومیه، مهاباد،
پیرانشهر، سردشت، بانه، سقز، سنندج

ارومیه		
	۳۵	
اشکان‌علیا		۳۵
	۳۰	
حیدرآباد		۶۵
	۱۹	
سه‌راهی درگه		۸۴
	۳۱	
مهاباد		۱۱۵
	۵۲	
پسوه		۱۶۷
	۱۰	
جلدیان		۱۷۷
	۱۹	
پیرانشهر		۱۹۶
	۴۳	
خدرآباد		۲۳۹
	۵۶	
سردشت		۲۹۵

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
	۶۰	
بانه		۳۵۵
	۱۶	
گردنه‌خان		۳۷۱
	۴۶	
سقز		۴۱۷
	۳۱	
سنته		۴۴۸
	۲۰	
تیلکو		۴۶۸
	۴	
دوراهی تکاب		۴۷۲
	۳۹	
دیوان‌دره		۵۱۱
	۱۲	
دوراهی بیجار		۵۲۳
	۸۷	
سنندج		۶۱۰

زنجان ،قیدار ،همدان

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
زنجان		
سبزه‌میدان	۱۳	
پلیس‌راه زنجان	۱۳	۲۶
بناب	۲۱	۴۷
قره‌بلاغ	۳۴	۸۱
سه‌راهی سعیدیه	۳۸	۱۱۹
سعیدیه	۴۴	۱۶۳
قیدار	۸۶	۲۴۹
آقبلاغ	۱۴۵	۳۹۴
بشیک‌تپه	۱۵۴	۵۴۸
کبودرآهنگ	۲۱۰	۷۵۸
روان	۲۲۴	۹۸۲
دوراهی پایگاه	۲۳۳	۱۲۱۵
کوریجان	۲۴۳	۱۴۵۸
همدان	۲۷۵	۱۷۳۳

زنجان ،بیجار ،سنندج

راه	مسافت به‌کیلومتر	
	فواصل جزء	جمع مسافت
زنجان		
سبزه‌میدان	۶	
سه‌راهی دندی	۱۷	۲۳
کوسه‌لر	۱۳	۳۶
زرین‌آباد	۲۲	۵۸
خوبین	۸	۶۶
حلب	۹	۷۵
بینگی‌کند	۱۱	۸۶
قجور	۲۹	۱۱۵
بیانلو	۲۱	**۱۳۶**
بیجار		
دوراهی بیجار	۵۳	۱۸۹
سنندج	۸۷	۲۷۶

پل بالا بالا در محور قزوین ، رشت



پل بزرگ الله در محور رامهرمز ، بهبهان

فصل سوم :

بخش یکم : اوضاع سیاسی ایران

مرزهای سیاسی ایران :

قرارگرفتن ایران در آسیای‌جنوبغربی بنحو بارزی در وضع سیاسی و بطور کلی در تغییرات مرزهای سیاسی موثر بوده‌است. آسیای جنوب غربی خود پل واسطه‌ایست واقع بین سه قاره آسیا و اروپا و افریقا و ایران در این منطقه بنحو شدیدی از حوادث این سه قاره متأثر است، زیرا هر نوع واقعه و رابطه و مراوده فرهنگی و سیاسی و نظامی که بین این سه قاره اتفاق افتد و یا برقرار شود ناچار عوارضی در ایران ببار میآورد. از سوی دیگر، درروزگاران‌پیش، ایران میان کانونهای تمدن‌مصر، یونان، مدیترانه و بین‌النهرین (از سمت مغرب) ، ماوراءالنهر و قفقازیه (از سمت شمالشرق و شمالغرب) و پنجاب (از سوی مشرق و جنوب‌شرقی) محصور بوده و نیرو گرفتن و گسترش هر یک ازاین کانونها در تمام شئون ایران حتی در مرزهای سیاسی آن تأثیر میگذارده است، بخصوص که‌خود ایران نیز مهد تمدنی قوی و تاثیر گذار بود .

در قرون جدید که شرق، بارار تهیه مواد خام غرب شد و مخصوصا" هندوستان مورد توجه سرمایه‌داران و جهانخواران غرب واقع شد باز ایران و مرزهایش‌از این مراوده مشرق و غرب بی تاثیر نماند و سرانجام نیز از آن‌زمان که خاورمیانه و منجمله‌ایران و کشورهای مجاورخلیج‌فارس نفت اروپا را تأمین کردند بازاین عامل رابطهء اقتصادی شرق و غرب،ایران را متأثر ساخت از سوی دیگر در گذشته‌نزدیک، روسیه تزاری و هدفهای آن در آسیا و وضع تازه شوروی دومین قدرت اقتصادی و نظامی جهان واهمیت فوق‌العاده روزافزون خلیج‌فارس از شمال و جنوب در ایران در مرزهای سیاسی آن تأثیر گذارده و میگذارد. همچنین هر نوع جاه‌طلبی در غرب‌کشورمان همیشه در وضع مرزهای سیاسی ما موءثر افتاده‌است خواه این جاه‌طلبی متعلق به بنی‌امیه بوده و خواه متعلق به کشورهای مدیترانه‌ای‌قدیم (یونان) بوده بهمین دلیل مرزهای سیاسی ایران برای آنکه هر چه بیشتر قابل دفاع باشند ناگزیر از اتکا به مرزهای طبیعی شده و بسیاری از گرفتاریهای سیاسی ـ نظامی و امنیتی ایران در طی قرون ناشی از آسیب‌پذیری مرزهای غیر جغرافیائی بوده است.

مرزهای‌سیاسی ایران: اصولا" مرز نشانهٔ تملک و مرز سیاسی نشان تشخیص و تملک اداری‌است که شمول و عمومیت آن بر همه زمینه‌های یک مملکت و ملت سایه انداخته و اثر میگذارد مرز سیاسی ریشه مدنی دارد و نخستین انعکاس فکری و حقوقی و اداری مردم یکجانشین است. بعبارت دیگر در آغاز، مرز در میان مردم کوچ‌نشین آن درجه اهمیت وحساسیت‌را که مردم یکجانشین روستائی و سپس شهری برای آن قائل بوده‌اند نداشته است.

برای جامعه کوچ‌نشین ـ جامعه‌ای که هر سال باید صدها کیلومتر جابجا شود بی‌شک مسئله ایل‌راه بسیار مهمتر و برتر از محدوده‌یک مزرعه چند صد متری است و برای جامعه روستائی که اقتصاد خانوارش بر محدوده مختصری از اراضی ده‌مبتنی است بی تردید شناختن و تشخیص حد و مرز و حدود و ثغور قلمرو زراعی یا مزرعه‌اش اهمیت فوق‌العاده‌ای داشته و دارد باین ترتیب منشاء جغرافیائی مرز بر ما روشن می‌شود.

اما مرز سیاسی نشانه‌قدرت و قلمرو حکومتی است و از آنجا که ایران طی هزاران سال حکومت‌های بسیاری بخود دیده و قدرتهای مختلف برآن حکومت داشته است طبیعتا" باید انتظار داشت که مرزهای سیاسی ایران پس وپیش‌ـ رویهای متعددی دیده باشد.

پیش از اینکـه دولت بزرگ و امپراطوری بنامی چون هخامنشیان در ایران پدید آید کانونهای حکومتی چندی در ایران مثل‌کانون حکومتی ماد، ایلام، پارس باختر، پارت، آشور، و غیره وجود یافته

و قلمرو این کانونهای حکومتی قدیم با اندکی دقت با حدود واحدهای جغرافیائی بزرگی که امروز در سراسر قلمرو فلات ایران‌و جلگه‌های وابسته بآن وجود دارد مطابقت می‌کند. این‌واحدها عبارتند از:

۱ ـ آذربایجان
۲ ـ لرستان و خوزستان
۳ ـ ری ـ البرز جنوبی و مرکزی
۴ ـ فارس
۵ ـ خراسان
۶ ـ بین‌النهرین
۷ ـ ماوراءالنهر
۸ ـ افغانستان (کابل ـ غرنه ـ هرات)

۹ ــ هیرمند (سیستان)
۱۰ ــ پنجاب
۱۱ ــ شاهرود
۱۲ ــ گرگان
۱۳ ــ مازندران و گیلان
۱۴ ــ سواحل‌خلیج فارس و بحر عمان که طبق نوشته‌ها محل سکونت حبشی‌ها ومردمی‌که زیاد شکیل نبوده‌اند بوده است (باحتمال قوی از نژاد سیاه‌وو بقایای آنها هنوز وجود دارد) .

خصوصیت مهم این کانونهای حکومتی یاد شده عبارت است از :

۱ ــ قلمرو جغرافیائی آنها با قلمرو واحدهای جغرافیائی یا طبیعی منطبق است .

۲ ــ در اکثر این قلمروها هر دو نوع معیشت مبتنی بر یکجانشینی و مبتنی بر کوچ‌نشینی همراه و همزمان هم وجود دارد .

۳ ــ قدرت حکومتی در این کانونهای سیاسی غالبا" ناشی از غلبهء نظامی‌کوچ‌نشینان و بعضا"ناشی‌از ائتلاف دو قدرت یکجانشین (مدنی) و کوچ نشین (ایلاتی) است .

نظام اقتصادی و اجتماعی این حکومت‌ها مبتنی بر بهره‌برداری از مراتع کوهستانی و مزارع دشتها و خلاصه مبتنی بر زراعت و دامپروری بوده و قدرت سکنه کوه و دشت یکی مکمل دیگری می‌بوده است .

۴ ــ در داخله حکومت ، تضادی دائمی معمولا" بین این دو نیروی‌کوچ‌نشین و یکجانشین بچشم میخورد .

۵ ــ هر زمان که مردم کوچ‌نشین موفق بایجاد قدرت بزرگی شوند (بر اثر غلبه نظامی یا ائتلاف سیاسی) کانون حکومتی مجاور را ضمیمه خود می‌کند بی‌آنکه بتوانند استقلال محلی آنرا بکلی معدوم کنند .

باینترتیب ملاحظه می‌شود که‌کانونهای حکومتی و سیاسی ایران قدیم در قالب واحدهائی جغرافیائی و طبیعی و بر اثر دو نوع معیشت مبتنی بر یکجا نشینی وکوچ‌نشینی که‌زراعت و دامپروری را درید خود داشته‌اند بنیان گرفته وشکوفا شده‌اند و پدیدهٔ مهم آنکه کوچ‌نشینان عامل‌گسترش وحدت سیاسی و فرهنگی بوده‌اند .

مرزهای سیاسی کانون‌های حکومتهای محلی در حقیقت با مرزهای طبیعی

واحدهای جغرافیائی بزرگ مربوط منطبق است. در عهد قدیم با توجه بضعف تکنیک و ارتباطات ، حکومتهای محلی همیشه ترجیح داده‌اند خود را در داخل واحدهای طبیعی و جغرافیائی محصور کنند و از تعیین مرزهای مصنوعی حذر کرده‌اند

با ورق زدن تاریخ این موضوع به‌خوبی روشن می‌شود که ایران در طی تاریخ بارها مرزهای خود را تغییر داده و نوسان این تغییر به حدی بوده که گاهی تمامی فلات ایران و حتی فراتر از آن را در زیر نفوذ داشته است. (۱)

در حالیکه گاه دیگر نفوذ حکومت ملی فقط به بخش کوچکی از فلات ایران منحصر می‌شده‌است. ازاین تغییر و تحول‌های ارضی دو نتیجه می‌توان گرفت، اول اینکه، هرگاه ثبات مرزها به چندین قرن می‌رسیده، محصول وحدت‌سیاسی، وحدت فرهنگی‌و زبانی بوده‌است، چنانکه در دورهٔ اشکانی. از این روست که مشاهده می‌کنیم، امروزه زبان و فرهنگ ایرانی با کمی تغییر در آن، دربخش‌هائی از کشورهای همسایه نیز رواج‌دارد، دوم اینکه گذشته از حواشی امپراطوری که فقط تابعیت صوری ازحکومت مرکزی داشتند، پایه و اساس ملیت ایرانی در هسته سیاسی‌امپراطوری ریخته شد و ایجاد یک دولت ملی و یکپارچه از زمان سلطنت صفویه صورت تحقق به خود گرفت.

بحث در بارهٔ مرزهای سیاسی ایران، در دوران‌های مختلف تاریخی، شامل دو بخش اساسی است، یکی طبیعت مرزها و کجایی آنها در دوران‌های مختلف،دیگری نقش مرزها و تأثیراتی که تغییر محل آنها از نظر سیاسی،اقتصادی و فرهنگی بر جای گذاشته است.

بررسی اسناد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد که مرزهای ایران درگذشته، هرکجا با عوارضی طبیعی مثل رود و کوه منطبق بوده، مشخص و دقیق‌است و تعیین محل آنها بر روی نقشه بسهولت انجام می‌گیرد. در سایر نقاط مسیر مرزهاتقریبی است و بهمین علت تفاوت‌های فراوانی از این نظر بین‌نقشه‌ها و مدارک موجود دیده میشود. علت این موضوع را بایددر طبیعت مرزها و مفهوم آنها درگذشته دانست. سابقا" مرزها به دقت امروز بر روی زمین مشخص و علامت گذاری نمی‌شد و بر عکس در بیشتر موارد مناطق مرزی حد فاصل ایران

این بخش کتاب ازجزوهٔ مرزهای‌ایران در دوران تاریخ از دره میرحیدراستخراج شده است،و سطور مقدم بر آن از کتاب مقدمه بر جغرافیای انسانی ایران‌تالیف کاظم ودیعی.

را با کشورهای همسایه تعیین می‌کردند. از طرف دیگر چون مرزها حد و پیشروی هر سلسله را در مناطق اطراف مشخص می‌کرده‌است، محل آن الزاما" نمی‌توانسته ثابت باشد و نسبت به قدرت و ضعف هرسلسله دگرگونی می‌یافت.

این تغییرات به حدی بوده که بسختی می‌توان محل مرزها را در سراسر مدت زمامداری یک سلسله بطور ثابت مشاهده کرد همچنین در مناطقی هم که پیشروی یک سردار بدلیل برخورد با یک رود بزرگ یا کوه مرتفع به عنوان یک مانع طبیعی متوقف می‌شده، ازآن رود یا کوه در تاریخ بعنوان مرز ایران نام برده شده‌است.

در مطالعه تاریخ ایران مشاهده می‌شود که رودهای بزرگ‌سیحون و جیحون، سندو پنجاب، دجله و فرات و کوههای قفقاز نقش مهمی در تعیین حدود مملکت داشته وبدفعات مرزهای این کشور را در طرف مشرق و مغرب تشکیل می‌داده‌اند. ضمنا" دریای خزر در شمال و خلیج‌فارس و دریای عمان در جنوب اکثرا" حد مرزی کشور را تعیین می‌کرده‌اند. از این عوارض طبیعی گذشته در سایر قسمتهای ایران جایی که خطر جدی‌از طرف قومی و یا تمدنی وجود نداشته تعیین مرز دقیق مطمح نظر نبوده و در عوض ایالات مرزی حدود کشور را تشکیل می‌داده‌اند. با توجه به‌اینکه مرز هر کشور تعیین کننده وسعت خاک آن کشور است، با تعیین محل مرزها در نقشه به تغییرات ارضی کشور خودمان دردوران‌های مختلف واقف می‌شویم. باوجود تغییراتی که محل‌مرزها، طی زمامداری هر یک از پادشاهان سلسله‌های مختلف ایرانی کرده‌است، امکان ترسیم و تعیین محل همهٔ این مرزها از حوصله این فصل از کتاب خارج‌است، وناچار به‌این اکتفا می‌شود که محل مرزهای ایران در دوران‌های مهم عظمت و انحطاط مشخص شود:

در زمان مادها، در قرن هشتم پیش از میلاد، وقتی که اولین دولت آریایی تشکیل شد، مرزهای ایران دز شمال شرق رودجیحون (آمو دریا) ودر مشرق سرچشمه‌های رودهیرمند، در شمال دریای خزر ورود کورا، در شمال‌غربی رود هالیس (قزل‌ایرماق فعلی) در آسیای صغیر و در مغرب رود دجله و در جنوب خلیج فارس و دریای عمان بوده است.

در زمان هخامنشی به علت‌قدرت پادشاهان آن، خاصه کوروش کبیر و داریوش بزرگ، محل مرزهای ایران تغییر کرده‌است. پادشاهان این سلسله با پیشروی خود درامپراطوری‌های اطراف، بر وسعت ایران افزوده‌اند. باین ترتیب

در شمال‌شرقی رود سیحون و به قولی‌ماوراء سیحون، در مشرق رود سند، در شمال غربی کوههای قفقاز و رود تِرِک و در مغرب قسمتی از رود دانوب و دریای سیاه از یکطرف و مصر و لیبی از طرف دیگر، حدود ایران را تعیین می‌کردند.

در سمت جنوب وسعت کشور از خلیج فارس گذشته سواحل جنوبی خلیج فارس و شمال عربستان را نیز در بر می‌گرفته است.

به اعتبار و اسناد کتیبه‌های داریوش در تخت جمشید و بیستون ونقش‌ـ رستم ممالک تابع ایران بزرگ بشرح زیر آمده که مرزهای سیاسی‌طی آن‌مشهود است:

۱ ـ ماد مشتمل بر:

آذربایجان، همدان، گروس، قسمتی از کردستان، باختران و نهاوند،عراق عجم، و اصفهان و یزد.

۲ ـ پارس بانضمام کرمان

۳ ـایلام قدیم مشتمل بر خوزستان و مناطق لرنشین (لر بزرگ و لر کوچک)

۴ ـ کادوسیان (گیلان)

۵ ـ سرزمین آماردها و تپورها (مازندران و تنکابن)

۶ ـ وهرگان (گرگان)

۷ ـ پارت (خراسان شمالی)

۸ ـ هرات (هرایو)

۹ ـ مرگو (مرو) و یا (مورو ـ مرو)

۱۰ ـ زرنگ (سیستان)

۱۱ ـ هر خواتیش (رخج که مشتمل بر افغانستان جنوبی و قندهاراست)

۱۲ ـ ث ت گوش (بقولی افغانستان مرکزی است)

۱۳ ـ گندار (افغانستان غربی)

۱۴ ـ سند

۱۵ ـ باختر

۱۶ ـ خوارزم (خیوه)

۱۷ ـ سغد (بخارا و سمرقند)

۱۸ ـ قلمرو سک هورمه ورک

۱۹ ــ قلمرو سک تیگرخئود ماوراء رود سیحون بسمت مشرق باحتمال قوی

۲۰ ــ سرزمین ماتیانی‌ها Matianiens و ساسپیر Saspieres که بین قلمرو ماد و دریای سیاه قرار داشته است و مردم ماتیانی بمادها نزدیکتر و ساسپیرها از آنها دورتر بوده‌اند.

۲۱ ــ سرزمین بومیان گرجستان بنام Mosches (مسخ‌ها؟!)

۲۲ ــ کلخید لازیکا (نام بعدی) واقع در کناره شرقی دریای سیاه که مردم آنرا کلخ Colches نامند.

۲۳ ــ مملکت آرارات یا اوراتور که بومیان آنرا آلاوردی Alaordians نامند.

۲۴ ــ سرزمین مردم تی‌باران واقع در کنار رود ترمودون Thermodon

۲۵ ــ ارمنستان یا وان

۲۶ ــ آسور (مشتمل‌بر موصل و سلیمانیه و کوکوک واطراف)

۲۷ ــ بابل و کلده

۲۸ ــ آناطولی یا آسیای صغیر (ایالات تاریخی و معروف آن دراینزمان چنین ضبط شده‌اند) ــ کاپادوکیه ــ فریکیه علیا و سفلی ــ تروا ــ لیدیه یونیه ــ کاریه ــ کلیکیه ــ می‌سیه ــ پافلاگونیه ــ لی‌کااونیه ــ تراکیه آسیائی یا بی‌تی‌نیه ــ خالی‌بیه ــ پامفیلیه.

۲۹- جزایر دریای اژه از قبیل ــ ساموس Samos خیوس Chios رودوس Rodos لسبوس Lesbos ایمبروس Imsbros آنتاندر Antadre و غیره

۳۰ــ سوریه و سرزمینهای عربی مجاور آن تا کلده و اراضی قلمرو اعراب کوچ‌نشین شمال عربستان.

۳۱ ــ فنیقیه

۳۲ ــ فلسطین

۳۳ ــ جزیره قبرس

۳۴ ــ مصر علیا وسفلی

۳۵ ــ لیبی (لیبیا)

۳۶ ــ سیری نائیک Cyrenaique (مستعمره یونان در افریقا)

۳۷ ــ برقه (بن‌غازی کنونی)

۳۸ ــ حبشه (بخش همسایه مصر)

۳۹ ــ تراکیه در اروپا تا دانوب و مقدونیه

۴۰ ــ قرطاجنه (کارتاژ) (تونس امروزی و حوالی آن)

پس‌از غلبهٔ اسکندر بر ایران و شکست دولت هخامنشی، مرزهای سیاسی دولت ایران در یک دورهٔ کوتاه شصت و هفت ساله جای خود رابه مرزهای یونانی سلوکیه داد وبعد بتدریج با احیاء استقلال خراسان توسط اشک اول مرزهای سیاسی ایران دوباره توسعه یافت تا به وسعت وحدود ایران دوران‌اشکانی رسید. در این دوره حدشمالی رارود سیحون [1]، حد شرقی را پنجاب، حد شمال‌غربی‌راکوههای قفقاز، حد غربی را رود فرات و جنوب را خلیج‌فارس و دریای‌عمان ذکر کرده‌اند.

در دورهٔ ساسانیان مرز سیاسی در سمت شمال شرقی کوچک تر شده و دوباره به جیحون [1] بازگشت امامرز فرهنگی کماکان تا سیحون ادامه داشت. در مشرق حدود ایران به بستر رود سند رسید، در شمال ایران به دریای‌خزر وکوههای قفقاز کوچک‌محدود گردید، در حالیکه رود فرات و زمین‌های ماوراء آن حدود غربی کشور را تشکیل می‌دادند، در سمت جنوب نفوذ ایران از حدودخلیج فارس هم گذشت وشامل شمال عربستان وسواحل جنوبی خلیج‌فارس گردید و یکبار در زمان سلطنت خسرو انوشیروان حدودمتصرفات ایران در غرب تا سواحل دریای سیاه (لازیکا) نیز رسید وشهر انطاکیه در ساحل دریای مدیترانه به تصرف ساسانیان درآمد، و از طرف دیگر عربستان جنوبی (یمن) تابع ایران شد وناحیهٔ باکتریه تا جنوب رود جیحون بایران تعلق گرفت. در این دوره،

---

(۱) ـ در مورد مرز شمال شرقی ایران در دورهٔ اشکانی بین منابع مختلف اختلاف هست. در تاریخ پیرنیا و تاریخ ایران در عهد باستان، تألیف دکتر مشکور وکتاب مرزهای ایران، تألیف محمد علی مخبر، رود سیحون بعنوان مرز ذکر شده در حالیکه در اطلس تاریخی رود جیحون حد شمال شرقی را تعیین می‌کند. چون هسته سیاسی دولت اشکانی در شرق ایران‌یعنی در خراسان و گرگان بوده است قاعدة نفوذ ایران در این مناطق توسعه بیشتری داشته و بنظر می‌رسد که مرز سیحون صحیح‌تر از جیحون‌باشد.

(۲) ـ دراین مورد نیز بین اطلس تاریخی و منابع دیگراز جمله‌اخبارالطوال دینوری اختلاف هست. دراینجا نیز بنظر می‌رسد که رود جیحون به عنوان مرز صحیح‌تر است تا سیحون، چون در این دوره هسته سیاسی و مرکز قدرت دولت ساسانیان در غرب ایران بوده و نفوذ ایران در شرق چندان توسعه نداشته و مسلما" تا سیحون نمی‌رسیده است.

چنانکه‌ملاحظه می‌شود ، دولت ساسانی بدلیل قدرتی که داشته فقط به مرزهای طبیعی پیشینیان اکتفا نکرده و به تصرف مناطق ماوراء آنها نیز دست زده است ، و در نتیجه به استثناء چند منطقه ، حدود ایران توسط مناطق مرزی مشخص می‌شود و تعیین خطوط مرزی مشخص کاریست دشوار .

با ظهور اسلام و پیروزی اعراب بر ایرانیان گرچه بار دیگر مرزهای ایران چند صباحی‌از روی نقشه سیاسی جهان برداشته شد ولی فقدان آنها یک‌اثر ملی مهم داشت و آن کوشش خستگی‌ناپذیر ایرانیان برای احیاء استقلال بود .

در دنباله چنین کوششی بود که اداره کارهای مهم خلفای اسلامی به دست‌ایرانیان افتاد .

بتدریج پیدایش سلسله‌های مختلف‌ایرانی باعث بوجود آمدن دو نوع مرز سیاسی شد . یکی مرزهای داخلی بین سلسله‌های ایرانی و دیگر مرزهای سیاسی ملی که حد فاصل بین قلمرو اعراب و ایرانیان را تشکیل می‌داده است .بنابر- این بررسی و مقایسه نقشه‌های ایران در دوره‌های طاهریان ، صفاریان ،سامانیان ، آل‌زیار ، آل‌بویه مارا به این نتیجه می‌رساند که در یک دوره قلمرو چهار سلسله آل‌زیار ، آل‌بویه و صفاریان و سامانیان در جوار یکدیگر قرار داشته و مرزهایی این سلسله‌ها را از هم جدا می‌کرده است ، در حالیکه هر یک ازاین سلسله‌ها به تنهائی کوشش می‌کردند که به هدف اصلی خود که فتح بغداد بود نایل آیند .

در دوره غزنویان خاصه در زمان سلطنت سلطان محمود ایران دوباره وسعت یافت ، در طرف شمال شرقی رود جیحون قسمتی از مرزرا تشکیل داد و در مشرق، رود سند و ماوراء آن حدود شرقی ایران را تعیین می‌کرد واز طرف جنوب متصرفات غزنویان بساحل دریای عمان میرسید در حالی که کرمان ،فارس لارستان و خوزستان هنوز در دست آل بویه بود و در شمال ایالات جنوبی دریای خزر مدتها در دست خاندان آل‌زیار بود تا در سال ۴۳۳ هجری قمری که بالاخره بدست غزنویان افتاد .

ترکمانان سلجوقی که بعد از غزنویان به قدرت رسیدند و سلسلهٔ سلجوقیان را تشکیل دادند بااجازه سلطان محمود از رود جیحون گذشتند و در شمال خراسان سکونت اختیارکردند وبعد به تدریج از ضعف پادشاهان آخری غزنوی استفاده‌کرده و با اشغال نیشابورو بعد گرگان و طبرستان وبالاخره جنوب و غرب ایران دولت مقتدری تشکیل دادند که‌وسعت آن از غرب تا دریای

مدیترانه و سر حدات روم شرقی و حدود متصرفات خلفای مصر و در شمال‌شرقی تا رود سیحون می‌رسید ، متصرفات سلجوقیان در جنوب شرقی با قلمرو غزنویان در سیستان و بلوچستان هم‌مرز بود .

سلجوقیان از اواسط قرن پنجم تااوایل قرن هفتم در ایران حکومت کردند، واز پادشاهی ملک شاه به بعد سلسله‌های مختلفی تشکیل دادند که مهمتر از همه سلاجقه بزرگ، سلاجقه عراق و سلاجقه کرمان را باید نام برد .

در سال ۵۹۰ هجری قمری طغرل سوم آخرین پادشاه سلاجقه عراق به دست سلطان علاءالدین تکش، که بر خراسان مسلط شده‌بود ، کشته شد و متصرفاتش بدست سلسله خوارزمشاهیان که از خوارزم برخاسته بودند افتاد و بدین ترتیب سلسله سلجوقی جای خود را به سلسله خوارزمشاهیان داد . حدود متصرفات خوارزمشاهیان ازشمال شرقی به سیحون و دریاچه آرال ، ازشرق به رود سند واز جنوب به دریای عمان می‌رسیده‌است . از جنوب و مغرب حکام محلی این مناطق مثل اتابکان فارس و آذربایجان ضمن دارابودن خودمختاری از پادشاهان خوارزمشاهی اطاعت گونه‌یی داشتند و فقط در زمان سلطنت سلطان جلال‌الدین حدود قلمرو این سلسله در شمال غربی تا گرجستان‌توسعه یافت ولی بغداد هیچ زمان به تصرف سلسله خوارزمشاهیان در نیامد . بنابراین گذشته از حدود شمال شرقی ، شرق و جنوب شرقی، مرزهای ایران توسط مناطق مرزی که هر یک دارای حاکم‌خودمختار بودند محدود می‌شد .

با ظهور قوم مغول که از مغولستان برخاسته بودند ایران و بعد هم حکومت خلفای عباسی یکی بعد از دیگری به زیر نفوذ آنان درآمد و بعد از حمله هلاکوخان به ایران که بمنظور فتح قلاع اسماعیلیه و برانداختن حکومت عباسی انجام گرفت جانشینان وی سلسله مستقل ایلخانان را در ایران تشکیل دادند .قلمرو ایلخانان از طرف شمال شرقی‌توسط رود جیحون محدود می‌شد .در حقیقت رود جیحون حدمتصرفات این سلسله‌را با متصرفات جانشینان جغتای فرزند چنگیز که شامل ماوراءالنهر و ترکستان شرقی و غربی بود تشکیل داد . از طرف جنوب شرقی سرحدات ایران‌به رود سند و ناحیه پنجاب می‌رسید . از طرف غرب‌رود فرات حدودمتصرفات ایلخانان را تشکیل می‌داد . در شمال غربی ایلخانان‌بعد از انقراض سلاجقه روم سر حدات کشور خود را به حدود قلمرو دولت روم شرقی رسانیدند . درشمال نیز حدود متصرفات ایلخانان ایران تا دربنـــدگرجستان می‌رسید واین مناطق مرز بین قلمرو ایلخانان از یکطرف و سرزمین جانشینان

جوجی را از طرف دیگر تشکیل می‌دادند.

در این دوره باید از وجود مرزهای دیگری هم آگاهی داشت که جداکننده سلسله های محلی مستقل از ایالات اصلی بود. برای مثال میتوان **آل‌کرت** در هرات و **غور** و **غرجستان** و **قراختائیان** کرمان، اتابکان بزرگ و کوچک در سرزمین بختیاری و لرستان، حکام محلی هرمز و ملوک شبانکاره و حکام لار را نام برد. در سیستان فرمانروایان محلی از جانشینان صفاریان بودند. درگیلان نیز حکام محلی، در مازندران خانواده باوندیان و پادوسپانان در نواحی کوهستانی حکومت می کردند. نقش مرزهای ایران، در زمان حکومت ایلخانان مغول او نظر ملی حائز اهمیت نیست، چون در حقیقت نمایندهٔ توسعه، قدرت قومی بیگانه در ایران است و بر عکس چه در این دوره و چه در دوره‌های بعد، نقش مرزهای داخلی که جدا کننده حکومتهای محلی ایران است یعنی آنانی که ظاهرا" از حکومت مغولی ایلخانیان اطاعت می‌کردند ولی در داخل به ترویج و توسعه تمدن و فرهنگ ایران می‌پرداختند مهمتر است. بین سلسله‌های مختلف محلی اتابکان فارس بخصوص آل مظفر که نزدیک به ۸۰ سال (۷۱۸ تا ۷۹۵ هـ.ق) بااز بین بردن حکومت‌های محلی جنوب و جنوب‌غربی ایران‌زمامداری کردند بدلیل اهمیتی که به شعر و ادب فارسی می‌دادندو در زمان آنان شعرائی مثل سعدی و حافظ‌روی کار آمدند قابل ذکر است. اینان بودند که با وجود تمام صدماتی که حمله مغول و ویرانی‌های حاصل از این حمله به ایران وارد آورد هسته اصلی ملیت ایران را محافظت‌کردند.

با حملهٔ تیمور به ایران و ایجاد سلسله تیموریان حکومت ملوک‌الطوایفی دورهٔ مغول تا حدودی ازمیان رفت و قسمت اعظم ایران زیر تسلط یک حکومت مرکزی قرار گرفت. درزمان شاهرخ حدود ایران‌در جنوب شرقی تا سواحل رود سند، در مشرق کوههای سلیمان و در شمال شرقی تا ماوراء سیحون می‌رسیددر حالی که حدود غربی ایران را آذربایجان و بین‌النهرین تشکیل می‌دادند. در زمان تیموریان‌نیز مانند اغلب سلسله‌های ایرانی قبلی، بعد از مرگ یک‌شاه مقتدر بین جانشینان وی‌اختلاف روی داد و حکومتهای محلی‌مختلف قد علم کرده اعلام استقلال کردند. در این دوره ابتدا خاندان **قراقویونلو** و بعدآق‌**قویونلو**یکی‌پس از دیگری با هم به مبارزه پرداخته و قسمت‌هائی از حکومت تیموریان را به تصرف درآوردند. رویهمرفته در مدت سه قرن، (قرن ۷ تا ۱۰ هجری قمری) از زمان حمله مغول تا زمانی که جانشینان تیمور در ایران

حکومت کردند به دلیل اینکه حکومت در دست بیگانگان بود که از آسیای مرکزی برخاسته بودند و زبان و فرهنگ متفاوتی با ایران داشتند واین با روحیه ملی ایرانی سازگاری نداشت وایرانیان‌حاضر به اطاعت صد در صد از حکومت بیگانه نبودند وحکومت های ملوک‌الطوایفی از خصوصیات آن دوره بشمار می‌رود و مرزهایی که بین ایران و کشورهای همسایه وجود داشته فقط از جهت اینکه تعیین کننده حدود توسعهٔ فرهنگ و تمدن مغولی بوده مهم است.

با ظهور سلسلهٔ صفویه و توسعهٔ مرزهای ایران در جهت‌های مختلف،بعد از قرنها حکومت بیگانگان‌اولین دولت ملی بوجود آمد. پادشاهان صفوی سعی داشتندکه عظمت گذشتهٔ ایران را دوباره احیاء کنند و وسعت ایران به وسعت زمان‌ساسانی نزدیک شد و با ایجاد یک حکومت مرکزی مرزهای سیاسی معنای واقعی خود را یافت.

در این زمان حد شمال شرقی ایران را رود جیحون تعیین می‌کرد و این رود مرز بین ایران و قوم ترک زبان ازبک بود، در مشرق، قندهار و ایالت کلات مناطق مرزی ایران را با دولت گورخانی هند تشکیل می‌داد. درشمال غربی، شروان و داغستان وگرجستان جزو مناطق مرزی بوده و اکثرا" از دولت مرکزی ایران اطاعت می‌کردند. در حالیکه ارمنستان جزو آن دسته از ممالک مرزی بود که‌بیشتر از دولت عثمانی اطاعت می‌کرد و با وجود اینکه شهر وان و اطرافش‌مدتها در تصرف ایران بود، فقط در زمان پادشاهان آخر سلسلهٔ صفوی بغداد و عراق به‌طور کلی به دست دولت عثمانی افتاد.

در این دوره حفاظت و نگاهداری از مرزهای شرقی و غربی ایران در برابر حمله ازبکان وعثمانیها از برنامه‌های مهم دولت بود.

در زمان سلسلهٔ افشاریه خاصه زمان سلطنت نادرشاه افشار سر حدات ایران از جهاتی به حدود مرزهای سلطنت هخامنشیان رسید. در مشرق،مرز ایران ازرود سند هم گذشت و به پنجاب و به دهلی رسید. در شمال شرقی، رود جیحون مرز ایران را تشکیل می‌داد. در شمال غربی قفقازیه که در زمان فتنه افغان در دست روسها بود به ایران برگردانده شد و حد شمال غربی ایران را دوباره کوههای قفقاز تشکیل می‌داد و حدغربی ایران مدتها به رود دجله‌می‌رسید.

درزمان نادرشاه حفظ وحراست مناطق مرزی حساس‌جزء سیاست دولت مرکزی قرار گرفت و بهمین‌منظور عده‌یی از کردها از غرب ایران به سرحدات

شمال شرقی ایران کوچ داده شدند که بهتر بتوانند در برابر هجوم ازبکها مقاومت کنند.

در زمان حکومت زندیه حکام مختلفی در ایران حکومت می‌کردند به این ترتیب که حکومت زندیه که پایتخت آن شیراز بود و بیشتر نواحی جنوب و جنوب‌غربی ایران را در زیر تسلط داشت در خراسان با حکومت شاهرخ شاه در قندهار و هرات و حکومت احمدخان درّانی در مشرق با ایالات سند و خانهای بلوچ و در شمال غربی باداغستان هم مرز بود. در این دوره نیز باید به نقش مرزهایی که حکومت‌های محلی را از یکدیگر جدا می‌کردند بیشتر توجه داشت، چون همین مرزها در دوره قاجاریه با دخالت بیگانگان و در نتیجه ضعف حکومت‌مرکزی مقدمهٔ جدایی نواحی مختلف ایران را فراهم آوردند.

مرزهای کنونی ایران کی و چگونه بوجود آمد:

مرزهای ایران امروزی اکثرا" در دورهٔ قاجاریه یعنی قرن ۱۳ هـ.ق (قرن ۱۹ میلادی) بوجود آمده‌است. با توجه به وضع مرزهای ایران در دوران‌های مختلف تاریخی که در صفحه‌های گذشته به آنها اشاره شد ایران امروزی فقط بخشی است از ایران بزرگی که مرزهای آنرا رودهای سیحون و سنداز شمال شرقی و مشرق و رود فرات در مغرب و کوههای قفقازیه در شمال غربی تشکیل می‌داده است. مرزهای فعلی ایران در زمان قاجاریه در اثر شکست‌های ایران در جنگهای خود با روسیه ۱۲۱۸ – ۱۲۴۳ هجری قمری از یکطرف و دولت عثمانی ازطرف دیگر و با دخالت کشورهایی مثل انگلیس که منافع خود را در مشرق ایران‌خاصه در هندوستان یافته بودند بوجود آمد. بدین ترتیب که مرز شمال غربی ایران در مغرب دریای خزر پس از شکست ایران از روسیه و در نتیجهٔ عقد معاهده‌های گلستان و ترکمن‌چای (۱۲۴۳ هـ.ق) تعیین شد و با برقراری مرز بر روی قسمتی از رود ارس و دشت مغان بخش بزرگی از آذربایجان ایران به روسیه داده شد. این مرز از ابتدا مرزی تحمیلی بود که‌یک عده ایرانی را از اقوام و خویشان خود جدا می‌کرد. درایجاد این مرزها نه تنها ضعف پادشاهی قاجاریه، بلکه وجود حکام مرزی که مصالح قومی را فدای امیال شخصی خود کردند بسیار موثر بوده است. مسیر مرزهای غربی ایران اصولا" طبق ماده معاهده ارز روم (۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۶۲ هـ.ق) که در آن گذشته از دولت‌های‌ایران و عثمانی نمایندگان دو دولت روس و انگلیس هم شرکت داشتند، تعیین گردید، و بعد

از ایجاد تغییرات مختصری که با تصویب پروتکل استانبول (۱۹۱۳)درآن داده شد، در سال ۱۹۱۴ بر روی زمین علامتگذاری‌گردید.

بعد از جنگ جهانی اول و تجزیه امپراطوری عثمانی بابوجود آمدن دو دولت ترکیه و عراق، ایران در غرب خود را با دو کشور جدید هم مرز یافت. چون مواد پروتکل استانبول در قسمت شط العرب همیشه مورد اعتراض ایران بود با بوجود آمدن دولت مستقل عراق دولت ایران موقع رامناسب دید که نظر خود را در مورد قرار دادن مرز در امتداد خط تالوگ شط العرب اعمال نماید. چون دولت جدید عراق با تمام قولهایی که می‌داد و در عمل قدمی در جهت منافع ایران بر نداشت روابط دو کشور تیره شده و تصادمات کوچک مرزی باعث شد که دولت عراق به جامعه ملل متفق شکایت کند. پس‌از طرح موضوع درجامعهٔ ملل قرار شد که‌دولتین در خارج از جامعه به حل اختلافات خود پرداخته و اگر موفق نشدند دوباره مورد دعوا را بجامعه برگردانند. پس از نشست و برخاست و ملاقاتهای متعدد سیاسی دولتین موفق به عقد قرار داد جدیدی شدند که درآن فقط در مقابل بندرآبادان (حدود۵ میل) مرزدرامتداد خط تالوگ، قرارگرفت. این‌عهد نامه‌که به قرار داد ۱۳۱۶ (۱۹۳۷)معروفست شامل۶ ماده‌و یک پروتکل ضمیمه بود و دو مادهٔ ۳ و ۵ آن چگونگی استفاده مشترک از آب شط العرب‌و حفظ و بهبود این راه مهم آبی‌و بالاخره چگونگی اخذ عوارض و نحوهٔ استفاده از آن بطور دقیق تشریح شده بود.

درمادهٔ دوم از پروتکل ضمیمه نیز صریحا" آمده بود که دولتین باید در مدت یکسال از تاریخ اجرای‌این عهدنامه قراردادی را که به موجب مادهٔ ۵ آن پیش‌بینی شده است‌منعقد سازند و هرگاه با وجود بذل مساعی طرفین قرارداد مذکور درظرف مدت یک سال بامضاء نرسید، طرفین می‌توانند این مدت را با موافقت یکدیگر تمدیدکنند.

در ظرف یکسال مذکور در قسمت اول این ماده و همچنین در ظرف‌مدت تمدید (اگر تمدید به عمل آید) دولت پادشاهی عراق اجرای تمام مسائل مربوط‌به قرار داد مزبور را براساسی‌که‌فعلا" معمول است به عهده خواهد گرفت و دولت ایران را هر ۶ ماه یکبار در جریان کارهای‌انجام یافته و وجوهی که‌گرفته شده و مخارجی که بعمل آمده و هر نوع اقدام دیگری که مجری شده خواهد گذاشت.

بعد از امضاء قرار داد، دولت عراق با گذشت زمان‌از انجام تعهدات

خود در مورد مواد ۳ و ۵ عهدنامه و ماده دوم پروتکل ضمیمه بدلایلی سرباز زدوبه این ترتیب کمیسیون مشترکی که باید برای‌انجام قرار داد تشکیل می‌شد، هرگز موجودیت نیافت و با وجودیکه بیش از ۷۰ درصد از عوارض گرفته شده از کشتیهایی بودکه‌ازشط‌العرب عبور می‌کردندوانحصارا" در بنادر ایرانی لنگر می‌انداختند دولت عراق از ارائه گزارش در مورد چگونگی مصرف این در آمد خودداری‌می‌کرد و بهمین علت دولت ایران پس از ۳۲ سال کوشش در اجرای مواد قرار داد مزبور در ۲۲ اسفند سال ۱۳۴۷ ضمن ارسال‌نامه‌یی به وزارت خارجه عراق معاهده مزبور را کان لم یکن اعلام کرد باین ترتیب مسأله اختلاف مرزی بین ایران و عراق در شط العرب تا سال ۱۳۵۳ به قوت خود باقی بود، تا اینکه درکنفرانس الجزایر که در اسفند ماه سال ۱۳۵۳ در الجزیره تشکیل شد مقدمات رفع اختلافات بین ایران وعراق در همه جنبه‌ها خاصه در مرز شط‌العرب فراهم و در دنبال آن در فروردین ۱۳۵۴، دولت ایران به هدف، نهایی خود که انتخاب خط‌تالوگ به عنوان مرز ایران و عراق در شط العرب بود نائل و علائم مرزی طبق مسیرجدید مرزی نصب شد.

مرزهای شمال شرقی ایران در مشرق دریای خزر همانند مرزهای غربی دریای خزر پس از قیام عده‌یی‌از حکام مرزی و با دخالت روسیه وضعف حتمی دولت مرکزی زمان قاجاریه طبق معاهدهٔ ۲۹ محرم ۱۲۲۹ هـ.ق. باروسیه تعیین شد. دراین معاهده ترکستان و ماوراءالنهر و بسیاری‌از مناطقی که در دوره‌های گذشته اکثرا" از دولت ایران اطاعت می‌کردند به روسیه تعلق گرفت و رود اترک و دامنه‌های کوههای کپه‌داغ تا سرخس مزر ایران و دولت‌روسیه را تشکیل داد.

مرز شرقی ایران بعد از امضای‌عهدنامه پاریس و جدا شدن خاک هرات و ممالک افغانستان از ایران بوجودآمد. (رجب ۱۲۷۳ هـ.ق.) چون در این عهدنامه تصریح شده بود که اگر اختلافی بین ایران و افغانستان روی دهد دولت ایران باید از توسل به زور خودداری و حل اختلاف را به اهتمامات دوستانه دولت انگلیس واگذار نماید! در موقع تعیین مسیر مرز دولت ایران ناچار شد از دولت انگلیس تقاضای حکمیت کند. به این ترتیب مرز بین ایران و افغانستان که بطول ۸۱۵ کیلومتر از دهانهٔ‌ذوالفقار (عرض۲۵ درجه و ۳۷ دقیقه شمال) شروع‌و تا کوه ملک سیاه (عرض ۲۹ درجه و ۵۰ دقیقه شمال) ختم می‌شود توسط سه حکیمت مختلف تعیین شد. منطقه‌یی که بین ذوالفقار

و هشتادان قرار دارد توسط حکمیت ژنرال " مک لین"MCLEAN تعیین مسیر و علامت گذاری شد (۱۳۰۸هـ.ق و ۱۸۹۱ م.) ، منطقه واقع در سیستان، در بین کوه ملک سیاه تا سیاه کوه، توسط ژنرال ماک ماهون تعیین شد (۱۳۲۳ هـ. ق – ۱۹۰۵ م.) و بالاخره مرز واقع در منطقه دشت نا امید بین سیاه‌کوه و هشتادان توسط حکمیت فخرالدین آلتای (۲۴ اردیبهشت ۱۳۱۴ش. برابر ۱۵ مه ۱۹۳۵) تعیین شد. چون در منطقه سیستان طبق حکمیت ماک ماهون قسمتی از سفلای رود هیرمند مرز بین دو کشور را تشکیل می‌دهد واین رود به علت طبیعت خاص منطقه که معلول فرسایش شدید بادی (بادهای ۱۲۰ روزه) و خشکی هواست ، هر چند گاهی بطور ناگهانی تغییر مسیر می‌دهد خط مرز مسائلی بوجود آورده که بعضی از آن ناشی از تغییر مسیر رود است و بعضی دیگر مربوط به چگونگی استفاده از آب رود هیرمند در قسمت علیا توسط کشور افغانستان است. باهر تغییر مسیر رودخانه دو دولت ایران و افغانستان ناچار بوده‌اند مسیر مرز را هم تغییر داده و مجددا" علامتگذاری کنند. از طرف دیگر استفاده بی‌رویه از آب رود و تأسیس سد و کانالهای آبیاری در قسمت علیا باعث شده که آب رودخانه در قسمت سفلی خاصه در منطقهٔ سیستان در فصل تابستان بسیار کم و گاهی بکلی خشک گردد واین موضوع لطمهٔ جبران ناپذیری به کشاورزان منطقه وارد کرده و اغلب باعث کوچ این مردم به سایر نقاط کشور شده است. به دلایل فوق مشکل مرزی بین ایران و افغانستان درمنطقهٔ سیستان و در امتداد سفلای رود هیرمند همچنان لاینحل مانده است. درمنطقهٔ بلوچستان ابتدا مسیر خط مرز طبق معاهده‌هایی که بین ایران و انگلیس در سالهای ۱۸۹۶ و ۱۹۳۳ به امضاء رسید تعیین و قسمتی از بلوچستان بزرگ تحت عنوان بلوچستان انگلیس از ایران جدا شد. در اینجا باز هم قیام خانهای محلی و تحریکات دولت انگلیس باعث بوجود آمدن مرزی شد که قسمتی از خاک ایران را از ایران جدا می‌کرد بعد از بوجود آمدن دولت مستقل پاکستان در تیر ماه ۱۳۲۷ شمسی برابر با ۱۹۴۸ میلادی قرار دادهای مرزی مجددا" به تصویب دولتین ایران و پاکستان رسید و طبق ماده اول آن خط مرز بین ایران و پاکستان از خلیج گواتر تا کوه ملک سیاه تعیین شد.

مرزهای دریایی ایران: کشور ایران از طرف شمال به علت مجاورت با دریای خزر (حدود ۶۵۷ کیلومتر) و از طرف جنوب به علت مجاورت با

خلیج‌فارس و دریای عمان (حدود ۱۷۶۰ کیلومتر)مرزهای دریایی دارد.[۱] چون مرزدریایی یک کشور به ساحل دریا ختم نمی‌شود و طبق قوانین و حقوق دریایی بین‌المللی هر کشوری ،می‌تواند بر مقداری ازآبهای‌مجاور خود حق حاکمیت کامل داشته باشد. بنابراین کشور ایران در خلیج فارس و دریای عمان طبق اصلاح قانون آبهای ساحلی که در فروردین‌سال ۱۳۳۸ به تصویب رسید ادعای ۱۲ میل دریایی [۲] ازآبهای ساحلی خود را دارد.

بنابراین مرز دریایی ایران در این آبها براساس خط مبداء که از اتصال نقاط انتخابی ایران بر ساحل بوجود آمده ۱۲ میل دریایی خواهد بود [۳] ضمنا" بهره‌برداری از منابع نفتی فلات قارهٔ ایران در خلیج فارس طبق قانون اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی فلات قاره که‌در ۲۸ خرداد ۱۳۳۴ بتصویب رسید ازسال ۱۹۵۷ شروع ، و چون خلیج‌فارس به علت عمق کم بین کلیهٔ کشورهای خلیج‌فارس مشترک است مراحل تحدید حدود فلات‌قاره بین ایران و عربستان ، ایران وبحرین ، ایران وقطر ، ایران و عمان و ایران وامارات متحده عربی تکمیل و قرار دادهایی بین کشورهای مذکور بسته شده است ، و فقط اختلافات بین ایران و عراق و ایران و کویت در مورد تحدید حدود سکوی ساحلی هنوز باقی مانده است.

در مورد دریای خزر که دریایی است بسته مرز دریایی ایران مشمول مقررات دریاهای آزاد نمی‌شود و بنابر این طبق قرار دادهایی که تا کنون بین دو دولت ایران و شوروی بسته شده حق کشتیرانی آزاد در آب دریای خزر بطور مساوی بهر دو کشور داده شده است. در مورد حق ماهیگیری ساحلی نیز (طبق معاهده۱۹۴۰)یک باریکه ده میلی در شمال دریای خزر به ماهیگیری

۱ــ لازم به یادآوری است که طول دقیق کرانه‌های ایران در دریای عمان‌از خلیج گواتر تا بندرعباس ۷۸۴ کیلومتر و در خلیج فارس از بندرعباس تا دهانه اروند ـ رود ۱۲۵۹ کیلومتر می‌باشد.

۲ـ یک میل دریایی برابر ۱۸۵۲ متر است.

۳ ــ این دوازده میل دریائی را در اصطلاح بین‌المللی آبهای ساحلی و یا آبهای سرزمینی می‌نامند که مانند خاک اصلی کشور محسوب می‌شود و از نظر دریانوردی تابع مقررات خاصی‌است.

شوروی و یک باریکه ده میلی در امتداد جنوب دریای خزر به ماهیگیری انحصاری ایران اختصاص یافته‌است. در سال ۱۳۳۸ موقعی که قانون اصلاح آبهای ساحلی به تصویب رسید باریکه ده میلی ایران به ۱۲ میل افزایش پیدا کرد.

بخش دوم :

رویدادهای مهم تاریخ ایران (۱) :

الف-سلسله ماد : (۷۰۸ ق.م الی ۵۵۰ ق.م)

درآثارآشوری مربوط به سده نهم قبل از میلاد از قوم ماد که مردمانی آریایی‌نژاد ، بوده‌اند یادشده است .

هرودوت[۲] از شش قبیله ماد نامبرده است که توسط نخستین شاه ماد یعنی دیاآکو (دیوکس) متحد شده بودند .

سرزمین مادها به سه قسمت تقسیم می‌شد :

۱ ــ ماد کبیر که بعدها عراق عجم نام گرفت .

۲ ــ ماد " آتروپاتن " که شامل آذربایجان کنونی است .

۳ ــ ماد "راجیانا" که شامل ولایات امروزی‌اطراف تهران بوده است .

محققان دربارهٔ ورود مادها به سرزمین ایران اختلاف‌نظر دارند . بطور مثال بنابه عقیدهٔ " گیرشمن" مادها در حدود هزارهٔ قبل از میلاد وارد فلات ایران شده‌اند .

" دومرگان "[۳] که حفریات شوش را اداره می‌کرد ، معتقد است کم مادها در دوهزار سال قبل از میلاد به ایران آمده‌اند .

بنا به عقیدهٔ " هرودوت " شاهان مادعبارتند از ، دیاآکو (۷۰۱ ــ ۶۵۵ قبل از میلاد) ، فرورتیش (۶۵۵ ــ ۶۳۳ ق.م)،هوخشتر "کیاکسار" (۶۳۳ ۵۸۴ ق.م) ، آستیاگس (آژدهاک) (۵۸۵ ــ ۵۵۰ ق.م) و بدینگونه این سلسله در ۷۰۱ تا ۷۰۸ قبل‌از میلاد تشکیل شده و مدت ۱۵۰ سال دوام داشته است .

---

۱ ــ قسمت عمده‌این فصل از کتاب علل و زمینه‌های پیروزیها و شکست‌های ایرانیان اثر عزیزالله بیات استخراج شده است .

۲ ــ هرودت ، مورخ یونانی و مشهور به پدر تاریخ (حدود ۴۸۶ــ ۴۲۰ ق.م)

۳ــ ژاک دومرگان جغرافی‌دان فرانسوی (۱۸۵۷ــ ۱۹۲۴)

بزرگترین پادشاهان این سلسله هوخشتر است (کیاکسار یونانیها) که پس از راندن سکاها از ایران به اجرای طرح دیرین خود یعنی تشکیل امپراطوری ایران و انقراض دولت آشور پرداخت،

بدین نحوکه مادها به‌تدریج اراضی جنوب وغرب و شرق درباچه ارومیه را به دست آوردند و بر اثر اتحاد با پادشاه بابل موقعیت‌های تازه‌تری در زمینه پیشرفت سیاست خارجی نصیب هوخشتر شد.

در سال ۶۱۲ قبل از میلاد سپاه هوخشتر با همکاری دولت بابل، نینوا را محاصره و تصرف کرد.

هوخشتر آشورقدرتمندرا از پای درآورد و این خود باانقراض ابدی این دولت توأم بود زیرا ازاین به بعد دولت هزار ساله آشور دیگر قدرتی نیافت. سقوط نینواتوسط پادشاه مادیکی از پیروزیهای بزرگ تاریخی ملت ایران‌محسوب می‌شودبه همین علت است که عدهٔ زیادی‌از محققین، آغاز امپراطوری ایران را سال ۶۱۲ یعنی سقوط نینوا می‌دانند.

هوخشتر هفت سال نیز با لیدیها جنگید و سرانجام دو دولت ناگزیر از صلح شدند. آخرین شاه ماد آستیاک (ایشتووگو) است که سال ۵۸۵ق.م آغاز حکومت وی و سال ۵۵۰ ق.م سال سقوط او و حکومت سلسله ماد بدست کوروش سر سلسله هخامنشیان می‌باشد.

ب ـ رویدادهای مهم سلسله ، هخامنشی(۵۵۰ . م‌الی۳۳۰ق.م)

تاریخ فرمانروایی هخامنشیان بین قرنهای چهارم و هفتم قبل از میلاد است. تصور تشکیل یک دولت مرکزی را در ایران هخامنشیان به‌حقیقت مقرون ساختند، و دوام استقلال این دولت میراثی بود که ایشان برای‌اخلاف خود بجای گذاشتند.

کوروش کبیر موسس سلسله هخامنشی (۵۵۰ ـ ۵۲۹ قبل از میلاد) که وارث دولت ماد و فرمانروایان آشور و اورارتو وآسیای صغیر و عیلام شده‌بود به‌قصد تسخیر بابل بدانجا حمله کرد، واین شهر با وجود استحکامات و تأسیسات دفاعی مستحکم که در اطراف آن بنا شده بود در سال ۵۳۹ قبل ازمیلاد بدون جنگ تسلیم ارتش کوروش شد.

بدین ترتیب کوروش به ساحل دریای مدیترانه نزدیک شد و فتح کشور مصر را درسر لوحهٔ اقدامات بعدی خود قرار داد ولی این مقصود در زمان،

کمبوجیه (۵۲۹ – ۵۲۲ قبل از میلاد) جانشین اوعملی شد ، و مصر ضمیمه متصرفات هخامنشیان شد .

پس از کمبوجیه پادشاهی به داریوش رسید (۵۲۱ – ۴۸۶ قبل از میلاد) وی پس از درهم شکستن شورشهای داخلی همّ خویش را مصروف یک سلسله اصلاحات اقتصادی واجتماعی کرد ، و برای حفظ ارتباط میان مراکز مختلف حکومتی خود و پایتختهای آنها راههای قدیمی را مرمت و شبکه ارتباطی با ایستگاههای میان راه تشکیل داد . در طرز ادارهٔ کشور نیز طریقهٔ بسیار متین و محکمی اتخاذ و کلیه دستگاه حکومت را به واحدهای ساتراپی تقسیم کرد .

و همچنین برای وصول مالیات، قانون خاصی وضع و برای تسهیل امر تجارت و دادو ستد ، نظام پولی از سکه‌های طلا ایجاد کرد ، که واحد آن دریک " نامیده می‌شد . از کارهای مهم دیگر داریوش ارتباط یکی از شعب رودخانهٔ نیل بدریای احمر است .

باهمه موفقیت‌های اجتماعی و اقتصادی و رفع بحرانهای داخلی ، درزمان وی ایران از یونان شکست خورد . و این شکست در دشت ماراتن و بسال ۴۹۰ ق.م رخ داد .

داریوش پس از این شکست مشغول تهیهٔ مقدمات لشکرکشی جدید به یونان بود که شورش بزرگی در مصر پدیدآمد و ناچار متوجه‌مصر شدو درهمین گیر و دار در۴۸۶ قبل از میلاد در گذشت.خشایارشا (۴۸۵ – ۴۶۵ قبل از میلاد) برای جبران شکست ماراتن در ۴۸۰ قبل از میلاد عازم یونان شدوپس از عبور از تنگه هلس پنتHellespantes(داردانل) و تنگه ترموپیل در جزیره سالامین نبرد دریایی میان نیروی دریایی ایران و یونان در گرفت که به ناوگان ایران تلفات زیادی وارد شد . متعاقب این نبرد در ۴۷۹ قبل از میلاد در محل"پلاته" نبرد دیگری میان سپاهیان یونان و لشکریان خشایارشا وقوع پیوست‌که در این نبرد پیروزی نهایی نصیب یونان شد .

سالهای حکومت شاهان معروف هخامنشی بشرح زیر می‌باشد :

کوروش بزرگ (۵۵۰ – ۵۲۹ ق.م)
کمبوجیه (۵۲۹ – ۵۲۲ ق.م)
داریوش اول (۵۲۱ – ۴۸۵ ق.م)
خشایارشا (۴۸۵ – ۴۶۵ ق.م)
اردشیر درازدست (۴۶۴ – ۴۲۴ ق.م)
داریوش دوم (۴۲۴ – ۴۰۴ ق.م)
اردشیر دوم (۴۰۴ – ۳۵۸ ق.م)
اردشیر سوم (۳۵۹ – ۳۳۸ق.م)
داریوش‌سوم (۳۳۶ – ۳۳۰ق.م)

حمله اسکندر به ایران و انقراض سلسله هخامنشی

در زمان سلطنت اردشیر سوم (۳۵۹ – ۳۳۸ قبل از میلاد) فیلیپ مقدونی بر تخت سلطنت مقدونیه نشست، و اتحادیه‌یی از یونانیان بوجود آورد. ولی طولی نکشید که بر اثر توطئه‌یی از پا در آمد و پسرش اسکندر جانشین او شد، و به تعقیب اجرای‌نقشه‌های پدر پرداخت و در سال ۳۳۴ پیش از میلاد در رأس سپاهیان متحد یونانی ازبغاز هلس پنت Helles Pantes عبورکرد. درنخستین نبردیکه‌بر کرانه رود " گرانیک" با ایرانیان کرد پیروز و سپس رهسپار سوریه شد و در محل ایسوس نزدیک خلیج اسکندرون، پیکاری میان لشکریان وی و سپاهیان داریوش سوم آخرین پادشاه سلسلهٔ هخامنشی (۳۳۶ – ۳۳۰ قبل ازمیلادی) در گرفت که به شکست سپاه ایران منجر شد داریوش به سوی سواحل فرات عقب نشینی کرد و در محلی بنام " گوگمل" Gaugameles مقابلهٔ اسکندر شتافت.

این نبرد نیز به پیروزی اسکندر منتهی شد. با تصرف شوش اسکندر تخت جمشید را به‌آتش‌کشید و سپس در تعقیب داریوش بطرف هندوستان رفت داریوش سوم در نزدیکی داغستان کشته شد و اسکندر نیز پس از فتح هندوستان به بابل رفت و در آنجا درگذشت.

پ – رویدادهای مهم سلسله اشکانی

در دوران دوران سلطنت چهارصد و هفتاد و چهار ساله اشکانیان (۲۵۰ قبل از میلاد تا ۲۲۴ میلادی) کشمکش این دولت بر سر مسئله ارمنستان با رومیان با فاصله‌هایی تا سه قرن امتداد می‌یابد. او سواره، نظام پارتی با اسلوبی که مخصوص اوست مکرر لژیونهای رومی را تارومار می‌کند و دولت اشکانی حتی در حال انقراض نسبت به رومیان قوی بازفاتح است. اینک از پیروزیهای این دوره سه پیروزی مهم را توضیح می‌دهیم:

درزمان سلطنت ارداشک سیزدهم (۵۵ – ۳۷ قبل از میلاد) یکی از سرداران بزرگ روم بنام "کراسوس" از طرف سنای روم به حکمرانی سوریه مامور شد. دراین مأموریت کراسوس نقشهٔ تصرف ایران را در خیال خودطرح کرد، طولی نکشید که، در نزدیک "کاره" (حران)، سواره‌نظام سنگین و سبک اسلحه پارتی به فرماندهی "سورنا" رومیان را شکست داد و گذشته ازانهدام سه ربعِ قشون رومی، کراسوس و فرزندش در این نبرد کشته شدند و نقشه سردار رومی برای تصرف ایران نقش برآب شد. در تاریخ ایران نظیر این نبرد کم دیده شده است زیرا برای نخستین بار بود که ایرانیان با دولت روم بزرگ روبرو و پیروز شدند.

درزمان اشک چهاردهم. فرهاد چهارم (۳۷ – ۱ قبل از میلاد) جنگ دوم و سوم ایران و روم در گرفت که هر دو جنگ به شکست دولت روم منجر شد. آنتونیوس که یکی از سه زمام‌دار روم بودبه خیال افتاد که، انتقام شکست کراسوس را از ایران بگیرد، به همین جهت با سپاه زیادی تا آذربایجان پیش راند از طرف دیگر اشکانیان با اسلوب جنگی خودشان نسبت به رومیان از در تعرض درآمدند. تلفات سنگینی به سپاه رومیان‌وارد شد، آنتونیوس چاره‌بی جز عقب نشینی نداشت زیرا از یکطرف آلات محاصره رومیها بدست پارتها افتاده بود واز طرف دیگر به علت بروز قحطی و کمبود مواد غذائی قادر به‌ادامهٔ جنگ نبودند. جنگ دوم رومیان مهمتر ازشکست حران بود زیرا در جنگ حران همه رومیها ۴۰ هزارنفر و در اینجا قریب ۱۱۳ هزار نفر بودند. دوسال بعدازجنگدوم، جنگ سوم در گرفت.

نخست آنتونیوس ارمنستانرا متصرف شد ولی مقارن این احوال فرهاد از بروز اختلاف میان آنتونیوس و اکتاویوس سردار دیگر روم استفاده کرد و

ارمنستان را محاصره و قوای ساخلو را اسیر و آنجا مجددا" به تصرف ایران درآمد،این جنگ باز بر اعتبار دولت ایران افزود و فتوحات پی در پی درسه جنگ ، ایران را در انظار دنیای آن روز همسر و حریف نیرومند امپراطوری‌روم ساخت .

هنگامیکه اکتاویوس امپراطور روم شد از فرهاد خواهش کرد که عقابها و درفش‌های لژیونهای رومی را که مدتی دراز در معابد پارتی نگهداری می‌شدند به‌روم پس دهد . هنگامیکه این درفش‌ها به روم رسید باعث شوروشعف قیصر و نمایندگان سنا و عامه مردم شد و حتی به فرمان اکتاویوس معبدی برای "مارس" که به عقیده رومیان رب‌النوع جنگ بود ، ساختند و درفش‌ها رادر آنجا به یادگار گذاشتند .

در نتیجه این جنگها اکتاویوس ، قیصر روم براین عقیده شد که رودخانه فرات باید مرز دولت روم باشد و رومیان نباید از آن‌تجاوزکنند و به تدریج مناسبات دوستانه میان دولت پارت‌وروم برقرار شد که قریب یکصد سال‌صرف‌نظر از زدو خوردهای کوچکی‌که می‌شد ، دوام یافت .

شاهان‌معروف اشکانی عبارتند از :

اشک اول (۲۵۰ – ۲۴۸ ق.م)

تیرداد اول (۲۴۸ – ۲۱۴ ق.م)

اردوان اول (۲۱۴ – ۱۶۹ ق.م)

فریاپیت (۱۹۶ – ۱۸۱ ق.م)

فرهاد اول (۱۸۱ – ۱۷۴ ق.م)

مهرداد اول (۱۷۴ – ۱۳۶ ق.م)

فرهاد دوم (۱۳۶ – ۱۲۵ق.م)

اردوان دوم (۱۲۵ – ۱۲۴ ق.م)

مهرداد دوم (۱۲۴– ۸۸ ق.م)

سندروک (۷۷ – ۶۹ ق.م)

فرهاد سوم (۶۹ – ۶۰ ق.م)

مهرداد سوم (۶۰ – ۵۶ ق.م)

ارداول (۵۷ – ۲۳ ق.م)

فرهاد چهارم یااشک‌چهاردهم (۳۷– ۳۳ق.م)

فرهاد پنجم (۲ق.م تا سال میلاد مسیح)

ارد دوم (میلاد مسیح تا ۶ میلادی)
وانان اول (۷ – ۱۶ میلادی)
اردوان سوم (۱۶ – ۳۹ میلادی)
بلاش اول (۵۱ – ۷۷ میلادی)
خسرو (۱۰۷ – ۱۳۳ میلادی)
بلاش دوم (هیجده سال سلطنت کرد)
بلاش سوم (۱۴۸ – ۱۹۱ میلادی)
بلاش چهارم (۱۹۱ – ۲۰۷ میلادی)
بلاش پنجم و برادرش اردوان پنجم (۲۰۷ – ۲۲۶ میلادی)

ت ـ فراز و نشیب سلسلهٔ ساسانی:

سلسله ساسانی آخرین سلسله پادشاهان ایران پیش از اسلام است (۲۲۶-۶۵۲ میلادی). این سلسله در مدت چهار قرن ایران را چه از جهت سیاسی و چه در زمینه‌های فرهنگی اجتماعی به اوج اعتلا رسانید.

ملت ایران در عهد ساسانی تنها ملتی بود که با قدرت به پاسداری از فرهنگ قدیم آسیا برخاست و در مقابل حملات همسایگان و اقوام بدوی دفاع کرد، و با موفقیت هر چه تمامتر در سه جبهه به نبرد ادامه داد. با رومیان در مغرب، با کوشانیان و هپتالیان در مشرق و بابدویان در شمال.

در هیچ دوره بی‌از ادوار حیات فرهنگی ایران به اندازه این دوره درزمینه های مختلف علمی و ادبی کتاب نوشته نشد. دولت ساسانی توسط اردشیر بابکان (۲۲۶–۲۴۱ میلادی)، موسس آن ، در پناه لشکری آراسته و نیرومند توسعه پیدا کرد. اردشیر و جانشینانش به پیروی‌از سیاست هخامنشیان، سیاستی را پیش گرفتندکه عبارت بود از تجدید دولت شاهنشاهی مشرق، که توسط اسکندر منهدم شده بود، و نگاهداری مرزهای شمالی و شرقی و غربی از حملات و قتل و غارت‌های دشمنان. و چون برای اعمال این سیاست به سپاهی نیرومند نیاز داشتند بتدریج سپاه چریکی ملوک‌الطوایفی را به سپاهی‌منظم تبدیل کردند.

امپراطوری روم و ایران در ناحیه قفقاز دارای منافع مشترکی بودند که عبارت از دفاع در مقابل حملات اقوامی بود که در استپ‌های جنوب روسیه و اطراف دریاچه خزر ساکن بودند.

معذلک عملیات جنگی علیه روم که در زمان اردشیر آغاز شده بود در زمان شاپور اول (۲۴۱ – ۲۷۱ میلادی)، فرزندوی، دوباره آغاز شد که متناوبا" به نفع یکی‌از طرفین تمام می‌شد. در آخرین مرحلهٔ جنگ "والرین" Valerien امپراطور روم به‌اسارت وحران و نصیبین وانطاکیه بتصرف ایرانیان درآمد.

شاپور دوم (۳۱۰ – ۳۷۹ میلادی،) پادشاه بزرگ ساسانی، برای شستن لکه ننگ دو معاهده‌یی که بهرام دوم و نرسی باورمیان منعقد کرده‌بودند، وبه موجب آن قسمتی از ایالات غربی ایران به تصرف رومیان درآمده‌بود، جنگ بزرگی در سال ۳۴۱ میلادی را آغاز کرد و ارمنستان را باز گرفت. در سال ۳۵۹ میلادی ایران به پیروزی‌های جدیدی نایل آمد، و در سال ۳۶۳ میلادی "ژولین" **Julien** امپراطور روم، با سپاه انبوهی برای جلوگیری از پیشروی سپاه شاپور که از فرات گذشته و وارد بین‌النهرین‌شده‌بودبه‌سپاه‌ایران حمله کرد، اما سپاه ایران در حدود تیسفون‌مانع حملات او شد و بسبب حملهٔ ناگهانی سپاه ایرانی‌از یک سو و آشنا نبودن رومیان به اوضاع جغرافیائی آن سامان و عدم امکان تهیهٔ غذا برای سپاهیان، رومیان با تحمل تلفات سنگین شکست خوردند و " ژولین" هم کشته شد. جانشین وی، " ژووین" Jovien با دولت ایران از در صلح درآمد و قرار دادی میان طرفین منعقد شد. این عهد نامه دارای اهمیت فوق العاده زیادی بود، زیرا از تجاوزات امپراطوران روم جلوگیری می‌کرد. به موجب این عهد نامه نقاطی که اهمیت نظامی‌داشت و درآن سوی دجله واقع بود به تصرف ایران درآمد و پایتخت ایران‌و نواحی‌مهم آن مانند آذربایجان و خوزستان‌وکردستان از تهدید دائمی رومیان خارج شد.

در زمان خسرو انوشیروان دانشگاه گندی شاپور باوج شهرت رسید، واز نظرنظامی‌نیز در جنوب به پیروزی بزرگی که عبارت از تصرف یمن در سال ۵۷۰ میلادی بود نائل آمد. تصرف یمن موجب شد که ساسانیان بر راههای دریای احمر واقیانوس هند تسلط یابند و این امر از نظر بازرگانی دریایی در آن زمان اهمیت زیاد در بر داشت.

بعد از انوشیروان علائم ضعف و انحطاط در سلسلهٔ ساسانی ظاهر شد کارهرج و مرج به جایی رسید که از مرگ خسرو پرویز (۵۹۰ – ۶۲۷ میلادی) تا جلوس یزد گرد سوم (۶۳۲ – ۶۴۲ میلادی) آخرین پادشاه ساسانی که قریب پنجسال بود، دوازده نفر یکی بعد از دیگری به تخت سلطنت نشستند.

و سرانجام نیز با هجوم گسترده اعراب تاریخ ایران ورق تازه‌ای خورد و عصر جدیدی آغاز شد.

فتوحات عرب با چنان سرعتی صورت گرفت که در دنیای آنروز سابقه نداشت سپاه ساسانی از لحاظ ظاهری و تجهیزات و عده نفرات برتری زیاد نسبت به سپاه عرب داشت. فرماندهی‌این سپاه را سردار معروفی مانند "رستم فرخ زاد" بعهده گرفته بود.

اما این سردار در پیکار قادسیه کشته شد و تیسفون به تصرف اعراب در آمد و پس از نبرد نهاوند (۲۱ هجری قمری) فتح ایران بدست اعراب پایان پذیرفت.

پادشاهان عمده ساسانی عبارتند از:

اردشیر اول (۲۲۶ – ۲۴۱ میلادی)

شاپوراول (۲۴۱ – ۲۷۱ میلادی)

نرسی (۲۸۲ – ۳۰۱ میلادی)

شاپور دوم (۳۱۰ – ۳۷۹ میلادی)

قباد (۴۸۷ – ۵۳۱ میلادی)

انوشیروان (۵۳۱ – ۵۷۹ میلادی)

هرمز چهارم (۵۷۹ – ۵۸۹ میلادی)

خسرو پرویز (۵۸۹ – ۶۲۸ میلادی)

یزدگرد سوم (۶۳۲ – ۶۴۲ میلادی)

جنگهای مهم ایران و اعراب عبارتند از جنگ زنجیر (۶۳۳ میلادی) جنگ جسر (۶۳۴ میلادی) جنگ قادسیه (۶۳۶ برابر ۱۴ هجری) جنگ جلولا (۶۳۷ میلادی) جنگ نهاوند (۶۴۲ میلادی برابر ۲۱ هجری که اعراب آن را فتح الفتوح خوانده‌اند)

ث ـ قیام ایرانیان و حمله مغول :

ظلم و آزار بنی‌امیه نسبت به مردم خاصه در ایران‌به درجه‌یی رسیده بود که گاه به طغیان وشورش می‌انجامید. بهترین راهیکه ایرانیان در پیش گرفتند برانداختن بنی‌امیه یعنی حامی و مجری سیاست نژادی عرب بود. ایرانیان نهضت ضد عرب راکه آنزمان نهضت شعوبیه نامیده می‌شد قوت‌دادند و چون در این موقع آل علی (ع) که پیرو حق و حقیقت بودند نیز تحت‌فشار

و ظلم بنی‌امیه بسر می‌بردندایرانیان به طرفداری از آنان برخاستند، درسال ۱۲۹ هجری قمری ابومسلم خراسانی برضد امویان قیام نموده خلافت اموی را برانداخت و عباسیان راکه به خاندان نبوی نزدیکتر بودند به خلافت رسانید. باروی کارآمدن خلفای عباسی ایرانیان به دستگاه دولتی راه یافتند و مقامات حساس و مهمی را عهده‌دار گشتند.

خاندان ایـرانی برامکه بنی‌عباس را به ترجمه کتب و آثار علمی‌ایرانی تشویق کردند. بطور کلی ایرانیان از زمان بنی‌امیه به بعد در فقه و تفسیر و علوم دینی مرجع مسلمین شدند. ابن خلدون تونسی جامعه‌شناس و مورخ بزرگ اسلامی در تأیید این مطلب چنین می‌نویسد: از شگفتیهایی که واقعیت دارد این است که بیشتر دانشوران ملت اسلام، چه در علوم شرعی وچه در دانشهای عقلی، به جز در مواردی نادر، غیر عرب‌اند و اگر کسانی از آنان یافته شوند که از حیث نژاد عرب‌اند، از لحاظ زبان و مهد تربیت و استاد ایرانی هستند و بـه جز ایرانیان کسی بحفظ و تدوین علم قیام نکرد و از این رو مصداق گفتار پیامبر اسلام پدید آمد که فرمود: اگر دانش برگردن آسمان در آویزد قومی از مردم فارس بدان نائل می‌آیند و آنرا بدست میآورند.

(مقدمه ابن خلدون ترجمه پروین گنابادی جلد دوم ص ۱۱۵۳ و۱۱۵۵)

و سرانجام پیروزیهای نظامی و سیاسی ایرانیان نتایج بزرگ انجامید و از اواسط قرن سوم تا آغاز قرن چهارم حکومتهای نیرومندی مانند صفاریان و سامانیان وآل بویه‌پدید آمد. از آغاز قرن پنجم یعنی از زمان غلبه سلجوقیان بر خراسان تا نیمه اول قرن هفتم یعنی انقراض خوارزمشاهیان دوره‌ایست که با انقراض سلسله‌های ایرانی آغاز می‌شود و همراه است با تسلط قبائل و غلامان ترک درایران و تمامی خاورمیانه.

در سال ۶۱۵ هجری قمری به حکم مجاورت قلمرو چنگیز با قلمرو سلطان محمد خوارزمشاه (۵۹۶ ـ ۶۱۷ هجری قمری) نمایندگانی از طرف چنگیز برای ابلاغ پیام دوستانه رهسپار دربار سلطان محمد شدند. متعاقب این احوال جمعی از بازرگانان مغولی عازم ماوراءالنهر شدند هنگام‌ورود به شهر اترار" حاکم آنشهر جملگی را به‌قتل رسانید. چنگیز همینکه از این ماجرا اطلاع یافت از سلطان محمد مجازات حاکم اترار را خواستار شد سلطان گذشته از اینکه‌بدر ـ خواست چنگیز، اعتنائی نکرد فرستادگان ویرانیز به قتل رسانید بدین ترتیب وقوع جنگ را اجتناب ناپذیر ساخت.

چنگیز قبل از آغاز حمله برای بدست آوردن اطلاعات کافی درباره‌راهها و اوضاع جغرافیایی ایران به کمک بازرگانان مسلمان آسیای میانه، که در خدمت وی بودند ، به تجسس پرداخت و برای‌اینکه درآن واحد به تمام مراکز مهم دولت خوارزمشاهیان ضربه وارد آید ، لشکریان خویش را به چندین بخش‌تقسیم کرد و با سرعت شهرهای ماوراءالنهر وخراسان و آذربایجان را یکی بعد از دیگری به تصرف خویش درآورد. و سرانجام در سال ۶۱۷ سلطان محمد در جزیره آبسکون دریای خزر درگذشت و سلطان جلال‌الدین نیز در سال ۶۲۸ بقتل رسید.

حکومت‌های مختلف بعد از اسلام تا تشکیل سلسله صفوی :

– طاهریان (۲۰۵ اعلام استقلال طاهر ذوالیمنین – ۲۵۹ ورود یعقوب لیث به نیشابور)

– علویان (۲۵۰ هجری آغاز حکومت حسن بن زید – اوایل قرن چهارم)

– صفاریان (۲۵۳ فتح سیستان بدست یعقوب لیث ۳۹۳ هجری شکست خلف‌بن احمد)

– سامانیان (۲۶۰ هجری آغاز امارت امیر اسماعیل – ۳۷۹ هجری‌شکست عبدالملک بن نوح)

– آل زیار (۳۱۶ هجری پیروزی مرداویج تا آخر قرن پنجم)

– آل بویه (۳۲۰ هجری آغاز حکومت پسران بویه – ۴۴۷ هجری‌دستگیری ملک رحیم)

– غزنویان (۳۳۶ هجری‌آغاز حکومت سبکتکین – ۵۸۳ هجری قتل خسرو ملک)

مشهورترین پادشاه این سلسله سلطان محمود (۳۸۸ – ۴۲۱ هجری قمری) می باشد .

–غوریان (۵۴۵ هجری آغازحکومت علاءالدین حسین ۶۰۷ هجری‌قتل محمودبن غیاث الدین)

– سلجوقیان (۴۳۱ هجری تاجگذاری طغرل – ۵۵۲ هجری مرگ سلطان سنجر)

– سلجوقیان عراق (۵۱۱ –۵۹۰ هجری قمری) موسس محمود بن‌ملکشاه

– سلجوقیان کرمان (۴۳۳ – ۵۸۳ هجری قمری) موسس قاوردبن چغربیگ

ـ سلجوقیان روم (۴۶۵ ـ ۶۹۷ هجری قمری) موسس سلطان سلیمان بن قلتمش

ـ اتابکان فارس (۵۴۳ ـ ۶۶۳ هجری قمری) موسس سنقر

ـ اتابکان آذربایجان (۵۳۱ ـ ۶۲۲ هجری قمری) موسس ایلدگز غلام و یژه سلطان مسعود

ـ خوارزمشاهیان (۴۷۰ هجری سال حکومت انوشتکین ـ ۶۲۸ هجری کشته شدن جلال‌الدین)

ـ مغول (۶۲۸ هجری قتل سلطان جلال‌الدین ـ ۷۳۶ سال در گذشت سلطان ابو سعید)

چنگیز در سال ۶۱۶ به ایران هجوم برد و در سال ۶۲۴ درمغولستان مرد .

ـ ایلخانان ایران (۶۵۱ هجری ورود هلاکو به ایران ـ ۷۳۶ هجری مرگ ابو سعید).

ـ مظفریان (۷۳۶ هجری حکومت مستقل امیر مبارز الدین ـ ۷۹۵ هجری کشته شدن منصوربن مظفر) .

ـ سربداران (۷۳۸ حکومت عبدالرزاق ۷۸۳ هجری شکست خواجه علی موید)

ـ امرای کرت (۶۵۲ هجری آغاز حکومت ملک شمس الدین ـ حدود ۷۸۵ هجری دستگیری پیر علی)

ـ تیموریان (۷۷۱ هجری آغاز حکومت تیمور ـ ۹۱۱ هجری مرگ سلطان حسین بایقرا)

ـ قراقویونلو (۸۱۰ هجری آغاز حکومت قرایوسف ـ ۸۷۳ هجری مرگ امیر حسینعلی شاه)

آق قریونلو (اوایل قرن نهم آغاز حکومت قراعثمان ـ ۹۰۸ هجری شکست الوند میرزا)

ج ـ تشکیل سلسلهٔ صفوی : (۹۰۷ تاجگذاری شاه اسماعیل صفوی ۱۱۳۵ فتح اصفهان بدست افاغنه)

نهضت صفویه از آذربایجان آغاز شد و فی‌النفسه موجبات تجدید حیات سیاسی ایران را فراهم آورد و این کشور را از انقراض نومیدانه‌یی که رو به آن می‌رفت نجات داد . سلسله صفوی با اتخاذ مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی ایران بلادشیعه نشین ایران را در برابر تجاوز اهل تسنن وازبکان و عثمانیها

متحد کرد. و از خطر تجزیه ایران بین عثمانیها و ازبکان جلوگیری کرد، و باید گفت تشکیل سلسلهٔ صفوی یکی‌از پیروزیهای چشمگیر تاریخ ایران است.

شاه اسماعیل ۹۰۷ – ۹۳۰ هجری قمری) ، موسس سلسلهٔ صفوی، توانست روح تازه‌یی به کالبد مردم ایران بدمد. از آغاز کار، ازبکان از مشرق و عثمانیها از مغرب با این دولت جوان بنای دشمنی گذاشتند. اولین نبرد در مشرق شروع شد در واقع خود شاه‌اسماعیل آنرا تسریع کرد زیرا خطر همدست شدن دو دشمن در میان بود شاه صفوی خواست قبل ازحصول این اتحاد کارآنها را بسازد با "شیبک‌خان" ازبک جنگید و بروی غلبه کرد. فتح خراسان برای دولت ایران در آنزمان بیش از آنچه تصور رود اهمیت داشت و یکی ازپیروزیهای بزرگ سلسلهٔ صفوی محسوب می‌شد، زیرا قرنهای طولانی می‌گذشت که دولت ایران به عنوان یک واحد سیاسی کامل‌شناخته نمی‌شد بعد از فتح خراسان شاه اسماعیل به حدود طبیعی و موروثی ایران قناعت کرد، در حقیقت فتح خراسان در عرصه گیرو دار جهان آنروز موجدایرانی بزرگ و نیرومند شد.

سلطان سلیم اول پادشاه عثمانی به بهانه اینکه دولت ایران اتباع سنی مذهب خود را تحت فشار قرار داده است، پیروان مذهب تشیع را تحت فشار قرار داد و قریب چهل هزار ازشیعیان آن سامان را قتل عام کرد، در تعقیب این احوال به موجب فتوای‌علمای قسطنطنیه به جنگ برضد ایران عنوان جهاد دادند. در سال ۹۲۰ هجری قمری در محل "چالدران" بین ایران و عثمانی نبرد سختی در گرفت که به شکست شاه اسماعیل منجر شد.

دراین جنگ سپاه شاه اسماعیل کمتر از سپاه عثمانی بود ودرحقیقت شکست چالدران را باید شکست اسلحه سرد در مقابل سلاحهای آتشین نامید.

دیگر پادشاهان معروف صفویه عبارتند از:

شاه طهماسب (۹۳۰ – ۹۸۴ هجری قمری)

شاه اسماعیل دوم (۹۸۴ – ۹۸۵ هـ.ق)

محمد خدابنده (۹۸۵ – ۹۹۶ هـ.ق)

شاه عباس بزرگ (۹۹۶ – ۱۰۳۸ هـ.ق)

شاه صفی، (سام میرزا – ۱۰۳۸ – ۱۰۵۲ هـ . ق)

شاه عباس دوم (۱۰۵۲ – ۱۰۷۸)

شاه سلیمان (۱۰۷۸ – ۱۱۰۵)

وسرانجام در زمان سلطنت شاه سلطان حسین افاغنه بسرکردگی محمود به ایران حمله کرده و در سال ۱۱۳۵ حکومت صفوی را برانداختند. شاه طهماسب دوم تا سال ۱۱۴۵ و شاه عباس سوم تا سال ۱۱۴۸ اسما" خود را شاه نامیدند.

چ ــ **سلسله افشاریه** ۱۱۴۸ هجری آغاز پادشاهی نادر ۱۲۱۸ هـ.ق شکست نادر میرزا)

پطر کبیر امپراطور روسیه که از دیر زمانی چشم طمع به سرزمین حاصلخیز قفقاز دوخته بود و یکی از آرزوهای وی دست یافتن به خلیج فارس بود همینکه ازهرج و مرج اصفهان آگاه شد در سال ۱۱۳۷ هجری قمری در بند را متصرف شد همزمان با این اقدام عثمانیها تبریز را اشغال کردند در همین موقع به علت رقابت دیرینه که میان روس و عثمانی بر سر تصرف قفقاز وجود داشت سرانجام، به وساطت دولت فرانسه، دولتین عثمانی و روس در ۱۱۳۷ هجری قمری در قسطنطنیه قرار دادی مبنی بر تقسیم ایران شمالی و غربی منعقد ساختند در چنین وضعی ولایات خمسه و قزوین در تصرف شاه طهماسب دوم وخراسان به تصرف ملک محمود سیستانی درآمد، در هرات افغانهای ابدالی ودر مرکز ایران اشرف افغان حکومت می‌کرد در واقع کار تجزیه ایران به آخرین مرحلهٔ خود رسیده بود که با ظهور نادر تمام این نقشه‌ها نقش بر آب شد. بعد از راندن افاغنه از ایران طی چندین نبرد بلادی را که‌عثمانیها تصرف‌کرده بودند پس گرفت و روسیه را با تهدید و پیام از ایران راند.

او بهندوستان لشگرکشید و در دشت کرنال محمد شاه گورکانی را شکست داد.

راهی را که سپاهیان ایران برای رسیدن به دهلی پیمود بیش از شش هزار کیلومترو سرتاسر آن از زمینهای کوهستانی و موانع طبیعی پوشیده بود. علاوه بر این وجود ایلات و طوایف سلحشوری که در طول راه پراکنده بودند واز دیرزمانی به حال خود سری زندگی می‌کردند از موانع بسیار مهم وغلبه‌ناپذیر این راه بشمار می‌رفت. و مشکلات **عدیده** تدارک قشون ۱۵۰ هزار نفری از کارهای مهم نظامی است.

پس از شاهرخ (۱۱۶۲ ــ ۱۲۱۰) پسرش نادر میرزا تا سال ۱۲۱۸ امارت خراسان را بعهده داشت که توسط فتحعلی شاه قاجار از بین رفت.

سلسله زندیه از سال ۱۱۶۳ به آغاز حکومت کریمخان زند (وکیل الرعایا) بجز خراسان فرمانروایی ایران را عهده‌دار شدند کریمخان تا سال ۱۱۹۳

حکومت کرد.

با قتل لطفعلی خان‌زند (۱۲۰۳ – ۱۲۰۹) دولت زندیه منقرض شد.

قاجارها از سال ۱۲۰۰ تا سال ۱۳۴۳ هجری قمری که خلع احمد شاه توسط رضا پهلوی‌انجام گرفت بر ایران حکومت کردند.

شاهان قاجار عبارتند از:

آقا محمد خان قاجار (۱۲۰۰ – ۱۲۱۱ هـ.ق) سال تاجگذاری ۱۲۱۰ هجری قمری. فتحعلیشاه (۱۲۱۲ – ۱۲۵۰ هـ.ق)

محمد شاه (۱۲۵۰ – ۱۲۶۴ هـ.ق)

ناصرالدین شاه (۱۲۶۴ – ۱۳۱۳ هـ.ق)

مظفرالدینشاه (۱۳۱۳ – ۱۳۲۴ هـ.ق)

محمد علیشاه (۱۳۲۴ – ۱۳۲۷ هـ.ق)

احمد شاه (۱۳۲۷ – ۱۳۴۳ هـ.ق) برابر (۱۲۸۹ – ۱۳۰۴ هجری شمسی)

ح – جنگهای ایران وروس درزمان فتحعلیشاه قاجار

در اواخر قرن‌دوازدهم هجری، موقعیکه سراسر ایران درآتش اغتشاش می‌سوخت و از هر نقطه‌از سرحدات همسایگان بداخل کشور رخنه کرده بودند. یکی از افراد قاجار بنام آقا محمد خان (۱۲۰۰ – ۱۲۱۱ هجری قمری) وحدت سیاسی ایران را، که درزمان جانشینان کریمخان متزلزل شده بود، بار دیگر تأمین کرد، لیکن جانشینانش مردان لایق و کاردانی نبودند. درایام سلطنت فتحعلیشاه (۱۲۱۲ – ۱۲۵۰ هجری قمری) تاریخ مناسبات و روابط سیاسی ایران به تاریخ رقابتهای سیاسی و بازرگانی میان انگلیس و فرانسه‌و سپس میان انگلیس و روس تبدیل شد. از طرف دیگر موقعیت مخصوص جغرافیائی ایران و بی‌کفایتی و خوشگذرانی و بی‌اطلاعی اغلب سلاطین این سلسله فرصتی بدست اجانب داد تابه مرور نقشه تجزیه ایران طرح و بموقع اجرا گذارده شود، و حتی در فرصتهای مناسب قسمتهایی از پیکر آن جدا شود. روسها که از دیر باز تصرف قفقاز و راه یافتن به خلیج‌فارس و دریای آزاد را در اندیشه خود می پرورانیدند از ضعف زمامداران ایران سوء استفاده کردند و در ۱۲۱۸ هجری قمری جنگهای اول خود را با ایران شروع‌کردند نتیجه این جنگها به شکست ایران و عهد نامهٔ گلستان (۱۲۲۸ هجری قمری) منجرگردید وبر–

طبق آن سرزمینهای ایرانی قفقاز به تصرف روسها درآمد و حق کشتی رانی در دریـای خزر از ایران سلب شد. عهدنامه گلستان و شورشهایی که مقارن این احوال در ایران بروز کرد ضعف دولت مرکزی را به نهایت درجه رسانید. عدم رضایت علماء و مجتهدین از نتیجهٔ جنگهای سابق، شکایت مستمر رعایای بلاد گرجستان و مسلمانان آن سامان، تحریکات رقبا و مخالفان عباس‌میرزا (ولیعهد) که معاهدهٔ گلستان را سبب تحکیم موقعیت عباس میرزا می‌دانستند، مسامحهٔ روسها در حل اختلافات سرحدی و عدم تمکین آنها از نتایج مذاکرات ممتد و تعدیات بی حسابی که سرداران روس نسبت به مسلمانان روا می‌داشتند، باعث شد که فتحعلیشاه مصمم به تجدید جنگ با روس شود (۱۲۴۱). این بار نیز سپاه ایران شکست خورد و طبق عهد نامه ترکمانچای (۱۲۴۳ هجری قمری) که بین دولتین بسته شد بقیهٔ قفقاز و قسمت عمدهٔ دشت مغان به روسیه تسلیم شد و همچنین طبق این عهدنامه دولت ایران حق داوری کنسولی (کاپیتولاسیون) را در ایران برای نمایندگان سیاسی دولت روسیه قائل شده و به تدریج سایر کنسولهای دول بیگانه از این حق برخوردار شدند.

ازرویدادهای بسیار مهم عهد قاجاریه ماجرای عظیم تحریم تنباکوست. ماجرا این بود که ناصرالدین‌شاه درسفرسوم خود به اروپا امتیاز انحصاری خرید و فروش تنباکو وتوتون‌را در برابر اخذ مبلغ قلیلی تامدت ۵۰سال بیک شرکت انگلیسی واگذار کرد. شرکت انگلیسی از آغاز کار بنای ستم و مزاحمت راگذاشت. بعد از رویداد حوادثی آیتا.... میرزا ابراهیم مجتهد معروف به میـرزای شیرازی مجتهد درجه اول فارس استعمال تنباکو را تحریم کرد و این امر بـــا فتوای آیتا.... میرزا محمد حسن مجتهد شیرازی در سامره_موضوع تحریم_ بعد دیـگری بخود گرفت و بلافاصله جنبشی عظیم در سرتاسر ایران بظهور رسید و مردم قلیانها را در میدانهای شهر شکستند و طغیانی بزرگ آغاز شد که سرانجام آن پیروزی‌امت مسلمان ایران و شکست مفتضحانه دربار و انگلیسی‌ها بود.

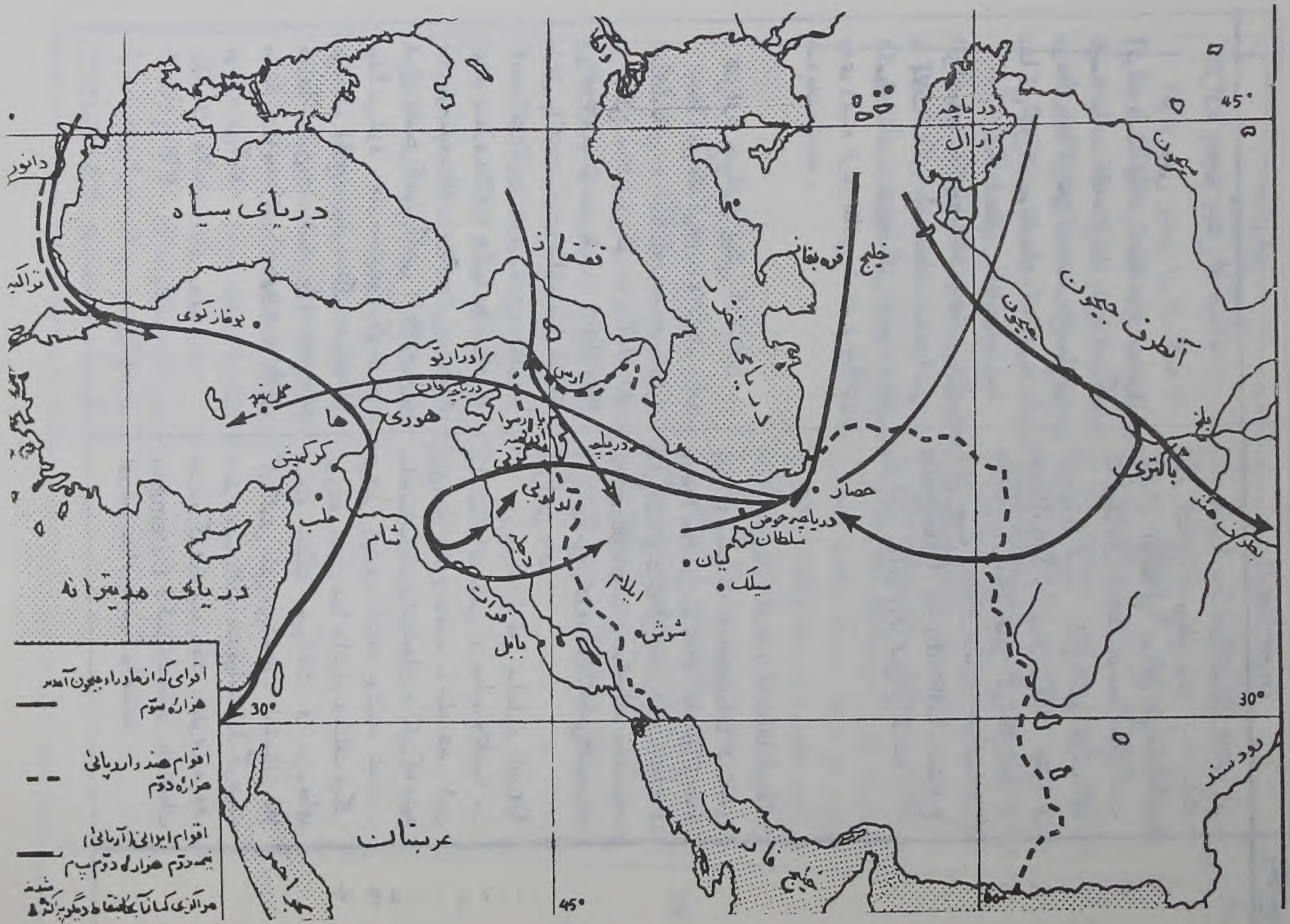
جدولهای تاریخی:

انتشارات دانشگاه ملی ایران در سال ۱۳۵۸ کتابی بنام " هنر ایران " منتشر ودرفصل پایانی آن جداولی به چاپ رسانده که از جهت گویایی و قابل بهره‌برداری بودن آن عینا " در دنبالهٔ بخش رویدادهای مهم تاریخ ایران ارائه شده است .

کتاب یاد شده اثر : پروفسور آندره‌گدار با ترجمه دکتر بهروز حبیبی می‌باشد .

لازم بتذکر است که تعدادی از تصاویر کتاب فوق‌الذکر نیزانتخاب و در بخش‌های آثار هنری ایران به چاپ رسیده است .

برخی از تواریخ رویدادها مضبوط دراین جداول ، اختلاف مختصری با تاریخ‌های مندرج دربخش رویدادهای مهم تاریخ ایران دارد ، بلحاظ رعایت امانت از هر گونه تغییری جهت مشابه سازی و یا احیانا " ترجیح یکی بر دیگری خودداری شده‌است .



هجوم قبایل در هزاره‌های سوم ودوم

بتاریخ	دربین‌النهرین	درایران
۵۰۰۰ تا ۴۰۰۰ ق.م	ظاهراً در بین‌النهرین نه‌تنها از امور کشاورزی مطلع بوده‌اند ، بلکه سازمان اجتماعی زراعی هم داشته‌اند که وجودش برحسب توسعه سطح کشت لازم بوده است . چنین بنظر میرسد که Muallatat در شمال نزدیك نینوا و Jarmo در محل فعلی کردستان عراق مراکز تجمع کشاورزان بوده‌است،درهسونا Hassuna، اریدو Eridu وسامره‌شروع بساختن سفالهای تزئینی‌می کنند.	**هزارهٔ پنجم پیش از میلاد** اقوام بومی پیشین ایران کـه تا آنوقت زمستانها درپناهگاههای طبیعی‌و تابستانها درکلبه‌هائی از شاخ وبرگ درختان‌زندگی می کردندشروع بساختن مساکن گلی کرده کارهای کشاورزی را بشکاروصید افزودند. دست افزارهای سنگی‌روبتکامل رفتند. ابزار و آلات سنگی بادسته‌های استخوانـی تکمیل شدند . ظروف گلی بانقوش‌سیاه روی زمینه قرمز نقاشی شدند و باآتش همه‌پخته شدند .
۴۰۰۰ تا ۳۵۰۰ ق.م	دوره‌های اوبائید Ubaïd اوروك Uruk جامبدت Djambdet و نصر Nasr علاوه‌برمهره‌های سفالین لوحـه هائی‌هم‌با نوشته‌هائی باحروف ـ Picto graphiquesنشان داده‌اند . جمعیت این نواحی باورودقبائل سامی‌وسومری افزایش یافت . در دورهٔ اولین سلسلـه اورUr ساختمانهای مهمی از معابد وکاخها در Eridu و اور وغیره ساخته شد. این ساختمانها باموزائیك‌های رنگین که‌جنبه تزئینی زیادی داشتند، پوشیده شدند . برروی استوانه‌ها واشیاء مختلف دیگر صحنه جنگ حیوانات و نبردهای گیلگمش نقش می‌شدند . استعمال طلا ونقره منبت‌کاری صدفها متداول گردید. هنرزرگری‌توسعه یافت . ظرف‌معروف Entemena وکشفیات‌مقابر پادشاهان اورنمونه‌های‌جالب آنهاهستند.	**هزارهٔ چهارم پیش ازمیلاد** ساکنین زاگرس و فلات ایـران دهکده‌هائی بوجود آوردند و شروع بزندگی دسته‌جمعی کردند . کشاورزی وپرورش‌دام توسعه یافت . Herzfeld درتل باکون بقایای سازمانیرا شناخته که درآن تفوق نفوذ زنان حکمفرمـا بوده . درمیان‌کاسه وکوزه‌هائی که از قشرسوم تپه‌سیلك یاتپه حصار و ژیان و شوش بدست آمده گاهی شاهکارهـائی پیدا می‌شود . هنرمعماری کم کم بوجود می‌آید. سلاح‌ها هنوزسنگی هستندولی دراواخراین‌دوره شمشیرها وخنجرهای مفرغی ولوحه‌هائی باخطوط‌اولیه‌ایلامی بوجود می‌آیند .

بتاریخ	درایران	دربین‌النهرین
	هزارهٔ سوم پیش از میلاد	
:	ایلام که‌مرکزش Awan است‌دم	عصرطلا در (Tello_Lagash) لوحهٔ
:	ازرقابت باسومر میزند . استعمال فلز	دودو Dudu مزین بشکل عقاب شیرسر
:	بیش‌ازپیش توسعه‌مییابد . روابط شمال	نشان‌می‌دهد که Pictographie متروك
:	وجنوب‌زیادترمی‌شود مرمروسنگ سفید	وجای‌خودرا بحروف‌معینی‌داده‌است.
:	وقیرو بعضی ازسنگ‌های دیگردرساختن	معماری دورهٔ پیش‌ازسارگن،معابد
:	اشیاء هنری بکارمیروند. سفالهای کیود	وکاخهائی برروی تراسهای مرتفع بنا
:	و .ذغالگون رواج میابد . سلاحهای	کردند . توسعه مجسمه‌سازی . تزئین
:	مفرغی که درنواحی مختلف فلات‌مانند	دیوارها بوسیله موزائیك بیش از پیش
:	شوش ، تپه ژیان نزدیك نهاوند بدست	رواج گرفت .
:	می‌آیند بکارمیروند . سفالهای مشابه‌در	
:	لرستان کشف شده‌اند . درقشردوم‌شوش	
:	ظروف ارغوانی و زینت آلاتی	
:	ازطلا وعقیق وسنگ لاجوردپیداشده .	
۲۴۰۰	عده زیادی ازانواع صدف در تپه سیلك	۲۴۰۰ پیش ازمیلاد. سارگن قدیم،
	بدست آمده که دلیل وجود رابطه بین	امپراطوری سامی آگده . (اکد)
	ساکنین فلات واهالی‌ساحل دریای‌خزر	سلسله های‌کهن (۲۳۴۰ - ۳۰۰۰
	است .	پیش‌ازمیلاد .) پیشرفت قابل ملاحظه
		حکاکی بروی سنگ‌های سخت .
		آغاز وپایان دورهٔ‌اکد. کشف عده
		زیادی مجسمه های بزرگ وکوچك
		خدایان وپرستندگان درمعابد ماری و
		جاهای دیگر. پیدایش‌قوانین‌اجتماعی.
		اولین قانون مدون.
		اوروکاژینا Urukagina پادشاه
		لاگاش میکوشد اصلاحاتی در کشور
		خودکرده تجاوز و رشوه خواری عمال
		خود راازمیان ببرد.
		تمدن‌سومریهای‌جدیدکه باتشکیل
		شهرهای مستقل دراور، لاگاش ولاسرا
		نمایان گرشد، در او اخراین هزاره با
		گوده‌آ،مجسمه‌سازی باوج ترقی‌رسید،

درایران	دربین النهرین	بتاریخ
	مردم لاگاش Girsu ـ Nin راکه نشانهٔ مخصوصش عقاب شیرسر است مقدس میشمارند .	
	اورنامو Ur - Nammu سومین سلسله پادشاهان اور را تأسیس کرد و قانونی تدوین نمودویك Zigurat بنام خدای ماه ساخت . درحالیکه حامی و نگهبان اور الههٔ Nin - Hursag است. یك ستون سنگی معروف که تاریخ سلطنت او را نشان میدهد بدست آمده است.	
	اور نامو Ur ـ Nammu لاگاش راتسخیرمیکند .	
هزارهٔ دوم پیش از میلاد . مهم ترین واقعه این دوره ورود توده های آرین ها به فلات ایران است توسعه قابل ملاحظه تسلیحات، درحالیکه هنر کوزه گری ازرواج میافتد هنرمفرغ کاری اهمیت روزافزونی بخودمیگیرد. سفال آبی صاف درالبرزونواحی مجاور آن رواج پیدا میکند . ساختمانهای باشکوه بوجود میاید. بدنهٔ آنها با نقوش آجری یا گل پخته که شکل موجودات دونوعی یاانسان ودرخت یااشکال دیگری که نشانه باروری است برآنها نقش شده پوشیده میشوند . درزمان اون تاش ـ هوبان، شهبانو نپیرازو Napir_Asu ایلام بصورت کشور بزرگی درآمد . شهر نشینی توسعه یافت. ورود آهن، که تا آنوقت درزینت الات بکارمیرفت . هنر حکاکی روی سنگ نظیرمال بین النهرین است . Inshushinak ـ shilak شوش رازیبائی بخشید.	۱۹۰۰ پیش ازمیلاد. اولین امپراطوری آسوری، سومین سلسلهٔ اور توسط ایلامیها و آموریت ها منقرض گردید . ۱۶۸۵–۱۷۲۸ پیش ازمیلاد . سلطنت هموراپی . بابل برآسورمسلط شد.	۱۹۰۰
	وحدت سومرواکد . هموراپی ، ماری را در شمال . وایزین ولاسرا را درجنوب بابل منهدم کرد. پیدایش عده زیادی مخازن آب جهنده . نقاشیهای دیواری درماری .	۱۷۲۸
	۱۶۴۸ – ۱۶۸۵ پیش از میلاد . Samsu ـ iluna کاسیت های زاگرس شرقی کشور بابل را تهدیدمیکنند .	۱۶۸۵
	۱۵۳۰ پیش ازمیلاد. کاسیت ها دوباره به بابل میآیند .	۱۶۴۸
		۵۸۱۶

بتاریخ	درایران	دربین النهرین
	مهاجرت دستهٔ دیگری از آریائی‌ها ایرانیها (مادها و پارس‌ها) درنواحی زاگرس مستقر شدند وخدایان بیگانه‌ای باخود آوردند: سوریا، ماروت وبوریا	۱۵۰۰ق.م. کاسیت‌ها دربابل سلسله ای تأسیس میکنند ۱۴۲۵ق.م. کوری گالزوی اول Kurigalzu پادشاه کاسیت در بابل شهر Dur Kurigalzu را احداث میکند.
	هزارهٔ اول ق.م. مرحلهٔ تاریك پیش از تاریخ در تمام قسمت اول این هزاره در ایران باقی بود. ازاین زمان هیچ مدرك کتبی ومستندی بدست نیامده. دامنه های البرز دره هائیکه در پناه آنست قبرستانهای زیرزمینی نشان داده اند که درآن سفالهای آبی دغالگون بوفور وجود داشته این کشفیات نشانهٔ تحقیقی آنست که جماعات کشاورزودام دارمرفهی درآن زمان درنواحی مزبورمیزیسته اند، در	۱۱۵۵ ق.م. کاسیت ها توسط Shutruk Nahhunté اول ایلامی ازبابل رانده میشوند،
۸۸۴	مقابرمکشوفه ادوات مفرغی کم ولی قطعات وظروف زیبای سفالی آبی بدست آمده. (قبرستان زیرزمینی خوروین معروف به گنج تپه، درنزدیکی قزوین) . برعکس در کوهستانهای لرستان مقدارزیادی اشیاء مفرغی، چه درسابق وچه هم اکنون بدست آمده و میآید ؛ احتمال آن هست که یادگارهای گرانبهائی ازازمنه گذشته درقبرستانهای قدیم کلاردشت نهفته باشد وهم ازآنجا است که چندین پارچه ظروف واسلحه طلابدست آمده است . در دخمه ها یا نهانگاههای معروف به مارلیك اخیراً اشیاء قدیمی بدست آمده که قدمت آنها تقریباً بااشیاء مکشوفه درحسنلوو زیویه برابری دارد	۱۱۴۶ق.م. تجدیدحیات آسور. بخت النصر اول ۱۱۱۶-۱۰۷۸ق.م. تیگلات پیلازاراول یار تیگلات فالازاراول) آسورنیرومند میشود دوداير ۀ قدرتش تاسواحل مدیترانه بسط میبابد .
		۸۸۴-۸۶۰ق.م. آسورنازیرپال دوم کشوربابل رادوباره تأسیس کرد و کاخهای باشکوهی برای خود بنانهاد که نمونهٔ آن کاخ نمرود است. هنرآسوری هنرشخص امپراطور گردید وکشورهای دست نشانده وحتی کشورهای دشمن را هم زیر نفوذ خود قرارداده. صنایع فلزکاری ، زرگری و حجاری و حکاکی درکمال مهارت و گاهی باحساسیت کار میشد . حتی در گاه های کاخها حجاریشان درکمال دقت ولطافت ساخته میشد .

دردوران هخامنشی		
درایران	دربین النهرین	بتاریخ
درقرون هشتم وهفتم پیش از میلاد در اثر تراکم مهاجرت های جدید، مخلوطی ازاقوام سیت، سیمری، اورارتوی، مانائی ، کاسیت ، مادی پارسی و غیره پیدا شدند.	سالمانازارسوم	۸۶۰
	اولین برخورد باایران .	
	شمسی اداد پنجم .	۸۲۵
	تیگلات پیلازارسوم .	۸۴۶
	سارگن سوم	۷۲۲
بالاخره براثر پیدایش امپراطوری هخامنشی و سازمان متمرکز آن ماوارد دورهٔ تاریخدار میشویم، کتیبه‌های بزرگ هخامنشی که درسه زبان: پارسی، ایلامی واکدی باقیمانده سازمانهای سیروس‌ها وداریوش‌ها رابما میشناسانند.	برتری آسور از توروس تا خلیج فارس واز ارمنستان تا مصر توسعه یافت .	
	سناخریب	
	آسارهادن مترصد تسخیر دوبارهٔ کشور است که سیمریها اشغال کرده‌اند(۶۷۳)	۷۰۵
	تاخت وتازسیت‌ها .	۶۸۱
	آسور بانی پال . اوج ترقی آسور.	۶۷۷
	نابوپولاسار خودرا پادشاه بابل اعلام کرد.	۶۶۸
	نابوپولاسار بدون موفقیت بآسور حمله می کند .	۶۲۶
	اتحاد باماد	۶۱۵
	انهدام نینوا بدست مادها.	۶۱۲
	فتح هران و شکست سیاگزار . شهردر دست سیاگزار می‌ماند . بابلیها اراضی آسوریها را اشغال می کنند . پایان مقاومت آسوریها	۶۱۰
	بخت النصر دوم	۶۰۴
	نبونائید اتحاد باسیروس دوم.	۵۵۶
	نابونائیدهران راموردحمله قرارمیدهد.	۵۵۳
	فتح بابل بدست سیروس دوم .	۵۳۹
	کامبیز دوم پادشاه بابل .	۵۲۹
	خشایار. دفع شورش‌ها. انحلال دولت بابل	۴۸۲
	جنگ گوگمل . اسکندر در بابل.	۳۳۱

تاریخ		ایران هخامنشی		تاریخ
۸۶۰	اولین برخورد با سوریه			
۸۲۵	مادها در ناحیه دریاچه ارومیه	پارسی‌ها درشمال خاوری شوش نزدیک انشان و کشوری که آنرا پارسوماش نامیدند جا گرفتند .		۸۲۵
۷۲۸	مستقر شدند دیوسه Deiocès امپراطوری مادرا تأسیس کرد... اکباتان			
		۷۰۰ ق.م. هخامنش یا اکمنس سرسلسلهٔ هخامنشی .		۷۰۰
		آغاز قرن هفتم وهجوم سیمری‌ها درزاگرس تئیس پس کشور پارسارا تسخیر می کند.		۶۷۵ / ۶۴۰
۶۷۵	۶۷۵ ـ فرااورت پارسی‌هارا تحت اطاعت می آورد	سیروس اول پادشاه بزرگ پارسوماش	آریارامنا پادشاه بزرگ کشور پارسا .	۶۴۰
	۶۵۳ـ۵۸۵ سیاگزار .		آریارامنا مقهور سیاگزار می‌شود که ایالت پارسوارا تسخیر می کند . سیاگزار بعداً این ایالت را به کامبیز اول می‌سپارد.	۶۲۵
	۶۵۳ـ۶۲۵ هجوم سیت‌ها.			
	۶۲۵ ـ سیاگزار دوباره قدرت را بدست می گیرد و بر پارسوا مسلط می‌شود .			
	۶۱۴ـ سیاگزار آسور را تسخیر می کند و با نابوپولاسار متحد می گردد.			
۶۱۲	۶۱۲ـ انهدام نینوا			
۶۱۰	۶۱۰ ـ فتح هران			
۵۸۵	۵۸۵ـ۵۵۰ آستیاژ			
	ماندانا دختر آستیاژ همسر کامبیز اول .	ارو کو		
		کامبیز اول پادشاه بزرگ پارسوماش و پارسا که زیرفرمان مادها بود ماندانا را بهمسری می گیرد	ارسام	
			هیستاسب	

ایران هخامنشی		تاریخ
(هیستاسپ)	سیروس دوم با نابونائید متحد می‌شود .	۵۵۹
	سیروس دوم (کبیر) اکباتان را اشغال وسلسلهٔ هخامنشی را تأسیس می کند	۵۵۰
	سیروس عنوان پادشاه ایران می گیرد و لیدی را ضمیمه ایران می کند .	۵٤٦
۵۲۱ داریوش اول اتوسارا بهمسری می گیرد سرکوبی‌شورشهای ایلام وماد وپارتهاو ارمنستان امپراطوری از سند تا مصر و دانوب وسعت میابد .	سیروس بابل‌راتسخیرمی کند، کشور‌رابه ساتر پیهاتقسیم می کند، تأسیس‌بازارگاد و بعد تخت جمشید	۵۳۹
	کامبیزدوم . ایران	۵۲۹
٤۹۰ اولین جنگ با یونان . شکست ایران درماراتن.	جانشین فراعنه در درهٔ نیل می‌شود. اتوسادختر سیروس دوم باداریوش‌ازدواج می کند وخشایار زاده می‌شود.	
	خشایارشاه از سال ٤۸٦، طغیان مصر برعلیه ایران	٤۸٦
	دومین جنگ ایران ویونان . سالامین. ایرانیها اروپاراتخلیه می کنند	٤۸۰
	تخت‌جمشید(تالارصدستون)	
	اردشیراول	٤٦۵
	پیمان بایونان ، وقفهٔ پیشرفت ایران بطرف‌غرب.	٤٤۹
	خشایاردوم جنگ های خانوادگی .	٤۲٤
	داریوش دوم Nothus.	٤۲۳
	اردشیردوم ، شورش‌مصر .	٤۰٤
	بازگشت ده‌هزارنفری.	٤۰۱
	اردشیرسوم Ochus .	۳۵۸
	تسخیرمجدد مصر	۳٤۲
	ارسس Arsés	۳۳۸
	داریوش سوم Codoman.	۳۳۵
	جنگ بامقدونیه	۳۳٤
	اشغال پایتخت‌های ایران بدست‌اسکندر پایان امپراطوری هخامنشی.	۳۳۱

تاریخ	دوران سلوکی‌وپارت
۳۲۳	مرگ اسکندردربابل. تقسیم امپراطوری اسکندر میان جانشینانش. Antigon فرمانروای قسمت‌شرقی امپراطوری.
۳۱۲	سلوکوس اول ،آغاز حکومت یونانی درایران . سلوکوس اول ایالت بابل‌را که Antigon اشغال کرده بود پس گرفت
۳۱۱	سلوکوس اول قدرت خودرا درایران مستقر کرد . وباازدواج باآپامه باطبقه نجبای ایران بستگی پیدا کرد . وباچاندراگوپتا-Tchand ragoupta پادشاه تازه هندی مؤسس سلسله موریاس Maurias جنگید .
۳۰۴	سازش میان سلوکوس اول وچاندراگوپتا . سلوکوس افغانستان‌را بپادشاه‌هند داد ودربرابرفیل جنگی گرفت .
۳۰۱	نابودی Antigon بدست رقیبان متحده در ایپوس Ipsos . سلوکوس اول استقلال یافت .
	قسمت مهم آسیای غربی درتصرف سلسله سلوکیه ماند (باستثنای دولت‌های (Pont ، Cappadoce ، Bithynie ، Pergame)سلوکوس‌برای‌امپراطوری خود دوپایتخت تعیین کرد : انطاکیه وسلوکیه درساحل دجله. سلوکیان‌کوشش بسیار کردند تاکشور را بصورت یك‌کشور یونانی درآورند (ساختن شهرهای سبك یونان . زبان یونانی را زبان رسمی کشور کردن) ساتراپیهای بزرگ درآمدهای قابل‌ملاحظه فراهم‌کردند . راه تجارتی‌که ایران‌را ازطریق ترکستان بچین وصل می‌کرد اهمیت‌یافت .
۲۸۱	آنتیوکوس اول Sôter .
۲۶۱	دولت باکتریان ازکشور سلوکی‌مجزا گردید .
	تأسیس دولت اشکانی پارتها.
۲۴۶	سلوکوس دوم
۲۲۷	سلوکوس سوم Sôter
۲۲۳	آنتیوکوس‌سوم، بزرگ .
	ساتراپیهای پارس و ماد بدو برادر ، اسکندر وملن سپرده‌شد . لشگر کشی
۲۲۱	آنتیوکوس برعلیه‌ملن‌که شوش‌رااشغال ودعوی پادشاهی‌کرد. ملن فرارکرد .
۲۱۲	لشگرکشی آنتیوکوس سوم بطرف مرزهای شرقی . عقد پیمان با اردوان اول پادشاه اشکانی.
	پارتها قبایل ایرانی مقیم خراسان،که سواران وتیراندازان ماهی بودند خود را سربازان ملی ایران و وارث هخامنشیان معرفی کردند و برعلیه حکومت سلوکیان قیام‌کردند .
	اشك اول سلسله اشکانیان را تأسیس کرد . ۲۴۸-۲۵۰ ق.م.
	تیرداد ۲۱۴-۲۴۸ق.م.
	آغازدورهٔ‌اشکانی.
	اردوان اول یك ایالت را به‌آنتیوکوس سوم تسلیم‌کرده و اطاعت او را گردن نهاد .
	Phripautès ۱۸۰-۱۹۶ق.م.

تاریخ.ق.م	ایران سلوکی وپارت	
۱۸۰	فرهاد اول . ۱۷۴–۱۳۶ مهرداداول . غرب ایران راتاخلیج فارس گشود. پارتها و ارث ایرانی‌ها شناخته شدند. مهرداد عنوان شاهنشاه بخود می گیرد ولی لقب «یونان دوست» را همچنان برای خود حفظ می کند . مانند تمام پادشاهان اشکانی ستایشگر و حامی یونانیان باقی می‌مانند.	۱۸۸ پیمان آپامه رم سلوکیان را بنفع دولت پرگام از آسیای‌صغیر بیرون می راند . قتل آنتیوکوس سوم در سوزیان‌توسط غارتگران شورشی . ضعف سلوکیان درایران .
۱۸۰	فتح بابل ، دمتریوس دوم اسیر می‌شود .	۱۸۷–۱۷۶ سلوکوس چهارم فیلوپاتر Philopater
۱۴۰	پارت‌ها پایتخت خودرادر تیسفون نزدیک بغداد مستقر می کنند	۱۷۵–۱۶۳ آنتیوکوس چهارم اپیفان Epiphane سلطنت راغصب ویك دوره توطئه وکشتار در باری را ایجاد می کند .
۱۳۶	فرهاد دوم .	
۱۲۹	پیروزی ایران برسلوکیان امپراطوری ایران که بدست اسکندر واژگون‌شد، دوباره توسط پارت‌ها باوسعتی کمتر از زمان هخامنشیان زنده گشت. مرزکشور پارت ها در باختراز ساحل فرات تجاوزنمی کند، پیدایش دولتهای دست نشانده پارتها : La Perside L' elymaïde (پارس و ایلام La Cha–(آشور) L'Adiabatene .L'osroène و racène–	۱۶۷–۱۴۱ قوم بنی‌اسرائیل برهبری Macchabée ها برای کسب استقلال خود برعلیه دولت سلوکی می‌جنگد .
۱۲۷		آنتیوکوس پنجم Eupator.
۱۲۴	اردوان دوم شرق را از سیت ها آزاد ساخت . پس از این سپس جاده بزرگی‌راکه‌ازدورا Doura وپالمیرشروع شده‌وپس‌ازعبور ازایران درپالمیربجادهٔ ابریشم‌متصل می‌شودزیر بازرسی خود می گیرد — .	دمتریوس اول Soter. اسکندر Bala .
	مهرداد دوم‌ایران رابصورت یك قدرت جهانی درآورد ، درغرب باامپراطوری روم ودرشرق باچین درتماس‌بودوعنوان	دمتریوس دوم Nicator. دمتریوس دوم اسیر مهرداد می‌شود . برادر او آنتیوکوس سیده‌ای میکوشد ایالات ازدست‌رفته‌راپس بگیرد .
۹۱	شاهنشاه بخود گرفت . گودرزاول	۱۳۸ پایان قدرت سلوکیان . ۱۲۹ شکست آنتیوکوس سیده‌ای.

تاریخ	ایران سلوکی و پارت
۸۰	ارد اول .
۷۶	Sinetrocés
۶۹	فرهاد سوم.
۶۴	سوریه‌ضمیمهٔروم می‌شود.
۶۰	مهرداد سوم .
۵۶	ارد دوم . ازایران در برابر روم دفاع می کند .
۵۳	پیروزی سورنا، نایب ارد بر کراسوس درسوریه، ترقی دولت پارت .
۳۸	Pacorus اول
۳۷	فرهاد چهارم آنتوان‌را در لشگرکشی به‌آتروپاتن که آذربایجان فعلی است متوقف ساخت .
۲۶	تیرداد دوم. آسیای‌غربی همچنان میان پارتها ورومیها تقسیم شده باقی ماند . مرزمیان دوکشور تعیین گردید.
۲	ارمنستان موردمنازعه فیمابین بود . Phraatacès
۰	میلاد حضرت مسیح
۵	اردسوم .
۸	Vononès اول
۱۰	اردوان سوم . زبان پهلوی زبان‌ملی ایران شد .
۳۶	تیرداد سوم .
۳۸	Cinnamus
۴۰	Vardanès اول
۴۰	گودرز دوم .
۵۱	Vanones دوم
	۵۱–۷۷ بلاش اول ایران شرقی توسط کوشانیان‌اشغال شد
۵۵	Varanès دوم .
۷۷	Pacorus دوم .
۸۰	اردوان چهارم .
۱۰۶	Osroès ۱۰۶–۱۲۹
۱۰۹	بازگشت Pacorus دوم.

تاریخ	ایران سلوکی وپارت
۱۱٤	تسخیر ارمنستان بدست تراژان .
۱۲۵	مهرداد چهارم و پسرش Sanactrucès دوم .
۱۱٦	تسخیر سلوکیه و تیسفون بدست تراژان.
۱٦٦	Parthamaspatès
۱۸۸	شورش اقوام سامی و ایرانی . آورلین فتوحات تراژان درشرق را باستثنای ارمنستان رها کرد
۱۲۹	مهرداد پنجم
۱٤۷	بلاش سوم
۱٦۱	بلاش سوم ارمنستان و Cappadoce وسوریه را اشغال کرد.
۱٦٦	رم حمایت خود را برارمنستان تجدید کرده و آنرا تابکشور Ostroène امتداد داد .
۱۹۱	بلاش چهارم
۱۹۷	سپتیم ـ سور جنگ باپارت راازسر گرفت و نینو وسلوکیه وتیسفون رامتصرف شد.
۲۰۹	بلاش پنجم
۲۰۹	اردوان پنجم
۲۲٤	زد وخورد میان اردوان پنجم واردشیز فرمانروای پارس و کرمان ، وسقوط سلسله اشکانی
	باپایان حکومت اشکانیان مسئله شرق حل نشد . پارتها میخواستند مرزهای غربی امپراطوری قدیم هخامنشی را تادریای سیاه و مدیترانه بدست آورند . رومن‌ها هم آرزوداشتند راهی‌راکه اسکندررفته بروند و نه‌تنها آسیا بلکه تمام دنیای آنزمان‌را زیرفرمان خود درآورند .

تاریخ	ایران ساسانی
۲۲٤	اردشیر که خودرا ازخانوادهٔ ساسان میدانست بر اردوان پنجم پیروز شده تیسفون را بتصرف درآورد .
۲۲۷	اردشیر اول دسته بندی را که برضد او و برای باز گرداندن اشکانیان برهبری خسرو اول پادشاه ارمنستان تشکیل شده بود ازمیان برد و فرمانروای امپراطوری وسیعی گردید که ازرودفرات تا مرو وهرات وسیستانرا شامل بود.
۲۳۷	برخورد باروم : نصیبین و کرخه را دوباره بتصرف آورد .
۲٤۱	شاپوراول کوشانهارا زبر فرمان آورد و پیشاوررا متصرف شد
۲٤۲	مانی آئینی آورد که جمع بین آئین مسیح وزرتشت بود. شاپور تمام ادیان را آزاد گذاشته بود .
۲٤٤	شاپوراول بین النهرین وارمنستان را که توسط فیلیپ ملقب به عرب اشغال شده بود بتصرف درآورد .
۲٥٦	شاپوراول انطاکیه را متصرف گردید .
	کتاب مقدس «اوستا» تدوین گردید .
۲٦۰	شاپوراول والرین امپراطور روم را در Edesse اسیر کرده اورا به شوش برد.
۲۷۲	هرمزاول.
۲۷۳	بهرام اول.
۲۷٦	بهرام دوم.
	۲۷٦ مانی تحت تعقیب وشکنجه قرار گرفت، بهرام اول تحت نفوذ روحانیون مزدائی واقع شد.
	اخراج وتبعید یك دسته ازمبلغین مذاهب خارجی که مورد علاقه مردم نبودند .
	جنگهای تازه با روم . بهرام دوم بین النهرین شمالی و ارمنستان را به روم واگذار کرد .
۲۹۳	بهرام سوم توسط نرسس پسر شاپوراول ازسلطنت خلع شد .
	نرسس زد وخورد باروم، ایران ارمنستان کوچك ایالات واقعه در شرق دجله را به دیوکلسین امپراطور روم رها کرد .
۲۹۷	پیمان صلح بین نرسی و دیوکلسین .
۳۰۲	هرمزدوم برای پایان دادن به تهدیدات کوشانها شاهزاده خانمی کوشانی را بهمسری گرفت .
۳۱۰	آذرنرسی

تاریخ	ایران ساسانی	
۳۱۰	شاپور دوم اوضاع کشوررا تثبیت کرد . دوباره تسلط خودرا بر کوشانها تحمیل نمود . هجوم چینی‌ها و هیاطله را که از متحدین کوشانها بودند متوقف ساخت. جنگ علیه روم (درسال ۳۲۶ کنستانتین مقر امپراطوری را به قسطنطنیه انتقال داد تا آسانتر با امپراطوری ساسانی مقابله کند)	
۳۵۹ ۳۶۳	تسخیر آمیدا Amida درارمنستان . پیروزی شاپور دوم برژولین که تا تیسفون پیش آمده بود . تابعیت بین‌النهرین وارمنستان ازایران تثبیت شد . اعراب بمرزهای ایران تجاوز کردند. شاپور دوم چند قبیله از آنها را مطیع کرد . استقرار روابط دوستانه بین ساسانیان واعراب حیره ولخمی .	
۳۷۹	اردشیر دوم. ترقی نفوذ اشراف که تا زمان شاپورسوم وبهرام چهارم ادامه یافت موجب ضعف قدرت‌شاه گردید .	
۳۸۳	شاپورسوم.	
۳۸۸	بهرام چهارم.	
۳۸۹	تقسیم ارمنستان با روم. چهارپنجم آن بایران تعلق گرفت .	
۳۹۹	یزدگرد اول . هیاطله با استفاده از ضعف قدرت مرکزی ایران دولت نیرومندی تشکیل دادند که دردوطرف هندوکش بسط یافته بود .	یزدگرد اول بادختری یهودی ازدواج کرده مسیحیان را زیر حمایت خود گرفت .
۴۱۰		تشکیل انجمن مذهبی مسیحیان درسلوکیه.
۴۲۱	بهرام پنجم. بکمک لشگریان شاهزادهٔ عرب حیره بمسند شاهنشاهی رسید (مداخله ملت بیگانه درامورخانواده سلطنتی ایران). ارمنستان بصورت ایالتی درآمد که زیر نظر عمال شاهنشاه اداره میشد .	بهرام پنجم با آزادی مذهب موافقت کرد، یزدگرد دوم، زرتشتی متعصب، مسیحیان ویهودیان رازیر آزاروشکنجه قرارداد. وارد ارمنستان شد . اهالی از قبول آئین زرتشت سرباززدند
۴۳۸	یزدگرد دوم .	
۴۵۷	هرمزسوم .	

تاریخ	ایران ساسانی	
	امور کشوری و لشگری	امور مذهبی
		آزار و شکنجه دوبارهٔ پیروان مسانی پادشاه ایران همچنان به‌آئین مزدائی وفادار ماند .
		پس از آنکه کنستانتین آئین مسیح را پذیرفت (۳۱۲) مسیحیان ایران که زیر شکنجه روحانیون زرتشتی بودند بخاك روم رفتند درحالیکه مسیحیان پیرو نستوریوس که منحرف شناخته شده بود باراضی ایران پناهنده شدند . این مهاجرت کم کم نصرانیت را در آسیا تا چین انتشار داد .
۴۵۷	فیروز اول . زد و خورد با هیاطله .	
۴۶۱	اعزام سفیر بچین .	فیروز اول . یهودیان را قلع و قمع کرد .
	سیاست بیزانس نسبت بایران این بود که ایران باید برای روم حکم یك کشور عایق را داشته باشد تا تهاجم قبایل وحشی را که ممکن است مرزهای شرقی روم را تهدید نمایند درخود هضم نماید .	
۴۸۴	بلاش .	
۴۸۸	قباد اول (پادشاهی نوبت اول) به‌هیاطله خراج داد .	قباد اول از انقلاب مزدك (کمونیسم ایرانی) پشتیبانی کرد .
۴۹۶	جاماسب برادر خود را از پادشاهی خلع کرد و بزندان انداخت .	روش مسیحیان ایرانی فقط پیروی از اصول نسطوری بود .
۴۹۹	قباد (نوبت دوم پادشاهی) با لشگری از هیاطله بایران آمد .	
۵۱۸	اعزام مجدد سفیر بچین	
۵۲۸	» » »	
۵۳۱	» » »	
۵۳۱	خسرو اول . اصلاحات داخلی : انتصاب چهار فرمانده لشگری .	
۵۴۰	فتح انطاکیه ـ انهدام قدرت هیاطله .	آزادی مذهب برای مسیحیان برقرار گردید .

تاریخ	ایران ساسانی
	بستن پیمان عدم تعرض پنجاه ساله با بیزانس . امپراطور بیزانس خراجی بایران پرداخت بشرط اینکه ایران باگت های اروپا کـه برعلیه دونت بیزانس حمله‌کرده بودند متحد نشود.
۵۷۸	اوج‌ترقی امپراطوری ساسانی پیش‌از زوال.
	اعزام سفیر بچین . لشگرکشی برعلیه‌سیلان.
۵۷۹	هرمز چهارم .
	برخورد بااشراف . خلع هرمز چهارم‌ازسلطنت .
۵۹۰	خسرو دوم . بهرام چوبین که ازاعقاب‌یکی ازبزرگترین خانواده‌های‌اشکانی بوددعوی سلطنت کرد.
۵۹۰	خسروپرویز بـاکمك موریس امپراطورروم‌دوباره بسلطنت رسید ودرعوض‌این کمك قسمتی ازبین‌النهرین وارمنستانرا ازدست داد .
۶۰۲	قتل موریس امپراطور روم . خسرواراضی ازدست داده را دوباره گرفت و رومیان را ازمدیترانه شرقی بیرون‌کرد .
۶۰۵	اعزام سفیر بچین
۶۱۰	خسرو پرویز آنا طولی رااشغال کرد. ورومیان را از سوریه‌وفلسطین بیرون
۶۱۶	اعزام سفیر بچین.
۶۱۸	تسخیرمصر. امپراطوری هخامنشی‌احیاء شد .
۶۲۶	ایرانیان‌قسطنطنیه‌را محاصره‌کردند . ولی‌امپراطوری بیزانس نجات‌یـافت زیرا بابودن هراکلیوس،روم‌بردریاها مسلط ماند .
۶۲۵	هراکلیوس چند نوبت آسیای صغیر، بین‌النهرین ، ارمنستان و سوریه رامورد تاخت وتاز قرار داده لشگریان ایران‌را شکست داد .
	پیروزی قطعی هراکلیوس درنزدیکی نینوا ، ورود به‌تیسفون .
۶۲۸	خسروپرویز بقتل رسید .
۶۲۸	اردشیرسوم .

تاریخ	ایران ساسانی	
۶۳۰	شهرواز غاصب از خانوادهٔ عیرساسانی . خسروسوم چهوانشهر بوراندخت دختر خسرو سوم . شوشنازبنده آذرمیدخت دختر خسرو دوم. هرمز پنجم خسروچهارم. فیروزدوم. خسروپنجم .	از خسروپرویزتا یزدگرد سوم ده‌دوازده پادشاه یکی پس‌از دیگری بتخت سلطنت ایران نشستند . امپراطوری‌که سازمان لشگریش امتحان خودرا دادبدست‌همین لشگریها تجزیه گردید . سرداران لشگری که فرمانروایان استانها بودند ایالات تحت حکومت خودرا تیول خوددانسته دم از استقلال زدند . درست وضع آخرین روزهای دورهٔ هخامنشی‌تجدید شده بود .
۶۳۲	یزدگرد سوم.	
۶۳۲	ابوبکر که پس‌ازرحلت پیغمبرمقام خلیفه اول‌را احرازکرد، بین‌النهرین فعلی را اشغال نمود .	
۶۳۴	عمربجای ابوبکر نشست ـ خلیفه دوم .	
۶۳۷	جنگ قادسیه . تیسفون پایتخت امپراطوری ساسانی بدست اعراب افتاد .	
۶۴۲	جنگ نهاوند پیروزی‌عربها.	
۶۴۴	عثمان . امواج‌تهاجم عرب تمام نواحی فلات ایران‌را فراگرفت .	
۶۵۱	مرگ یزدگرد سوم . فرزندش فیروزبچین پناه برد . پایان سلسله ساسانی	
۶۵۶	خلافت علی .	
۶۵۸	محکومیت علی .	

تاریخ	ایران اسلامی
	خلفای اموی (۶۶۰ ـ ۷۵۰ میلادی)
۶۶۰	معاویه دردمشق خودرا خلیفه‌اعلام کرد
۶۸۰	یزید اول.
۶۸۴	معاویه‌دوم.
۶۸۵	عبدالملك.
۷۰۰	اولین مهاجرت زرتشتیان بطرف هندوستان .
۷۰۵	ولیداول .
۷۱۷	سلیمان.
۷۱۷	عمردوم .
۷۲۰	یزیددوم .
۷۲۴	هشام .
۷۴۳	ولید دوم.
۷۴۴	یزیدسوم. مروان دوم، شورش شیعه درایران.
۷۴۷	قیام ابومسلم خراسانی‌درمروخراسان.
۷۴۹	ابومسلم خودرا درایران خلیفه خوانده وبنفع خانواده پیغمبر تبلیغ می کرد .
۷۵۰	جنگ‌ذاب. شکست ومرگ مروان دوم.
	خلفای عباسی (۷۵۰ – ۱۲۵۸ میلادی)
۷۵۰	صفاح. پایتخت موقتی کوفه . تأسیس وزارت . اهمیت خانواده برمکی‌درایران
۷۵۴	منصور .
۷۵۴	ابومسلم بفرمان منصوربقتل رسید. ظهورخرمیان وراوندیان‌درخراسان .
۷۶۲	انتقال‌مرکزخلافت به‌بغداد.
۷۷۵	المهدی.
۷۸۵	الهادی .
۷۸۶	هرون‌الرشید.
۸۰۳	زوال برامکه.
۸۰۹	امین .
۸۱۳	مأمون .
۸۱۷	سامانیان ـ امرای‌ماوراءالنهر.
	امرای طاهری
۸۲۰	طاهربن‌حسین سردارلشکرمأمون فرمانروای خراسان شدوسلسله طاهری‌را تأسیس نمود .

تاریخ	ایران اسلامی
۸۲۲	طاهر استقلال یافت .
۸۳۳	المعتصم .
۸۳۶	سامره پایتخت خلفای عباسی شد. سربازان مزدور ترك نگهبان خلیفه شدند
۸۴۷	المتوکل
۸۶۱	قتل المتوکل بدست سربازان مزدور ترك .
	صفاریان (۸۶۲-۹۰۰ میلادی)
۸۶۲	المستعین
	یعقوب لیث صفاری برسیستان مسلط شد.
۸۶۶	سربازان مزدور ترك المستعین را از خلافت خلع والمعتز را بخلافت نشاندند .
	خلافت المعتز.
۸۶۷	یعقوب لیث هرات را بتصرف آورد.
۸۶۹	الموفق .
	یعقوب لیث بحکومت تخارستان منصوب شد.
۸۷۱	یعقوب لیث حکومت طاهریان را برانداخت و در نیشابور مستقر شد .
۸۷۳	یعقوب لیث درحمله به بغداد مغلوب شد.
۸۷۶	عمرو لیث صفاری جانشین یعقوب شد . تجزیه امپراطوری خلفا.
۸۷۹	عمرو لیث فرمانروای ماوراءالنهر گردید.
۸۹۸	**سامانیان (۹۰۰ - ۹۹۹ میلادی)**
۹۰۰	سامانیان عمرو لیث را خلع کردند . و قلمرو حکومت او را ضمیمه حکومت خود کردند .
۹۰۸	خلع و قتل خلفا.
۹۲۸	آل زیار نواحی ساحلی دریای خزر را گرفتند .
	آل بویه (۹۳۵-۱۰۵۵ میلادی)
۹۳۵	قیام آل بویه برعلیه خلیفه . آنها خوزستان و شیراز و اراك و کرمان را بتصرف آوردند .
۹۴۶	احمد ابن بویه (معزالدوله) وارد بغداد شده و بلقب امیرالامرا ملقب گردید و وبسمت نایب خلیفه منصوب شد .
۹۴۹	عضدالدوله به آبادانی وعمران کشور خود پرداخت .

تاریخ	
	غزنویان (۹۶۲-۱۰۴۰ میلادی)
۹۶۲	آلب‌تکین دست سامانیان راازغزنه کوتاه کرد .
۹۷۶	سبکتکین خراسان‌را ضمیمه غزنه کرد.
۹۹۰	بقراخان رئیس ترکهای کرلوك متصرفات سامانیان‌را اشغال نمود.
۹۹۷	جلوس محمود غزنوی
۹۹۹	ترکان کرلوك بخاراوماوراءالنهررا متصرف شده وسامانیان‌را بیرون کردند .
	سلجوقیان (۱۰۰۰-۱۱۵۷ میلادی)
۱۰۰۰	سلجوقیان ماوراءالنهررا تصرف کردند .
۱۰۳۱	طغرل بیك رئیس قبائل سلجوقی مرورا ازتصرف مسعود غزنوی بیرون آورد .
۱۰۳۷	طغرل بیك نیشابوررا ازغزنویان گرفت .
۱۰۴۰	سلجوقیان خراسان راازغزنویان گرفته ضمیمه متصرفات خود کردند.
۱۰۵۵	طغرل بیك بغدادرا گرفته آل بویه‌را برانداخت .
۱۰۶۳	آلب‌ارسلان‌جای طغرل‌را گرفت.
۱۰۷۱	منزیکرت - امپراطور بیزانس دیوجانس رومانوس اسیرشد .
۱۰۷۲	ملکشاه بجای آلب ارسلان نشست - امپراطوری سلجوقی از مرزهای چین تا سوریه وازماوراءالنهر تاعربستان وسعت یافت .
۱۰۹۱	قیام حسن صباح واستقرار اودرقلعه الموت نزدیك قزوین .
۱۱۱۸	سلطان‌سنجر آخرین پادشاه بزرگ سلجوقی- اوفقطدرخراسان‌فرمانروائی کرد.
	ترکان غور (۱۱۴۹-۱۲۰۹ میلادی)
۱۱۴۹	غوریه غزنین‌را متصرف شده بسلطنت غزنویان درایران پایان دادند .
	خوارزمشاهیان (۱۱۷۲-۱۲۳۱ میلادی)
۱۱۷۲	علاءالدین تکش خراسان واصفهان را بتصرف آورد.
۱۱۹۹	سلطان‌محمدخوارزمشاه.
۱۲۰۹	سلطان علاءالدین محمدافغانستان‌را ازغوریه گرفت .
۱۲۱۸	چنگیزمغول ماوراءالنهر، خراسان وشمال‌ایران رامتصرف‌شد .
۱۲۲۳	سلطان جلال‌الدین پسر سلطان محمد خوارزمشاه ایرانرا از چنگ مغول بیرون آورد .
۱۲۲۷	مرگ چنگیزخان .
۱۲۳۱	مرگ سلطان جلال‌الدین ، مغولها دوباره ایرانرا گرفتند .

تاریخ	ایران اسلامی
	پادشاهان مغول (۱۲۵۶ - ۱۳۳۴ میلادی)
۱۲۵۶	هلاکو نوه چنگیزخان سلسله پادشاهان مغول ایران را تأسیس کرد ومراغه را پایتخت قرارداد .
۱۲۵۸	هلاکو بغدادرا بتصرف آوردومسیحیانرا تحت حمایت قرارداد. پایان خلافت عباسیان
۱۲۶۵	اباقا ، سیاست هلاکورا دنبال کرد .
۱۲۸۸	ارغون درصدد اتحاد باکشورهای غربی برآمدتا برعلیه مملوکهای مصر بتازد.
۱۲۹۲	احمد تکوداد
۱۲۹۵	قازان‌خان ، پیروزی اسلام .
۱۳۰۴	اولجایتوخدابنده مذهب شیعه‌را پذیرفت ، مقر اوسلطانیه بود ، با دربارهای فرانسه و انگلستان پیمان اتحاد بست .
۱۳۳۴	ابوسعیدبهادرخان .
۱۳۱۶	انقراض سلسله مغول هلاکو . ایران بین چندین خانواده محلی تقسیم گردید: آل مظفردرفارس و کرمان. جلایری ازبغداد تاآذربایجان. سربداران درخراسان . سلسله کرت در هرات .
	سلسله گورکانیان (۱۳۷۰-۱۵۰۲ میلادی)
۱۳۷۰	تیمورلنگ بلخ را متصرف‌شد .
۱۳۸۰	خراسان وهرات‌را هم گرفت .
۱۳۸۳	آذربایجان واراك را ضمیمه متصرفات خودکرد.
۱۳۸۶	قتل‌عام اصفهان تسخیر شیرازو بغداد .
۱۳۹۲	تیموربرتمام فارس‌مسلط شد.
۱۴۰۵	مرگ‌تیمور . شاهرخ پسرتیمور درهرات اقامت گزید.
۱۴۰۷	تسخیرماوراءالنهر .
۱۴۰۸	ایل‌صحرانشین قراقویونلوآذربایجانرا ازقلمروکشورتیموری منتزع وحکومتی تأسیس کرد .
۱۴۱۰	بغداد راهم بمتصرفات خود افزودند .
۱۴۳۵	جهانشاه‌امیرقراقویونلو .
۱۴۴۷	الغ بیك‌درسمرقند مستقر گردید.
۱۴۵۰	ابوسعید ماوراءالنهروخراسان وکابل‌رازیرفرمان خود آورد .
۱۴۵۳	امیرقراتویونلواراك، فارس واصفهانرا متصرف گردید.

تاریخ	ایران اسلامی)
۱٤٦۱	اوزون حسن رئیس ایل آق‌قویونلو بدست ترکان عثمانی مغلوب گردید.
۱٤٦۷	اوزون حسن دست جهانشاه قراقویونلورا ازمغرب ایران کوتاه کرد.
۱٤٦۹	سلطان حسین بایقرا آخرین پادشاه تیموری ایران درهرات سلطنت کرد.
۱٤۹۱	اسمعیل صفوی آذربایجانرا ازامیر آق‌قویونلو گرفت.
۱۵۰۰	شاه‌اسمعیل باکورابتصرف درآورد.
	پادشاهان صفوی (۱۵۰۴-۱۷۲۳ میلادی)
۱۵۰۲	شاه‌اسمعیل درتبریز تاجگذاری کرد.
۱۵۰۸	« « بغدادرا بتصرف درآورد.
۱۵۱۰	گرفتن مروازدست ازبکان و تسخیر خراسان.
۱۵۱٤	شکست شاه اسمعیل درجنگ چالدران . ترکان عثمانی تبریز وبین‌النهرین و ارمنستان را متصرف شدند .
۱۵۲٤	فتح گرجستان بدست‌شاه‌اسمعیل.
۱۵۲٤	شاه طهماسب.
۱۵۳٤	ترکها بغدادرا گرفتند .
۱۵۸۷	شاه عباس‌اول.
۱۵۹۷	شاه‌عباس ازبکانرا تاماوراءجیحون راند
۱٦۰۲	ترکهارا درتبریز شکست داد
۱٦۲۲	جزیره‌هرمزراازپرتقالیها پس گرفت
۱٦۲۳	بغدادرا ازترکها پس گرفت وپایتخت‌را ازقزوین باصفهان منتقل کرد .
۱٦۲۹	شاه‌صفی.
۱٦۳۸	ترکها دوباره بغداد راگرفتند.
۱٦۳۹	صلح باترکها .
۱٦٤۲	شاه‌عباس دوم.
۱٦٦۷	شاه سلیمان. روابط باکشورهای اروپائی‌راتقویت کرد.
۱٦۹٤	شاه‌سلطان حسین آخرین پادشاه صفوی.
۱۷۰۹	طغیان افغانها.
۱۷۲۲	میرمحمود افغان اصفهان‌راگرفت وخودرا شاه خواند. قتل‌شاه‌سلطان‌حسین
۱۷۲۳	پیمان روس ـ ایران . روسها دربند وباکوراازایران گرفتند .
۱۷۲٤	جنگ ایران باترکها ـ قرارداد قسطنطنیه‌ایروان‌وهمدان‌رابترکهاداد.
۱۷۳۰	نادرقلی‌افغانهارا تارومارکرد.
۱۷۳٤	نادردربند وباکوراازروسها پس گرفت.

تاریخ	ایران اسلامی
۱۷۳۶	نادرپادشاه ایران شد . بموجب دومین پیمان قسطنطینه ایروان دوباره بایران بازگشت
۱۷۳۷	نادرشاه افغانستان را تسخیر کرد.
۱۷۳۹	فتح لاهور و قتل عام دهلی .
۱۷۴۷	نادرشاه بقتل رسید .
۱۷۴۸	شاهرخ پسر نادرشاه درخراسان سلطنت کرد .
	زندیه (۱۷۵۰-۱۷۹۹)
۱۷۵۰	کریم‌خان وحدت ایران غربی را تأمین نمود .
۱۷۷۹	هرج ومرج درزمان جانشینان کریم‌خان.
	قاجاریه (۱۷۸۶-۱۹۲۵)
۱۷۸۶	آغا محمدخان زندیه‌را برانداخته درتهران بتخت نشست .
۱۷۹۵	« « اصفهان وشیرازو خراسانرا گرفت .
۱۷۹۷	آغا محمد خان بقتل رسید .
۱۷۹۷	فتحعلیشاه.
۱۸۲۸	عهدنامه ترکمن چای باروسیه- دراین قرارداد ایران ، ارمنستان ، ایروان ونخجوانرا ازدست داد.
۱۸۳۴	محمدشاه.
۱۸۴۴	آغاز تبلیغات باب درشیراز.
۱۸۴۸	ناصرالدین شاه .
۱۸۴۹	ناصرالدین شاه فرمان قتل باب‌را صادر کرد .
۱۸۹۶	مظفرالدین شاه.
۱۹۰۷	محمدعلیشاه توافق روس وانگلیس‌راجع به‌قیمومیت ایران .
۱۹۱۹	پیمان ایران وانگلیس . اشغال ایران توسط انگلیس .
۱۹۲۱	رضاخان قدرت رابدست می گیرد - انگلیسی‌ها ایرانرا تخلیه می کنند.
۱۹۲۵	عزیمت آخرین پادشاه قاجار باروپا.
	سلسله پهلوی (۱۹۲۶-۰۰۰)
۱۹۲۶	در ۲۶ اوت رضاخان بسلطنت انتخاب شد .
۱۹۴۱	ارتش‌های روس وانگلیس ایرانرا اشغال کردند- رضاشاه مستعفی شد - محمد رضاشاه بسلطنت رسید.

بخش سوم:

ترکیب نژادی جمعیت ایران (۱)

مدارک باستانشناسی و تاریخی حاکی از آن است که ایران زمین از آغاز رهگذر و سکونتگاه نژادها و ملل مختلفی بوده و زبانها و لهجه‌های بسیار گوناگونی دراین سرزمین تکلم شده و خصوصیات جسمانی متفاوتی دراین جا بهم آمیخته است.

شبهه‌نیست که پیش ازورود و استقرار آریائی‌ها درایران، نژادهائی بومی در این کشور میزیسته‌اند و استخوانهائی که از عصر پارینه سنگی باقی مانده است بر این قضیه شهادت میدهد که علاوه بر نژاد (مدیترانه‌ای) ، نوع استرالیائی ونگروئی (سیاه) و حامی نیز دراین دیار سکونت داشته‌اندو فرهنگهای رنگارنگی چه اصیل و چه مقتبس دراینجا بهم اختلاط یافته است.

آثار زندگی که بر اثر کاوشها در نقاط مختلف مانند تپهٔ سیلک نزدیک کاشان و تپهٔ چشمه‌علی در جنوب تهران و تپهٔ حصار نزدیک دامغان و تپهٔ گیان نزدیک نهاوندو مانندآن دیده شده، گواه آنست که از حدود هزارهٔ پنجم قبل از میلاد، اقوامی غیر آریائی در ایران میزیسته‌اندو بی شبهه در احوال اجتماعی و فرهنگی وحتی ترکیب نژادی مهاجران تازه رسیدهٔ آریائی تاثیری بسیار داشته‌اند. ازجملهٔ این اقوام عیلامیان (در جنوب غربی ایران) کاسیان (زاگرس ـ لرستان) ، لولوبی (زاگرس ـ باختران) ،کادوسیان (گیلان کنونی) ، تپوریان (مازندران امروزی و طبرستان دیروزی) وسیاه‌پوستان ساحل‌نشین جنوبی را باید نام برد.

انتشار و گسترش آریائیان برفلات ایران در حدود نیمهٔ هزارهٔ دوم قبل از میلاد شروع میشود. آریائیان شاخه‌ای از اقوام سفیدپوست هند واروپائی هستند که بعضی بسرزمین هندو بعضی بفلات ایران روی آورده‌اند. همانطور که در آغاز کتاب اشارات رفت مهاجران ایرانی از دو طایفه مهم ترکیب شده‌بودند که مادی و پارسی باشند. براین دو نام طوائف دیگری که باهمیت کمترند مانند: پارتها، باختریان، سغدیان و سگاها را نیز باید افزود، اما ظاهرا" هیچیک از این طوائف قدیم نیز نژاد خالص ندارند و خصوصیات نژاد شمالی و جنوبی یعنی قامت بلند و موی وچشم روشن را باقد کوتاه و موی و چشم تیره‌رنگ بهم آمیخته‌اند و از جهت تعدد و تنوع زبانها و لهجه‌ها نیز درقدیم نمی‌توان شبهه‌ای داشت واین گواه اختلاط نژادی از بدو

۱ـ استخراج از کتاب ایرانشهر جلد اول نشریه شماره ۲۲ کمیسیون ملی یونسکو در ایران.

تاریخ‌است هر چند که آن اختلاط قطعا " بدرجهٔ امروزی که عناصر تازهٔ ترک وتاتار را هم دربردارد نبوده‌است. در این باره مطلب مهم این است که بگفتهٔ محققین، دخول اقوام بیگانه‌ای چه هندواروپائی (یونانی) ـ چه سامی (عرب و یهود) و چه تورانی (ترک ـ ترکمن ـ مغول و تیموری) اساس خصوصیات نژادی ایرانی را دگرگون نکرده و بعضی‌از مشخصات نخستین آن را باقی گذارده است. بدیهی‌است که‌پاره‌ای ازاین آمیختگی‌ها بمقدار کم وناچیز بود مثل ورودارامنه در دوران صفویه بداخلهٔ ایران.

و اما برخی دیگراهمیت داشت مانند ورود ترکان از دورهٔ غزنوی و سلجوقی که بصورت طوائف و عشائر کامل باین سرزمین هجوم آوردند، معذلک چنانکه‌گفتیم نژادایران‌و خصوصا " فرهنگ، زبان آداب و رسوم، عقائد و افکار و عادات وسنن ایرانی رانتوانستند منقلب نمایند.

دربارهٔ خصوصیات جسمانی ایرانیان کنونی‌تنها مطالعهٔ مبسوط و دقیق‌همان است که‌هنری‌فیلد مردم شناس آمریکائی انجام داده است.

بسیاری‌ازخارجیان‌راعقیده براین است که نژاد ایرانی‌از زیباترین نژادهاست وعلی‌رغم اختلاط با نژاد عربی و ترک و تاتار خطوط‌اصلی سیمای نجیب قدیم‌خود را حفظ کرده است.

بعکس بعضی چون شاردن، بقیاس‌زردشتیان امروزی برآنند که آنان نژاد بدگل و بدهیکل سخت‌پوست و سیه‌چرده و زمخت بوده ولی براثر اختلاط با خون گرجی و چرکسی زیباروی و خوش قامت شده‌اند.

این سخن گروه اخیر درست نیست و حتی نقوش سنگی که از ادوار باستانی‌بر جامانده خلاف این را حکایت میکند، شاید کثرت ازدواج با خویشان، پاره‌ای از زردشتیان را چنان کرده‌است که شاردن وصف میکند، اما اگر قبول کنیم که پاره‌ای ازایلات‌وعشایرامروزی چون کردها و لرها شاهد صادقی برنژاد کهنهٔ ایرانی‌هستند باید زیبائی این نژاد را تصدیق کنیم، هر چند که نژاد ایرانی‌از نژاد مدیترانه‌ای تا حدی فاصله گرفته و باعناصردیگر ممزوج شده است.

در زمینهٔ مشخصات بدنی میان نواحی مختلف اختلاف آشکاری دیده میشود مثلاً " در مقابل افراد بلندبالاو تنومند ایل‌نشین مناطق زاگرس، ساکنان کناره‌های بحر خزر به‌نسبت کوتاه قامت هستندو چهرهٔ سفید و موی و چشم روشن در این سواحل‌بسیار رایج‌تراز کناره‌های دریای‌جنوب دیده می‌شود، جنوبی‌ها پوستی

تیره رنگ دارند و در سرحدات‌از جمله خوزستان مشخصات نژادهای‌همسایه (مثلا" عرب) را بیشتر عرضه مینمایند .

هنری‌فیلدبرآن است که اساس نژاد ایران را عنصر مدیترانه‌ای تشکیل میدهد که دراز جمجمه است و بینی راست و یا خمیده دارد . دراز جمجمگان راست بینی ظاهرا" با بدویان عربستان شمالی مربوط‌هستند . درحالی که دستهٔ بینی خمیده مخصوص فلات ایران است . اختلاف دیگر بین این دو دسته رنگ چشم است که در مورد اولی‌ها سیاه و در مورد دومی‌ها میشی است . موی هر دو اندکی مواج و رنگ پوست‌گندمگون‌وزبری‌و نرمی آن بحالت متوسط است . علاوه بر عنصر دراز جمجمه ، عنصرپهن‌جمجمه‌نیز در جمعیت ایران دیده می‌شود ولی‌اهمیت آن کمتر است وبهر حال‌خصوصیات‌ظاهری‌آسیائی ـ افریقائی‌واروپائی در افراد ایرانی مشهود ونشانهٔ کثرت و شدت اختلاط‌این نژاداست .

گروههای ایلاتی

معمولا" ایلات و عشایر ایران را از جهت زبان به شش دسته تقسیم میکنند : ترکمنان ، ترک‌زبانان ، کردان ، لران ، عرب‌زبانان و بلوچ‌ها .

تفاوت خصوصیات صوری و جسمانی ترکمنان با اکثریت مردم ایران بخوبی نمایان‌است . ترکمن‌هادر شمال‌خراسان و شرق مازندران اقامت دارند از نظر قیافه ، مردم مغولستان و چین را بیاد می‌آورند و فی‌الحقیقه از بقایای مهاجمان باین سرزمین هستند و بتازگی باستقرار در محل خوگرفته واز خانه بدوشی و چادرنشینی دست کشیده‌اند معذلک رسوم و سنن و تشکیلات دیرینهٔ قبیله‌ای نزد ایشان باقی مانده است ، لباس مخصوص میپوشند و بهنگام کوچ خیمه‌های مشخصی (آلاچیق) بپا میدارند .

امروزه ایلات ترکمن علاوه بر پرورش اغنام واحشام و کشاورزی و برزگری به پرورش‌اسب‌وسوارکاری‌ترکمنی بسیار مشهورند و از جهت سازمان اجتماعی و سیاسی هم ایل ترکمن این اختصاص را دارد که تمرکز قدرت بدست ایلخان واحدی نیست و پیران‌قوم بطور کدخدا منشی عنداللزوم گرد میآیند و مسائل را فیصله میدهند و در غیر این احوال مرجع قدرتی دائم در کار نمیباشد .

طوائف‌عمدهٔ ترکمن عبارتند از کوکلان و یموت و هر یک به تیره‌هائی تقسیم

می‌شوند: چنان که یموت شامل تیره‌های جعفربای (منطقه‌گرگان ـ دشت) آتابای‌و آقاتابای و عشایر فرعی دیگر است که در جداول صفحات بعد ارائه گردیده است.

ایلات ترک‌زبان متعددند از همه مهمتر: قشقائی‌ها، شاهسون‌ها، ارسباران، خلخالی، سه ایل از ایلات خمسهٔ (فارس) و بعضی ایلات کوچکتر هستند.

قشقائی‌ها را بعضی از طوائف مغول و پاره‌ای یک تیره از طائفه‌قدیمی‌که ساکن آسیای‌صغیر بوده " خلج " میدانند. دلائلی هست که ایل قشقائی نخست‌قفقاز میزیسته و یادگارهائی از آن دوران در سبک زندگی و هنر و ادب خود حفظ‌کرده است.

امروزه یکی‌از دوازده تیرهٔ قشقائی، خلج نام دارد و تیره‌های مهم دیگر: کشکولی، دره‌شولی‌و شش بلوکی هستند.

قشقائی‌ها در فارس سکونت دارند و در مسیری بسیار طولانی بین سواحل خلیج فارس و حدود اصفهان در کوچ و رفت و آمد هستند و نسبت قلیلی از ایشان " تحت‌قاپو "شده‌است. گله‌داری و " کوه‌چرانی " کار عمدهٔ آنها است اما بزراعت گندم و جو و بعضی صنایع دستی مانند بافت گلیم، قالی و جاجیم نیز اشتغال میورزند.

درباره قشقائیان با همهٔ اهمیت سیاسی که دارند کمتر مطالعه شده است.

ایلات شاهسون، ارسباران و خلخالی ترک‌زبان ساکن آذربایجان شرقی هستند و اطلاعات آمار مربوط بایشان در جداول آمده است.

ایلات خمسه که ساکن فارس هستند سه ایل ترک زبان: اینانلو، بهارلو و نفر را شاملند و یک ایل‌عربی‌زبان که خود بدو طائفه عرب جباره و عرب شیبانی تقسیم میشود و بالاخره‌ایل باصری می‌باشد که بزبان فارسی و به لهجه‌ای شبیه شیرازی تکلم میکنند.

اما کردان که‌اکثریت ایشان درشمال غرب و غرب کشور در سرحدات عراق زندگی میکنند و جمعیت مهمتری درآن سوی مرزها سکونت دارند، زبانی دارند که بازماندهٔ زبانهای اصیل کهن ایرانی است. همچنانکه نژاد ایشان نیز از نژادهای قدیم ایران است.

بازیل نیکیتین کتابی را بمطالعه اجتماعی و تاریخی کردان خصوصا " آن دسته که‌در عراق زیست میکنند، اختصاص داده و رسوم و آداب و اشتغالات و وضع خانواده و تشکیلات اجتماعی و اعتقادات مذهبی (کردها بخلاف اکثر ایلات و عشائر به مذهب سنت و جماعت" شافعی، " هستند) و محصولات فرهنگی ایشان را توصیف

گرده‌است. نزد کردان هم زندگی چادرنشینی و هم زندگی مستقر شهری دیده ـ میشود. کردان ازجهت شماره از مهمترین ایلات ایران هستند و طوایف عدیده‌ای را شامل‌میشوندکه از آن جمله: مکری، گوران، کلهر، سنجابی، قبادی، زعفرانلو و شادلو را یاد میکنیم.

کردان کوچ‌نشین مکری را، دومورگان از نظر نژادها چنین توصیف می‌کند: "مردمی هستندزیبا با قد متوسط و شانهٔ عریض‌و سینهٔ سنگین وبرآمده، دارای اندامی متناسب وکله‌ای کوچک، موهایشان سیاه و کمی مجعد، پیشانی بلند، بینی عقابی، چشمهادرشت‌برنگ سیاه تند با ابروهای پرپشت و گونه‌های برجسته وگلگون این مردم بشره‌ای غالبا" گندم‌گون و ریشی سیاه و کم‌پشت دارند".

اگرکردان‌را از حیث نژادی به نسبت، خالصتر از گروههای زبانی دیگر فرض کنیم در ایشان پاره‌ای از خصوصیات قدیم جسمانی ایرانیان را می‌توانیم جست.

لران در غرب رشتهٔ جبال زاگرس در منطقه‌ای جنوبی‌تر از کردستان اقامت دارندوبخلاف اغلب کردان‌پیرو مذهب شیعه هستند، غالب جغرافیانویسان، قدیم مانند اصطخری وابن‌بلخی، لریه یا لوریه، لران را از جمله طوائف کرد میدانند و بعیدنیست‌که‌آنان‌ازچنین‌منشائی باشند: طوائف مهم لرستان عبارتند از: سگوند، ممسنی، لک وعشایر کوه‌کیلویه و بویراحمدی.

اراضی لرنشین در زمان استیلای مغول بدو قسمت لربزرگ و لر کوچک تقسیم میشده، بجای لر بزرگ امروزه لرستان و بختیاری‌قراردارد و بجای لر کوچک کوه‌ـ کیلویه، در لر بزرگ یک سلسله امرا (اتابکان) حکومت میکرده‌اند.

بستگی لران، باکاسیان که در ازمنهٔ کهن در همین سرزمین زیست میکردند مسلم نمیباشد واحتمال اقوی: بستگی لرها با کردان اصیل ایرانی است و نه‌فقط زبان لری بزبان کردی شباهت دارد بلکه قیافهٔ لران نیزنمودار وجنات و بشرهٔ ایرانی‌است، هر چند که بعقیدهٔ بعضی، لران عناصر نژادی بیگانه‌ای را (ترک و سامی) کمابیش در خود جذب کرده‌اند.

لران‌وبختیاری‌ها هر دو متوسط‌القامه و چهار شانه و قوی بنیه هستند و رنگ پوست‌آنان‌بر اثر آفتاب‌خوردگی سوخته‌است، دوخانیکوف در نژادشناسی ایران، لران را از جهت جسمانی چنین تصویر میکند: قد متوسط، جسم‌نیرومند، رنگ قهوه‌ای، زلف‌سیاه‌باامواج‌درشت، ابراوانی پرپشت که بر چشم سایه میاندازد، بینی بزرگ و عقابی که بروی لب خم شده، فک‌پائین قوی و چهارگوش، گونه برجسته‌و گلرنگ، گردن کوتاه و نگاه سخت.

بعضی از تیره‌های بختیاری را از اصل ترک دانسته‌اند مانندگوندولوزها و جانکی‌ها و چون مدارک قدیم تاریخی دربارهٔ بختیاریان سخنی‌نمی‌گوید و ظاهرا" اولین اشاره باین ایل مربوط بسال ۵۷۵هـ.ق. است، شاید بتوان نژاد آنان را ـ مخلوط تر و ناخالص‌تر از نژاد لری دانست. هر چند که برخی از آنان نیز مانند بختیاریهای‌ساکن‌کلیانکوه‌واشترانکوه‌بقول‌دمورگان: "نمونه‌هائی‌هستند‌بسیار نزدیک به نمونه‌های ایران باستانی."

لران‌وبختیاری‌ها نیزمانند بسیاری ایلات و عشائر به حشم‌داری و تاحدودی بزراعت میپردازند و بعضی تخت قاپو شده و برخی هنوز چادرنشین هستند.

حاج‌عبدالغفار نجم‌الدوله در " سفرنامهٔ خوزستان وعربستان" خود (سال ۱۲۹۹ هـ.ق) بختیاریان را بدین مضمون توصیف میکنند.

" تمام‌بختیاری‌به‌دوایل بزرگ‌هفت‌لنگ و چهار لنگ تقسیم میشود، طوائف هفت‌لنگ که هر کدام بچند شاخه و تیره قسمت میشود ازاین قرار است: دورکی، باباوی ـ راکی ـ بختیاری‌وند ـ دیناران ـ جانکی ـ محمود صالح ـ ملاملکوئی، تفی و میونه. اما چهارلنگ آن هم بر چند شاخه و تیرهٔ قسمت میشود، نواهمّش اینهاست: چقاخور ـ شوراب ـ زرین‌خانه ـ میرزابیرخان ـ چهل‌چشمه ـ قلعه‌هما ـ میانگون ـ بربرود و جاپلق.

ییلاق و قشلاق بختیاریها بین حوالی اصفهان (چهار محال) تا فارس و خوزستان (مرز ایلات قشقائی) صورت میگیرد.

طوائف‌عمدهٔ‌لرازاین‌قرارهستند: کاکاوند، مومند، کولی‌وند، حسن‌وند ـ پروند، دال‌وند، گیرامال، سگوند، دوجالی، زیودر، دالیج، کالاوی، ـ حیات غیبی، کوشکی، چگنی، پاپی، حسن‌وند، جودکی، دیرک وند،

اما عشائر عربی زبان در خوزستان و سواحل خلیج‌فارس منزل دارند و از دامپروری، ماهیگیری، پرورش‌نخل وبعضی‌پیشه‌ها امرار معاش میکنند. طوائف مهم عرب‌زبان‌بدین‌قرارند: یکی‌ازایلات خمسه فارس چنان که مذکور شد)، بنی‌طرف، بنی‌کعب، آل خمیس، آل حمید، آل کثیر، آل ضیغم، شرفا، بنی صالح، ـ بنی حروان بنی قاطع، بنی عجربیش، بنی‌مالک، بنی‌تمیم وعده‌ای‌ایلات کوچک دیگر.

ازجمله طوایف شایان توجه: صابیان هستند که در نقاط مختلف خوزستان پراکنده‌اند و بصنعت زرگری میپردازند و در آن تخصص دارند.

در آخر مقال باید از بلوچ‌ها ذکر کنیم که نه فقط دربلوچستان‌ایران سکونت دارند بلکه‌درسیستان‌وکرمان حتی خراسان و نیز در خارج از مرز ایران (پاکستان)

زندگی میکنند و لهجه‌های ایرانی و مذهب سنی و احیانا " شیعه دارند و بشیوه‌های مختلف معیشت از زندگی ایلی و چوپانی گرفته تا دهقانی و نخل‌داری و بازرگانی میان ایران و پاکستان اشتغال جسته‌اند ولی اکثریت همان چادرنشین وحشم دارند .

طوائف مهم ایشان : یار احمد زائی ، میرعبدی ، ناروئی ، ریگی ، سارانی ، سراوانی است .

بلوچ‌ها را نژادشناسان چنین توصیف کرده‌اند :

" بلندقد ، بینی بلند و برجسته ، موی پرپشت سیاه ، چشم سیاه یا کبود پوست گندم‌گون ، " و بنظر میرسد که بلوچهای باستانی براهوئی در برابر تهاجم آریان‌ها بجنوب شرقی رانده شده و به مکران (بلوچستان امروزی) رسیده‌اند .

گروههای نژادی دیگر :

علاوه‌برگروههای نژادی‌وزبانی‌که ذکر شد باید در این جااشاره‌ای به‌طوایفی چون‌کولی‌ها ،وجوامع مذهبی مانند ارامنه و یهود بشود درباره‌ٔ اصل و منشاءکولی یا لولیها اطلاعات درستی نداریم ، بعضی آنان را عرب ، پاره‌ای از اصل هندی و برخی حتی‌از ریشه‌ٔ مصری دانسته‌اند ، در هر ناحیه‌ٔایران به آنان نام مخصوصی میدهند ، مثلا " لولی در کرمان ، کولی در فارس، قراچی در آذربایجان ، غرشمال درخراسان واصطلاحات : غربتی، چنگانه و زنگاری هم بمناسبات دیگر درباره‌ٔآنان چه در ایران و چه در ممالک مجاور بکار رفته است .

زبانشان‌را "غربتی "خوانند و در نواحی مختلف ایران مختصر تفاوتی‌میکند . مشاغل ایشان بعضی صنایع و حرف‌دستی چون غربال بندی و آهنگری و بالاخره دامپروری است و بکارهائی مانند فالگیری و طالع‌بینی هم اشتغال دارند . میتوان بقرابت ایشان با لولیان را مشکری که بهرام‌گور بایران آورد ودر شاهنامه مسطور است حکم نمود .و این طایفه با جیپسی (Gipsis) و بوهمین (Bohemiens) ها در اروپا و کروسوروها در جنوب هندوستان از ریشه‌ٔ واحدند .

ارامنه که‌دردوره‌ٔ صفویه‌به ایران کوچ داده شدند در چند مرکز مهم اقتصادی تمرکزیافته‌اند : تهران ، اصفهان ، (جلفا) ، تبریز و همدان و بزبان مخصوص خود تکلم‌میکنند . شاه‌عباس‌کبیرنه فقط ارامنه را از جلفای ارس در ارمنستان به اصفهان کوچ دادبلکه گروهی را نیز به گیلان برد ولی این دسته‌ٔ اخیر تاب اقلیم و شرایط زندگی آنجا را نیاورده متفرق و نابود شدند .

امایهودیان‌گرچه از جهت فرهنگ و مذهب از ایرانیان متمایز هستند ولی از نظر نژادی و جسمانی تفاوت اساسی با اکثریت مردم ایران ندارند و آنها نیز در مراکز تجاری مرکزی ایران متراکم گردیده‌اند.

شماره‌ٔنفوس‌اقلیت‌های‌نژادی‌ومتکلمین بزبانهای ایلی که نام بردیم بدرستی معلوم‌نیست و پراکندگی آنها در نقاط مختلف مملکت و آمیختگی، با سایرین کار تخمین را دشوار میکند. بموجب یک تخمین (اداره‌ٔ آمارعمومی، مجله‌ٔ آمار در ایران، شماره۱ــ دی‌ماه ۱۳۳۸) شماره‌ٔ اقلیت‌های مهم ایران از جهت زبان‌بدین ترتیب است،

زبان و لهجه	تعداد متکلمین بر حسب نفر
ترکی	۳۹۱۰۰۰۰
گیلکی	۱۱۶۰۰۰۰
لری	۱۰۸۰۰۰۰
کردی	۱۰۶۰۰۰۰
مازندرانی	۹۲۰۰۰۰
بلوچی	۴۳۰۰۰۰
عربی	۳۸۰۰۰۰
ترکمن	۳۳۰۰۰۰
ارمنی	۱۱۵۰۰۰

و بـانگرش‌به نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبان ماه سال ۱۳۵۵ کل کشور (منتشره‌ازطرف مرکز آمار ایران) تعداد اقلیت‌های مذهبی بشرح‌زیرمی‌باشد.

کلیمی	۶۲۲۵۸	نفر
زرتشتی	۲۱۴۰۰	نفر
ارمنی	۱۰۳۱۶۳	نفر
آسوری	۲۵۵۵۱	نفر
دیگرمسیحیان	۳۹۸۷۹	نفر
وادیان دیگر	۵۹۵۸۵	نفر

مجموع اعداد فوق ۱/۲ درصد کل جمعیت کشور راتشکیل می‌دهد.

دراینجابی مناسبت‌نیست مختصری‌از زندگی کوچ‌نشینی در ایران سخن‌بمیان آوریم،مطلب زیر از کتاب جغرافیای انسانی تالیف دکتر ودیعی فصل انواع معیشت و سبک زندگی در ایران استخراج شده است.

ارکان‌عمده واصلی زندگی و معیشت مردم سرزمین ایران از دیرباز مبتنی بر چند رشته دامپروری و کشاورزی و صنایع یدی روستائی و شهری و صنایع استخراجی بوده و اگر صنایع کارخانه‌ای و مصرفی جدید را بر آن بیفزائیم در حال حاضر نیز چنین است. نه تنها طی دوره تاریخی بلکه بیشتر از آنهم در این سرزمین انواع معیشت‌یاد شده‌سابقه‌داشته‌اند. نهایت آنکه بعضی‌رشته‌ها و معیشت‌ها از قبیل‌اقتصاد تجاری‌شهرهاو صنایع استخراجی طی صد سال اخیر در رونق و وسعت افتاده ومراکز تجمع انسانی جدید و چشمه درآمدهای تازه‌ای را در مجموعه اقتصاد ملی بنیان گذارده‌اند.

انواع معیشت فوق‌الذکر هر یک در هر دوره تاریخی و بحسب درجهٔ تمدن و بهره‌مندی‌ازتکنیک‌همان‌دوره سبک‌های زندگی مختلفی را موجب شده است چنانکه نوع معیشت دامپروری سبک زندگی ایلاتی و کوچ‌نشینی را پدید آورده و نوع‌معیشت کشاورزی‌سبک زندگی یکجانشینی روستائی را موجب گردیده است و تجارت‌و صنعت باعث‌ترقی و توسعه طبقه شهری و صنایع استخراجی و ماشینی سبک و سنگین موجب پیدایش طبقه کارگرو سبک‌زندگی کارگری صنعتی و ظهور طبقه متخصص شده است.

مقدمتا "باید دانست که با توجه به درجه تمدن دو نوع زندگی در جماعات مختلف ایران می‌توان تمیز داد یکی زندگی کوچ‌نشینی و دیگری زندگی یکجانشینی که درحقیقت‌دو پدیده اصلی جماعات بشری است. بدیهی است زندگی کوچ‌نشینی اساسا" و عمدتا" مبتنی بر دام داری و گله‌و یا رمه‌گردانی و بطور کلی پرورش دام است وزندگی یکجانشینی مبتنی بر زراعت و صنعت و تجارت می‌باشد. چون اغلب صفحات‌کتاب‌در برگیرنده‌موضوعات مربوط‌به زندگی یکجانشینی است، بطورخلاصه ازندگی‌کوچ‌نشینی درایران‌رادراین‌بخش‌مورد شناسایی‌قرارخواهیم داد.

کوچ نشینی در ایران

چنانکه میدانیم تحت عنوان کوچ‌نشینی می‌توان کلیه انواع معیشت‌وزندگی مبتنی‌برامرجابجائی گروههای انسانی را اعم از دائمی و یا موسمی طبقه‌بندی‌کرد. امر جابجائی و تغییر مکان ناشی از شرایط‌و مقتضیاتی است که قلمروهای طبیعی و جغرافیائی‌انسان‌بوی‌تحمیل‌کرده و امکانات ارتزاق و تأمین معاش را فراهم میسازد. بدیهی است این ارتزاق در مراحل ابتدائی ممکن است بجز از راه پرورش حیوان‌از

طریق صید و شکار نیز تأمین شود . بهر حال هر منطقه و محیط طبیعی که نتواند حداقل غذای تمام سال مردم خود را تهیه کند آنانرا به کوچ و جابجائی وامیدارد .

زندگی کوچ‌نشینی را درایران بدون توجه به این پدیده در سراسر نواحی نیمه خشک آسیای مرکزی و آسیای جنوبغربی و خاور نزدیک وافریقای شمالی نمی‌توان درک کرد . این قلمرو وسیع که در حدود یکصد درجه طول جغرافیایی را در عرضهای ۲۰ الی ۴۵ درجه شمالی در بر میگیرد ، در داخل خود بواحدها و مناطق جغرافیائی مختلفی تقسیم می‌شود که هر واحد با توجه باستعدادی که دارد نوع معینی از حیوانات را در اختیار کوچ‌نشینان گذارده است . معهذا می‌توان چند نوع اصلی مثلا "شترمخصوص نواحی صحرائی و پیرامون آن و گوسفند یا بز مخصوص نواحی نیمه خشک استپی و گاو مخصوص دره‌های پر آب و علف را مشخص داشت .

در آسیای جنوبغربی وحدت اقلیمی و وحدت پوشش گیاهی موجب وحدتی در زمینه نوع معیشت انسانی شده که دامپروری و کوچ‌نشینی یکی از مظاهر عمده آنست . منتهی باید دانست که مردم کوچ‌نشین ایران همگی از روز نخست بومی این سرزمین نبوده‌اند و بعضا "ازآسیای مرکزی باینجا آمده و تحت تأثیر معیشت قبلی و استعداد سرزمین تازه یعنی ایران بهمان شیوه زندگی کوچ‌نشینی خود ادامه داده‌اند . تا آنجاکه گاه اقتصاد روستائی بعضی نواحی ایران را بر هم زده بجای زراعت برپایه دامپروری آنرا استوار ساخته‌اند .

انسان‌ها درطول زمان بدونوع عمده کوچ‌نشینی در مسافات کوتاه و بلند ، در ارتفاع و در سطح یعنی در بین کوه و دشت و بین سردسیر و گرمسیر دست زده‌اند که نوع نخستین راکوچ عمودی و دومین را کوچ افقی نیز نامیده‌اند . این دو نوع کوچ‌نشینی که در ایران و درتمام آسیای جنوبغربی تحول یافته است از لحاظ جغرافیایی و اکولوژی مبتنی بروجود دو دسته مرتع و چراگاه است که دسته اول در تپه‌ها و کوهستانهای بزرگ قراردارد و معمولا " مرتع و چراگاه تابستانی است و دسته دوم در دشتها قرار دارد و معمولا " مراتع زمستانی و اوایل بهار است . نوعی دیگر چراگاه موقتی ویا متوسط نیز وجود دارد و آن عبارتست از زمین‌های زراعتی بهنگام پائیز ، یعنی وقتی که محصول برداری تمام شده و حیوان می‌تواند با چرا در اراضی از زیر کشت بدرآمده ساقه‌ها و مانده‌های غلات و علفهای هرزه را خورده و با نفس و کود خود زمین را هم تقویت کند .

عوامل جغرافیائی درپدیدآوردن و وسعت بخشیدن چراگاه‌ها بسیار موءثراند . ازجمله مهمترین عوامل میزان ارتفاع است . فصل باران در کشور ما زمستان واوایل

بهار است و میدانیم که در مناطق مرتفع تر همین بارانها بصورت برف بروی زمین می‌مانندو بمحض‌گرم شدن‌زمین و هوا در آغاز بهار زمین فرصت می‌یابد تا رطوبت قابل ملاحظه‌ای‌را در خود نگاهدارد .

نظربا‌ینکه‌کوهستان همیشه درجه حرارت پائینی را بنسبت دشت دارد این رطوبت‌همراه با هوای خنک درآن‌جا در تمام طول تابستان باقی می‌ماند و پوشش علفی براثر آن امکان رشد می‌یابد . بافرارسیدن پائیز و پس از آن سرمای زمستانی و برف، دوران استفاده از این مراتع کوهستانی خودبخود کوتاه می‌شود و درین هنگام است‌که کوچ‌نشینان بدشت‌می‌روند و یا آنکه بمناطق گرمسیر روی آور می‌شوند .

و امادردشتهای بزرگ و وسوزان نظیر دشتهای مغان و ترکمان و خوزستان، زمین‌بعداز برخورداری از بارانهای زمستانی و استفاده ازگرمای نسبی دشت‌پوشش علفی خود را در زمستان رویانیده و در آغاز بهار آنرا به حد اعلای رشد میرساند معهذا بمحض قطع باران و شروع گرمای تابستانه این پوشش‌علفی می‌سوزد و تنها گیاهانی‌که‌اندامهائی‌متناسب بااقلیم گرم و خشک صحرائی دارند مقاومت‌می‌کنند .

استفاده از مراتع سه گانه فوق ممکن است تحت لوای زندگی نیمه روستائی

یکی‌ازمهمترین عوامل جغرافیائی موءثر در توسعه زندگی کوچ‌نشینی درایران کمی‌فاصله‌بین‌نقاط‌گرمسیرو سردسیر است. این عامل موجب شده تا امر کوچ بمانع مهمی برنخورد .

قلمروهای عمدهٔ کوچ‌نشینی در ایران:

رشته‌کوههای‌زاگرس از مهمترین قلمروهای زندگی کوچ‌نشینی درایران است و چنانکه‌خواهیم دید طوایف کرد و لر و بختیاری‌ها و قشقائی و ایلات خمسه ودیگر ایلات فارس از کوچ‌نشینهای مهم مناطق کوهستانی ایران می‌باشند .

علاوه بر این در منطقه جنوب‌شرقی بحرخزروشمال خراسان نیز ترکمانان به کوچ‌نشینی مشغولند . در میان ایلات غرب و جنوب ایران بعض شاخه‌های ایلات‌کرد روزبروز گرایش و تمایل بیشتری به امر اسکان از خود نشان میدهند .

ایلات بختیاری و قشقائی و شاهسون‌ها در مسافات بعید و ایلات کرد در مسافات کم‌جابجا می‌شوند . نمونه کامل زندگی کوچ‌نشینی و رمه‌گردانی را باید در میان همین ایلات بختیاری و قشقائی یافت که دسته اول بکرات از طرف محققین خارجی‌مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و زندگی کوچ‌نشینی ایلات بختیاری از هرنظر قابل‌ملاحظه‌وهنوزهم بکرو تا حدودی دست نخورده است. گله‌های این ایل بزرگ تابستان را در مناطق سردسیر و کوهستانی بختیاری و دامنه‌های زرد کوه و کنار



بختیاری



زابلی



قشقائی



ترکمن



کرد



بلوچ

چهره‌هائی از مردم کوچ نشین مهم ایران

زاینده‌رود می‌گذارنندو بهنگام زمستان متوجه جلگه‌ها و دشتهای گرمسیر خوزستان می‌شوند. ایلات فارس نیز بین مناطق شرقی و غربی و شمالی و جنوبی سردسیر و گرمسیر می‌باشد. فی‌المثل ایل باصری که یکی از شاخه‌های اتحادیه ایل خمسه است در قلمروی بطول ۲۰۰ میل وبعرض ۲۵ الی ۵۰ میل در امتداد یک خط تقریبا "شمالی جنوبی از کوه پل الی تپه‌های مغرب لار رفت و آمد می‌نمایند.

علاوه‌برنواحی غربی در دیگر نقاط ایران نیز زندگی کوچ‌نشینی بنیان دارد. منتهی غالبا" دیده می‌شود که بخش‌عمده‌ای از مردم یک ایل ساکن و لگن گله و رمه آنها در معیت گروه کوچکتری درحال کوچ‌است. مثلا" قریب به نصف ایل کلکو ساکن‌شهر و اطراف قم بوده و بقیه حیوانات خود را در جستجوی مرتع و چراگاه همراهی می‌کنند. در بخش شمالی خراسان کوههای اطراف مشهد و دشت سرخس قلمروکوچ‌نشینانی است‌که گوسفندان قره‌گل آنان معروفیت دارد و در همین حالت بسر می‌برند. در ایلام و پشتکوه و بسیاری نقاط دیگر غرب و شمال و جنوب ایران از این قبیل ایلات نیمه کوچ‌نشین رفته رفته افزون می‌شوند.

قلمرو جغرافیایی ایلات ایران عمدتا" غرب و جنوب شمالغرب و شمالشرق و بعداز آن‌نواحی جنوب شرق و دست آخر نواحی پیرامون کویر است و کمال زندگی کوچ‌نشینی واشکال تحول‌وتوسعه یافته آنرا در غرب بهتراز هر جای دیگر می‌بینیم.

در جدول‌صفحه‌های‌بعدی که از کتاب ایرانشهر نقل شده نام ایلات، طوایف و تعداد خانوارها و کیفیات زندگی و مشخصات دیگر آنان تقدیم شده است.

عشایر ایران (۱)

عشایر ایران جامعه سوم سرزمین ایرانند. جامعه اول جامعه شهری است که در معرض دید است و تماشاگه‌خاص و عام. جامعه دوم روستائیانند که آگاهی به‌وجود آن عمومیت دارد. جامعه سوم عشایر ایرانند. جامعه‌ای تقریبا "نامرئی‌که ماهیت واقعیت آن تقریبا" ناشناخته و معرفت به ابعاد و احوال آن اندک است. این منظرهٔ ملت از این سوی تاریخ است.

با نگاه از آنسوی تاریخ جامعه عشایر جامعه اول و جامعه‌غالب و جامعه اصلی این سرزمین است که بتدریج و به مرور زمان بر بستر جریان زندگی خویش دهات و روستاها را رسوب میدهد و جامعه دوم را پدید میآورد وشهرها در بطن جامعه دوم تکوین می یابند و جامعه شهری زاده میشود وبه مرور دهور رشد میکندو بزرگ و بالنده میشود و تبار و ریشهٔ خود را از یاد میبرد.

عشایر کیستند:

برای این‌سئوال تنها یک جواب صحیح و منطبق با منطق علمی وجود دارد: مردمیکه سازمان و ساخت‌اجتماعی طایفه‌ای دارند و خود شاعر به چنین ساختی بوده‌و غالبا "بدان مباهی هستند. مراد از ساخت‌و سازمان اجتماعی طایفه‌ای آن است که انسان خود و خانوادهٔ خویش را عضو یک گروه بزرگ خویشاوند بداند که نام آن بطور معمول طایفه‌است چند یا چندین طایفه یک ایل را تشکیل میدهند.

البته‌سازمان اجتماعی همیشه از چنین الگوی‌ساده‌ای تبعیت نمی کند و داستان در هر ایل یا در هر منطقه عشایری وضع ویژه‌ای دارد. در بختیاری مثلا" بین طایفه و ایل حلقه‌ها و زنجیره‌های اجتماعی دیگری وجود دارد، طایفهٔ "**بامدی**،" برای مثال، به‌گروه‌ایلی "دورکی‌باب" پیوسته‌است که گروه ایلی دورکی‌باب و سه‌گروه‌ایلی دیگر شاخهٔ "**هفت لنگ**" ایل "**بختیاری**" را

---

۱ ـ استخراج از فصلنامه کوچ بهار ۱۳۶۲



عشایر کشاورز اصفهان

تشکیل میدهند شاخه‌های هفت لنگ و چهار لنگ‌مجموعا" ایل بختیاری را به وجود میآورند. طایفه‌ها در ایل بختیاری به‌اجزاء پائین تری تقسیم میشوند و در این ایل سازمان اجتماعی دارای شبکهٔ وسیع و چند سطحی است. همین طایفه بامدی به دو تیره **سراج دین** و **کشکی** تقسیم میشود و تیره سراج دین، برای مثال، به پنج تش **احمد فردینی**، **کوهی**، **ادیوی**، **برام و درویش میرحاج** تقسیم میشود. هریک‌ازاین‌تشها بد نوبهٔ خود به چند اولاد تقسیم میشود: احمد فردینی وادیوی هریک به چهار اولاد، کوهی‌و برام هریک به شش اولاد و درویش میر حاج به دو اولاد. در هر یک‌از این اولادها تعدادی"**مال**" وجود دارد. هر مال که معمولا" از چند و گاهی از چندین"**یهون**" یا **سیاه چادر** تشکیل شده‌است واحد اجتماعی‌و اقتصادی عینی و مشهود جامعه عشایری است. واین مال در واقع بمثابهٔ آبادی یا ده عشایری است ـدهی که حرکت میکند و در سال‌چند بار جابجا میشود، و طول مسیر جابجائی که همان مسیر کوچ باشد، برای هر آبادی عشایری معمولا" حدود معینی است و تقریبا" از چند کیلومتر تا ۵۰۰ کیلومتر است. این آبادی یا واحد کوچندهٔ عشایری که در عشایر بختیاری و در عشایر لر حوزه زاگرس"مال" نامیده میشود در جماعتهای عشایری دیگر عنوان دیگری دارد. به یک آبادی عشایری در ایل قشقائی"**بنکو**"، در شاهسون های آذربایجان"**ابه**" میگویند عشایر بلوچ آبادی عشایری خود را"هلک" یا"**الک**" می نامند به واحد کوچنده، عشایر استان کرمان"**احشوم**"می‌گویند.

عشایر و نظام معیشت

عشایر به‌توصیفی که از آن بعمل آمد از لحاظ نظام‌معیشتی بر دو گروهند اول گروهی که‌نظام معیشت شبانی دارند و دوم گروهی که‌نظام معیشت روستائی و کشاورزی دارند. گروه اول که در نظر عده‌زیادی از مردم فقط آنها عشایر هستند عموما"مردمی دامدار وگله‌دار هستندو دامداری پایه اصلی و اساسی معاش آنها را تشکیل میدهد.

نکته‌ای که در این رابطه باید خوب درک شود آنست که دامداری، عشایری، دامداری دوران‌اقتصاد شبانی است و از نظر شیوهٔ تولید و نیز ارزشهای اجتماعی با دامداری صنعتی و دامداری روستائی تفاوتهای معنی‌دار دارد.

دام‌عشایری اگـر چه دام است ولی مخصوصا" با تلقی‌برنامه‌ریزی همـــان‌دام روستائی یا دام واحدهای صنعتی نیست.

دام عشایری علاوه بر اینکه دامی صحراگرد و مهاجر و پرتحرک و طبیعت‌گرا است جزئی از نظام زندگی مردم عشایری است.

دام عشایری هم وسیله و هم هدف زندگی صاحب خویش است. صاحب دامداری صنعتی اگر با ضرر مواجه شود شغلش را عوض میکند، صاحب دام روستائی اگـر آذوقه نـداشته باشد آنرا می فروشد امّاانسان‌عشایری معمولی و تودهٔ جامعه‌آنچنان به دام خویش وابسته‌ست که‌زندگی بی دام برایش متصور نیست و آن‌نوع خاص دامداری شبانی را سرنوشت‌محتوم و اجتنا ب‌ناپذیر خود میداند. اگر سال پرباران باشد و مراتع به برکت باران پرعلف باشد انسان عشایری که دام‌نسبتا" کافی‌داشته باشد (حدود ۱۰۰و بیشتر) روزگـار خوشی دارد اما در سالهائی که آسمان‌بر زمین بخیل میشود و خشکسالیها رخ مـینمایند و صحراها و بیابانهادر ییلاق یا در قشلاق یا در هر دو جا خـشک و تهی از علف میگردند دام‌های عشایر نیز ابتدا بی‌رمق و لاغر میشوندو مرگ و میر در آنها میافتد و یکی بعداز دیگری میمیرند. در چنین سالهائی که ایام سختی و بدبختی عشایر را در بردارد حتی اگرَ ده گوسفند از مثلا" صدگوسفند او زنده بماند شیوهٔ زندگی خود را ترک‌نمی کند و به کوچ خود از سردسیر (ییلاق) به گرمسیر (قشلاق) و از گرمسیر به سردسیر ادامه میدهد.

کوچ

عشایر درآغاز فصل سرما ناحیهٔ ییلاق را ترک میکنند وبه سوی قشلاق حرکت‌میکنند و در آغاز فصل‌گرما از قشلاق راهی ییلاق میگردند. در هر یک از این حالات خانه که بهتر است‌آنرا سرپناه قابل حمل بنامیم جمع میشود و با شیوهٔ خاصی تا زده‌میشود تا قابل حمل به وسیله چهارپایان گردد. سرپناه و اسباب و اثاثه خانه مانند فرش و ظرف و رختخواب و کیسه‌های آذوقه بر پشت حیوانات بارکش بار میشود و ازمنزلی به‌منزل دیگر حمل میگردد. این عمل را کوچ میگویند. درکوچ رمه‌و عشایر نیز همراه‌آنهاست و خانـوارهای عضو یک آبادی عشایری (مال ــ ابه ــ بنکو ــ هلک ــ احشوم و غیره) باهم کوچ میکنند

و مجموعه آبادیهای متعلق به یک‌طایفه یا انشعابات پائین‌تر ازطایفه تقریبا" همزمان‌یعنی در یک‌فاصله زمانی حدود دو هفته اقدام به‌کوچ می نمایند.

زمان‌کوچ،طول مدت کوچ، فاصله بین منزل‌گاهها و مدت توقف در هر منزل تابع وضع جغرافیائی و مخصوصا" تابع وضع اقلیمی مسیر کوچ است. عشایر سیستان مثلا" در اوایل اسفندماه به‌سوی ییلاق کوچ میکنند.

بختیاریها در اواخر فروردین و اوایل اردیبهشت ماه رهسپار مقصد ییلاقی میشوند. طایفه‌های وابسته‌به ایل **چرام** در کهگیلویه نیز در حدود اردیبهشت ماه عازم ییلاق میشود. طول مدت کوچ نه تنها بین‌عشایر مختلف متفاوت‌است بلکه در بعضی موارد یک‌آبادی یا واحد کوچنده‌ٔ عشایری هنگام کوچ از قشلاق به ییلاق‌کند و آهسته حرکت میکند و در هر منزل اقامت چند روزه مینماید اما در کوچ از ییلاق به قشلاق سریع و شتابا ن حرکت میکند و خیلی‌زود خود و رمه اش را به مقصد میرساند. مثلا" عشایر سیستان فاصله بین دریاچه‌ٔ هامون سیستان و نواحی ییلاق خود را در جنوب خراسان در طول مدت ۳۰ تا ۴۰ روز طی میکنند لکن همین عشایر هنگام بازگشت از ییلاق همان مسیر را در هفت تا ده‌روز طی‌می نمایند. این بار مسافت بین‌منزلگاه‌ها طولانی است و هلک عشایری‌معمولا" حدود نیمه‌شب به حرکت درمی‌آید و تا پیش از ظهر روز بعد راه میرود وسپس در منزلگاه مشخصی که دارای چشمه یا چاه دارای آب آشامیدنی باشد "بار"می‌اندازد و تا نیمه‌های شب‌بعد به مراقبت دامهای خود می‌پردازدوسرشب‌قدری‌استراحت میکند و حدود نیمه‌های‌شب دوباره به سوی مقصد بعدی‌کوچ‌میکند. علت این شتاب و آن بی شتابی را توضیح میدهیم و در زمان‌کوچ ییلاقی‌هوادر اعتدال است و به علت ریزش باران در بیابانها در اینجا و آنجا در گودال‌ها و محوطه‌هاآب‌جمع شده‌است‌وصحراها سبز شده‌اند و بعلاوه در نقطه‌ٔ مقصد هنوزهواسرداست و علفها یا هنوز نروئیده‌اند و یا رشد کافی نکرده‌اند بنابر این عشایر سیستانی با آرامی و با توقف های چندروزه در هر منزل بین راه به سوی سرزمین ییلاقی خود پیش می روند.

اماهمین‌مسیردرحدود تیرماه‌که‌زمان کوچ از ییلاق به قشلاق است به بیابانی خشک‌وسوزان‌وبی‌آب‌تبدیل‌شده‌است‌که درنگ‌و توقف موجب مرگ و نابودی میگردد بعضی از کارمندان دولت مانندآمارگران، ماموران بهداشت‌و درمان و یا کسانیکه میخواهند خدمات دامپزشکی به عشایر بدهند تصور میکنند که در این مسیرها و یا

به‌اصطلاح خویش در "گذرگاهها" میتوانند به‌این مردم دسترسی پیدا کنند. اما بایستی عنایت شود که در این زمان گرفتاری و مشغلهٔ عشایر به بالاترین حد خود میرسد و فرصت پاسخگوئی به ماموران دولت را ندارند. معمولا" مناسبترین زمان برای‌تماس‌با مردم عشایری، چه برای عرضهٔ خدمات اجتماعی و اقتصادی به آنان وچه‌برای‌کسب‌اطلاعات آماری و تحقیقاتی از ایشان‌حدود یکماه پس‌از استقرار در منطقهٔ ییلاق یا قشلاق است.

براساس‌تحقیقات‌انجام شده، انگیزه‌های کوچ عشایر عبارتند از:

۱ ــ جستجوی مرتع، ۲ ــ تغییر آب و هوا، ۳ ــ گرد آوری بلوط یا محصول دیگر، ۴ ــ عادت، ۵ ــ مسائل اقتصادی مثل تفاوت کالاهای مصرفی.

تاریخچهٔ ایلات و عشایر ایران (۱):

در باره واژهٔ "ایل" در دائرةالمعارف فارسی چنین آمده است: "ایل، لغت ــ ترکی یااویغوری، به معنی (۱) صلح و انقیاد، (۲) قوم، طایفه و ملت، (۳) رعیت وتابع (۴) مردم اهل‌شهرویاولایتی. این‌لغت‌ازعهدمغول‌درتاریخ‌ایران مکرر بصورت مفرد و در ترکیبات بکار رفته و ایل به‌معنی انقیاد و متابعت نیز استعمال شده" و مفهوم وسیعتر آن در همان دائرةالمعارف زیر عنوان "**ایلات**" یا "**ایلیات**" چنین است. (ایلات یا ایلیات، عنوان مجموع عشایر و قبایل مختلف و مجزی که بطور مستقل، والبته (لااقل‌اسما") به حالت تابع وایلی‌نسبت‌به‌حکومت‌مرکزی، در نقاط مختلف مملکت‌تحت‌ریاست‌مطلق‌ایلخانی‌ها‌وایل‌بیگی‌های خویش‌غالبا" به تربیت احشام و چادر نشینی و گاه به زراعت معیشت کرده‌اند و میکنند.

تعداد ایلات و عشایر ایران زیاد است، و آداب ورسوم و طرز معیشت آنها نیز با یکدیگراختلاف‌بسیاردارد، ولیکن بطور کلی کوچ مرتب سالیانه بین‌ییلاق و قشلاق، دوری‌وبرکناری‌ازلوازم تربیت‌مدنی و زندگی در سیاه چادرها (قره‌چادر)، و تربیت مواشی، ازاوصاف مشترک‌آنهاست. مطالعه‌دراحوال‌این‌عشایر، که‌عامل‌عمده‌ای‌درحیات اقتصادی‌واداری‌ایران هستند، اهمیت‌تمام دارد. ایلات‌ایران از قدیم در خدمات نظامی‌بوده، در واقع تا عهد ناصری (قبل از بریگاد قزاق) عمده سوار نظام ایران همواره‌از آنهابوده‌است، وغالبا" نیزازفوج‌سواری‌که هریک‌از آنها به دولت میداده،

---

۱ ــ استخراج از مجموعهٔ کوچ شماره اول پائیز ۱۳۶۱

دسته‌هائی نا منظم از آنها هم بنام "سوار ردیف" بمنزله ذخیره آماده‌ء خدمت بوده‌اند. ایلات گاه حق چرا و هدایای جنسی (مخصوصا "از احشام و اغنام) به عنوان مالیات به دولت‌مرکزی‌پرداخت میکرده‌اند. ایلات ایران در مواقع ضعف حکومت‌مرکزی و ایام‌فترت گاه با ایلات دیگر و گاه با حکومتهای بلاد مجاور خویش نزاع و اختلاف داشته‌اند. در عهدناصری اداره مخصوصی برای رسیدگی به امور ایلات‌درتهران‌وجودداشته، وغالبا "ریش‌سفیدان‌ایلات‌مورد توجه بوده وابوابجمعی و فرماندهی افواج و سواران ایلیات اغلب تحت نظر ریش‌سفیدان خود آنها بوده است.

در معنی‌تمامی واژه‌های‌عشایر، ایلات، قبایل و طوایف یک اصل مهم وجود داردوآنهم تسلط بافت‌خویشاوندی در سازماندهی‌این گروههای انسانی‌است که در تمامی‌شئون زندگی آنان اعم‌از فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تاثیر مستقیم دارد. آنچه‌که‌مسلم‌است، جامعه‌ء ایران‌از نقطه ضابطه‌ها و معیارهای فرهنگی و اقتصادی به سه‌دسته‌تقسیم شده‌است. که میتوان‌آنها را بنامهای جوامع شهری، جوامع روستائی و جوامع ایلی خواند.

جامعه ایل نشینی کل واحدی راتشکیل میدهد که عوامل مشترک آن عبارتند از:

۱ -- پرورش حیوانات‌گیاهخوار، کوچ‌نشینی و داشتن خانه‌های متحرک و سبک و قابل حمل و نقل که‌ناشی از سیستم پرورش همین‌حیوانات گیاهخوار است.

۲ــ سازمان‌اجتماعی‌سلسله‌مراتب‌که‌یکی‌ازعلل‌چنین‌سازمانی‌نظام‌خویشاوندی نیائی‌وپدرتباری‌و عشیره‌ای است که سیاست اداره‌ء نظام درون ایل نیز منتج از آن است.

۳ ــ نظام پیچیده‌ء اقتصادی که ناشی از سیستم اجتماعی و سیاسی هرمی و نیزازشیوه‌ء اقتصاد مبتنی به دامداری است. این عوامل از یکدیگر غیر قابل تفکیک بوده‌ودرمجموع، همانطور که گفته شد، کل واحدی را بوجود می‌آورند که‌همه‌ء مسائل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه ایل نشین را در برمی‌گیرد.

کشاورزی‌غلات، بیشتر بصورت کشت دیم در دو منطقه ییلاق و قشلاق و کمتر به‌حالت‌کشت آبی ــ که کشت آبی در محدوده روستاها و غالبا "بوسیله افراد یکجا نشین ایل عمل‌میشود ــ شغل جنبی آنها را تشکیل میدهد و تا اندازه‌ای پاسخگوی نیاز درونی ایل است.

صنایع دستی از نوع ریسندگی و بافندگی ، که از شیوهٔ تولید دامپروری نشأت می‌گیرد ، یکی دیگر از اشتغالات افراد ایل است که بصورت محدودی انجام می‌گیرد ودر چهارچوب نظام تقسیم کار ، به عهدهٔ زنان است که اگر با برنامه ریزی دقیق به آن توجه شود یکی از منابع درآمد ایل خواهد شد .

راجع به تاریخ پیدایش زندگی ایل نشینی در ایران نظریات گوناگونی وجود دارد . عده‌ای معتقدند که زندگی ایل نشینی و کوچندگی ، که بر مبنای دامداری وچرای فصلی حیوانات گذاشته شده است ، از آغاز در این سرزمین وجود داشته است . انسان شکارگر اولیه بتدریج ، در ضمن شکا رتک تک دامها ، پی به مسیر فصلی و خط سیر مهاجرت های آنها برد و بدنبال آنها راه افتادو با همین حیوانات ییلاق و قشلاق کرد . بهنگام نیاز به خوراک ، یکی از آنها را صید نمود تا اینکه این گله‌های دام را اهلی خود کرد یا شاید خود اهلی این گله‌ها شد .

عده‌ای دیگر براساس شواهد تاریخی چنین اثبات می کنند که این شیوهٔ زندگی را هجوم فرهنگ صحرا گردی و اقتصاد مبتنی بر دامداری قبایل آسیای میانه و نیز قبایل آسیای جنوب غربی به ایران تحمیل کرده است .

پیروان نظریه اول طرح یکجانشین کردن عشایر را منطقی و اصولی نمیدانند و معتقدند که چنین طرحی مطابق با خصوصیات فرهنگی ، اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی و حتی روانشناسی فردی و اجتماعی عشایر نیست و خود عشایر مایل به اجرای چنین طرحی نیستند . از تاریخ نمونه میآورند که بعداز تخته قاپو (۱) کردن اجباری عشایر بعد از شهریور سال ۲۰ که فشارهای دولت و تنگناهای حاصل از آن از میان رفت ، عشایر کوچ بزرگ خود را مجددا " آغاز کردند .

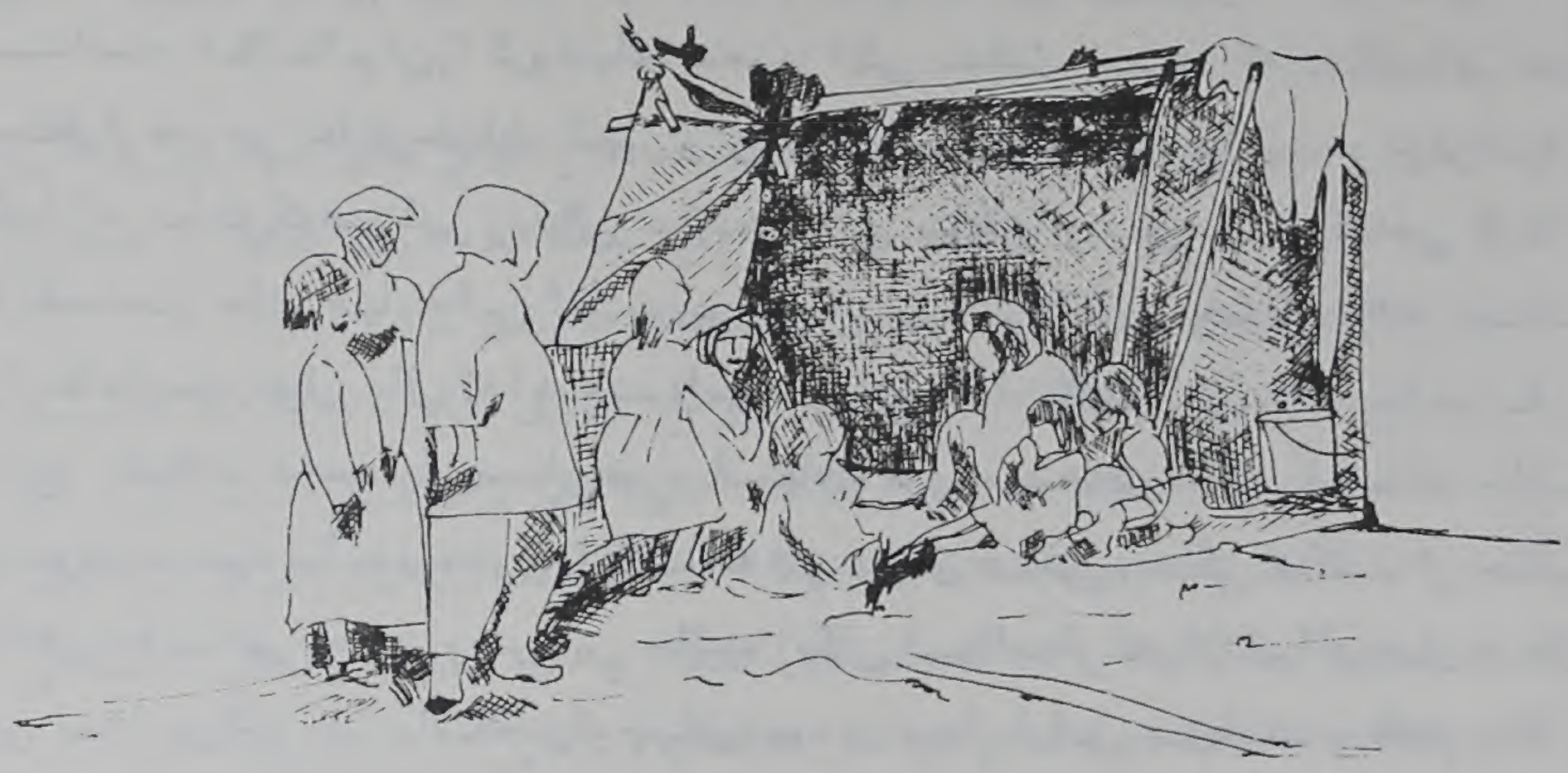
پیروان نظریه دوم براساس شواهدی که در مطالعه عینی زندگی عشایر بدست آورده‌اند ، اعتقاد دارند که خود عشایر مایل به یکجا نشین شدن و در نتیجه استفاده کردن از امکانات خدماتی و رفاهی هستند . نمونه میآورند که بیشتر عشایر کوچ نشین در مناطق ییلاق و قشلاق برای خود ساختمانهای سنگی و خشت و گلی ساخته‌اند ، در ییلاق و قشلاق به کشاورزی دیم غلات می‌پردازند و از حالت کوچ نشینی به حالت نیمه کوچ نشینی درآمده‌اند ، در زندگی روزانه از وسایلی استفاده میکنند که در شرایط کوچ دست و پا گیر است .

---

۱ ــ تخته قاپو شدن : خانه نشین و ساکن ده و شهر شدن عشایر و ایلها ، فرهنگ معین



طرحی از خانه‌ای متعلق بمردم نیمه یکجا نشین که بدنه و پایه آن ازسنگ و فراز آن ازشاخ وبرگ درختان درست شده . این‌طرح از روی عکسی ازمنطقه ممسنی تهیه شده است .



چادری از موی بز (سیاه چادر) عشایر جنوب



طرحی از استخوان‌بندی چادر خانوارهای ترکمن‌صحرا

بطور کلی آمادگی آنرا دارند که از دامدار تبدیل به دامپرور ـ کشاورز شوند و یا در کنار این زندگی یکجا نشینی رمه‌گردانی را به عهده بگیرند، بدین‌معنی که خودشان ساکن شوند و کشاورزی کنند و در کنار آن در قالب تعاونی های گسترده، دامها را در آغل‌های بزرگ بپرورند و یا اینکه گله‌های خود را در رمه‌های بزرگ تحت سرپرستی چوپانان ورزیده، که از فامیل خودشان هستند وبصورت یک تعاونی سنتی با یکدیگر همکاری میکنند، به مراتع قشلاق و ییلاق بفرستند.

بهرحال، این دو نظریه هرچه باشد برای تصمیم گیری در باره زندگی شبانی و جوامع عشایر ایران بایستی در درون عشایر مطالعه وسیع و گسترده نمود و با نظرخواهی از خود عشایر به هر نوع اقدامی مبادرت ورزید.

طبق آمارهای تقریبی، حدود سه میلیون واندی افراد ایل نشین در این کشور بسر میبرند که حدود ده درصد جمعیت کل کشور را تشکیل میدهند. همین مردم که بر بنیاد زندگی شبانی و دامداری و کوچ به خدمات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی خود معنی میدهند حدود $\frac{1}{3}$ از خاک کشور را متصرفند که از نظر توزیع جغرافیائی حائز اهمیت است. ایلات ایران را گروههای متعدد ایلی تشکیل میدهد که به گونه‌ای جدا و مستقل از هم در نقاط مختلف کشور و از شمال و جنوب و شرق و غرب و مرکز ایران وغالبا "درمناطق کوهستانی زندگی میکنند. این مناطق از نظر پوشش گیاهی کاملا" پربارهستند و بقای حیات این ایلات بر بنیاد بهره برداری متواتر از مراتع طبقات این ارتفاعات درطول سال گذاشته شده است. مراتع طبقات کاملا "مرتفع درتابستان و مراتع طبقات دامنه را زمستان مورد استفاده قرار میدهند و چنین است که حالت کوچ عمودی بوجود میآید وبعضی از ایلات که در مناطق دشتی زندگی میکنند از حالت کوچ افقی تبعیت می نمایند و در این حالت امکان استفاده از شتر را برای حمل و نقل سنتی پیدا می کند، درحالیکه درکوچهای عمودی چهارپایانی مثل اسب و قاطر و الاغ کارآمدتر هستند.

عشایر ایران در قالب زندگی دشوار و طاقت فرسا و محروم از کلیه خدمات رفاهی و فرهنگی و بهداشتی کوچ نشینی که به بهره برداری از محیط طبیعی خاصی پرداخته‌اند تا اندازه‌ای برای گروههای انسانی یکجا نشین اعم از شهری و روستائی، بلااستفاده بوده است (شاید هم غیر قابل استفاده)، "**ایل راه**" عشایر و حریم آنها شامل بخش مهم و وسیعی از زمینهای بلااستفاده از نظر مسکونی و کشاورزی است که بخش قابل توجهی از سرزمین‌های ایلی را شامل میشود. گله‌های بز و گوسفند ایلات ایران درحین کوچ یعنی ضمن عبور از گذرگاه و ایل راهها با استفاده از پوشش گیاهی

آنها محصولاتی چون گوشت ، شیر ، پشم ، روده و پوست بوجود آورده‌اند که بنظر کارشناسان فنّ بایستی برای تغذیه دام و تولید همین تعداد محصولات بایستی ـ زمینهای‌کشاورزی‌قابل توجهی از کشور را که در زیر کشت‌وغلات برای‌خوراک انسان است ، اختصاص به‌کشت جو برای خوراک دام داد .

تقسیم کار در میان عشایر (۱)

عشایرایران ، مردمی رزمنده ، با ایمان ، سخت کوش و پر تلاش هستند ، آنان بدلیل ویژگی و شرایط‌زیست و زندگیشان ، همیشه با تحمل سختی‌ها و مرارت‌های زیاد که ناشی از زندگی‌چادر نشینی و دامداری و کوچ از سرزمینی به سرزمین دیگر است دارای زمینه‌های پربار از مطالعه وتحقیق هستند . در همه حال بجای آنکه سربار مملکت باشند ، باحفظ خودکفائی درزمینه‌های اقتصادی جوامع شهری را نیز سودرسان بوده‌اند .

خصوصیات زندگی عشایر کوچنده ، فعالیت ها و تلاش های شبانه‌روزی آنها و بسته بودن‌جامعه عشایری در ادامهٔ حیات و رفع مشکلات ، لزوم تعاون و همکاری را در میان اعضای خانواده کاملا " ضروری و اجتناب ناپذیر کرده است .

این تعاون و همکاری کاملا " با شرایط جوامع شهری تفاوت دارد که علت عمدهٔ آن بسته بودن محیط‌زیست و ارتباط‌دائمی آنها با یکدیگر است ،چرا که عشایرباشهر در رابطه مستقیم نیستند و عموما " در جامعه بسته‌ایل زندگی می کنند واغلب‌دوشادوش‌یکدیگرکارها را به انجام میرسانند . و این مهم با زندگی اجتماعی شهرها که مسئولیت‌ها تقسیم شده و هر کس حرفه‌ای و شغلی داردمتفاوت است ، ـ عشایر بیشتر کارهای مربوط‌به زندگی را خود انجام‌می‌دهند ، و مایحتاج زندگی را خودتهیه‌می کنند و به عبارت دیگر جامعه‌عشایر جامعه‌ای است‌خود کفا ، بطور مثال اگر چند چادر در کنار هم‌برپا شده باشد ، عشایری که‌گوسفند بیشتری دارند ،شیر گوسفند را به‌خانواری که احتیاج به‌شیر دارند ، قرض می‌دهند و گاه در صورت کمی دام یک‌فرد مسئولیت چرای سایر دام‌های خانوارها را بر عهده می گیرد و دیگران مسئولیت‌های‌دیگری‌را می‌پذیرند . اگر بیماری در دام پدیدآید ، یک نفر کار تهیه

استخراج از مجموعهٔ کوچ ـ شماره اول پائیز ۱۳۶۱

واکسن را برعهده می‌گیرد یا برای تهیه علوفه یک یا دو نفر کار را بر عهده می‌گیرند یا برای نگاهداری و نگهبانی از دام معمولا" جوانهای ایل کار نگهبانی را بطور عادلانه بین خود تقسیم می کنند ، عموما" این تعاون در قلمروکوچ به گونه‌ای چشمگیر دنبال می‌شود ، همه با هم و با یکدلی کار اتمام کوچ را دنبال می کنند .

در جامعه عشایری نوجوان عشایری غالبا" عهده‌دار کارهای مستقل و مسئولیتهای سنگین تا سن ۲۰ سالگی نیست ، عموما" کار عمده در این سنین همکاری در چرای دام است ، از سن ۲۰ سالگی تا ۳۵ سالگی کار اصلی و حیاتی مرد عشایری که همانا چوپانی است ، دنبال می شود ، از سن ۳۵ سالگی تا ۴۰سالگی غالبا" مسئولیت عمده درخرید مایحتاج خانوار ، تهیه جو ، علوفه ، فروش دام و یا فروش فرآورده‌های دامی برعهده مرد گذاشته می‌شود . ازسنین ۵۰تا ۶۰ سالگی مردان چندان مسئولیت کار سازی ندارند ، و کار موثری انجام نمی هند ، مسئولیت عمده آنان اغلب ایجاد هماهنگی در میان ایشوم و تش است و کارهای جنبی دیگر از قبیل ، صندوق داری ، بستن قراردادهای بزرگ و کوچک ، پذیرائی از مهمان و گاه به صورت تفنن دامداری و زراعت .

مرد یا سرپرست خانوار عشایری در حقیقت محور و مرکز خانواده است ، و به تعبیری دیگر مرد خانواده و بابزرگتر خانواده و اجاق روشن خانوار است . چه با قبول مسئولیت‌هائی ازقبیل تامین معاش خانوار ، دامداری ، حفظ موقعیت اجتماعی و حریم خانوار در واقع عمده مسئولیت خانوار را بر عهده می‌گیرد ، مرد با قبول مسئولیت‌های دامداری به چرای دام در طول زمان ییلاق و قشلاق مشغول می شود ، پشم چینی ، معالجه دام ودقت درامر نگاهداری دام و سلامتی آن ، تهیه و گرد آوری خوراک دام ، دروکردن علوفه برای دام درطول سال این مسئولیت‌ها را بخوبی پذیرفته و به انجام می‌رساند . مرد عشایر سوای این مسئولیت عمده ، معاملات مربوط به خرید وفروش دام وفرآورده‌های دامی ، کار معامله و تجارت را نیز بر عهده می گیرد ، سنت ایل سبب شده است که کار خرید لوازم مورد احتیاج خانوار در خارج از منطقه ایل و شهر بر عهده مردان باشد . با توجه به مسئولیت‌های گوناگون عامل بیشترین مهمانی ها و رفت و آمدها مرد خانوار است و به‌همین دلیل خود مسئولیت پذیرایی میهمانان را بر عهده می‌گیرد .

زن درجامعه عشایری با توجه به مسئولیت‌های گوناگونی که بر عهده دارد ، غالبا" تاسن ۱۵الی ۱۷سالگی بیشتر در کنار مادر کار می‌آموزد و یاور مادر در اداره

امور زندگی‌است ، از سن ۱۷ سالگی به بعد بطور کلی نقش فعال و سازنده زن‌شروع می‌شود .اداره‌امورخانواده ، تهیه فرآورده‌های دامی ، انجام کارهای صنایع دستی وهنری‌وغیره . . . لازم به‌تذکراست‌که دخترانی‌که‌زودتراز این زمان یعنی از سنین ۱۲ ، ۱۳ سالگی به خانه شوهر می روند ، معمولا" تحت‌حمایت‌مادر زندگی را اداره می کنند تابه‌سن ۱۵ ــ ۱۶ سالگی برسند و خود بتوانند مسئولیت برعهده گیرند .

زن‌عشایری‌ازسنین‌چهل‌سالگی‌به‌بعد بیشترین نقش هماهنگی در امور خانوار را بر عهده‌داردو اغلب اوقات خود را به‌نخ ریسی و گاه بچه داری و پخت و پز میگذارند . آنان به دلیل تلاش و سختی های بی شمار دوران نوجوانی و جوانی عموما"دراین سنین از کار افتاده‌شده و گاه با یک بیماری مختصر از بین می روند ، به‌همین دلیل است که در جامعه عشایری تعداد پیرمردان به مراتب بیش از تعداد پیرزنان‌است .

زن‌خانوارعشایری‌باتوجه‌به نقش عمده‌اش ، همگام باهمسر فعالیت سازنده‌ای در اداره‌ٔ امور زندگی دارد ، و مسئولیت‌هائی از قبیل اداره‌ٔ امور خانوار ، تربیت فرزندان ،تهیه‌فرآورده‌های دامی ، مراقبت از احشام ، پخت و پز و صنایع لبنی ، آب‌دادن‌به‌دام ،گردآوری سبزیجات کوهی ، پختن‌نان ، حمل آب ،جمع‌آوری‌سوخت لازم وصنایع دستی‌بعهده‌دارد باید گفت زن عشایری تلاش و کار را از سنین کودکی درکنارمادرمی آموزد ،تا آنجاکه گاه حتی زودتر از مردان تلاش و سازندگی را آغاز می کند .

باشروع‌فصل‌کوچ ،زن‌عشایری‌بابسته‌بندی‌و جمع و جور کردن‌اسباب و لوازم زندگی ، زمینه‌های‌آغازکوچ‌رامهیامی‌سازد ، بعد از این کا رچون کوچ آغاز شد ،زن باهمراهی شوهر که بیشتر به‌کار دامداری مشغول است ، کوچ را دنبال‌می کند و روزها پیاده و زمانی‌نیز سوار بر چهارپا ،ضمن حفظ اسباب و لوازم و نگهداری از آنها کار مراقبت ازفرزندان‌رانیز بر عهده می‌گیرد ، بعد از اتمام کوچ ، زمان برپائی چادر می رسد . انتخاب‌محل‌سکونت‌وموقعیت مکانی‌محل اقامت چه در ییلاق و چه قشلاق برعهدهٔ مردان‌است .کمتراتفاق می افتد که در مکان اسکان کمتر از چهار الی پنج چادر برپا شود ،این‌مهم‌ازویژگی‌های عشایر کوچ نشین است‌که همواره بر عهدهٔ زنان و مردان است‌وچون‌حادربرپاشد ، فعالیت تازه زنان آغاز می شود . جا دادن وسایل زندگی درداخل‌چادرها ، نظافت اطراف چادر و در هرحال ایجاد نظم وترتیب در شروع زندگی‌تازه در ییلاق و قشلاق بر عهدهٔ زنان‌است . لازم‌به‌یادآوری است‌که برپائی



تصویر یک زن بختیاری



تهیه قیماق درمیان عشایر خراسان

چادرها ،در فاصله‌های دور و نزدیک بستگی به‌خویشاوندی عشایر نسبت به یکدیگر دارد و بدلیل حفظ موازین شرعی و اخلاقی چادرها عموما" در جهتی مورب برپا می گردد ، بگونه‌ای که درب هیچ چادری در مقابل ورودی چادر دیگر قرار نگیرد و بدین‌وسیله‌آنان‌ضمن‌رعایت‌آسایش‌وآسودگی‌واستقلال‌زندگی ، حریم مقدس خانواده رارعایت‌می‌کنند . چادرها غالبا "ازموی‌بز سیاه بافته می‌شود که برعهدهٔ‌زنان است وغالبا "یک‌خانوارعشایر بیشتراز یک چادر بر پا نمی‌کند ، زیرا از پراکندگی پرهیز می کنندو بیشتر می کوشند تا در محدوده‌ای همانند یک چادر به زندگی و ادارهٔ امور زندگی بپردازند .

داخل‌چادریک‌خانوارعشایری‌هرگوشه‌اش اختصاص به اسباب و لوازمی دارد ، چادر سوای‌محلی‌برای‌سکونت‌انباری‌است جهت‌نگاهداری‌آذوقه مدت زمان اقامت ، و نیز وسایل زندگی از قبیل ، پوشاک ، رختخواب و سایر اموال منقول .

کودکان‌عشایری از سنین ۵ سالگی به بعد ضمن آنکه‌تحت‌حمایت‌خانواده و سرپرستی پدرو مادر بزرگ می شوند ، کار وتلاش را هر چند کوچک شروع می کنند ، از آنجمله پسر بچه‌ها در میان‌عشایراز همان زمان‌کودکی کار چرانیدن‌بز ، بزغاله و رمه‌ای که از گله بدلیلی جدا مانده بر عهده می گیرند ، هر چند این مسئولیت چندان موثر و پربار همانند کار پدر نیست ، اما مقدمه‌ای است بر آغاز کار و تجربه‌آموزی .

پسربچه‌هادرسنین‌بالاتراغلب به‌همراه پدر که به کار چرانیدن دام می‌رود ، راه می‌افتند و تاحدمقدوریاری‌رسان‌ویاور پدر می شوند . این کار ،گاه با همراهی دختربچه خانوار انجام می‌گیرد . دخترهای ایل از همان‌سنین کودکی در کنار مادر درادارهٔ‌امورزندگی سهمی برعهده می‌گیرند که‌مهمترین‌آنها به وقت‌اشتغال و گرفتاری مادر ،نگاهداری‌ازبچه شیر خواره خانوار و یا رفت‌و روب داخل وخارج چادر است .

تهیه هیزم‌وبوته‌جهت‌تهیه‌پخت‌وپزبرعهدهٔ‌پسربچه‌ها و آوردن آب بعهده دختر بچه‌هاست .

بعد از رسیدن به‌سن‌شرعی‌ازدواج ،پدرو مادرعشایری بدلیل رعایت موازین شرعی دختران را به‌خانهٔ‌بخت‌می‌فرستندوبرای‌پسران همسر انتخاب می‌کنند . پدر به هنگام‌ازدواج‌فرزندپسر ،سهمی از اموال خانوار را به نسبت تعداد فرزندانش به پسر می دهد که عموما "شامل گوسفند ،بز ، الاغ و احتمالا " اسب، یا شتر است و با برپاکردن‌چادر جدیدی ،امکانات شروع زندگی مستقل را برای فرزند ایجاد میکند .

بعدازانجام مراسم عروسی ،زندگی‌جدید بر پایه تقسیم کار و مسئولیت آغاز میشود ، مرد خانوار با قبول مسئولیت چرای دام ، مراقبت ازاحشام ، ذخیرهٔ علوفه‌دام ، چیدن‌پشم گوسفند ، علامت گذاری بر روی دام ، جمع آوری چوب و هیزم و زراعت (اگرانجام شود)وظایف‌زندگی‌نخستین را برعهده می گیرد و در مقابل زن با قبول مسئولیت‌های دیگر از قبیل دوشیدن شیر ، تهیه فرآورده‌های دامی (کره ، روغن ماست ، دوغ ، کشک) ،بافندگی و ریسندگی ، حمل آب ،چیدن و جمع آوری گیاهان صحرایی ،پختن‌نان‌وآشپزی‌نقش‌موثرخودراکه‌درکنارمادروخانواده‌آموخته است به مرحله اجرا در می آورد .

در بیشتر ایلات و عشایر کوچنده ، زنان عشایر با مهارت و چیره دستی در وقت فراغت به کار بافتن قالی ، گلیم ، جاجیم و غیره می‌پردازند و نیاز و احتیاج خانوار راتامین‌می‌کنندوبرای‌انجام این کار ابتدا پشم را آماده کرده بعد می ریسند وبه‌نخ‌تبدیل‌می‌کنند ،سپس‌بااستفاده از مواد طبیعی یا شیمیایی آنها را به رنگهای گوناگون در آورده‌و با برپاکردن دار بست بافتن را شروع می کنند اغلب طرحها و نقش‌هابه‌گونه‌ای‌سنتی‌و عادت در ذهن آنان باقی است عمده فعالیت زنان عشایر در زمینه بافندگی به‌اواخر فصل قشلاق و طول مدت ییلاق مربوط می‌شود .

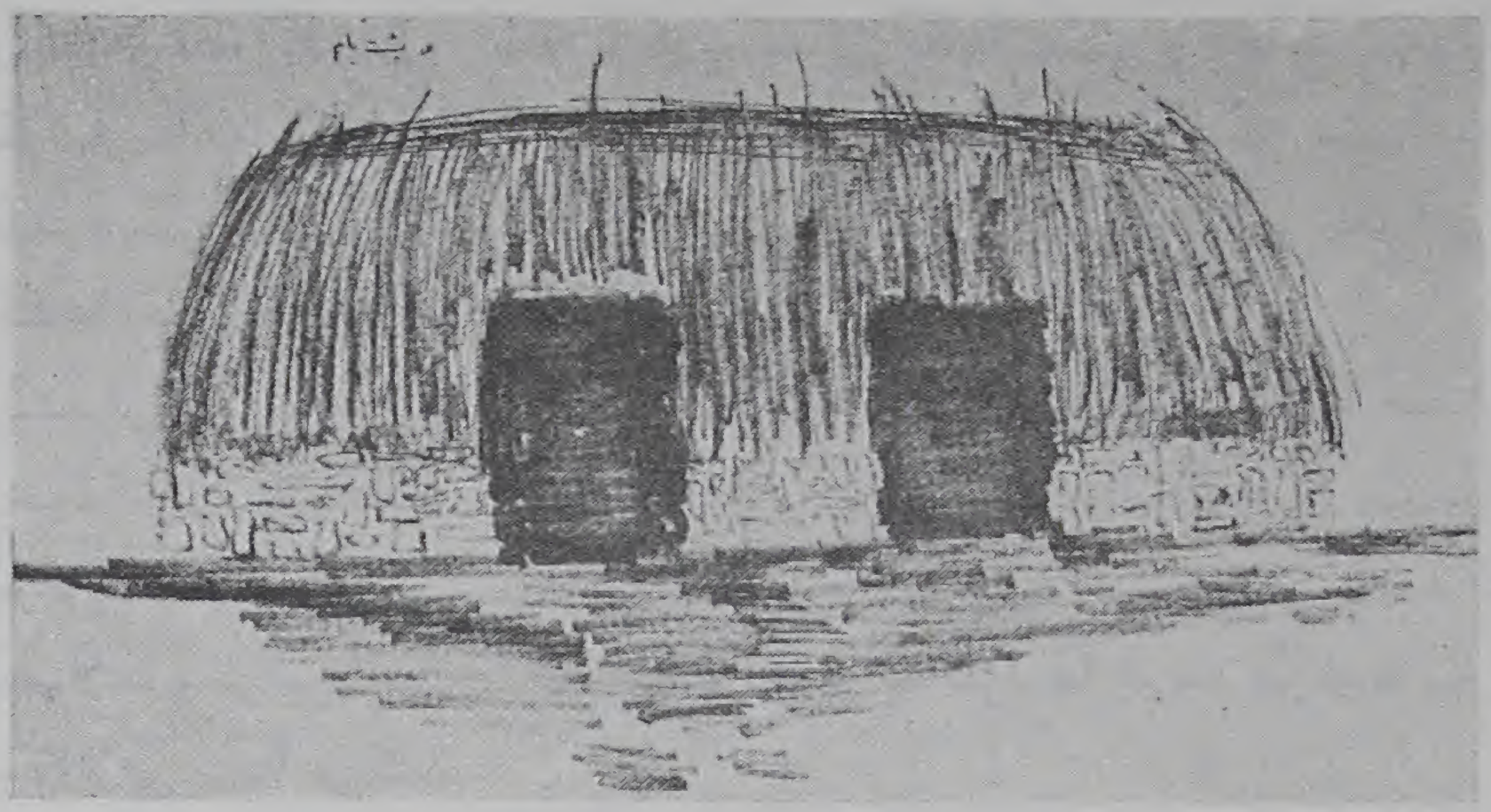
رویهم رفته با چنین تعاون وهمکاری است‌که یک خانوار عشایری باتوجه به تمامی سختی ها و مشکلات می‌تواند بر روی پای خود استوار بماند و می‌شود گفت درصورتی‌که‌چنین‌همکاری‌و یاوری بی‌دریغ در میان اعضاء خانوارنبود امکان هیچ ـ گونه پیشرفت وادامه زندگی میسر نمی‌شد .

صنایع دستی درعشایر ایران

صنایع دستی‌درایلات‌وعشایرو طوایف کوچ نشین‌ایران ، به منظور برآوردن نیازهای داخلی‌وتهیه وسایل زندگی مانند زیراندازها ، پلاس‌ها و وسایل کار مانند جوال‌ها وخرجین‌هاووسایل‌زندگی مثل مشک‌ها و سیاه‌چادرها و غیره ، در کنار فعالیت‌اصلی آنها ،که‌دامداری‌است‌و بنیان اقتصاد عشایری را تشکیل می‌دهد و تکنیک‌های خاص خودش را دارد ، بوجود آمده‌است‌لااین تولیدات اکثرا" جنبه خود مصرفی دارد و برای ساختن آنها از مواد خام موجود در قلمرو ایل و بیشتر از موادی استفاده

---

۱ ـ استخراج از مجموعه کوچ شماره اول پائیز ۱۳۶۱



طرح‌هایی از مساکن روستائی جیرفت (طرح از سنجری)

می‌شود که در ارتباط مستقیم با محصولات دامی است و نوع بهره برداری و تبدیل آنهابه‌اشیاء مصرفی در عشایر ایران در رابطه با فرهنگ مصرفی آنها متفاوت است. بنابراین‌ازیک سو قطع تقریبی رابطه با نوع زندگی یکجانشینی و مجامع یکجانشین وازسوی‌دیگرنیازبه‌اشیائی‌که‌در زندگی و کار مورد استفاده داشته‌است ،سبب پیدایش صنایع مختلف دستی شده و نوع مواد در دسترس، تعیین کننده نوع و چگونگی این دست ساخته‌ها (دست‌آفریده‌ها) شده‌است.

ایل‌نشینان‌ضمن‌مراودات‌اجتماعی‌ومبادلات‌اقتصادی‌و کالائی که با همسایگان یکجانشین‌خود برقرار کرده‌اند، بتدریج بخشی ازاین دست‌ساخته‌ها را نیز برای، فروش‌عرضه می‌کنندو به این‌ترتیب‌تولیدات‌صنایع دستی‌به صورت یک تولید کمکی در کنارمحصولات و فرآورده‌های دامی برای فروش به بازارها عرضه می‌شود و ارزش اقتصادی و کالائی پیدا می‌کند.

صنایع دستی ایلیاتی را می‌توان به دو دسته عمده تقسیم کرد:

۱ ــ دست‌آفریده‌هایی (اعم‌از دست ساخته‌ها و دست بافته‌ها) که تنها برای رفع نیازهای مربوطه‌زندگی‌وکارخانواده‌های ایلی‌مورد استفاده دارد، مانند لته ــ هایی‌که‌ازموی‌بزبرای‌سیاه‌چادرمی‌بافند و مشک که‌برای‌نگهداری‌آب‌ویاکره گیری مورد استفاده‌قرارمی‌گیرد. این دسته از صنایع دستی معمولا" به اندازه رفع احتیاج تولید می‌شودو به‌ندرت‌ممکن‌است‌برای فروش عرضه شود.

۲ــ دست‌آفریده‌هایی‌که علاوه بر استفاده داخلی در ایل و عشیره، می‌تواند مورد استفاده ده‌نشینان‌و شهر نشینان نیز قرار گیرد، مانند گلیم، قالیچه و انواع وسایل ولوازمی که‌ازجنس‌گلیم و قالی هستند،از قبیل خورجین، چنته، نمکدان و غیره،این دسته از صنایع دستی امروزه به میزان نسبتا" زیادتری درست می‌شود و ازارزش‌اقتصادی (کالائی) برخوردار است‌و درآمد حاصل از آنها به‌عنوان یک درآمد جنبی برای‌خانواده‌های ایلی قابل توجه‌است.

طی‌یک‌دو دهه‌ٔ اخیر برخی از دست بافته‌های تزئینی ایلات مانند تزئینات داخل چادر و تزئینات مربوط‌به‌اسب و مانند آن نیز بازار پر رونقی پیدا کرده و بسیاری از آنها در قالب اشیاء زمینی و کاملا" برکنار از کاربرد اصلی‌خودشان در خانه‌های‌شهری‌مورداستفاده قرار گرفته‌و حتی نظر سیاحان و جهانگردان را به خود جلب کرده‌و بصورت سوغات درآمده‌است. البته، شاید نیاز به توضیح‌نباشدکه،سود !این بازار گرم‌کمتر به دست سازندگان‌آنها میرسیدو بیشتر کیسه‌سفارش دهندگان را

می‌انباشت‌وبصورت یک منبع درآمد حائز توجه برای سر مایه‌داران و سرمایه گذاران درآمده وبسیاری‌افراد فرصت‌طلب و سودجو که از دسترنج زنان قالیباف ترکمن‌و لر و قشقائی و "سوزن دوزی‌های بلوچ و غیره به نان ونوائی رسیدند و به سبب همین رونق بازار، بسیاری‌ازاین‌اشیاءکه‌قبلا" به لحاظ نوع بافت‌وساخت‌و نقش و نگارهای عامیانه و رنگ‌های بومی و محلی و غیره‌از ارزش فرهنگی و هنری ویژه‌ای برخوردار بودند، ضمن‌اینکه‌از محتوای کارکردی و کاربردی خود خالی شدند، از ارزش هنری و فرهنگی‌آنها نیز کاسته‌شد. طی همین یکی دودهه به لحاظ‌لطمات فراوانی که به امردامداری‌واردآمد، بسیاری‌ازایل نشینان نیز راهی شهرها شده و آواره گشتند. و آنان که در ایل ماندند، برای‌جبران‌کسری درآمد وتأمین معاششان به تولیدات دستی در قالب بازار پسند روی آوردند و به این ترتیب ظاهرا" صنایع دستی ایلی رونقی پیدا کردو میزان‌تولید آن‌افزایش یافت ولی جنبهٔ کیفی‌آن سیر نزولی طی کرد. به همین لحاظ دست‌آفریده‌های قدیمی‌تر عشایر ایران نسبت به نمونه‌های‌امروزاز کیفیتی بهتر وعالیتر برخوردار هستندو به قیمت‌های‌گزاف معامله می شوند.

انواع صنایع دستی درعشایر ایران :

چنانکه‌گفته شد، دست‌ساخته‌های‌ایلی‌در درجهٔ اول به نسبت‌کارکرد و مورد استفاده‌ای‌که‌دارندو در درجهٔ دوم به تبع نوع‌موادی که در دسترس هستند بوجود می‌آیند.

مثلا" در هیچ یک از عشایر ایران ساختن ظروف سفالین معمول نیست، حتی اگرخاک‌آن در دسترس باشد، زیرا ظروف سفالین به لحاظ شکنندگی که دارد و زود از بین می‌رود، برای طوایف کوچنده کمتر قابل استفاده است. در مقابل بیشترین وحتی تمام وسایلی که در ایلات ساخته می‌شود معمولا" از فرآورده‌های دامی مانند پشم و پوست وغیره‌است و اگر به مناطق جنگلی دسترسی داشته باشند و جنگل در قلمروایلی‌آنهاقرارگرفته باشد، دست‌ساخته‌های چوبی نیز به‌آنها افزوده می‌شود.

عشایرایران‌کلیه‌وسایل فلزی مورد استفادهٔ خود رایا از شهرها تهیه می‌کنند ویا بیشتر از آهنگران دوره‌گردی می‌گیرند که همراه ایل کوچ می‌کنند. خود عشایر هرگزآهنگری نمی‌کنند. اهم این اشیاء عبارتند از: دهنه و رکاب اسب، نعل اسب و دیگ و دیگچه و کاسه‌و بادیه، وسایل مربوط به‌دامداری ازنوع زنگها و زنگوله‌ها، پابندها، زنجیرها، اسکلت زین ، اسکلت‌جهاز شتر، کلیه وسایل آهنی مربوط

به کشاورزی از انواع داس ، تیغهٔ گاو آهن ، چاقو،تیشه ، اره ، گاز انبر ، میخ ،میخ طویله ، وسیله پشم چینی ، سیخ ، سه پایه ، منقل ، وسایل نان پزی و غیـــــــره

برخی از وسایل چوبی مثل انواع جعبه‌های کوچک‌و هزار پیشه (جای استکان و نعلبکی‌و قوری) وگهواره بچه را از نجارهای شهری‌میخرندو برخی دیگر از قبیل انواع دوک ، قاشق چوبی ،میخ چادر ، دیرک چادر ، وسایل‌نان پزی ،سه‌پایه های مشک‌و غیره را خودشان می‌سازند .

ازوسایل‌چرمی آنهائی که مهارت بیشتری لازم دارد مثل زین اسب و یراق و غیره‌رااز سراجان شهری تهیه می‌کنند و بقیه کارها را از نوع‌دوختن‌انواع تسمه‌ها ، انواع‌چارق‌هاوپاپوش‌های‌ساده ،ساختن‌انواع‌مشک‌ها برای نگهداری‌آب‌وکره گیـــری ، انبان‌ها و غیره را خودشان‌انجام می‌دهند .

کلیه‌کارهای‌ریسندگی‌راازهرنوع با همان‌وسایل اولیه خودشان‌انجام میدهند .

کلیه‌کارهای بافندگی را روی دارهای خوابیده در روی زمین خودشان انجام میدهند که‌عبارتند از: قالیچه بافی و بافتن و سایل گوناگون‌از جنس قالی مثل خورجین ،مفرش ، چنته ، پشتی و غیره ، گلیم‌بافی‌وبافتن‌وسایل مختلف‌ازجنس گلیم ،جاجیم بافی ،جوراب‌بافی ،شال بافی ، بافتن‌انواع پارچه برای لباسهای ـ پشمی محلی ،توربافی ، طناب بافی ، پلاس بافی ، چیت یا چیق بافی (دیوارهای ، نی دور چادر) ، سیاه چادر بافی و غیره .

نمدمالی‌رابرخی‌ازعشایر خودشان‌انجام می‌دهند و برخی دیگر برای ساختن وسایل صرورشان از نمد ، نمدمال می‌آورند .

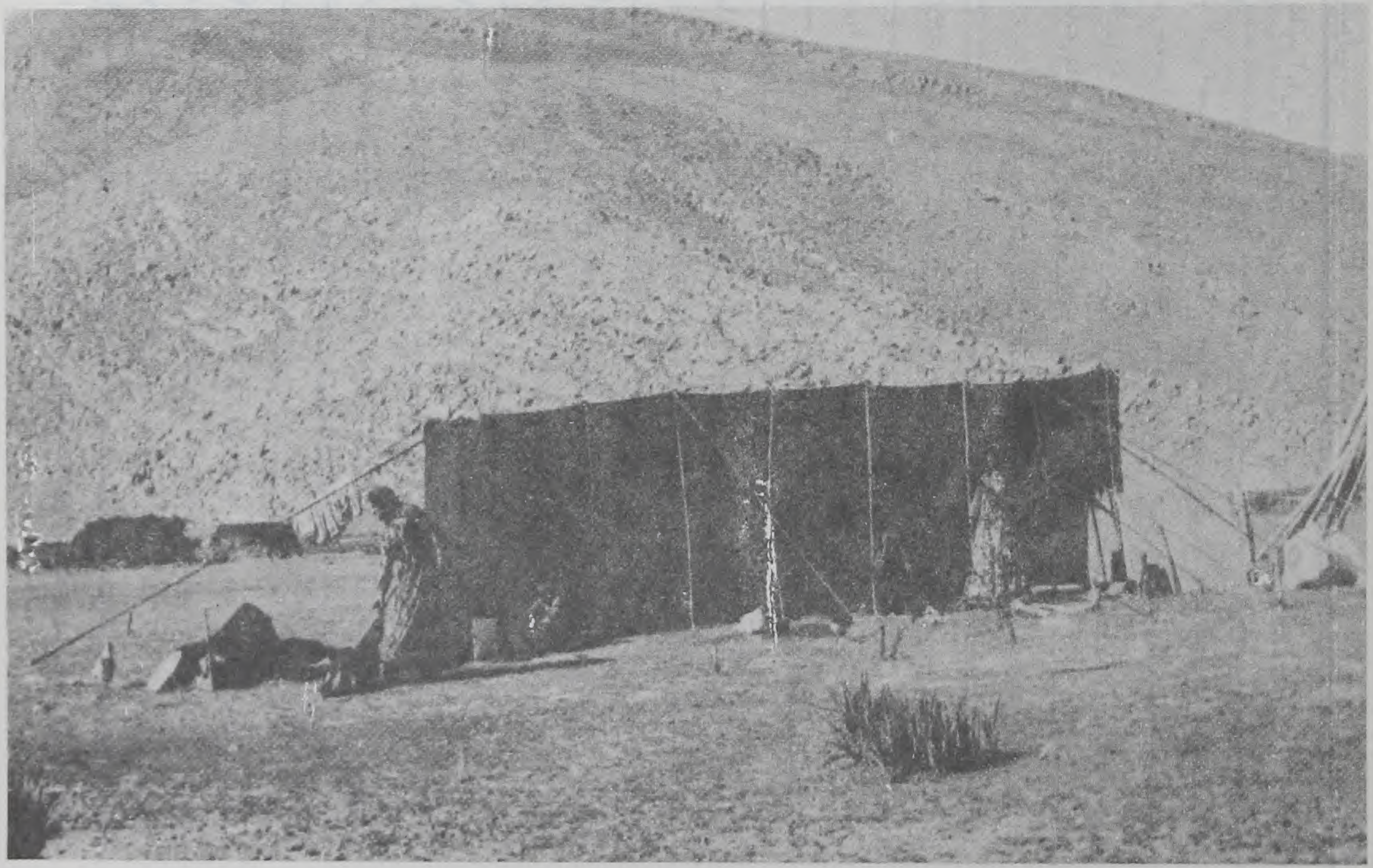
هنرهاوصنایع پاره‌ای‌از عشایر نیز معروف است . مثل گیوه کشی کردهای پاوه ، سوزن‌دوزی‌عشایربلوچ‌وترکمن ، قلاب بافی عشایر کرد اورامانات و نیز چوقارانک ـ بافی (چوخا و شلوار) عشایر کرد ، فرش ترکمن و قشقائی و غیره .

سیاه‌چادر عشایری (۱)

بـــرای بسیاری از شهرنشین‌ها به کرات اتفاق افتاده‌است که هنگام عبور از جاده‌های‌بیرون‌ازشهر ،سیاه‌چادرهائی‌رادردل کوه و دشت و بیابان دیده باشنـــد ، بویژه‌بهنگام ییلاق در مناطقی چون اطراف شهرکرد و اردکان و یا قشلاق در اطراف مسجدسلیمان‌ویادرحوالی‌پشت‌کوه‌ومناطق کردستان و حاشیه کویر و جنوب خراسان .

---

۱ ـ استخراج از مجموعهٔ کوچ شماره اول پائیز ۱۳۶۱



چادر قشقائی

شاید آنان‌که سیاه‌چادر را نمی‌شناسند ،زمانی از روی کنجکاوی به‌این چادرها خیره شده باشندو یا در صورت علاقهٔ بیشتر ساعاتی را در این‌چادرها گذرانده باشند . و این احساس برایشان کاملا" همراه بابهت‌و تعجب بوده باشد که چگونه اختلاف درجه‌حرارت‌هوای‌بیرون‌و داخل چادر متفاوت است .چه هوا گرم باشد و چه سرد ، کاری که درحقیقت برای تنظیم گرماو سرما در شهرها بوسیله بخاری و کولر و انواع عایق‌هاانجام می‌شود .بایدگفت عشایر ایران که‌مسکن‌اصلی آنها سیاه‌چادر است ،به ارزش این مسکن بهمان‌اندازه آشنا هستند که ارزش مصالح ساختمانی برای یک فرد شهرنشین .درهر حال خانه‌های عشایری و به‌تعبیری دیگر چادرهای عشایری اغلب ازموی‌سیاه‌بز توسط‌زنهای پر تلاش و زحمت کش عشایری بافته می‌شود . که سوار بر ستونهائی از چوب و بوسیله میخهای چوبی مهار میگردد . داخل چادرها اغلب با دیواره‌هائی‌ازپارچه‌یاحصیرکه‌کاردیوارچادر را انجام میدهد همراه با نخهای‌رنگین پشمین‌تزئین‌شده‌وکف آنها اغلب توسط‌گلیم هائی‌که اغلب در خانواده بافته شده است‌ویاقالیچه‌هائی‌که‌دراصطلاح به آن خرسک می‌گویند پوشانده می‌شود .در اطراف چادر اغلب جاجیم‌ها و گلیم های دستباف با نقش‌های هندسی بسیار زیبا بر روی رختخوابها پهن‌شده‌وبه داخل چادر زیبائی خاصی می‌بخشد . این چادرها که بدین وسیله‌برپا می‌شود بهنگام ییلاق‌وقشلاق به سادگی بسته بندی شده و در پشت شتر یا قاطربه‌مناطق‌دیگرحمل‌می‌شود . سیاه‌چادر که در حقیقت مسکن اصلی عشایر است از موی‌بزسیاه‌بافته‌می‌شود .این‌حیوان‌اغلب در کوهستانهای ایران باتوجه به بردباریها وتحملی‌که‌دارد برای‌عشایربسیارسودرسان‌است .سنت‌بافت‌چادر از موی بز سیاه دارای‌قدمت‌بسیاری‌است .می‌توان‌گفت از دوران‌بسیار کهن چادر عشایر این سرزمین ازموی‌بزسیاه‌بافته‌می‌شده‌است .سنتی‌که تا به‌امروزبی‌هیچ تغییری ادامه یافته‌است . کارچیدن‌موی‌بزوسیله مردان‌عشایرانجام می‌شود .پس از اتمام این کار زنان زحمتکش عشایری‌موهارا‌شانه‌زده ، می‌شویندومیریسندوآمادهٔ‌بافت می‌کنند .سپس باساده ترین دستگاه‌که ازچندچوب‌تشکیل‌شده‌کاربافتن را شروع می‌کنند ،این‌بافته‌ها در عرض ۲۵تا۵۰سانتیمتر و طول متوسط ۱۰ تا ۱۵ متر ادامه می‌یابد ، سپس لت‌ها را به هم می‌پیوندند و آن راآمادهٔ‌برپائی می‌کنند . و درایلات‌مختلف آن‌رابه اشکال مختلف برپا می‌نمایند .سیاه‌چادردارای‌ویژگی‌های بسیاری است . از آن جمله موی بز خاصیت انقباض و انبساط دارد . یعنی در مواقعی که باران یا آب بر آن وارد می‌شود ، منبسط‌شده و شبکه‌ها کاملا" بسته می‌شوند ،

و در نتیجه باعث جلوگیری از نفوذ آب و سرما به داخل چادر میگردند ، و بالعکس در مواقعی که هوا خشک و گرما افزون است تارها نازک شده و ایجاد شبکه‌های درشت غربال مانند می‌نمایند و هوای خنک بداخل چادر سیاه راه می‌یابد .

بدلیل ویژگی های زندگی عشایر که همانا کوچ است همه گاه امکان پارگی سیاه چادر وجود دارد که بدلیل بافت ساده این سیاه چادرها رفوو ترمیم آن بسیار ساده است ، زیرا می‌توان با موی بز سیاه براحتی پارگی ها را پوشاند . این سیاه چادرها از نظر استقامت سالها دوام دارد و تنها بعد از گذشت سالها تبدیل رنگ سیاه اولیه به سیاه بور می باشد . جالب است یادآوری شود که بعد از سالها استفاده از این سیاه چادرها به هنگام تعویض آن ، هرگز سیاه چادر را به دور نمی‌اندازند . و بسیاری از عشایر سیاه چادر را در هاون های بزرگی کوبیده و از پودر آن بعنوان کود در شالیزارها استفاده می‌نمایند .

عشایر ایران (۱) :

ایلات مازندران و گرگان

جایگاه طوایف **یموت** ، **تکه** و **کوکلان** و منطقه گرگان و گنبد می باشد . طایفه یموت، ترکمنهای دشت گرگان را تشکیل داده و به دو شعبهٔ بزرگ **آتابای** و **جعفربای** تقسیم میشوند : آتابای بیشتر در منطقهٔ گنبد وجعفربای در نواحی **گمیشان** و **خواجه‌نفس** سکونت دارند . شغل آنان زراعت ، تربیت اغنام و احشام ، تجارت و کسب است .

طایفه **تکه** بیشتر در ترکمنستان شوروی اقامت داشته و در حدود یکصد خانوار آن در اطراف گنبد سکونت دارند ، قالیچه‌های معروف و ممتاز نتیجهٔ دستباف زنان این طایفه بوده و در این فن مهارت کافی دارند .

طایفهٔ **کلان** بیشتر در نواحی کوهستانی شرق دشت گرگان و یک قسمت در اطراف بجنورد و کوکلان سکونت داشته و بداشتن اسبهای ممتاز معروف میباشند .

---

(۱) استخراج از کتاب ایرانشهر نشریه یونسکو در ایران

ترکمن‌های ساکن ایران (۱)

منطقه‌ای‌که‌ترکمن‌های‌ایران‌درآن زندگی‌میکنند به‌دوبخش کوهستانی و دشتی تقسیم می‌شود. بخش‌کوهستانی‌که‌درشرق‌ترکمن‌صحراقراردارد شامل‌روستاهاوبخشهای "**کلاله**"، "**گلیداغ**"، "**قره‌یلخان**"، "**مراوه‌تپه**"، "**حصارچه**" است که قسمتی‌از کوهستانهای مغرب‌وشمال‌غربی‌بجنورد رانیز در برمیگیرد. دراین‌بخش پوشش گیاهی بعلت‌کمی بارندگی بسیار ناچیز است.

بخش‌دشتی‌که‌آنراترکمن‌صحرایادشت‌گرگان می‌نامنددرجنوب‌رودخانه اترک قراردارد‌وازجنوب‌وجنوب‌شرقی به‌کوهپایه‌های‌جنگلی‌البرزمحدوداست. ارتفاع این‌دشت‌ازسطح‌دریای‌مازندران‌زیادنیست‌وبه‌نظرمی‌رسدکه‌این‌دشت‌باکم شدن آب‌دریای مازندران و در نتیجهٔ عقب نشینی آن بتدریج بوجود آمده‌است. آب‌وهوای این‌صحرادرزمستان‌معتدل‌و در تابستان گرم است. بخش بزرگی از این‌صحرادرشمال عربی شوره زار و کم آبست ولی کناره‌های رودخانه‌گرگان و زمینهای نزدیک به دامنه‌ها پر آب‌و حاصلخیز است. مهمترین مرکز جمعیت‌در این صحرا شهر "**گنبدکاووس**" است که در آن بیشتر افراد غیر ترکمن‌ساکنند. مراکز دیگر جمعیت این صحرا، "**بندرِ ترکمن**"، "**گومیشان**"، "**کلاله**"، "**مراوه تپه**" هستند.

قوم ترکمن در قرون ۱۴– ۱۵ میلادی از قبایل‌ترکمنی که‌احتمالا "ازآسیای جنوب شرقی به‌ترکمنستان‌شمالی" "**اوست‌اورت**"، "**من‌قشلاق**" کوچیده‌بودند پدید آمدند. در قرون ۱۳–۱۴ میلادی‌این‌قبایل با یکدیگر درآمیختند و بنابراین وابستگی‌های فئودالی ـ ارضی جایگزین وابستگی‌های خونی در بین آنها شد. در قرن شانزدهم پراکندگی قبایل ترکمن به‌شرح زیر بود.

سالورهای خراسانی در **بالخان**، بخش اساسی **سالورها** و **تکه‌ها**، **یموت‌ها** و **ساریق‌ها** نیزاحتمالا "درکرانه‌دریاچه" **ساری قمیش**" در بخش جنوبی "**اوست اورت**" در ساحل "**قرابغاز**" و دریای مازندران تا "**من‌قشلاق**" زندگی می کردند. سومین گروه‌ترکمن‌شامل "چودورها"، "ایغدیرها" و "ابدال‌ها" در مرز ازبک‌های کوچ‌نشین و نیز در سواحل "**اوزبوی**" دربخش‌شمال عربی خوارزم درناحیهٔ "**اورگنج**" درنوار دامنه "**کوپت داغ**" در بخش درون پراکنده بودند.

---

۱ ــ استخراج از مجموعهٔ کوچ شمارهٔ اول پائیز ۱۳۶۱



زن ترکمن و دو فرزندش (از قبیلهٔ یموت)

درقرن‌شانردهم برخی از قبایل ترکمن به ایران‌مهاجرت کردند . در قرن هفدهم ، کوچ‌قبایل‌شمالی‌ترکمن به دامنه‌های "**کوپتداغ**" شمال خراسان و جلگه‌های رودهای گرگان‌واترک ، به‌علت‌استثمار ترکمن‌ها بوسیله خان‌های "**خیوه**"وفئودالهای"**قالمیق**" افزایش‌یافت .کوچ‌ترکمن‌هادرسرتاسرقرن‌های‌هفده و هیجده میلادی ادامه داشت . نادرشاه‌چندبارترکمن‌هارادر ایران جابجا کرد و آنها را به محل‌های‌دیگر کوچاند. بالاخره تعیین مرز رسمی ایران و روسیه به پایان بخشیدن نقل و انتقالات ترکمنها کمک کرد اما برخی از طایفه‌های ترکمن چون"**یموت‌ها**" "**تکه‌ها**" ، "**سالورها**"و "**ساریق‌ها**" که در دوسوی مرز پراکنده بودند تا سالها همچنان از مرز می‌گذشتند ، بهر صورت ، اکنون ترکمن‌ها در دو بخش اصلی یعنی ترکمن صحرای ایران و ترکمنستان روسیه شوروی زندگی میکنند .

بطورکلی دو طایفه اصلی ترکمن‌یعنی "گوکلان‌ها" و "**یموت‌ها**" ونیز تعدادی از افراد طایفه"**تکه**" در ایران زندگی میکنند . هر یک از این طایفه‌ها به تعداد زیادی تیره و زیرتیره تقسیم شده‌اند .

ترکمن هاتاعصرحاضراز طریق دامداری زندگی میکردند و کمتر به کشاورزی می‌پرداختند . هر فرد ترکمن متعلق به‌خانواده‌ای بود که در یک آلاچیق دیگر ، که متعلق‌به‌خویشاوندان او بود ، برپا میشد و کوچکترین واحد اجتماعی ترکمن‌ها بنام "ابه"رابوجود میآورد .چند "ابه" با هم طایفه (تیره) کوچکی را بوجود میآورند که با ریشه‌های خویشاوندی بهم مربوط بودند .

به‌همین ترتیب طایفه‌های دیگر و بزرگتر بوجود می آمد .طوایف بزرگ ترکمن سرزمین‌مشخصی‌ازصحرارا مختص مردم خود و چراگاه احشام‌خود میدانستند و برای تعیین‌مرزوحدآن‌اغلب‌باطوایف‌دیگردر نزاع‌بودندو طایفه"آتابای" و "جعفربای" درترکمن‌صحرا قوی تر از طوایف دیگر بودند و معیشتِ آنها بر پایه‌دامداری استوار بود .بنابراین‌پیوسته درکوچ بسر میبردند . این طوایف زمستانها را در ترکمن‌صحرا بسرمیبردندودر اواخر بهار گروه گروه به آنسوی اترک‌و به طرف دامنه‌های کوههای بالکان‌می‌کوچیدندازقشلاق‌تاییلاق ده دوازده منزل راه بود .هرروزیکی دو ساعت پس از نیمه‌شب به راه می‌افتادندو بعداز ظهرها که هوا گرم می‌شدمنزل می‌کردند . منزل‌گاهها‌معمولا" در کنار رودخانه یا برکه‌های آ ب‌و یا چاههایی بود که در مسیر کوچ قرارداشت‌وبرای‌چند منزل که به آب دسترسی نداشتند آب ذخیره در مشکهارا باخود میبردند ، درهنگام‌کوچ‌همواره‌درمعرض حملهٔ‌غارتگران طوایف‌دیگر بودند .

زنان‌ترکمن در هنگام کوچ‌مواظبت‌از کودکان ،تقسیم آذوقه و نیز پیاده‌کردن و بر پا کردن آلاچیق را به عهده داشتند، در منزلگاه‌آلاچیق‌ها را بطور موقت بر پا می‌کردند . در ییلاق آلاچیق‌ها را نزدیک بهم‌و فشرده برپا میکردند . زنان‌در ییلاق به‌پشم‌ریسی، قالی‌بافی، نمد مالی و سوزن دوزی میپرداختند و مردان به اسب‌دوانی و بازی چوگان پرداخته و یا در مجالس برای‌چای‌نوشی‌وقصه‌سرایی‌جمع می‌آمدند . عروسی‌ها معمولا" درییلاق سر می‌گرفت و همراه بامراسم اسب‌دوانی و کشتی‌گیری‌بود . پس از چند ماه‌ترکمن‌ها با کوچی دیگر به قشلاق بر می‌گشتند . هنگامی که به‌ترکمن‌صحرا برمی‌گشتند بار دیگردر کناره‌های رودهای‌اترک‌وگرگان‌پراکنده شده‌وباآذوقه‌هایی‌که‌در بهار اندوخته بودند زندگی زمستانی خود را به‌امید زادن‌گله‌ها از سر می‌گرفتند .

طایفه‌بزرگ‌دیگرترکمن‌ها ، "گوکلان‌ها"هستند که در بخش شرقی ترکمن صحرا و در دامنه‌های‌کوهستانی‌بسر می‌برندو از زمانهای گذشته به‌کشاورزی و روستانشینی روی‌آورده‌اند .گذشته‌ازاین طوایف گروهی از افراد و طایفهٔ دیگر دیگرترکمن به نامهای "**تکه**" و "**نخورلی**" نیزپس‌ازانقلاب‌اکتبر۱۹۱۷ روسیه‌شوروی ازترکمنستان‌به بخش کوهستانی "**حصارچه**" د رایران مهاجرت‌کرده‌اند .

ترکمن‌ها اهل تسنن‌و از شاخه حنفی هستند . گذشته از آن جماعتی نیز پیرو فرقه نقشبندی هستند .این فرقه در میان‌گوکلان‌ها پیروان بیشتری دارد .

چنانکه گفته‌شدکوچکترین‌واحد اجتماعی ترکمن‌ها "ابه" نام دارد که از چند آلاچیق (ای) نزدیک بهم و همسایه‌تشکیل شده‌است .دامهای مردم هر "ابه"در یک یا چند گله برای چرا جمع می‌شود . مردان‌زنان‌و جوانان هر "ابه"گذشته‌از آنکه در کارهای دامداری مناسبات تعیین شده‌ای باهم داشتند در بسیاری از کارهای دیگر زندگی ناگزیر بودند که مراتب تعاون و دوستی‌را مراعات‌کنند .

درحقیقت هر " ابه "یک واحد گله‌دار بود . چند "ابه" همسایه طایفه کوچکی (تیره)را بوجود می‌آمدند .هر تیره که دارای‌اعضای بیشتری بود از دیگران قویتر ودرمقابل‌تجاوز طایفه‌های دیگر مصون بود . به‌خاطر این خصوصیت طوایف کوچکی که دارای‌ریشه‌های‌خویشاوندی مشابه بودند همواره در کنار هم و در قسمت‌مشخصی ازترکمن‌صحرا بسر می بردند و بنا بر این طوایف بزرگتری را بوجود می‌آوردند که آن‌قسمت‌مشخص‌صحرا حیطهٔ مردم آن طایفه و چراگاه دام‌هایشان بود . در نتیجه دام‌به‌خانواده ،گله‌به "آبه" و چراگاه به‌طایفه (تیره) متعلق بود . بنا بر این قلمرو

مرد ترکمنی سوار بر اسب (گنبد قابوس)



هر "ابه" با توجه به طایفه مربوطه مشخص میشد. افراد هر طایفه که دارای حقوق مساوی در استفاده از آب و علف و اختیار مسکن بودند، در برابر طایفهٔ خود نیز وظایف برابری داشتند. آنها همواره آمادگی داشتند که با طوایف دیگر برای مرز و اندازه چراگاههای خود بجنگند.

بنابراین هر فرد ترکمن دارای سلسله مراتب فرد، خانواده، ابه، تیره و طایفه بود. این سلسله مراتب بعدا "بواسطهٔ تغییر اساس معیشت بهم خورد زیرا که زندگی کشاورزی باعث بوجود آمدن روستا شده و "ابه"ها خود بخود از بین رفته‌اند در زمانی که "ابه"ها هنوز وجود داشتند، هر تیره و طایفه ترکمن دارای ریش سفید یا سرپرستی بود که به‌او "**یاشول**" می‌گفتند یاشول‌ها معمولا "برای انجام وظایفی که طایفه‌ها مشخص میکردند، با رای مردان طایفه‌ها انتخاب می‌شدندو افراد طایفه میتوانستند هروقت‌لازم شداورامعزول‌کنند. در آن زمان در ترکمن صحرا چراگاهها به طایفه‌تعلق‌داشت‌وافراد بطور مساوی از آنها استفاده میکردند و هیچگاه شخصی دارای‌چراگاه‌اختصاصی‌نبود. این‌رسم هنوز هم در میان‌ترکمن‌ها ساکن "**اینچه‌برون**" دیده می‌شد. در "اینچه‌برون" زمین‌از پدر به فرزندان به ارث نمی‌رسد و هر پسری پس از آنکه‌مستقلا" به معیشت پرداخت به‌اندازه هر فرد دیگر طایفه زمین‌از طایفه برای کشت و زرع میگیرد.

یاشول‌ها نیز ازاین‌سنت‌پیروی‌میکنند بااین‌تفاوت‌که‌تا زمانی‌که سرپرست باقی می‌مانند درقطعه زمینی بزرگتر از زمین سایر افراد به کشت‌و زرع می‌پردازند. باید توجه داشت‌که در ترکمن‌های‌گوکلان، که بسیار پیش از ترکمنهای دیگر به کشاورزی و روستانشینی روی آورده‌اند، روحیهٔ مذهبی بسیار قوی تر از روحیهٔ قومی است. دراین‌ترکمن‌ها یاشولی و روحانیت مثل‌ترکمن‌های دیگر جدا از هم نیست‌و بسیار دیده شده‌است‌که‌رهبر روحانی‌به سمت‌یاشولی برگزیده شده باشد در حالی‌که این امر در گروه‌های دیگر ترکمن‌اتفاق نمی‌افتد.

خانواده درمیان ترکمن‌ها (۱)

سازمان‌خانوادهٔ ترکمنهابر پدر سالاری استوار است. تا قبل از قرن بیستم خانواده‌های بزرگ، به سرپرستی پدری مستبد و سختگیر اداره می‌شد، ولی بعداز

---

۱ ــ استخراج از فصلنامه کوچ بهار ۱۳۶۲

دختر ترکمن از قبیله یموت در حال پختن نان



آن بتدریج خانواده‌های کوچک پای گرفتند . برطبق سنت‌آنها فعالیتهای مردان وزنان‌بطورمشخص تعیین شده‌است . مردان به زراعت‌و دامداری پرداخته‌و زنان به برپا کردن آلاچیق می‌پردازند . آرد کردن علـه وجیـن کردن پنبه ، جمع‌آوری و خشک کردن میوه ، دوشیدن شیر دامها و تهیه کردن فرآورده‌های مختلف لبنی ، پاکیزه کردن پشم وانجام‌کارهای خانه چون‌نگهداری از کودکان‌و آشپزی و لباسشوئی از کارهای زنان‌است .

زن‌بطور کلی در جامعه‌ترکمن ، از مردان پائین تر قرار داشته‌و حق شرکت در کارهای‌جمعی را ندارد ونیز نمی‌توانند در هیچ مراسمی با مردان در یک محوطه باشند . زن جوان در خانواده بزرگی‌که‌افراد مسن‌تر ازاو بسیارند باید از همه‌آنان اطاعت‌کند .زن‌جوان‌باید همواره‌در گوشه‌ای‌خاموش و بی‌سخن به‌کاری مشغول باشد ، و در هنگام صحبت کردن‌حتی در بین زنان باید بسیار آهسته صحبت‌کند .

تفاوت‌سنی‌درهنگام‌ازدواج‌ترکمنها ، مسئله‌ای‌رابوجودنمی‌آورد . دختربچه‌های ۸ الی ۹ساله‌رامیتوان‌به‌پیرمرد ۵۰ ساله شوهر داد و یا زنی ۳۰ ساله را نیز میتوان به نوجوانی ۱۵ ساله به زنی داد . گاهی هم سن‌هر دو نفر در هنگام‌ازدواج بسیار کم‌است .

پس‌ازانجام‌عقد تشریفاتی ، دختر ترکمن ۲ الی ۳ شب در خانه شوهر میماند وسپس‌به‌خانه‌پدری ، برای تکمیل جهیزیه‌اش برمیگردد . گاهی عروس ۲ الی ۳ سال درخانه‌پدرباقی میماند . در این‌مدت عروس و داماد حق دیدن همدیگر را نداشته و قبلا" اگر یکدیگر را ملاقات میکردند داماد به دست‌خویشان‌عروس کشته میشد . اکنون این رسم منسوخ شده‌است .

مردان ترکمن مانند سایر مسلمانان میتوانند بیش از یک‌زن داشته باشد ؛ در این‌صورت مرد ،اول‌بایدخانه‌یا آلاچیق جداگانه‌ای برای او بسازد ؛ هنگامی که زن جدید به‌خانه می‌آید زن‌اول‌مرد از او استقبال میکند و وی را در آغوش میگیرد و سپس‌پای‌راست‌خودرا بر روی پای چپ او قرار میدهد ، او با این‌کار نشان میدهد که زن تازه باید همواره از او اطاعت کند .

ترکمنهابه‌هنگام عقد ،به‌اصل و نسب عروس و داماد اهمیت زیادی میدهند . مراسم عروسی‌آنان اغلب باضیافتها و سرگرمیهای گوناگون همراه‌است‌ولی بیشتر به معامله‌شباهت‌دارد. هنگامی که پدر میخواهد برای فرزندش زن بگیرد چند نفر از خویشاوندانش‌را از این‌تصمیم با خبر میکند ، اگر تا آن موقع نتوانسته‌است‌دختری



یک خانواده‌و خانهٔ ترکمن



شایسته‌رابرای پسرش‌پیدا کند ، جستجو برای یافتن عروس، بیشتر در میان طایفه خودشان‌آغاز میشد . هنگامی که عروس را یافتند چند مرد محترم نزد پدر عروس‌و یاچند زن‌نزد مادر عروس میآیند و معامله وچانه زدن آغاز میشود . اگر در نتیجه مذاکرات سازش‌بعمل‌آیداین‌عبارت "سخن‌شمابردل ما نشست "را برزبان میآورند .

پس‌ازآن‌خویشاوندان داماد به فراهم کردن‌شیرینی‌های گوناگون‌میپردازند و هریک‌از خویشاوندان‌باتوجه‌به‌وضع مادی خود هدایای گوناگونی به عروس میدهند . در باره (شیربهاء) طبق معمول ، ریش سفیدان به توافق میرسند . عروس همراه با جهیزیه‌اش‌باید قالی‌و فرآورده‌های قالی‌بافی و صندوقی از لباس و رختخواب باخود به‌خانه داماد بیاورد . قبلا "عروس‌را با کجاوه به‌خانه داماد میبردند ولی اکنون او را با ماشین میبرند . هنگامی که عروس‌از خانه پدر بیرون می‌آیدطبق‌رسم ،کودکان نقل و نبات و سکه‌میپاشندودرزیرپای‌عروس‌آرد میریزند . عقددرخانه‌عمویاخویشاوند نزدیک‌دیگر داماد انجام میگیرد . پس‌از عقد ، عروس نزد داماد میماند . در شب اول دو تن‌ازخویشاوندان‌عروس و داماد هستندکه‌یکی از آنها دست عروس و داماد را میگیرد و برای‌آنهاآرزوی‌خوشبختی و سازش می‌کند ، سپس آنان میروند و عروس با داماد میماند . ۲ الی ۳ روز بعد عروس به خانه پدرش برمیگردد . دراولین ثلث قرن‌حاضرعنصرهای‌پدرسالاری‌بیش از همه در میان "**یموتها**" و"**تکه‌ها**"نمایان‌بود ، پیش ازآن‌که‌شوهرجوان‌باهمسرش‌تنها بماند‌تازیانه‌ای دریافت میکرد و باآن تازیانه هرکسی را که درآلاچیق و یا خانه بود می‌زد . او با این کار حقوق تازهٔ خود را نمایش میداد . این رسم‌اکنون‌منسوخ شده‌است .

زن در جامعه ترکمن

زنان‌ترکمن‌گرچه‌درنظام‌طایفه‌ای‌پائین‌تراز مردان قرار میگیرند ولی فعالیت های اقتصادی مهمی بر عهدهٔ آنان گذاشه شده‌است .زنان‌ترکمن‌گذشته‌ازاینکه — مواظبت‌ازفرزندان ،تهیه‌غذای‌خانواده ،آردکردن‌غله ،جمع‌آوری‌وخشک‌کردن میوه ، دوشیدن‌شیردامها ،تهیه‌فرآورده‌های‌لبنیاتی ولباسشوئی را به عهده دارند وظایف دیگری‌رانیزانجام‌میدهند . یکی از وظایف مهم زنان در میان‌ترکمنهائی که هنوز درآلاچیق‌زندگی‌میکنند برپاکردن و جمع کردن آلاچیق است . آلاچیق چون گنبدی است‌که‌سطح‌زمینی‌دایره شکل را به قطر ۵ الی ۶ متر می‌پوشاند . درآلاچیق وسایل زندگی‌وآذوقه‌خانواده‌رادردورآن ، و اجاق خوراک‌پزی را نیز در وسط قرار میدهند .

کف‌آلاچیق را با نمدی میپوشانند . ساختمان آلاچیق از اسکلتی چوبی ساخته شده که‌آنرا باچند قطعه نمد می‌پوشانند . زنان در هنگام برپاکردن‌و جمع کردن آلاچیق ممکن‌است‌از کمک‌زنان همسایه و یا از کمک مرد یاپسر خانواده‌استفاده‌کنند .

گذشته از آن زن‌ترکمن به قالی بافی ، نمدمالی ، سوزن‌دوزی ، خورجین‌بافی وگلیم بافی می‌پردازد . دربیشترآلاچیقهاوخانه‌های‌ترکمن ،داربست قالیبافی وجود داردوزنان‌و دختران مشغول قالیبافی میشوند . داربست قالیبافی ترکمنها به وضع افقی‌درکف اتاق یا آلاچیق قرار دارد . شانه کردن و ریسیدن پشم‌از کارهای زنان سالمند و بافتن قالی ازکارهای زنان جوان‌است .

نمد مالی نیز از کارهایی است که به عهده زن ترکمن گذاشته شده‌است . زنی که قصد درست کردن نمد داشته باشد ،پس‌از اینکه پشم آنرا فراهم کرد به زنان همسایه خبر میدهد که در روزی که نمد مالی دارد به او کمک کنند .

سوزن‌دوزی‌نیز از کارهای زنان و دختران ترکمن‌است . آنان نقشهای زیبایی برروی‌عرقچین‌های‌کودکان‌و مچ شلوار خود بانخهای رنگارنگ سوزن دوزی میکنند .

قالی و ترکمن " (۱)

در ترکمن صحرا وحتی خارج از آن لغتهای " فرش " و " ترکمن " جفت و همزاد یکدیگرند . محال است که لفظ ترکمن‌شنیده یا به زبان آورده شود و تصویری از فرش ترکمن در ذهن تداعی نگردد . همانگونه که در سایر ایلات ایران (شهرکرد ، لر ،قشقائی ،بلوچ‌و . . .) مرسوم‌است ترکمنها نیز این فن وابزار آنرا با شیوهٔ زندگی‌متحرک خود منطبق کرده‌اند . یعنی دستگاه بافندگی آنان یک وسیله ساده‌است‌که‌از چند تیرو تخته‌سبک ساخته شده که براحتی میتوان آنرا برچید و به جائی دیگر حمل کردو در موقع لزوم مجددا" بهم سوار کرد . دستگاههای قالیبافی همیشه‌به‌شکل‌مربع ومستطیل‌است و معمولا" بیشتر از دو سه متر طول و عرض ندارند .

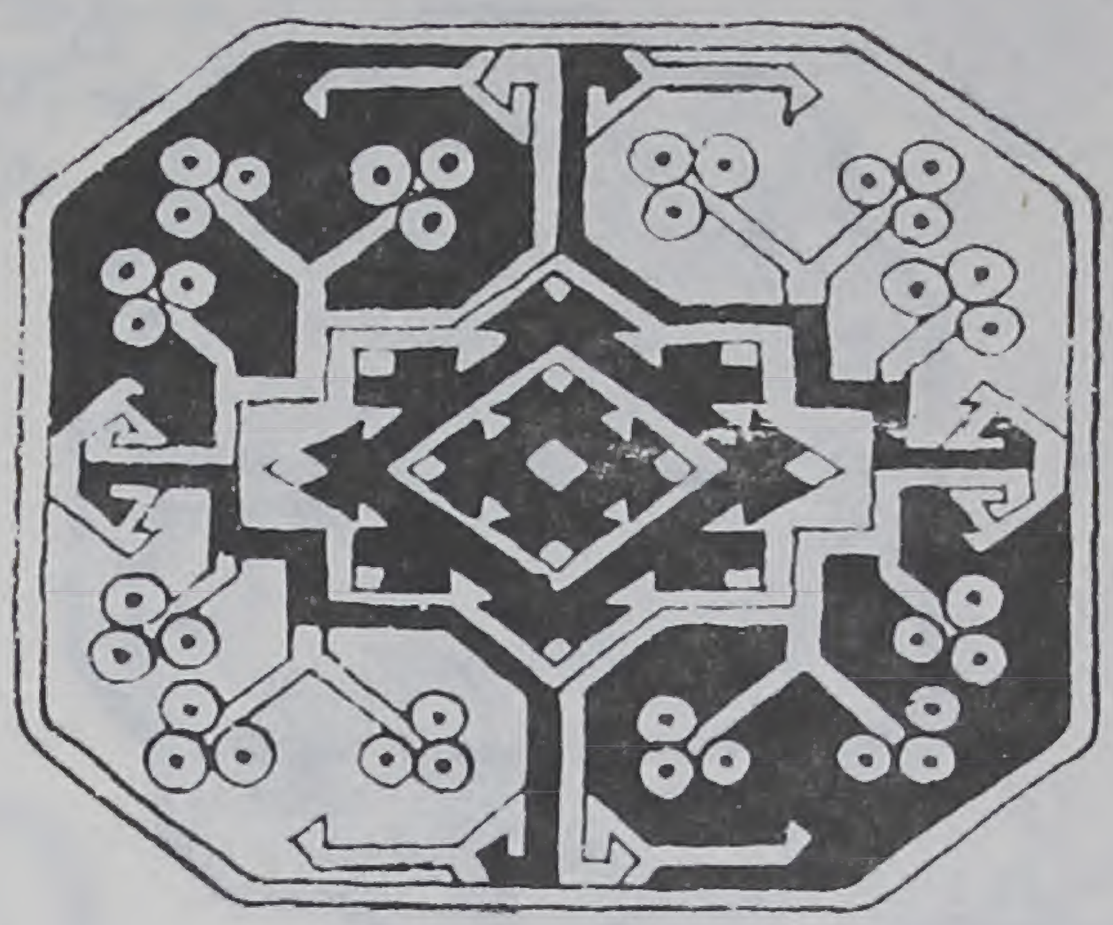
قالیچه‌هائی‌که‌بااین‌دستگاهها‌بافته‌میشودنیز معمولا" یک متر و چند سانتیمتر عرض‌واندکی‌بیشتر از یک مترو نیم طول دارد . البته‌همانطور که معمول چنین بوده و هست . ولی در حال حاضر فرشهای ترکمن به‌اندازه‌های‌گوناگون بافته‌میشود و از این‌طریق‌نیزبا بافت سایر عشایر ایران تفاوتهائی پیدا کرده‌است . فرشهای چهار ـ متر مربعی اندازه معمولی‌فرشهای‌ترکمن‌است ولی فرشهای خیلی بزرگ که‌از پانزده مترتجاوزمیکندنیزبافته میشوند . قبلا" این فرشها را برای (روسا) میبافتندو امروزه

---

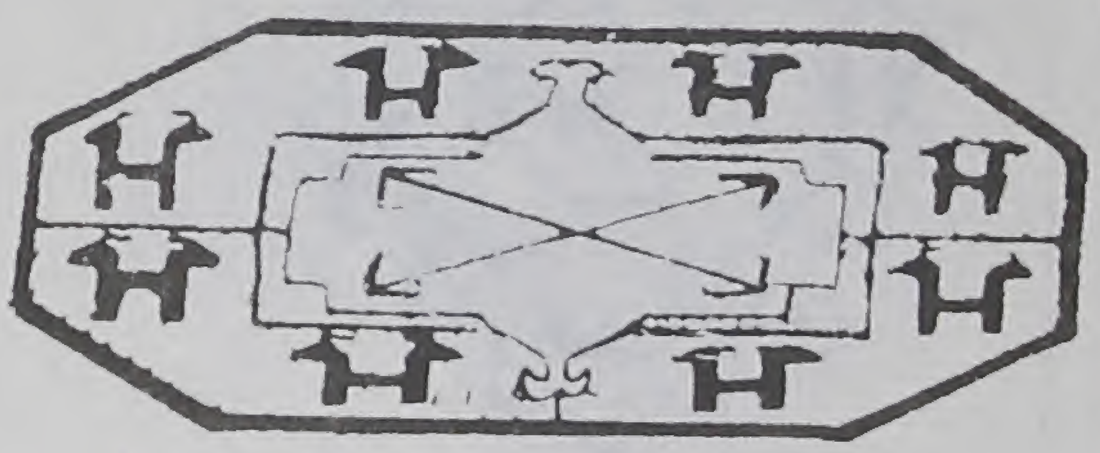
۱ ـ استخراج از فصلنامه کوچ بهار ۱۳۶۲



گل سنتی یموت



گل ارساری

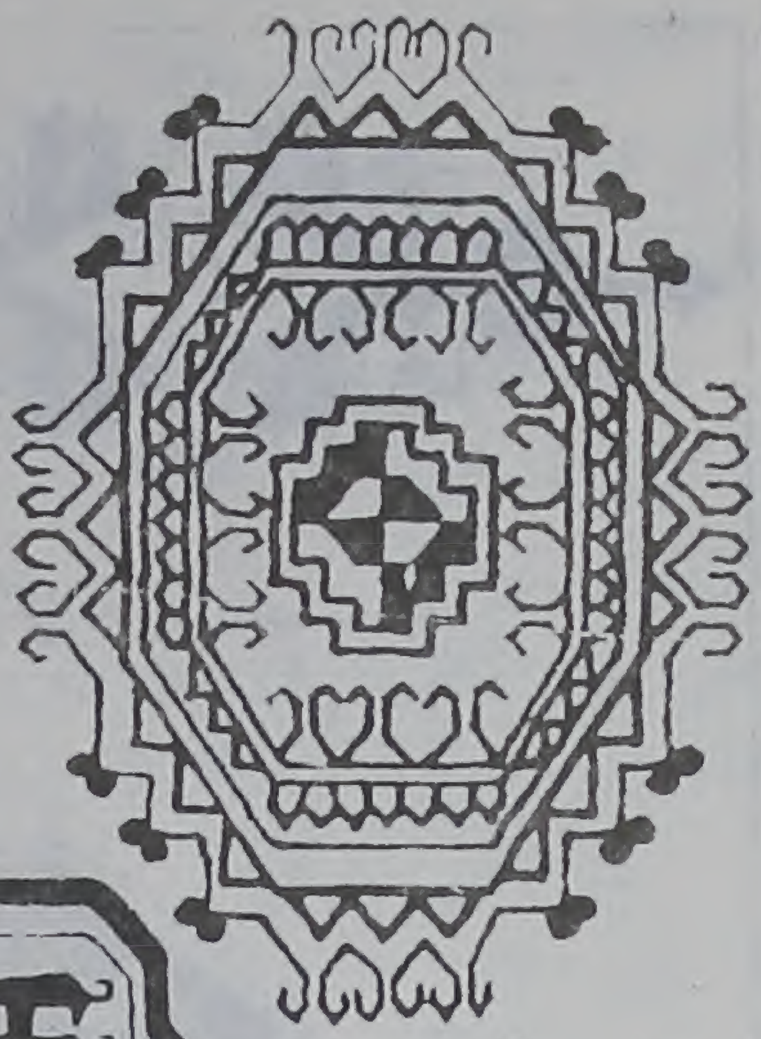


گل ساریخ

نقوشی از قالیچه‌های ترکمنی

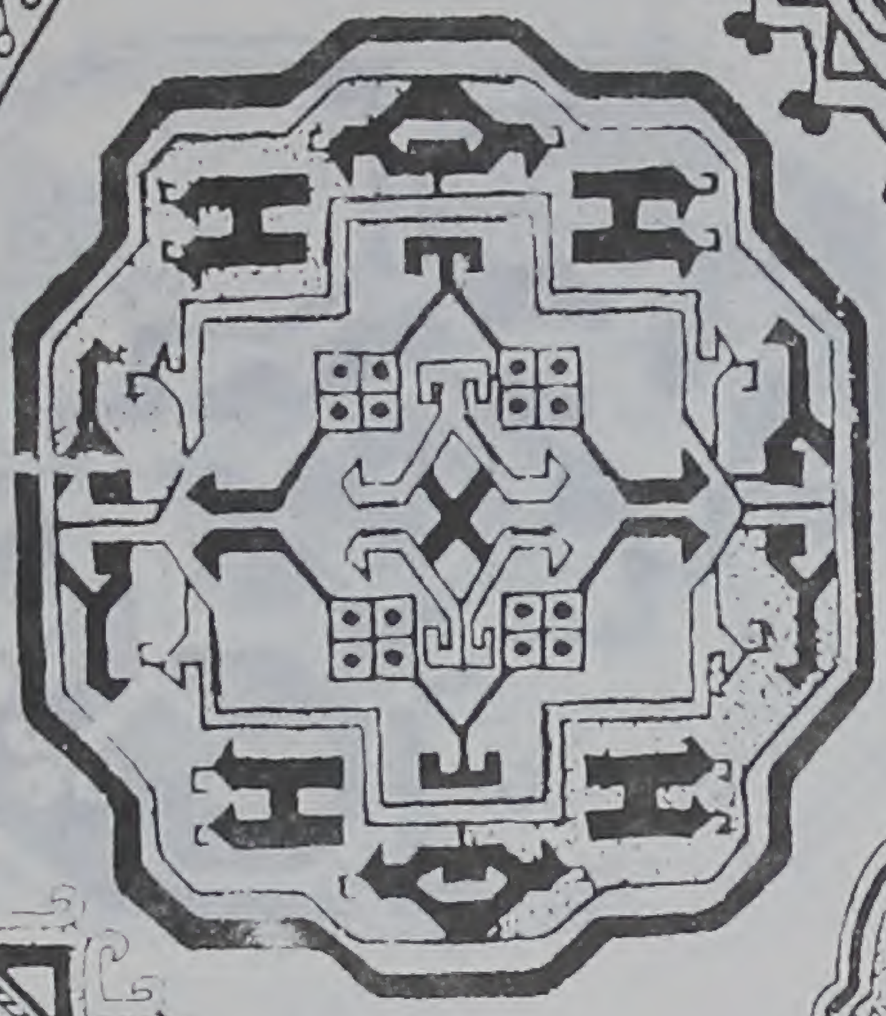


گل ارساری



گل سنتی سالور

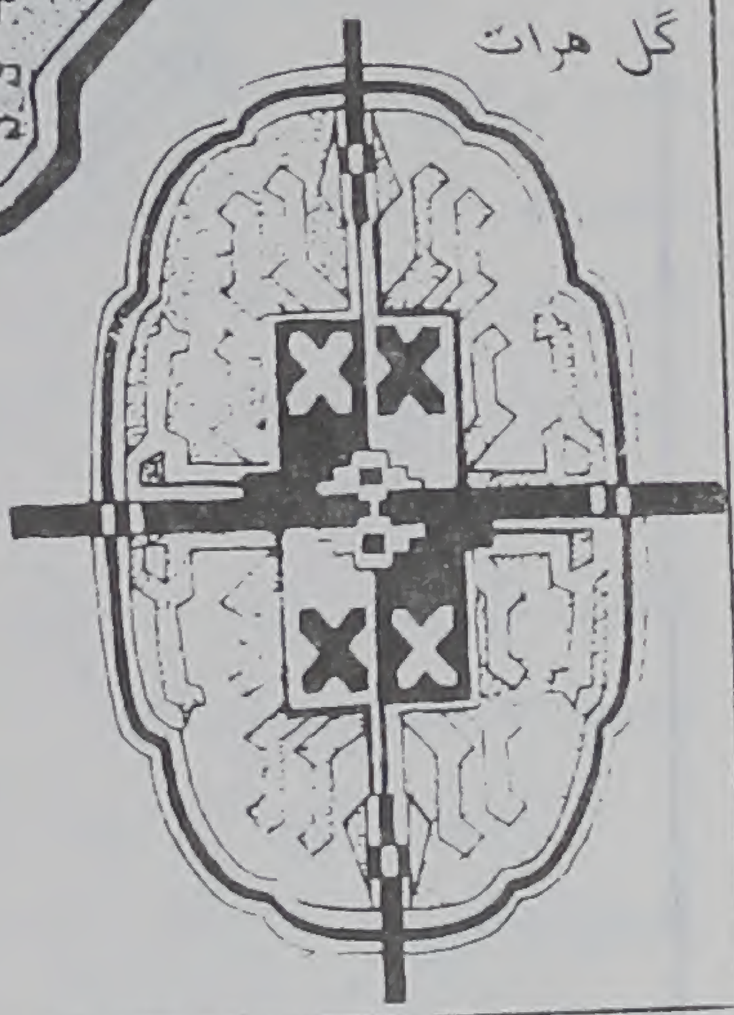
گل خیوه



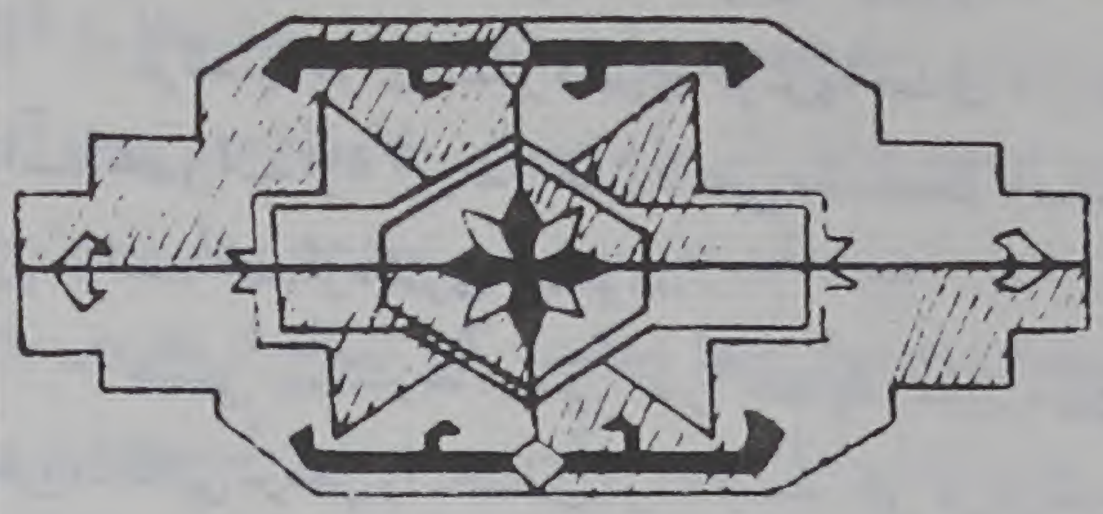


گل ساریخ

گل هرات



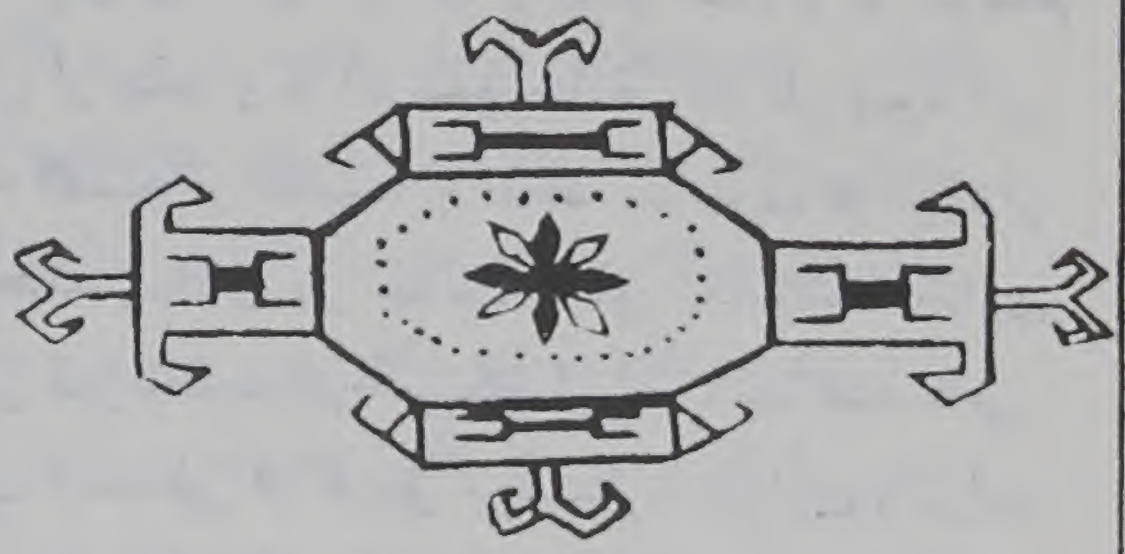
نقوشی از قالیچه های ترکمنی



گل تکه



گل اوساری



گل تکه

نقوشی از قالیچه‌های ترکمنی

یا برای صادرات است و یا سفارش شهریها .

ترکمنها برای اندازه‌گیری فرش واحدی دارند که آنرا "ایاق" میگویند که معنی پا رامیدهدو اندازه آن درحدود سی سانتیمتر است . در موقع خرید و فروش، فرشها با آن واحد اندازه‌گیری میشوند .

خیلی پیشترها یعنی در حدود سال ۵۸۰ هجری شمسی مارکوپولو، جهانگرد معروف قالی ترکمن را تحسین کرده است . فرش ترکمن در همانسالها و پس از آن ، حتی هنوز بهترین فرش آسیای مرکزی بوده و هست .

درنقوش قالی ترکمن ، سبک بخارائی مشهور است و این سبک غالبا" و بطورکلی به فرشهای ترکمن اطلاق میشود ، زیرا در این شهر بوده که بهترین و بیشترین این فرشها به فروش میرفته است . بسته شدن مرز شوروی نقطه انتهای گستره‌ٔ فرش بخارائی بوده ولی کیفیت آن درحال حاضر در فرشهای حاضر ترکمن متجلی شده و اساس آن گردیده است .

تمامی فرشهای ترکمن از زیبائی و تنوع رنگهائی برخوردارهستند که خاص ترکمن است رنگ سرخ و سرخ تیره ، سبز علیظ و سنگین ، زرد سنگین و چرکین ، رنگ طبیعی کرک ، رنگ اخرائی ، رنگ آبی سیر (سورمه‌ای) ، رنگ نارنجی ، رنگ سفید . رنگهای سرخ بیشتر از رنگهای دیگر به‌کارمیروندومعمولا" زمینه قالی و قالیچه به رنگ سرخ می‌باشد که روشنائی آن حالت زنده‌تر و برجسته‌تری به نقشها میدهد .

قالیچه‌ها و قالیهای ترکمن یا ترکیبی است از نخ و پشم که تار آن از نخ و پود آن از پشم است و یا پشم اندر پشم که تار و پود آن هر دو از پشم است و یا ابریشم وپشم که تار آن از ابریشم است و پود آن از پشم و یا ابریشم خالص که تار وپود آن هردو ابریشم ، و بهمین ترتیب هم که گفتیم از کیفیت و قیمت بیشتری برخوردار میشوند . این تابلوهای پشم و ابریشم مدت زیادی در مقابل تجاوز تاثیرات تجاری غرب مقاوم بوده‌اندوتانیمه‌های دوم قرن نوزدهم برای آمریکاو اروپا ناشناخته باقی مانده‌اند . اما نفوذروس واحداث راههای ارتباطی از طریق ترکستان ، بازاری رابرای این فرشها بوجودآوردواززمانی که سرزمین ترکمنها جزو ایران واتحاد جماهیرشوروی شد هنرقالی بافی ، دراین سرزمین بصورت صنعت درآمد و فقط به‌منظور فروش در خارج ازقلمروایل صورت گرفته است . هنر قالیبافی در ترکمن صحرا فقط بدست زنان انجام میشود . این هنر از مادر به دختر منتقل میشود و به مثابه ثروتی در دست زنان و دختران است . البته هنرزن ترکمن تنها قالیبافی نیست بلکه نمدمالی ، سوزن دوزی ،

خورجین‌وگلیم‌بافی ، همه جزو هنر های زن ترکمن است . از این‌هنرها ،قالییافی ، در اقتصاد خانواده نقش مهمی دارد ،به همین علت در بیشتر خانه‌ها یا آلاچیق ترکمنها یک دستگاه قالییافی دیده میشودکه‌زنان‌یادختران خانواده‌در روی آن به قالییافی مشغولند . به‌این ترتیب این زنان هنرمند در نتیجه مهارت واستعداد هنری‌شان‌نقش‌کاملا "مهمی‌در اقتصاد خانوار ایفا میکنند کما اینکه از طریق بافته ـ هایشان راحتی و گرمای اجاق خانواده راتاءمین میکنندو به طور گسترده و وسیعی به در آمدآن می‌افزایندهمین موضوع سبب میشودکه‌اگرزن درجامعه‌ترکمن ازنظراجتماعی برابر نباشد درعوض به عنوان یک دارائی قابل توجه و حتی گاهی مواقع دست نیافتنی محسوب‌شود .کمااینکه‌اگرمردی بخواهد دست‌دختری را بگیرد و به زندگی زناشوئی‌دعوت‌کند می‌بایستی‌در ازای وی شیربهائی‌بپردازد که‌نسبت آن در مقایسه با سایر اقوام کاملا "بالاست‌واین‌شیربها به پدر زن آینده‌اش تعلق داردکه نقدا " باید پرداخت‌شود . تازه داستان به‌همین‌جا خاتمه پیدا نمی کند و همانطور که در صفحات قبل اشاره کردیم پس از مراسم‌ازدواج ،عروس و دامادد‌و یا سه شب با هم می‌گذرانندو پس ازاین دوره عروس بخانه‌پدرخود باز میگردد ومدت سه سال برای اوکارمیکندو حق برقراری هیچگونه تماسی با شوهر خود ندارد . سال چهارم را نیز عروس‌بطور دائم در نزد شوهرش نمی ماند ،چه معمولا " به تناو ب‌سه‌هفته یا یکماه درخانه‌پدرشوهر وهمین‌مدت را در خانه پدر خود به کارو تولید میپردازد ، و تازه یک دهم شیربها را هم باید به مادر عروس‌که به‌اسم پول اندرونی مرسوم‌است بدهد .ازهمین‌جاپی به اهمیت نقش تولیدی زن د رجامعه ترکمن میبریم و میدانیم که‌این نقش‌فقط‌از طریق تولید فرش‌و قالی‌است و خانواده‌با چه دشواری و با چه بهائی‌حاضربه‌خروج این نیروی تولیدی از محیط‌خود می‌باشد . لذاجوانان‌ترکمن سالهای طولانی‌لازم دارند که‌این پول را جمع کنند ، یا باید پدرانشان بپردازندو یا اینکه‌عده‌ای مجرد باقی می مانند و یااینکه در سنین‌خیلی بالا ازدواج میکنند . نخی را که برای تار قالی مصرف می‌شود از شهر میخرند یا پشم قالی‌راکه گره های قالی با آن بافته می‌شود ، خودشان از گوسفندان می‌چینند ، سپس پشم را ابتدا میشویند و بعد از خشک کردن ، با شانهٔ پایه‌دار شانه میکنند . پشم شانه شده‌را با دوک ساده‌ای میریسند .معمولا " زنان مسن به ریسیدن و تابیدن وگاهی رنگ آمیزی می‌پردازند و دختران کوچک و زنان جوان که چشمانی حساس و انشگتانی باریک‌و ظریف دارند به بافتن قالی مشغول میشوند . اینان

نقشه‌های قالی و قالیچه‌شان را پیش‌از بافندگی در روی کاغذ ترسیم نمی‌کنند ، ولی درضمن بافندگی محل آغاز وانجام هرنقشی رادرزمینه‌قالیچه میدانندو با مهارت بکارمیبرند . این بافندگان ، فرشهارابرمبنای سنتهای فامیلی خود ، برمبنای تصورات ذهنیشان و برمبنای نقش و نگارهای مشخصه قبیله‌شان میبافند .

قالی وقالیچه ، گلیم ، نمد

واژه‌فرش‌معمولا "مفهوم قالی و قالیچد را که‌از طریق گره زدن درست میشود ، درذهن‌تداعی میکند ، منتها ، فرشهای دیگری نیز وجود دارند که یاهمانند پارچه فقط ازتاروپودبلند تشکیل‌شده ، مثل گلیم ، یا فرشهائی است که‌از پشم درست‌میشود و آنرابامالیدن درهم میکنندو نمد نام دارد . ترکمنها انواع‌گوناگون آنها را میبافند و درست میکنند .

نقشهای‌ترکمنی ، هندسی‌و معدود و محدود و تکراری است . شاید یکی‌ازعلل زیبائی قالیچدهای ترکمنی ، معدودبودن‌نقشها و هندسی بودن آنها و نیز معدود بودن‌رنگها باشد . نقشهائی که در حاشیه بافته میشوند ، از نقشهای متن قالیچه‌ها متمایز است . اساس نقشینه کردن وترکیب نقوش ترکمنی با آنچه که در مناطق دیگر ـ معمول است ، کاملا " تفاوت دارد .

قالی گره بافت :

از هشت‌هزار تا ده هزار گره درازای یک روزکار . زنهایی‌که‌عادت و مهارت بیشتری‌دارندروزانه تاحدود ده‌هزار گره‌میزنندو یک‌فرش دومتر مربعی که از کیفیت متوسطی برخوردار است‌در عرض چهل روز به راحتی بافته و تمام میشو د .

گلیم :

بافت‌گلیم باکمی تفاوت‌مانند بافت‌پارچه‌است‌ولی روی همان دستگاهی بافته میشودکه‌قالی‌راروی‌آن میبافند . ابعاد آنها بر مبنای مصرف متغیر هستند ، قطعات کوچک برای‌روپوش‌زین ، جل‌اسب وخرجین‌ها استفاده میشود و قطعات بزرگ آن به منظور فرش و یا پوشش روی وسایل زندگی و غیره است .

نمد :

نمد مالی ازقالی بافی کمتر معمول است و نمدها را عموما " برای استفاده خود تهیه میکنند . در خانه هر ترکمن بیشتر از هر فرشی مورد استفاده قرار میگیرد . نمد مالی نیز کار زنان است و زن هر خانه‌ای برای درست کردن نمد از همکاری و همیاری زنان همسایه استفاده میکند پشم را بعد از شستن با ضربه‌های ترکه‌ای باریک حلاجی میکنند . این پشم را تکه تکه بر یک حصیر بافته شده از نی روی هم میگسترند تا اندازه ـ مورد نظرشان را پر کنند . برای آنکه نمد نقش دار باشد ، پشمهای رنگین را با طرحهای گوناگون بر روی زمینه اصلی آن میچینند . بعد از اینکه یک روی نمد را با پشمهای رنگین نقشین کردند ،آن را با همان حصیر بدور خود لوله میکنندو دور لوله را با ریسمان بلندی محکم میبندند تا در وقت مالاندن باز نشود . روی لوله چند سطل آب میریزند تا پشمها خیس بخورد . برای آنکه لوله نمد را بمالانند د رمحوطه‌ای مقداری کاه پهن میکنندو چهار نفر لوله را روی کاهها با دوقطعه ریسمان بلند که در دو سر لوله پیچانده‌اند می‌مالند گاهی هم پسران جوانی که نمد مالی از آنان ساخته‌است به‌زنان کمک میکنند بعد از آنکه یکی دوساعت لوله نمد را مالیدند ، دوباره لوله را باز میکنند وروی دیگر نمد را هم نقش می‌اندازندو جاهایی راکه نازک شده‌است ، چند تکه پشم میافزایندودوباره نمدرا باهمان حصیر میپیچندو بازهم یکی دو ساعت میمالند . آنوقت لوله را باز میکنندواین بار نمد را جدا از حصیر بدور خود میپیچند و در حالی که یکی از زنان گهگاه روی نمد آب میپاشدزنان دیگر نمد رابا دستهایشان میمالند . نقش نمدها برخلاف قالیچه‌ها خطوط منحنی دارد و نقش شاخ قوچ به‌شکلهای مختلف بیشتر از شکلهای دیگر بکار میرود .

درهمی نقشهای نمدکمتر از گلیم است و رنگهای آن نیز زنده است .

قالی ایران

در اینجا بی مناسبت نخواهد بود که‌شرح هر چند مختصری در مورد قالی ایران ارائه شود و صفحاتی از کتاب را به این هنر بسیار ارزنده‌ء ایرانیان که خود تاریخ گویاو آیینه‌ء درخشانی از تمدن و فرهنگ ملت ماست اختصاص داده شود .

"بگمان نزدیک بیقین کشور ایران مرکز آفرینش‌هنردست‌باف فرش گره‌دار در جهان بوده و میباشد ،از این روست که گرانقدرترین و زیباترین قطعات فرشهای گره‌دار در دنیای کنونی متعلق به هنر ایران و منتسب به هنرمندان این سرزمین نامدار میباشد ."

" تنوع حیرت‌انگیزی که در نقش و نگار و کیفیت بافت و تعداد گره کاری‌و تصاویر فرش‌های ایرانی دیده میشود گذشته‌از اینکه هر یک نمونکه بارزی از تخیلات فکری و ابداعی و ابتکاری طراحان و بافندگان بوده نقاشان در حقیقت موید رواج رقابت دست‌اندرکاران مکاتب مختلف‌این هنر ملی ایران نیزبوده‌است .

قالی ایران نه تنها جنبه پوششی داشته بلکه به علت زیبایی خاص همواره از عوامل‌اساسی تزئینات به شمار میرود و در حضر و سفر بعنوان ضروری ترین عامل همراه ایرانیان بوده و میباشد .

در این‌زمینه دو نفر ازجهانگردان به نام پ .آ .اولیور P.A.Olivier که در سال ۱۷۹۶ میلادی‌ازایران‌دیدن نموده و دیگری تافیل (Theophile) گویند چنین نقل نموده‌اند : ایرانیان همواره در سفرهای دور و نزدیک بنا به عشق و علاقه‌ای‌که‌به‌هنر ملی‌خود دارند از قالیچه‌های بافت ایران استفاده می‌نمایند و به هر مکان که میرسند با گستردن‌آن به استراحت میپردازند .

بنا به تحقیقی که‌شده‌است کهن ترین قالی مکشوف در جهان قالیهائی‌است که به سال ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ شمسی در دره پازیریک (Pazirik) در ۷۹ کیلومتری مرز مغولستان خارجی بدست آمده و متعلق به ایران زمان‌هخامنشی میباشد پس از آن فرشهای دوره‌ساسانی‌است‌که معروفترین آن قالی " **بهارستان** " است همچنین در دوره سلجوقیان و ایلخانیان و تیموریان‌هنر قالی بافی در ایران رواج کامل‌داشته است .

---

۱ ــ استخراج از کتاب قالی‌ایران شاهکار هنر ، مولف : اروین گانزرودن
E.Gans Ruedin

هر قطعه قالی که ارزش هنری دارد تابع عوامل زیر است .

۱ ـ پشم ۲ ـ رنگ ۳ ـ زمینه و بافت

مهمترین عامل قالی ، پشم گوسفند یا کرک گردن و یا زیر شکم بز است بر حسب ظرافت وضخامت قالی باید پشم را نازک یا ضخیم ریسید (تار) اساس زمینه است که از دو رشته نخهای موازی که یکی در جلوو دیگری در عقب قرار گرفته تشکیل یافته است، به‌کاررفتن (پود) که نخ سفید یا برگ دیگری است موجب استحکام قالی میشود و در واقع به منزلهٔ پشت بند اصلی فرش (از ۲ تا ۱۶ / Bouis) در بافت پودهای ساده تاروروی یک سطح قرار گرفته‌اند در حالی که در بافتهای روپودی رشته‌های تارها روی هم قرار میگیرند که اغلب تار بالا بی بچشم دیده نمیشود ، گذشته از پشم در هنر قالی بافی ایرانی از ابریشم طبیعی هم استفاده شده و میشود بدیهی است قالی‌های ابریشمین که دارای ظرافت وتموج وتلا "لو خاصی میباشد در مکتب قالی بافی دارای

مقام خاص ارزنده‌تری هستند ، از کیفیت قالی بافی ایران وتاریخ سیر تحول و تکامل آن پیش از دوران صفوی متاسفانه اطلاعات و شواهد و نمونه‌هائی در دست نیامده لیکن بدون تردید میتوان به این نکته معتقد بود که در دوران مغول و تیموری کارگاههای قالی بافی در سراسر کشور وجود داشته‌است از مدارک موجود که به عنوان شواهد مثبت میتوان استفاده نمود این است که وجود مینیاتورهای رنگین که کلا دارای نقشه‌های خاص و تصاویر دل‌انگیز خیالی و شکارگاهها و مجالس برم شاهانه می‌باشد نقش و نگار صور قالی بچشم می‌خورد وبدون تردید طراحی مینیاتورهای مکتب خاص ایرانی در نقش و نگار بافت و رنگ‌آمیزی قالیهای ایران تاثیر بسزا داشته و حتی برخی از پژوهندگان بر این عقیده‌اند که اشکال مینیاتورهای موجود معرف و منعکس کننده نقاشی و تصاویر فرشهای سنتی ایران در گذشته و حال می‌باشد .

فردوسی شاعر حماسه‌سرای بزرگ ایران هم در کتاب جاودانی شاهنامه اشارتی به‌قالی ایران می‌نماید که در آن زمان هم از اهم وسائل تزئین ، خیمه و بارگاههای بزرگان و پهلوانان بوده است و درآئین‌بندی و پذیرایی نقش ارزنده و چشمگیری داشته‌است .

در دوران سلطنت سلسلهٔ صفوی هنر قالی بافی مانند سایر رشته‌های هنرهای ظریف مورد توجه شاهان قرار گرفت . در زمان شاه طهماسب و شاه‌عباس کبیر در اثر علاقه‌خاصی که این دو پادشاه صفوی به ترویج هنر قالی بافی داشتند میتوان گفت که مکتب خاصی در صنعت قالی بافی در ایران پدید آمد .

برای نخستین بار در این زمان از گلابتون زرین و سیمین و ابریشم استفاده شد و از اینرو است که گفته‌اند در قالی ایران مظهری از تجمل شاعرانه در جهان کنونی می‌باشد.

مواد اولیه:

پشم اعلاو نرم گوسفندان ایرانی‌که دارای پوست چوب هستند و به نام (گوسفند با دنبه) معروفند دارای پشم درجهٔ اعلاست که شهرت محکمی قالی ایران مدیون آن است. این پشم در پرز و گاهی تارو پود فرش به کار می‌رود.

برای‌پرزمعمولا "از دو سر آن استفاده میشود، یعنی دو تار ساده‌ای که با هم دومرتبه تابیده شده‌اند. ازابریشم طبیعی هم در بافت قالیهای پر تجمل استفاده می‌شود که علاقمندان فراوانی دارد. پنبه‌در بیشترنقاط کشور ایران‌کشت میشود و تاروپودآن در صنعت قالی‌بافی مورد استفاده‌است. برای این‌کار از ضخیمترین تار وپودآن استفاده می‌کنند. (از دو تا شانزده Bouis). در بافت پودهای ساده رشته‌های تار روی یک سطح قرار گرفته‌اند، در حالیکه در بافتهای دو پودی رشته های تارها رویهم‌قرار گرفته‌اند که اغلب بالایی به چشم دیده‌نمی‌شود و بدین‌نحو بافت قالی جنبه فشرده تری را پیدا میکند.

رنگ‌ها:

علاقمندان قالی ایران فریفته زیبایی رنگ آمیزی آن هستند. ایرانیان در ترکیب و هماهنگ کردن رنگها بسیار مهارت دارند. آنان قادر به بدست آوردن پردهٔ رنگهای کرم، روشن وتاریک هستند. بعلاوه تغییر نیم پرده‌ای رنگها را در اثر مرور زمان‌می‌توانند پیش بینی کنند. مدت مدیدی بود که رنگ را فقط‌از مواد طبیعی یعنی گیاهی و حیوانی می‌گرفتند. رنگ‌شیمیایی خیلی به کندی به بازار ایران نفوذکرد، شاید دلیل آن علاقهٔ هنرمندان ایران به رعایت سنت قالی‌بافی در این مملکت بوده‌است. چنانکه امروزه هم در بعضی دهکده‌هابه رنگهای گیاهی برمیخوریم که مورد استفاده رنگ‌آمیزی قالی است.

درایران‌رناس‌بآسانی پیدامی‌شود و از ریشه‌آن انواع قرمزها را تهیه می‌کنند قرمز رنگی است که‌درقالیبافی‌ازآن استفاده می‌شود و علاوه بر رناس از قرمز دانهٔ وارده نیزاستفاده‌می‌کنند. اززعفران‌بیابانی یک زرد متمایل به قرمز بدست می‌آید

واز زعفران کشت شده زرد خالص. از ریشه زردچوبه نوع زرد دیگری‌بدست‌می ـ آید.

آبی‌های‌مختلف از نیل بدست می‌آید و رنگ بژ خاکی از جو بدست می‌آید و قهوه‌ای از پوست سبز فندوق.

با این‌چندرنگ‌که به طور ماهرانه و استادانه‌مخلوط و رقیق شده‌اند ایرانیان تمام‌رنگهای دیگر را بدست می‌آورند که البته بدان رنگهای طبیعی پشم نیز اضافه می‌گردد.

اینک دستور عمل چند نسخه:

برای بدست آوردن‌یک‌رنگ‌زیبای آبی کافیست‌که مقداری نیل را در آب به مدت ۱۲ساعت خیس‌کرده، بعد آنرا در هاون سائیده به خمیری که از آن بدست آمده پوست رنده شدهٔ انار و زاج سفید را اضافه کرده، بعد از اینکه همهٔ اینها باهم مخلوط‌شد آنرا با آب جوشانده، پشم را در حمام گرم خیسانده و گذاشته، می‌شود تا سرد شود. برای بدست آوردن‌آبی فیروزه‌ای ساقهٔ Maurelle را (که آفتابگردان رنگ رزان است) با بیشاب مخلوط‌کرده تا اینکه تخمیر گردد.

برای بدست آوردن یک رنگ زرد زیبا مقداری زعفران، مقداری زردچوبه و مقداری برگ مو زرد شده که قبلا "در آفتاب خشک شده‌است با هم به مدت ۴ تا۶ ساعت جوشانده و با زاج سفید آنرا ثابت می‌کنند. بعداز شستشوی کامل و خشک شدن‌پشم‌آنرا به‌مدت ۳ ساعت در محلول می‌خیسانند. ازپوست انارهم رنگ زرد بدست‌می‌آید برای رنگ سبز بجز مخلوط رنگ زرد و آبی از Nerprun هم استفاده می‌کنند سبزی که ازآن بدست می‌آید بنام "سبز چینی "شهرت‌دارد. رنگ قرمزازریشهٔ‌رناس‌بدست‌می‌آید.

ریشه را خشک کرده و میزنند تا از پوستش جدا شود سپس در هاون آنرا به شکل پودردرمی‌آورند. ماده‌ی‌رنگی‌آن‌که‌آلیزارین نام دارد از بقیهٔ پودر جدا می‌کنند. اگر آلیزارین با زاج سفید مخلوط‌شود رنگ قرمز بسیار زیبایی بدست‌می‌آید. از گیاه روناس تازه قرمز مسی رنگ بدست می‌آید. و از روناس هفت‌ساله رنگ قرمز متمایل به آبی. قدیم‌هانخ را به صورت کلاف‌های کوچک رنگ نمی‌کردند بلکه به طریقی که‌ممکن است عجیب بنظرآید، تار به تار در رنگ می‌آختند بعد آنهارا جمع کرده‌ودرهوای‌آزادخشک می‌کردند. باین ترتیب رشته‌ها با متنوع شدن رنگهایشا ن جلای طبیعی و خاصی را پیدا می‌کردند.

ارجحیت این روش در نوع رنگ‌آمیزی‌وپرزها و بخصوص شفافیت و زنده بودن رنگها بود که تموج در خواب قالی و نرمی جنس و براقی آن در قالی کهنه و آنتیک مشاهده‌میگردد .

این‌خصوصیات در قالیهائی با رنگ کروماتیک که مختص رنگهای مصنوعی صنعتی‌بر روی پشم است کاملا "مغایرت داشته و برای کسب چنین حالتی باید آنها را دواشور کرد .

آغاز روش جدید رنگ‌آمیزی را باید در حدود سالهای ۱۸۷۰ میلادی و تقریبا " در تمام مراکز تولید جستجو کرد .

ازاین‌تاریخ بیگانگان باموفقیتی نسبی که بر حسب منطقه تولید کسب کردند سعی نمودند که از رنگهای مصنوعی استفاده نمایند .

امروز هنرمندان از این رنگها استفاده می‌کنند ،با این روش نه تنها به رنگها تنوع‌بیشتری می‌دهد بلکه برای حمل و نقل و کاربرد رنگ‌آسان تر بوده‌و در زمان بافت قالی صرفه‌جویی می‌شود ،ازنظرزیبایی‌نتایج‌حاصله از رنگهای اولیه آنیلینی موفق نبوده به طوریکه در اواخر قرن نوزدهم میلادی از طرف ناصرالدین شاه‌وپس ازاومظفرالدین‌شاه مقرر گردید تا از تولید رنگهای شیمیایی جلوگیری‌و کلیه انبارهای آنیلین‌منهدم گردیده‌وتمام‌قالیهاکه‌توسط‌این‌رنگ‌تهیه شده‌بود ضبط‌شود.

پس ازآن‌قاچاق‌رنگ‌اجرای‌این‌دستورات را مختل نمود وقوانینی دراین زمینه طرح شد که به‌موجب آن به جای ضبط‌اموال ، عوارض‌به مقدار ۳ درصد به کالا های صادراتی بر آن اضافه‌شود .

این عوارض‌پس‌ازمدتی به ۹ درصد و بعد به ۱۲ درصد افزایش یافت تا اینکه چند سال بعد کاملا حذف واز بین رفت .

بطور کلی رنگهای شیمیایی پس ازامتزاج‌رنگ با آب در حمام رنگرزی بدست می‌آید . تنوع‌رنگ به مقدار آب امتزاجی بستگی دارد .

پس از اینکه پشم شسته وچربی آن گرفته شد (یعنی مقدار آنولین آن کاسته شد) پشم را وارد حمام رنگرزی نموده‌و حرارت حمام را بغلیان می‌رسانند ،زمان پخت‌درحدودیکساعت و نیم می‌باشد پس ازآن پشم رادر داخل محلول رنگ‌نموده که با گذشت دوازده ساعت سرد می‌شود پس از این‌مدت اگر عمل شستشو با آب روان انجام گیرد نتیجه بهتر حاصل خواهد شد .

برحسب‌آمار صادراتی ، قالی ایران بین‌سالهای ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴ میلادی ، ۵۸ درصد قالیهای صادراتی‌بارنگهای شیمیایی و ۳۸ درصد بدون استفاده از آن تهیه

میشد و باید متذکر شد که در بخش ۵۸ درصد مذکور از رنگهای شیمیایی به طور نسبی استفاده میشد . برای آمار سالهای بعد از جنگ اطلاعات دقیقی در دسترس نیست ولی میتوان گفت که استفاده از رنگهای شیمیایی به علت گسترش و توسعه صنعت قالی بافی قوس صعودی پیموده است و از آنجائیکه این رنگها بنحو احسن تکامل یافته بودند از نظر رنگرزی و مرغوبیت ضامن کیفیت قالی گشتند .

نقشها .

اصالت هنرمند ایرانی نقشهای قالی را با استعداد خدادادی بیان و رسم می‌کند و به همین جهت تنوع آن لاینتاهی است . هر یک از مناطق کشور با تصمیم راسخی از اصالت نقش خویش دفاع می نماید و به همین علت خاص است که می‌توان محل تولید و بافت قالی را تشخیص داد ولی با کمال تاسف باید گفت که از چند سال پیش به این طرف قالیبافان هندی و پاکستانی بدون توجه به اصالت و صداقت هر یک از نقشها که خود میراثی است کهن از هر یک از هنرمندان قدیمی ایران ،آنها را بازگردان وکپی نموده و بر روی قالیهای خود نقش می بندند .

با کمی شناخت وتجربه و کار کشتگی می توان به مبداء نقشهای اولیه پی برد مسلما" شناخت مرکز تولید مشکل تر بوده ومطالعاتی بیشتر در ترکیبات مواد استفاده شده و استیل بافت را ضرورت می نماید .

برخلاف دیگر ملل تولید کننده فرش ، ایرانیان قالیهای خود را با صور انسانها و حیوانی جان بخشیده که درچهارچوبی از هنر و زیبایی بوده و رویاانگیز می باشند. با آنچه که گفته شد قالی ایرانی به راحتی از قالی ممالک دیگر متمایز می‌گردد همچنین طبیعت زنده در نقش های قالیهای ایران نقش حساسی را در این امر ایفا می‌کند .

باحمله مغولها به ایران اثر چینی به این مرز و بوم رخنه کرده و در هنر قالی ایران بروز نمود ، این تصاویر به صورت فرم شاخه‌ای متموج و گلهای متنوع و درهم و شکل‌های انسانی که جایگزین پرندگان تصوری وخیالی گشته اند امتزاجی دلخواه را بوجود می‌آورند که خاطرات مینیاتورهای ایرانی را زنده می نمایند .

حاشیه وکادرها از دقت ومراقبت خاصی برخوردار بوده وآنها هستند که نقش مرکزی قالی را نمایان و جالب توجه می‌نمایند .

نقش‌های کناری بسیار متنوع و معمولا" در اندازه‌های کوچک می‌باشند و در

ریزه‌کاریهای آن دقت فراوان می‌شود و در همین زمینه‌هاست که پایه ادیان و معتقدات قدیمی را می‌توان یافت .

قدمت و تاریخ :

بیشتر اوقات دیده‌میشود که در کادر کوچکی به روی قالی اسم و یا تاریخی بافته‌شده‌است این اسم یا مربوط به سفارش دهنده قالی و یا بافنده آن وتاریخ نوشته شده زمان بافت آن می‌باشد .

از آنجائیکه تعویض تاریخ تقریبا " آسان است بعضی از دلالان و فروشندگان قالی ممکن است در تاریخ دستکاری نموده و یا بر روی کپیه‌ای جدید تاریخ قدیمی آن را درج نمایند تاریخ قدمت قالی کهنه را با استفاده از چند مشخصات می توان باتقریبی در حدود سی‌سال مشخص نمود . این مشخصات عبارتند از نقش قالی رنگها و مواد مصرف شده . مطالعات خاص و تبحر کافی در هنر قالی برای شناخت قدمت آن ضرورت کامل دارد ومتاسفانه با استفاده ازنوشته‌هاو کتابهایی در این زمینه چه شرقی و چه غربی نمی توان در این زمینه خبره شد .

مطالعات و بررسیهای جدید ، این امکان رامیدهد که با استفاده ازروش آنالیز استیلی بتوان کم‌وبیش در این کار موفق شد .

فقط قالیهای تاریخ‌دار که در سنوات خاصی به پادشاهان و شاهزادگان تقدیم شده‌اندمیتوانندا صالت قالیهای قرون شانزدهم و هفدهم میلادی را ثابت نمایند .

دار قالی بافی :

دو نوع دار قالیبافی وجود دارد :

یکی دار افقی که توسط هنرمندان قشقائی و ترکمن و ایلها استفاده میشود و و دیگری دارعمودی که‌درشهرها و دهکده‌ها به صورت سنتی به کار گرفته می‌شود .

دارافقی بسیارساده بوده‌ودارعمودی به‌سه نوع تقسیم می‌گردد : دار عمودی دهات (دار عمودی) تبریزی و دار عمودی با غلطک (دارگردان) .

همانطور که می‌توان حدس زد دار عمودی دهاتی از همه ساده تر است .

یک تیر بالائی و تیر پائینی که هر دو افقی بوده توسط دو تیر عمودی به هم متصل میشوند زنجیرک‌ها بر روی تیر پائینی سوار شده و پس از اینکه دنباله‌آزاد آنها به هم گره خورد به تیر بالایی وصل میشوند .

بادونردبانی که درطرفین قرارمی‌گیردو نصب تخته چوبی بین پایه‌ها ، قالیباف می‌تواندبراحتی درطول انجام کار بالاو پائین رود ، پس از اینکه طول قالی به ۱۲۰ تا ۱۵۰ سانتیمتررسید قالیباف گوشه‌های زنجیر را گرفته و گره را باز می‌نماید و پس ازآن قالی بافته شده را به دور غلطک میچرخاند و مجددا" زنجیر را سفت به تیر بالائی‌گره می‌زند ــ تخته روی نردبان مجددا" به پایین کشانده شده و گره زنی از سر شروع میشود .

شهر تبریزکه‌نام آن به سرداری است به نام تبریزی ،محل تولید دار بسیار ساده‌وارزان میباشد که در بیشتر مراکز شهری و در قلب ایران از آن بهره برداری میشود .

این دارازدار دهاتی (دهقانی)کامل‌تر بوده و فاقد اشکالات نصب دار ثابت با گره زنجیر به تیر فوقانی پس از بافت قسمتی از قالی است .

زنجیرکها بدور دار کشیده شده که به صورت رشته مداوم کار می‌کنندو کافی است‌زنجیرهاکشیده شود تا بخش بافته شده قالی به قسمت عقب دار کشیده شود .

دار قالیبافی با غلطک (دار گادان) با ز قدمی بیشتر در تکامل برداشته بدینسان که‌زنجیرها دور غلطک فوقانی گشته و به همان نسبت که قالی بافته میشود به‌دورغلطک‌تحتانی میگردد . پس‌می‌توان به هر طولیکه مایل باشیم قالی را ببافیم .

در حالی که‌دزسیستم‌دار تبریزی حداکثر طول بافت برابر است با دو برابر طول خود دار پس می‌بینیم که پس از کشیدگی یکنواخت زنجیرها دارهای گردان قادرند طول بافت را بیشتر و یک نوع هماهنگی و نظم در بافت عرضه نمایند .

نوع‌دارهای‌مورد‌بهره‌برداری‌در کرمان از نوع دارهای گردان‌و فلزی میباشد .

گره :

بافت‌قالی از زمان نصب زنجیرها بر روی دار شروع میشود . این بخش بسیار مهم است زیرا باید تمام تارها خوب کشیده شده باشند .

قبل‌ازبافت‌پرز قالی ــ قالیباف قبلا" یک حاشیه را میبافد ــ بعد چندین تار راردمیکند تا باندی باریک که در قسمت تحتانی گره‌ها به آن ختم می‌شوند متشکل گردد . گره به چند قسم میباشد :

گره گردس یا گره ترک و گره پارسی که از همه معروف‌ترند هر دو نوع این گره‌هاد ایران متداولند .

۱ ــ گره گردس یا گره ترک (گره ترکی باف)

گره پس از اینکه‌سه یا چهار پود اولیه پس زده شد شروع می‌شود.
گره‌بر روی دو پود فوقانی تثبیت میگردد و هریک از گره‌ها پرزی را در بر ــ می‌گیرند بطوری که انتهای پرز از لابلای آنها بیرون آمده وفرا" قطع میگردند (قیچی میشوند) گره را بادوپودباندبعدی‌ادامه میدهندوقتی ردیف تمام شد و هر دوپودرفت و برگشت را توسط دو دستکی که تارها و زنجیرکها را از هم‌جدا میکنند ردمی‌نمایند. هرپودبین‌گره‌ها توسط شانه مخصوص فلزی فشرده و سفت میگردد. گره ردیف بعدی را به همین‌ترتیب‌ادامه‌میدهند تا بافت تمام‌شود. گره‌های قیچی شده که انبوه شده‌اند پس از تراش پرز قالی را تشکیل میدهند.

۲ ــ گره سنه‌ای یا گره پارسی (گره فارسی باف)

این گره نیز روی دو نخ زنجیر بالایی به طوری که نخ اول برای افت حاشیه جنبی‌آزاد گذاشته شود صورت میگیرد. برخلاف گره ترکی فقط‌یک نخ پرز احاطه می‌شودو نخ دوم به صورت گره آزاد به طوری که در انتهای نخ پرز منتقلا" بیرون می‌آیندانتهای‌اولی بین دو نخ گره زده وانتهای دیگر بین یکی از نخها و نخ بعد خارج می شود.

گره سنه‌ای از راست به چپ و یا از چپ به‌راست می‌باشد به همین علت آنرا گره دو دستی مینامند.

عشایر آذربایجان

۱ ــ ایل جلالی :

این ایل در ییلاق با مرز ترکیه و در قشلاق با مرز شوروی مشترک می‌باشند و دینشان اسلام (تسنن) و طوایف آن عبارتند از : خلیکانلو. حسوخلف . علی‌محولو. مصرکانلو. اطابلو . قزلباش. ساکان، بلحکانلو، جنی‌کانلو، قندکانلو. این ایل در اطراف ماکو سکونت دارند ، طوایفی که دارای اغنام واحشام میباشند ییلاق قشلاق‌میکنند ،امرار معاش این ایل، از زراعت گندم و جو و گله‌داری است .

۲ ــ ایل میلان :

محل ییلاق این ایل سیه چشمه و قشلاق آن ساحل رودخانه ارس می‌باشد . طوایف‌آن‌عبارتنداز : شیخکانلو ،دودکانلو، دلائی ، بروکی ، عموئی ، مندوله‌کنالو، کچلانلو ، قردوئی ، بروئی ، کلیکانلو ، خزوئی ، قلیکی .

این‌ایل‌بغیراز ۳ ماه از زمستان زندگی خود را در چادر سپری کرده و بزراعت و فلاحت علاقمند میباشندامرارمعاش آنان از طریق‌گندم ، جو ، ذرت تامین‌میگردد . مذهب ایشان اسلام (تسنن) است .

۳ ــ ایل حیدرانلو :

ییلاق این ایل در سیه چشمه‌و قشلاق در چوخورکند می‌باشد (مرز ترکیه) این ایل از طریق حشم‌داری‌و زراعت امرار معاش مینمایند مردمی سالم ، مطیع و علاقمند به‌شغل‌وحرفهٔ خود میباشندواین ایل تخته قاپو شده‌اندو عده‌ای که اغنام واحشام دارند ییلاق و قشلاق میکنند . مذهب‌ایل حیدرانلو تسنن می‌باشد .

۴ ــ ایل ممکانلو :

این ایل در مرز ترکیه درآمد وشد بوده ییلاق آنها در الندو قشلاقشان در قطور واقع است این طایفه بکار زراعت و فلاحت علاقهٔ زیادی ندارند بیشتر وقت آنها صرف تربیت و تزیید اغنام‌واحشام میشود .این طایفه تخته قاپو شده‌و بسیار مهمان‌نواز میباشند .امرار معاش آنها بیشتر از فروش اغنام‌واحشام است .و مذهب تسنن دارند .

کره سنی :

اهالی این ایل ییلاق خود را در قطور وسکمن آباد و قشلاق را در قطور می‌گذرانند در مرز ترکیه آمد و شد دارند. مذهب این ایل شافعی (تسنن) می‌باشد این ایل عموما" علاوه بر گله‌داری و حشم داری بکار زراعت وفلاحت علاقهٔ مفرطی داشته و عموم این طایفه مردمی زحمتکش و برای زراعت و فلاحت جدیت مینمایند. مردمانی مطیع و زودباور هستند، تخته قاپو شده ولی ییلاق و قشلاق مینمایند در فنون تیراندازی واسب سواری مهارت بخصوص دارند، زبان آنها کردی و خیلی بزبان خود علاقمندند.

۶ ـ شکاک (مرز ترکیه) :

ییلاق این ایل در ترگور و دشت بیل و قشلاق ایشان در اطراف ارومیه و سلماس می‌باشد طوایف آن عبارتنداز: شکاک، سیمتقو، پس آقا عبدوی، چرکوئی، شیپرانی، خلیفه‌زاده، موقری، گوریک، شیکری، ایوری نعمتی، اطمانی، هزار پاجیک، بوتان، فنک، پس آقاکاردار، مامدی. این ایل تخته قاپو شده و قسمتی از آنها که دارای اغنام واحشام میباشند ییلاق وقشلاق مینمایند، زندگی ریش سفیدان و سرشناسان ایل کاملا" خوب ولی زندگی رعایاوسایر افراد ایل رضایت بخش نمیباشد و محل سکونت - آنان خوب نیست و عموما" بزراعت وگله‌داری علاقمند میباشند، این ایل درمرز ترکیه سکونت دارند، و سنی شافعی مذهب می‌باشند.

۷ ـ ایل هرکی :

طوایف ایل هرکی عبارتند از: هرکی مندان، هرکی سیدان، هرکی سرهاتی، این طوایف در مرز ترکیه و عراق سکونت دارند، محل ییلاقشان ترگور، دشت بیل و قشلاق آنها ترگور، مرگور و دشت بیل می‌باشد. اینان مسلمان سنی مذهبند.

شغل عمدهٔ این ایل گله‌داری است بهار و تابستان در ییلاق و پائیزو زمستان را درقشلاق بسرمیبرند، خانهٔ آنان از خاک و گل ومایحتاج خود را از فروش لبنیات وگوسفند تامین مینمایند و یکعده هم بکار کشاورزی و فلاحت اشتغال دارند این ایل در موانا و خانقاه و وزگیر و آغ بلاغ تخته‌قاپو شده‌اند.

۸ ـ ایل بیگ زاده :

درمرز ترکیه و عراق سکنی داشته و ییلاق و قشلاق اینان درترگور می‌باشد.

این ایل از فروش لبنیات و همچنین‌گوسفند امرار معاش مینمایند و درمحل آنبی تخته‌قاپو گردیده‌و تعدادی که دارای اغنام واحشام میباشند ییلاق و قشلاق مینمایند. ایل بیگ‌زاده سنی می‌باشند.

۹ــ ایل سادات:

درمرز ترکیه‌سکنی‌داشته‌ومحل ییلاق ایشان دیزج مرکور و قشلاق محال‌مرکور، دشت بیل، اشنویه‌می‌باشد.

ایل سادات در محل دیزج مرکور تخته‌قاپو گردیده و بزراعت‌و فلاحت مشغول و از اجارهٔ خالصجات دولتی امرار معاش مینمایند، این ایل تخته قاپو شده‌اند.و سنی مذهبند.

۱۰ــ ایل زرزا:

در منطقه اشنویه‌مرز عراق سکنی و ییلاق ایشان روندولان، بابوله، شطره می‌باشد.امرارمعاش‌آنها از طریق زراعت گندم، جو و برنج میباشد و حدود تمکن مالی آنها نسبة خوب میباشد، و سنی مذهبند.

۱۱ــ ایل قره پاپاق:

این طایفه وقتی از ایروان آمدند دارای کلاه سیاه بوده‌و بهمین‌اسم نامیده شده‌اند، درزمستان‌اغنام واحشام خود را به ییلاق ایل مامش‌که در غرب‌ایل مذکور واقع است میفرستند از زراعت و گله‌داری‌امرار معاش نموده حدود تمکن مالی آنها بغیر ازرعایا خوب است، محصولات زراعتی آنها گندم، جو، حبوبات، و مختصری از باغ میوه است این ایل در منطقهٔ سلدوز سکونت دارند کلا" روسای ایل شیعی مذهب‌و بقیه سنی‌و شافعی می‌باشند.

۱۲ــ ایل مامش:

طوایف‌ایل‌مامش‌عبارتند از: **امیر عشایری** و **قادری**. کلا" در مرز عراق ییلاق و قشلاق‌دارند. این‌طایفه‌بطور تخته قاپو زندگی نموده، یک قسمت در اشنویه و قسمت دیگر در **لاهیجان** سکنی‌دارندواغنام‌واحشام‌خودرادر تابستان بحدود مرز میبرند، زراعت‌آنان گندم، جو، توتون، چلتوک‌کاری‌و باغات میوه میباشد و امرار معاش‌آنان از این طریق است. این ایل‌در مرند میباشند.

۱۳ـ ایل پیران :

این طایفه‌تخته‌قاپوشده‌ودرکهنه و لاهیجان ساکن میباشند و در زمستان اغنام واحشام خودرابحدودکوه‌سران میبرند ،طرزامرارمعاش‌آنان اززراعت‌وگله‌داری است . حدود تمکن مالی ایشان‌خوب‌نیست ،زراعت‌این‌ایل‌گندم ،جو ،توتون‌وچلتوک کاری است ، دهات آنان خوب‌ولی‌کم رعیت‌است . ایل پیران‌سنی‌مذهب‌وشافعی‌میباشند .

۱۴ـ ایل منگور .

طوایف ایل‌منگور عبارتند از : **امان ،شمع ،زین ،خدر و مروت** .این طایفه در جنوب مهاباد بطور تخته قاپو زندگانی نموده در تابستان احشام خود رابه ییلاقات کده و لاسیو و کاکن میبرند ،زراعت‌توتون‌این‌طایفه‌معروفست‌امرارمعاش آنان از زراعت توتون ،گندم ،جو ،چغندر ،حبوبات و گله‌داری میباشد .اینان شافعی مذهب بوده و پایبند به دین میباشند .

۱۵ـ ایل دهبکری :

محل ییلاق این ایل **پایین بلاغ** است ،طوایف‌آن عبارتند از :ایلخانی‌زاده، علیار ،قهرمانی‌و عباس .سنی شافعی‌مذهب‌میباشند .وشال ،گلیم ،جاجیم و مختصری قالی‌می‌بافند . اززراعت‌وگله‌داری‌امرارمعاش‌نموده‌حدودتمکن‌مالی‌ایشان خوبست ، محصولات‌زراعتی‌آنان‌گندم ،جو ،توتون ،چغندر و حبوبات میباشد و بطور تخته قاپو زندگی میکنند .

۱۶ـ گورک مهاباد :

این طایفه‌بطور تخته‌قاپودر جنوب مهاباد سکنی داشته و امرار معا ش‌آنان از محصولات زراعتی گندم ،جو ،توتون ،باغات میوه و گله‌داری میباشد . این طایفه با گورک سردشت دادو ستد داشته و مایحتاج خود را رفع مینماید . حدود تمکن‌مالی ایشان خوب است . گلیم و جاجیم میبافند . ییلاقشان مراتع پیران و سنی‌مذهبند .

۱۷ـ بریاحی :

طایفه‌مذکورتخته‌قاپوشده‌اند ،امرار معا ش‌ایشان‌از طریق‌زراعت گندم ،جو و ـ ارزن میباشدو همچنین زراعت ،توتون و مختصر گله داری دارند .سنی مذهبند و گلیم و جاجیم میبافند .